

پیاده شدن صوت دومین نشست علمی

باموضوع:

اقتصاد

در

بینجامادوموانتقاد

باحضور

حجت الاسلام روح الله صدوق

دکتر حمید رضا مقصودی

دکتر طه رضانی

آبان ۱۴۰۱

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پیاده شده صوت جلسه دوم نشست علمی

با موضوع:

اقتصاد در بیانیه گام دوم

آبان ۱۴۰۱

به حضور:

حجت الاسلام روح الله صدوق

جناب آقای دکتر رضائی

جناب آقای دکتر مقصودی

خانم محمدی: بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين عرض خیر مقدم داریم خدمت اساتید گرامی و مدیران محترمی که در جلسه حضور دارند خب همانطور که مستحضر هستید. حضرت آقا فرمودند در حوزه اقتصاد مقاومتی کارها آنطور که شاید و باید پیش نمی رود یک گره وجود دارد یک گره علمی وجود دارد در حوزه اقتصاد مقاومتی خوب چه کسی باید این گره را باز کند. خوب قطعاً نخبگان حوزه و دانشگاه باید باهم بنشینند صحبت کنند تا این گره علمی باز شود. ۲۷ مهرماه امسال ایشان با نخبگان و استعدادهای تحصیلی نشست داشتند در مورد بحث تعریف نخبه، تعریفی بسیار جذاب و دلنشینی را ایشان ارائه کردند. که من دقیقاً از روی متن حضرت آقا میخوانم «یک موضوع دیگری که انتظار می رود این است که شاخص ارزیابی نخبه را اصلاح کنیم. امروز شاخص ارزیابی استاد و نخبه و غیره غالباً مقالات است. این درست نیست. البته من قبلاً هم این را گفته ام. من بارها تکرار کرده ام. این شاخص ها را حد مسئله قرار بدهید مسئله را ارائه بدهید و بخواهید حل کنند. این جمع این علوم نخبه این شخص نخبه این استاد نخبه یک مسئله ای را برای دستگاه های ذی ربط حل کند. این شاخص انتخاب باشد. این شاخص پذیرش به عنوان نخبه ی برتر باشد.

در بحث دیگر در مورد انتظار از نخبگان هم ایشان فرمودند: از نخبه انتظاراتی هم داریم اولین انتظار این است که ظرفیت برتری را که خدای متعال به شما داده که این ظرفیت، ظرفیت شخصی شماست. تبدیل کنید به ظرفیت ملی. بایستی نخبه این توانایی شخصی را تبدیل کند به توانایی ملی. یعنی چه؟ یعنی این توانایی را در خدمت حل مسائل کشور قرار بدهد.

در همین راستا و در راستای پاسخ و لبیک به ندای حضرت آقا، کانون سوده همدانی دومین نشست را امسال در سال ۱۴۰۱ با حضور جناب آقای صدوق از حسینیه اندیشه قم و جناب آقای دکتر مقصودی عضو هیئت علمیه دانشگاه و جناب دکتر رضانی دانش آموخته اقتصاد اسلامی دانشگاه امام صادق و مدیر کل سیاستگذاری معاونت اشتغال وزارت کار برگزار میکند. جلسه ای که ما تقریباً ۲ ماه پیش در خدمت اساتید بزرگوار بودیم مباحثی ارائه شد و قرار شد در این جلسه آقای دکتر رضانی موضوع اقتصاد در بیانیه گام دوم را از مبانی تا ارائه مدل بیان کنند. و ان شاء الله پس از ارائه ی ایشان اساتید بزرگوار حالا با توجه به نگاه ها و دیدگاه هایی که دارند سوالات و اشکالاتی که مد نظرشان هست را بفرمایند تا انشالله ما در انتهای جلسه به یک یا چند مدل از مباحث مختلف و مباحث اقتصادی برسیم.

زمانبندی جلسه را خدمت حضار محترم عرض کنم از ساعت ۸:۳۰ که انشالله تقریباً شروع کردیم تا ۱۱، ۱۱ تا ۱ نهار خدمت بزرگواران هستیم نماز و نهار را و انشالله باز از ساعت ۱۳ تا ۱۶:۳۰ جلسه ی ما ادامه دارد تایم استراحت بین ۸ تا ۱۱ و ۱۳ تا ۱۶:۳۰ را ما گذاشتیم که انشالله اساتید بزرگوار با توجه به مباحث هر زمان که صلاح دانستند یک تایم استراحت کوتاهی را داشته باشیم چون ما گفتیم اگر زمان بندی کنیم ممکن است وسط بحث باشد و باز بحث ها فاصله شود و اینها این را خدمت خود اساتید بزرگوار گذاشتیم با ذکر صلوات بر محمد و آل محمد خدمت اساتید بزرگوار هستیم.

اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم

دکتر رضانی: بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين، سلام عرض می کنم خدمت شما بزرگواران عرض خداقوت و صبح بخیر دارم خدمت همه ی شما خوشحال شدیم که در جوار بارگاه نورانی آقا علی بن موسی الرضا در مشهد مقدس مجدد توفیق شد که خدمت شما بزرگواران باشیم انشالله که برکات معنوی حضرت رضا علیه السلام شامل حال جلسه ما بشود و ایشان ما را مدد کنند و بتوانیم یک بحثی را متناسب با توقعی که این جلسات از آن انتظار می رود ارائه بکنیم در جلسه ی گذشته بحث ها و گفتگو ها ی خوبی مطرح شد در حوزه اقتصاد بحث ها یک مقدار فضایش مبنایی تر بود مباحث جدی مطرح شد انشالله تلاش می کنم در این جلسه یک ترسیمی از موضوع اقتصاد مقاومتی آن طور که در بیانیه ی گام دوم منعکس شده و حضرت آقا روی آن تاکید

دارند را طرح بحث کنیم اینجا دیگر سعی می‌کنم از منظر خودم بحث نکنم صرفاً آن چیزی که در بیانیه هست را طرح بحث بکنیم منتهی با یک ترسیمی با یک مدلی که یک مقدار مباحث در ذهن بماند.

مدل مفهومی هم همانی هست که خود حضرت آقا در بیانیه گام دوم طرح کردند و تجربه‌ای که خود من داشتم در تبیین اقتصاد مقاومتی. در ترسیم و تبیین اقتصاد مقاومتی تقریباً این قرائت بهترین قرائتی هست که ما میتوانیم از آن استفاده کنیم. آن وقت می‌توانیم این را مبنا قرار بدهیم و بعد برویم گره‌های عینی را مشخص کنیم و به راهکارهای آن پردازیم. خوب من سعی می‌کنم که حالا در ظرف تقریباً ۲۰ دقیقه تا نیم ساعت این ترسیم را خدمت شما عرض می‌کنم اگر امکانش هست من بروم پای تخته یک صلوات ختم بفرمایید

اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم

دکتر رضائی: خب حضرت آقا در بیانیه گام دوم به نوعی انسان انقلاب اسلامی را ترسیم کردند من خودم بیانیه را که بارها خواندم اگر بخواهم یک خلاصه از آن بگیرم که در این بیانیه چه چیزی هست. آقا انقلاب را به مثابه یک انسان در بیانیه تصریح کردند انسانی که متولد شده است. در شرایطی که دو تا جبهه‌ی مقابل داشته. آن دو تا جبهه‌ی مقابل یکی از آنها شکست خورده، رفته و این انسان رشد کرده بالنده شده پیشرفت‌هایی داشته ضرباتی خورده ولی مقاوم بوده است که توانسته بتواند جلو برود. ۴۰ سال از عمرش گذشته است که حالا چهل سال برای یک انسان اجتماعی اول سنش حساب میشود. ۴۰ سال برای یک فرد. انسان ممکن است میانه سالش حساب شود ولی برای یک انسان اجتماعی ۴۰ سال اول راهش است.

در گام دوم یعنی چهل سال بعدی که آقا تصریح کردن محورهای حرکت این انسان را به آن می‌پردازند که ۷ تا محور را ایشان مشخصاً بحث می‌کنند و ما می‌خواهیم درباره محور اقتصاد خدمت شما الان طرح بحث داشته باشیم. البته ایشان مباحث اقتصادی که طرح کردند قبل از اینکه وارد محور سوم یعنی اقتصاد شوند باز در مقاطع دیگری بیانیه به حوزه اقتصادی اشاره کرده‌اند. من آن مقدمه را عرض کنم و بعد وارد عرصه‌ی اقتصاد شوم. ایشان قبل از اینکه وارد بند سوم در آن ابعاد هفتگانه شوند، در مورد پیشرفت‌های اقتصادی انقلاب اسلامی از دو تا زاویه بحث کرده‌اند. بحث‌شان این بوده که ما در محور سازندگی و توسعه‌ی زیرساخت در گام اول قدم بسیار خوبی را برداشتیم و دوم هم در حوزه‌ی توزیع منابع و امکانات. یک اشاره‌ای هم می‌کنند که اصلاً روایت خوبی از این اتفاقی که افتاده است نشده. یعنی خیلی از مردم توجیه نیستند.

من یک مقدمه فقط اینجا توضیح بدهم و رد شوم. ببینید سازندگی و توسعه‌ی زیرساخت گامی است که همه‌ی کشورها بعد از یک اتفاق بزرگ مثل جنگ یا یک اتفاق دیگری، در کشورشان، واردش می‌شوند. وارد حوزه سازندگی و توسعه زیرساخت می‌شوند. اگر شما نگاه کنید بعد از جنگ جهانی دوم که اسمش هست جنگ جهانی دوم همه کشورها ویران شدند عمده‌ی کشورها سازندگی و توسعه زیرساختشان را وابسته انجام دادند. مخصوصاً اروپایی‌ها که بر اساس وام‌های بین‌المللی که آمریکایی‌ها به آنها دادند سازندگی و توسعه زیرساخت را جلو بردند. آمریکایی‌ها بعد از جنگ جهانی دوم یک شرط کردن با اروپایی‌ها گفتند وام به شما میدهیم به شرطی که هر وامی که به شما میدهیم در یک مرکز مطالعاتی موازی در آمریکا مورد مطالعه قرار بدهید. مثل اینکه بانک به شما وام می‌دهد می‌گوید اول طرح توجیهی‌ات را بردار بیاور بعد من بالای سرت بایستم ببینم تو چه کار می‌کنی. لذا ما عرضمان الان این است که اگر آمریکا الان بگوید من نقشه لوله کشی زیرزمینی اروپا را هم میدانم اصلاً گزاف نیست چون اروپا ساخته شد اما زیر نظر آمریکا. بعد از جنگ جهانی دوم به یک تعبیر دیگر بعضی‌ها فکر می‌کنند اروپا پیشرفت کرده است. خیر، برنامه آمریکا در اروپا پیشرفت کرده است. این دوتا با هم متفاوت است. لذا اروپا مخصوصاً چون حالا اروپا که می‌گوییم چون بسیاری از کشورها در قله‌های اقتصادی به لحاظ ذهنی برای مردمان جهان وجود دارند، اروپایی‌ها هستند. اما اتفاقی که در جمهوری اسلامی ایران افتاد بعد از انقلاب اسلامی و مخصوصاً بعد از دوران جنگ، ما هم سازندگی و توسعه زیرساخت

داشتیم اما وابسته نبود. یعنی ما وام بین المللی برای سازندگی و توسعه ی زیر ساختمان نگرفتیم و نکته ی اساسی این است که ما چگونه کشور را ساختیم. ببینید ما هنوز وارد بحث اقتصاد نشدیم. چون عرضم این هست که سازندگی با اقتصاد متفاوت است. شما بخواهید زندگی کنید، اقتصاد هم نداشته باشید، باید یک سقفی بالای سرتان باشد. یک راهی باشد پیاده بروید. فعلاً هنوز وارد بحث اقتصادی نشدیم. ما سازندگی و توسعه زیر ساخت ها را با سرمایه درونی انجام دادیم. در حالیکه همه کشورها وابسته به سرمایه های بیرونی بودند. ما با سرمایه های درونی این کار را انجام دادیم. کدام سرمایه؟ باز درونی ترین سرمایه آن هم یک سرمایه مردمی به نام جهاد.

قاعده ی سازندگی و توسعه ی زیرساخت بعد از انقلاب اسلامی سرمایه ای بود به نام جهاد. حالا اینکه یک عده ی دیگری به نام خودشان زدند و شدند سردار این بحث دیگری است. منتها اتفاقی که افتاد این بود که ظرفیت های مردمی در سازندگی فعال شد و ما بدون وام های بین المللی ساختیم. این معجزه است. من کمتر دیدم که کسی به آن اشاره کند. کاری که آنها انجام دادند وابسته انجام دادند، ما انجام دادیم. تازه ببینید وقتی ما صحبت از ایران می کنیم با یکی دو تا کشورهای اروپایی متفاوت است. ایران مساحتش به اندازه ۱۵ کشور اروپایی است ببینید گستره سازندگی که در اینجا اتفاق افتاده است چقدر بوده است و بدون وام بین المللی.

آقا یکبار فرمودند فکر کنم چند سال پیش بود، گفتند که هر موقع می خواستند وام بگیرند من مخالفت کردم نگذاشتم وام بگیرند. ببینید وام گرفتن بعضی مواقع در مقاطعی وام های خردی گرفته شده ولی آنقدری نبوده که قاعده ی سازندگی ما روی آنها سوار شده باشد. پس ایران ساخته شد و مستقل ساخته شد. تفاوتی که ما داریم با خیلی از جاهای جهان البته ممکن است بگویید این بر اساس استانداردهای ایرانی اسلامی ساخته نشد. چرا؟ چون ما تفکرمان ممکن است یک جور دیگری بوده است. ولی اینکه ما خودمان این را ساختیم ولو با تفکراتی که شاید هنوز مطابق با آرمان های ما نبوده است خود همین جای تبیین دارد جای بحث دارد که کمتر به آن پرداخته شده است.

محور دوم که آقا در بیانیه گام دوم بحث می کنند توزیع منابع و امکانات است. انقلاب اسلامی بعد از اینکه به پیروزی رسید، چون ببینید ما در زمان پهلوی تقریباً کشور خیلی دچار آسیب شده بود، پهلوی اول و دوم انگار که یک برش تاریخی به ایران زده است. یعنی ما داشتیم یک مسیری را طی می کردیم، آقا در بیانیه گام دوم یک جا اشاره می کنند، می گویند که تفاوت پهلوی با شاهان قبل از آن این بود که آنها خودشان حاکم شده بودند به ضرب شمشیر خودشان حاکم شده بودند، ولی این ها را آوردند و بردند رضا پهلوی را که آوردند و بردند محمدرضا را هم آوردند مردم انداختند بیرون. کلاً سلسله ی پهلوی یک دست برون زایی بود که آمد در کشور و ما را از گذشته مان برید. کشور را داشت می برد به سمت نابودی. نه نابودی که فکر کنید ویران است. نه! به سمت وابستگی مطلق. برنامه ریزی کردند. از سال ۳۲ آمدند مستقر شدند تا سال ۵۷. ایران را طراحی کردند نه ایران برای ایران، ایران را برای آمریکا. طراحی کردند. مثل کاری که در جامعه های دیگر انجام داده بودند. در اروپا انجام داده بودند در جاهای مختلف. برنامه ها تحت نظم جهانی که حالا اسمش نظم جهانی بود تحت برنامه ی آمریکاییها جلو رفته بود. خب وقتی ما انقلاب کردیم مواجه نشدیم با یک اتفاق صفر از لحاظ اقتصادی. ما مواجه شدیم با یک اتفاق منفی. کشور را عقب برده بودند حتی دارایی های بومی ما را هم گرفته بودند. اینها باید ترسیم شود توضیح داده شود. خوب ما آمدیم مواجه شدیم با یک حجم بالایی از فقر. نهادهای انقلابی اول آمدند شروع کردند فقر را برطرف کردن، جهاد سازندگی آمد. امنیت گذاشتیم. عربستان را ببینید، کل دستگاه اطلاعاتی عربستان دست اسرائیلی هاست. زمان قبل از انقلاب اینجا اینطوری بود یعنی سیستم اطلاعاتی کشور ما دست رژیم صهیونیستی بود. وقتی ما می گوییم که انقلاب کردیم، آمدیم در کشور ببینیم چه خبر است، شما فکرمی کنید با چی مواجه شدیم؟ با یک سیستم برنامه ریزی که آمریکا و مستشار هایش آمدند برنامه ریزی کردند. با دستگاه های اطلاعاتی و امنیتی که ارتش کلاً ساخت آمریکاییها بود به لحاظ اطلاعاتی هم که هیچی. دست بیرونی داشت ما را کنترل می کرد. هیچی نبود. بعضیها می گویند چرا بود، کارخانه بود، دولت بود. می گویم نه این ها مال ما نبود. منابع و امکانات هم برای همین سیستم وابسته طراحی شده بود. یعنی

منابع و امکانات حول وابستگی شکل گرفته بود. هر کسی یا هر مقامی یا هر دستگاهی که بیشترین وابستگی را داشت منابع و امکانات حول آن شکل گرفته بود. فقط بین مردم توزیع نشده بود. انقلاب به یک تعبیری آمد اینجا سیستم را به هم زد و شما می بینید که قریب به ۹۸ درصد یا شاید حول و حوش ۹۵ درصد روستاهای ما امکانات اولیه آب و برق و گاز دارند باز هم اینها معجزه است. یعنی آن سیستمی که همه چیز را به هم ریخته بود، انقلاب آمد شروع کرد منابع و امکانات را توزیع کردن. باز اینجا با غرب متفاوت عمل کردیم. ببینید من معتقدم نظام سرمایه داری امکانات را جایی می برد که چند برابر آن را بتوانند پول بگیرند جایی برق و گاز می برند که بتوانند مالیات بگیرند ولی ما این کار را نکردیم ما هر جا انسان بود گفتیم شأن انسانی ایجاب می کند که امکانات را ببریم. امکانات هم می گوئیم بعضی از ماها فکر میکنیم که آب و برق و گاز و دانشگاه را هم بردیم. دانشگاه هم امکان علمی است. پس امکاناتی که در کشور این که ما مثلاً می گوئیم تعداد شعب دانشگاههای ما بیشتر از خیلی از کشورهای دیگر اروپایی است. این به واسطه ی این بوده است که فکر کنید که مساله انقلاب این بوده است که هر جا انسانی است این حق را دارد که امکانات و منابع به او برسد.

پس این دو اتفاقی است که آقا در بیانیه گام دوم انقلاب قبل از اینکه به بند اقتصاد برسند نسبت به آن بحث می کنند. ولی ما اصلاً کمتر در تحلیل هایمان به این پرداخته ایم. اتفاقات بزرگی افتاده است. تقریباً یک جاهایی کم سابقه و بی سابقه است. در جهان این مدل توزیع امکانات خوب است برویم چین را ببینیم. امکانات را چطور توسعه داده است. آیا چین هم گفته است چون جمعیت زیاد است امکانات را ببریم؟ اینجوری بوده است؟ اروپاییها مثلاً اینطور امکانات را توزیع کردند؟ در آمریکای جنوبی امکانات و منابع اینجوری توزیع شده است؟ در خود آمریکا؟ باید برویم بگردیم ببینیم کجا این جوری توزیع کرده است. پس این دوتا اتفاقی که ایشان در بیانیه گام دوم انقلاب ترسیم می کنند دو تا اتفاق ویژه است که باید به آن پرداخته شود. تبیین شود. حالا من عرض این است که شما وقتی میگوئید سازماندهی توسعه زیر ساخت، توزیع امکانات. ما هنوز وارد فاز اقدامات اقتصادی به یک تعبیری نشدیم. ساختیم ولی سازندگی که اقتصاد نیست.

آقا فرمودند جهاد اقتصادی. جهاد اقتصادی با جهاد سازندگی فرق میکند. جهاد اقتصادی خیلی فراتر و پیشرفته تر از جهاد سازندگی است. ما از دوران سازندگی عبور کردیم و در حوزه منابع امکانات هم که عرض کردم ایشان یک اشاره ای به من کردند که حالا بعد درباره ی آن صحبت می کنیم.

بعد اینکه ایشان اینجا را بحث می کنند که بنده اسم این را میگذارم گام اول انقلاب در عرصه ی اقتصاد. حرکت انقلاب در اقتصاد است. یعنی اگر ما در جمهوری اسلامی بگردیم رهگیری کنیم ببینیم اثر این انقلاب در عرصه ی اقتصادی کجا این خودش را نشان داده است، به نظر من دو تا از برجسته ترین جاهای آن همین جا است وگرنه با این سیستم برنامه ریزی اقتصادی اینجا که اینجوری که کشور ساخته نمی شود. منابع و امکانات اینجور توزیع نمی شود. کی این کار را کرد؟ مردم می گویند انقلاب این کار را کرد. این دقیقاً دستاورد خود انقلاب بوده است. یک جاهایی مثلاً اگر خواستید انقلاب را خاص تر از جمهوری اسلامی به آن نگاه کنید می گوئیم اثر شخص انقلاب آقای انقلاب اسلامی در میدان اقتصاد کجا می توانید پیدایش کنید؟ اینجا به نظر من می توانید پیدایش کنید و الا نه ما کسانی که در دانشگاه ها درس خوانده بودند نه اقتصاددانان هیچکدام رای به این دوتا و با این مستعمره جهاد سازندگی و این هم با محور عدالت هیچکدام شاید به این رای نمی دادند. این کار انقلاب بوده است این یک نکته.

خب حالا آقا در بحث بند سوم از آن هفتگانه آمدند بحث اقتصاد را به آن پرداختند این اقتصاد در گام دوم اینجا اسمش را ما می گذاریم گام اول انقلاب در عرصه ی اقتصاد اینجا می گذاریم اقتصاد انقلاب اسلامی در گام دوم در چهل سال حالا اقتصاد چه جوری باید خوب ایشان ترسیمی که دارند من اینجا را از یک استعاره استفاده می کنم استعاره ی حرکت که ما برای اینکه فرض کنید یک موجود زنده ای یک انسان رونده است می خواهد یک مسیر حرکت کند یک مبدایی دارد یک مقصدی دارد یک راهی دارد یک موانعی سر راه او است من حوزه اقتصاد را در بیانیه گام دوم انقلاب اینجوری برای شما ترسیم می کنم که یک اگر یک حرکت در نظر بگیریم مبنا و مبداء حرکت، دوم ظرفیت حرکت، سوم موانع حرکت، چهارم مسیر حرکت و پنجم هم مقصد حرکت

می‌خواهم با این پنج گانه قسمت اقتصاد بیانیه گام دوم را خدمتتان تبیین کنم البته ممکن است شما متن را بخوانید با یک مدل دیگری تبیین کنید اشکالی ندارد این آن چیزی است که به ذهن من رسیده است و فکر می‌کنم می‌تواند بیانگراقتصاد در بیانیه گام دوم را در ذهن ماندگار کند اگر بخواهیم که خلاصه ترسیمش کنیم خوب ایشان بحث می‌کنند در ابتدا که اقتصاد مستقل و قوی عامل مهم سلطه ناپذیری و نفوذ ناپذیری است و بعد می‌فرمایند اقتصاد البته هدف نیست اما بدون آن نمی‌توان به اهداف بلند دست یافت یعنی اگر یکی بگوید آقا مبنا در اقتصاد چیست از من بپرسند آقا شما رفتید این همه... میشود در یک کلمه از خارج از کشور آمده‌اند از من می‌پرسند تو انقلابی هستی می‌گویم بله انشالله که هستم می‌گوید نظر تو در اقتصاد چیست؟ همین را می‌خوانم برای او می‌گویم از نظر من اقتصاد مستقل و قوی عامل سلطه ناپذیری و نفوذ ناپذیری است می‌گوید تو انقلابی هستی یعنی چه یعنی می‌گویم من مستقل هستم انقلاب می‌گوید استقلال دیگر می‌گوید تو که می‌گویی استقلال نظرت نسبت به اقتصاد چی است؟ می‌گویم اگر اقتصاد ضعیف باشد استقلال دچار آسیب می‌شود سلطه پذیر می‌شویم نفوذ می‌کنند پس هر قدر هم که ما استقلال فرهنگی داشته باشیم اگر حوزه ی اقتصاد را به آن نپردازیم ممکن است دوباره برگردیم عقب نفوذ می‌کنند سلطه پیدا می‌کنند پس من اسم این را می‌گذارم مبدا و مبنای حرکت ما اقتصاد مستقل و قوی عامل سلطه ناپذیری و نفوذ ناپذیری و جمله ی بعدی اقتصاد هدف نیست اما بدون آن به اهداف نمی‌توان دست یافت کلی خون ریخته شده است علمای شیعه زحمت کشیده اند تا این جمله در قانون اساسی ما بشیند که اقتصاد هدف نیست شاید در تمام قوانین اساسی دنیا بگردید این جمله را پیدا نکنید همه جا عمدتاً اقتصاد و رفاه به صورت یک هدف مستقل و ذاتی به آن اشاره می‌شود ولی این جمله کلی هزینه پای آن شده است پس این میشود به یک تعبیری مبنای حرکت.

بعد آقا بحث می‌کنند که ما منظورمان از اقتصاد چی است. وقتی می‌گویم اقتصاد مستقل و قوی، این اقتصاد مستقل و قوی که شما می‌فرمایید چه ویژگی هایی دارد یا آن مقصدی که ما می‌خواهیم به آن برسیم چه ویژگی هایی دارد ایشان با چهار تا واژه ترسیم می‌کنند

۱ تولید انبوه و باکیفیت

۲ مصرف به اندازه و بدون اسراف

۳ توزیع عدالت محور

۴ مناسبات مدیریتی خردمندانه

دوباره از من سوال می‌کنند می‌گویند آقا با این اقتصاد کجا می‌خواهید برسید؟ منظورت از یک اقتصاد قوی و مستقل چی است؟ می‌شود برای من توضیح بدهید؟ من یک جاهایی عرض این است که آقا اینجا مسئله را حل کردند خودشان این گره علمی را به یک تعبیر باز کرده‌اند. مثلاً شما می‌خواهید ببینید که اقتصاد ما خوب هست یا نه؟ شاخص داریم. ببینید ما تولید انبوه با کیفیت داریم یا نه؟ در هر موضوعی الان یکی از مواردی که ما تولید داخلی در خیلی از موارد داریم ولی چرا قاچاق کماکان برقرار است؟ چون تولید داریم ولی انبوه نیست. انبوه یعنی اینقدری باید باشد که کل نیاز بازار را بلکه بازارهای کشورهای دیگر را هم پوشش بدهد. پس تولید داریم ولی انبوه نیست. ما با اینکه مثلاً کالای داخلی را حمایت کنیم با یک کار و یک بار دوبار حل نمی‌شود ما باید یک کاری کنیم که تولید انبوه شود. دو با کیفیت باشد. یعنی قدرت داشته باشد که نسبت به سایر تولیدات برتری پیدا کند. پس یک جاهایی ما تولید داریم ولی با کیفیت نیست. تولید انبوه هم داریم ولی ممکن است با کیفیت نباشد. پس اولاً این که این چهار معیار یا مصرف به اندازه و بدون اسراف ایشان اولین نقطه ای که بحث کردند اصلاح الگوی مصرف بود که کمتر به آن پرداخته شد. که حالا اینها را باید به آن بپردازیم حالا من در قسمت بعدی که انشالله در محور دوم گفتگو هایمان خواهد بود یک مقدار عینی تر به یک سری از مسائل اشاره می‌کنم.

دوباره از من می‌پرسند آقا کجا می‌خواهی بروی با این اقتصاد کجا می‌خوای برسی؟ دوباره جواب میدهم چرا می‌گویند به شما به چه اتکایی می‌خواهید این مسیر را بروید؟ اینجا می‌گویم چه ظرفیت هایی داریم. آقا می‌فرمایند چه ظرفیت هایی داریم. می

گویند سرمایه‌ی عظیم انسانی. هر موقع آقا از منابع اقتصادی صحبت میکنند اول نیروی انسانی را بحث می‌کنند. این خودش به لحاظ روشی معنا دارد که ما اتکایمان در منابع سرمایه انسانی است تا سایر سرمایه‌ها. حالا باید این را ببینیم الان ما واقعاً این جوری عمل می‌کنیم مثلاً به ما بگویند که آقا شما یک کاری راه بیندازید من می‌توانم به شما ۵۰۰ میلیون تومان پول بدهم یا پنج تا نیرو به تو بدهم کدام را می‌خواهی ما اول می‌گوییم خیلی‌های ما می‌گوییم

در حالی که نیروی انسانی و منابع انسانی را ما باید یک جوری عینکمان را درست کنیم که هر منبعی می‌بینیم اول آن منبع انسانی را ببینیم آقا اینجوری مدل‌شان است یعنی اول که می‌خواهد منابع را فهرست کند اول سرمایه انسانی را بحث می‌کند دوم ایشان می‌فرمایند ظرفیت حرکت ما منابع و ذخایر سرشار یک درصد جمعیت دنیا چیزی حدود ۶ درصد ذخایر دنیا را داریم از این باور ما نسبت به کشورهای مثل چین هم جلوتر هستیم یعنی ظرفیتهای زیادی دارد به لحاظ طبیعی اما به تناسب جمعیتش به اندازه ما نیست که یک درصد ۷ درصد این نابرابری و این نا‌توازی که بین جمعیت و منابع است که ایران دارد شاید هیچ‌جا پیدا نشود حالا این را باید برویم بررسی کنیم مقایسه کنیم کشورها را تناسب منابعی که دارند با جمعیت چه بسا ایران جزو رتبه‌های اول در دنیا حساب بشود بعد ایشان می‌فرمایند که ظرفیت بعدی موقعیت جغرافیایی، ایران حلقه‌ی وصل غرب و شرق جهان است یعنی غرب و شرق را شما اگر بخواهید به هم وصل کنید باید از ایران عبور کنید از قدیم هم جاده ابریشم هم اینجا بوده است و بسیار موقعیت مهمی دارد بحث بعدی بازار ۶۰۰ میلیونی کشورهای منطقه است البته ایشان می‌فرمایند بازار ۶۰۰ میلیونی ملی و منطقه‌ای یعنی با مجموع مردم خودمان و مردم کشورهای همسایه ۶۰۰ میلیون نفر کم ظرفیتی نیست حالا یک جایی من می‌خواندم که ایران به لحاظ داشتن تعداد همسایه در جهان رتبه دوم را دارد، دومین کشور پر همسایه جهان است، اگر اشتباه نکنم. یعنی فکر می‌کنم اولی‌اش چین باشد، تعداد کشورهای دورش هستند با آن مرز دارند. بعد آن ایران است. حالا این باز بررسی کنید تا دقیق‌تر باشد. ولی ما به لحاظ تعداد همسایه جزو کشورهای پر همسایه هستیم از خدمت شما عرض شود که سمت شمال ما با روسیه که مرز دریایی داریم بعد از این طرف مرز با ترکمنستان داریم بعد کمی پایین‌تر می‌آییم افغانستان پاکستان و بعد مرز با کشورهای عربستان، بحرین و قطر این‌ها مرز آبی و دریایی داریم و بعد عراق و بعدش ترکیه ما تقریباً با... اگر اشتباه نکنم با ۱۵ الی ۱۶ کشور همسایه داریم که این حد که مثلاً ببینید یک موقع شما در مورد انگلستان دارید صحبت می‌کنید انگلیس یک جزیره است ژاپن جزیره است اصلاً دور تا دور... ولی یکی از دلایلی که ما نمی‌توانیم مثلاً در کنترل قاچاق یک مقدار دچار مشکل هستیم یا به لحاظ جمعیتی اینکه اصلاً ما مرز زیاد داریم مرز بدون مانع.

البته این هم بعداً باید در موردش بحث باید کرد که اصلاً این مرزها وضعیتش چگونه است از کی این مرزها پررنگ شده است ما نسبتاً با مرزبندی‌ها چگونه است به لحاظ فرهنگی این مرزها خیلی‌ها پیش معنا ندارد هم به لحاظ فرهنگی هم به لحاظ روانی همسایه‌های ما یا مسلمان هستند یا فارسی‌زبان خوب خدمت شما عرض شود که... و می‌فرمایند اقتصاد بزرگ و متنوع ببینید بزرگواران یک بخشی از جوان‌ها وقتی می‌خواهند اقتصاد ما را تصور کنند درست تصور نمی‌کنند همین الان ببینید جام جهانی می‌خواهد در قطر برگزار شود. یک صلوات ختم بفرمایید.

جام جهانی می‌خواهد در قطر برگزار شود از نظر بچه‌های ما جوانهای ما: ببینید قطر چه کشوری است که داخلش جام جهانی برگزار میشود و وقتی که اسم کشور‌های مختلف را می‌گذارد کنار اسم ایران تصور درستی از این نام‌گذاری ندارد مثلاً من می‌پرسیدم که سال گذشته اگر اشتباه نکنم فکر کنم که کرواسی نایب قهرمان جهان شده، فرانسه و کرواسی بود که کرواسی نایب قهرمان شد و مثلاً میگفتند نگاه کن کرواسی نایب قهرمان است گفتم به نظرتان کرواسی چه کشوری است کلاً جمعیت آن ۴ میلیون نفر است یا مثلاً قطر شما چه تصویری از قطر دارید؟ یک ذره مثلاً بزرگتر از قشم است یک مقدار ولی.

آقا وقتی می‌فرمایند که اقتصاد بزرگ و متنوع حالا بیایید در مورد ایران صحبت کنید نباید بگویید اقتصاد ایران باید شما بگویید منظور از اقتصاد ایران ۱. اقتصاد خزر ۲. اقتصاد خلیج فارس ۳. اقتصاد شرق کشور، خراسان و منطقه و ۴. اقتصاد غرب ایران اصلاً باید پنج منطقه کنید وقتی می‌خواهید درباره‌ی اقتصادش حرف بزنید نباید بگویید اقتصاد ایران! ایران اصلاً اقتصاد ندارد وقتی با

جوان ها صحبت می کنید ذهن شان در کشور نیست ذهنشان در بیرون از کشور است اصلاً تصویری نسبت به این طرح سرزمینی ندارند نسبت به تنوع آن تصویری ندارند کوه داریم دشت داریم دریا داریم در منطقه در کمربند ۳۰ درجه واقع شده جمهوری اسلامی ایران یعنی از شمال تا جنوب گسترده شده است ما جریان آب و هوایی که داریم خیلی از کشورها ندارند یعنی شما ببینید که در کشورهای اروپایی وقتی هوا گرم میشود چون خیلی مرطوب است مردم دچار مشکل می شوند کشته می دهند در همین عصر و زمان فعلی ولی ما از گذشته چون کشوری داریم که به لحاظ گستردگی از شمال تا جنوب گسترده شده و کوه و دشت داریم جریان هوایی در این کشور داریم که هوا رد میشود و از گذشته هم ایرانی ها با همین هوا تهویه مطبوع انجام میدادند بادگیر می زدند ولی یک دستی از بیرون آمد همان زمان پهلوی سیستم علمی ما را عوض کرد ایرانیانی که متخصص مدیریت منابع آب ما بودند یک دفعه همه رفتن دانشگاه برق خواندند چی شد؟ ما هزاران سال متخصص آب بودیم متخصص آب و هوا! فئات می زدیم و بادگیر، یک دفعه همه رفتند برق خواندند بعد چی شد آمدندخانه ساختند مرتفع خانه را کولر گازی گذاشتن اصلاً کولر گازی مال اینجا نیست چرا چون اصلاً ما هوا... بعد من سوالم این است جریان هوا و تهویه مطبوع می گرفتیم آیا به این سادگی هوا را آلوده می کردیم حالا ببخشید ما داریم زندگی میکنیم دارم در آن بهره مند میشوم.

حالا این را هم بگویم رد بشوم بعضی موقع ها به دوستان میگویم الان خوب خیلی میشنویم آقا مثلاً فلانی بیمار شد یک هفته در خانه افتاد از سرما خوردگی و کرونا مثلاً یک سوال کردم با چند نفر گفتگو گفتم یادت می آید ما پدر بزرگ و مادر بزرگ هامون مثلاً یک هفته بیفتند در خانه؟ گفت من یادم نمی آید من برداشتم این است ما از هوای سرد یا گرم مریض نمی شویم ما از هوای آلوده مریض می شویم یعنی هوا اگر خیلی سرد باشد یا خیلی گرم باشد باز هم آن عامل مریضی حساب نمی شود اگر تمییز باشد خوب این سیستم شهری، من دیروز هم دیدم در رادیو تلویزیون داشت... آهان ان کلیپ که آقای دکتر مقصودی فرستاده بود نظام شهر سازی ما باعث شده گردش هوا کم شود این هوا می ماند به لحاظ چیز شاید باعث فساد میشود، هوا فاسد میشود و بیماری ایجاد میکند.

یک وجهش گفتم برای این اقتصاد بزرگ و متنوع این مناطق و تنوعی که ما داریم هم در شمال دریا داریم هم جنوب کوه داریم دشت داریم جنگل داریم خیلی از کشورها این تنوع را ندارند و ما عمده ی مناطق کشورمان قابل سکونت است بعد یک کسی ممکن است بگوید که آقا کویر که دیگه قابل سکونت نیست من می گویم چرا یک کویری هست به نام امارات خواستید یک منطقه غیر قابل سکونت پیدا کنید که خیلی ها در آن ساکن شدند می توانید بروید به امارات خودشان می گویند که ما وقتی می آییم از این پاساژ ها باید بدویم به پاساژ دیگر یعنی هوا را نمیتوانید تحمل کنید ولی ما عمده ی کشورمان قابل سکونت است دوتا مثال بزنم چین ۸۰ درصد جمعیتش در ۲۰ درصد مساحتش ساکن است یعنی در دو تا نوار غربی و شرقی وسطش این حجم از جمعیت را ندارد آمریکا هم همینطور آمریکا ۸۰ درصد جمعیتش در ۲۰ درصد از مساحتش ساکن است ولی شما وقتیکه پهنه ی سرزمین ایران را می بینید قابلیت سکونت آن به نسبت یکسری از کشور ها ما کشورهای مرکزی و باستانیمان در مناطق کویری بوده است در شهرهایمان مثل یزد اصفهان کرمان چرا یک دفعه ای از این من همه اش را می اندازم سمت پهلوی، ۵۰ سال آمدند ما را از عقبه خودمان بردند و نسبت به آینده که حالا این بچه ها می گویند اگر یک کسی مثلاً بگویند اقا ما به نسبت به آینده امیدوار نیستیم این تقصیر جمهوری اسلامی نیست اگر امیدواری هم نسبت به آینده باشد به واسطه ی اتفاقاتی است که جمهوری اسلامی ایران رقم زده است خوب پس اقتصاد بزرگ و متنوع با بچه هایمان اصلاً ما کاری... با همین دهه نودی ها این دهه نودی ها وقتی می خواهیم از ایران برایشان صحبت کنیم باید درست صحبت کنیم من گاهی موقع ها می گویم بچه ها در مورد ایران درست صحبت کنید اسم آن را بردارید بگذارید کنار دو سه تا کشوری این بی ادبی است درست صحبت کنید باید همه اش را ببینید تو مگر نمیگویی من مشکلات را میبینم همه اش را ببینید بیاید یک سفر برویم بچرخیم، یک دوری بزنیم و به تعبیری حالا ما می گوئیم که آقا دوباره فکر می کنم در بیانیه دوبار اشاره کردند که ایران از نظر غربی ها ایران در استفاده نکردن از امکاناتش رتبه اول را در جهان دارد.

حالا من اینجا اسمی می گذارم بکر ترین منطقه اقتصادی جهان یعنی چه؟ یعنی سمت شرق تفکر شرقی شرق را شخم زده است تفکر غربی هم غرب را شخم زده است ما به واسطه ی انقلاب اسلامی نداشته ایم غرب و شرق اینجا را شخم بزنند خودمان هم استفاده نکردیم اگر انقلاب نبود شرکت های چند ملیتی در اینجا جولان می دادند این حجم از سیستم های دانشگاهی این دانشگاه ها قرار نبود برای اقتصاد ایران نیرو تربیت کنند دانشگاه ها مامور بودند که پرسنل شرکت های چند ملیتی را تربیت کنند ایرانی ها قرار نبود اقتصاددان باشند ایرانی ها حسابدار های خوبی قرار بوده باشند بروید ببینید قبل انقلاب ما در دبیرستان سه تا رشته داشتیم یکی از آنها اسمش اقتصاد بود ولی من وقتی با قدیمی ها صحبت می کنم می گویند آقا اقتصاد نبود حسابداری بود الان هم با مردم صحبت کنید بگویید من اقتصاد خوانده ام میگویند اقتصاد به درد نمیخورد برو حسابداری بخوان این یک پایه ی قبل تر دارد کاری کردند ما بنا نبوده اقتصاددان باشیم قرار بوده است حسابدار شویم حسابدار کسی است که درآمد و هزینه را اندازه میگیرد حسابدار کسی است که مسئله اش این است که حقوق این ماهش چقدر است و ورودی خروجی، اقتصاددان کسی است که ثروت های نامشهود را میبیند آینده را می بیند گذشته را میبیند زیرساخت های فرهنگی را میبیند افق نگاه اقتصادی با حسابدار متفاوت است پس میشود بکر ترین منطقه اقتصادی جهان البته این کلمه ی بکرترین را آقا در بیانیه نگفتند خوب خیلی خوب مبنای حرکت، مقصد حرکت، ظرفیت حرکت حالا چرا نمی روید؟ مشکل چه چیزی است؟

آقا اینگونه مطرح می کنند: تحریم و وسوسه، آهان ایشون اول تحریم را اینطور نمیگویند میگویند اول موانع داخلی و خارجی داریم، اول موانع خارجی را میگویند و بعد موانع داخلی را می گویند میفرمایند در موانع خارجی: تحریم و وسوسه که من عرض این است که ما به واسطه ی قدرت مقاومت انقلاب اسلامی چون از اول تحریم بودیم تحریم بود، موفق شدیم از آن عبور کنیم الان ما با چه مسئله ای ما مواجه هستیم؟ ما با مسئله وسوسه مواجه هستیم از ۹۲ آقا بیا بیا مذاکره کنیم که آقا گفتند اقتصاد کشور را هی شرطی نکنید و به بیرون گره نزنید عصر مذاکرات عصر وسوسه بود یعنی تا میخواستند حرکت کنند حالا بیا بیا یک صحبتی بکنیم مردم هم می گفتند بایستید بایستید یک صحبتی بکنید هی زیر گوش ما می خواندن الان هم همین طور است الان هم آشوب ها را درست میکنند که باز بتوانند مذاکره کنند فقط موفق شود متوقف کنند موفق بشوند زمان بخرد اگر بتواند استحاله بکند انقلاب را خدایی ناکرده که می آید در یک منطقه ای با این ظرفیت ها مستقر می شود الان بحث تجزیه حالا پرنگ است من می گویم برای آمریکایی ها استحاله ی انقلاب بر تجزیه اولویت دارد اگر موفق شوند کل این پهنه ی سرزمینی را بگیرند برایشان اولویت دارد تا تجزیه. این همه ظرفیت این همه نیروی انسانی دانش آموخته بعد با اون سطح فناوری بیایند اینجا این سرزمین به دستشان برسد چه کار می کنند این موقعیت جغرافیایی... من معتقدم آمریکا یا ایران را می گیرد که بماند یا اگر نتواند ایران را بگیرد خودش از بین میرود شما ببینید ظرفیت را جایگاه و موقعیت استراتژیک را اگر موفق شوند اینجا را استحاله کند بیاید حاکم شود دوباره امپراطوری اش را می سازد اگر نتواند که نتوانسته است خودش می بازد حالا این هم بحث دارد بعداً باید... منتها یک خورده تفصیلی تر بعداً به آن اشاره میکنیم خوب آقا در مورد موانع اینطور فهرست می کند

بعد می فرمایند که به لحاظ خارجی ما تحریم و وسوسه را داریم به لحاظ داخلی ایرادات مدیریتی و ساختاری داریم. ایرادات مدیریتی ساختاری را اینگونه ترسیم می کنند: ۱. وابستگی به نفت ۲. دولتی بودن در جایی که لازم نیست دولت متصدی باشد ببینید ما در مطالباتمان همیشه می گوییم دولت باید این کار را بکند دولت باید آن کار را بکند به دولتی رأی میدهیم که بگوید من این کار را میخواهم بکنم. چه قدر از مطالبات ما این است که آقای دولت دیگه نمیخواهد این کار را بکنید آنجا را ولش کنید اصلاً نباید اینجا حاکم باشد و دست تو باشد یعنی ما هم تفکرمان دچار این موارد و موانعی که حضرت آقا می فرمایند هست اینطوری نیست که ما بگوییم نه ما قائلیم نه اتفاقاً ما به دولتی رأی می دهیم که بیاید اضافه کار کند به دولتی رأی نمی دهیم که پایش را از یک سری از مسائل بکشد بیرون می گوییم آقا بلند شوید شما نمیتوانید نظارت کنید بر کار ها تو وظیفه ات نظارت است الان آمده ای که چند تا عرصه را متصدی شدی این ها را ول کنید بروید نظارت تان را انجام دهید حالا گره علمی میشود

دقیقا همین ها الان گره علمی این است که دولت چه کارهایی را نباید انجام دهد این را باید بنشینیم روی آن فکر کنیم یک فهرستی آماده کنیم از کارهایی که نباید دولت در آن امور متصدی باشد چون آقا این ها را به عنوان موانع حرکت بیان میکنند. نگاه به خارج. هر حرفی میزنیم میگوید در کشورهای فلان اینگونه است در کشور فلان اینطور است در کشورهای پیشرفته... آقا اینجا را نگاه کن کجا را دارید نگاه می کنید در فرانسه اینطور است انگلیس... اصلا یک دقیقه بگذار کنار اینجا را نگاه کنید هر موضوعی را که شما بگویید ما در آن موضوع نگاه به خارج داریم. ولو بین بچه‌های انقلابی هم همینطور است. سیستم علمی و دانشگاهی ما هم که کلا عینک ما را به سمت آن ور برگردانده است. ما در دانشگاه‌های ایران، ایران تدریس نمی کنیم؛ نه اقتصاد ایران تدریس می کنیم، نه وقتی روانشناسی می‌گوییم حکمت ایرانی تدریس می‌کنیم، نه وقتی پزشکی می‌گوییم طب... اصلا اینطور نیست. این حجم از دانشگاه‌ها کارش این است که عینک ما را برگرداند آنوری. بعدا هم حالا در اقتصاد یک لحظه هم اقتصاد ایران را می‌گذاریم که وقتی بچه‌ها می‌خوانند احساس می‌کنند یاد بدبختی‌هایشان می‌افتند آخر آخر اقتصاد ایران چرا؟ چون اصلا عینک ما را به آن سمت برگرداندند. خوب، آقا می‌گویند این ایراد دارد. جزو موانع حرکت است. چون چشمت به آنجا است نمی‌گذارد حرکت کنی.

در بحث بعدی می‌فرمایند نگاه به خارج. استفاده ی کم از سرمایه ی انسانی. آقا ما می‌خواهیم یک پروژه راه بیاندازیم؛ همین جمع می‌خواهیم یک کار اقتصادی بکنیم. من قول می‌دهم اگر ما فکر کنیم مثلا به چه می‌رسیم... مثلا فرض بفرمایید به تولید یک محصول می‌رسیم، به ارائه یک خدمت می‌رسیم که این محصول یا خدمتمان مثلا یک نیروی کاری می‌برد. حالا سوال؛ نیروی کار ساده می‌برد یا دانش‌آموخته؟ عمده این کارهایی که ما طراحی می‌کنیم هیچ ارتباطی با نیروی کار دانش‌آموخته نمی‌گیریم. یعنی می‌خواهیم بگوییم این ایراداتی که آقا می‌گیرند به همه وارد است.

مثلا من بگویم آقا من به دکتر شیمی و فیزیک و ... چه کار دارم؟ در حالی که می‌گوییم آقا ما می‌خواهیم در کار پارچه، چادری تولید کنیم. چکار کنیم؟ باید برویم سراغ دانشجویی که نانومواد بلد است. آن را باید بیاوریم پارچه نانو تولید کند. اصلا اگر ما می‌خواهیم با حجاب صحبت کنیم با همان صحبت میکنیم اینکه او حجاب دارد یا ندارد الان مساله من نیست من می‌خواهم بگویم شما دانش‌آموخته نانو هستی می‌شود این پارچه مشکی، رنگش را از آب دریاوری؟ مثلا ما اینجاست. گیر ما اینجاست. آقا در مساله‌شناسی می‌گویند استفاده کم از سرمایه انسانی. بعد می‌فرمایند بودجه‌بندی معیوب و نامتوازن. سیستم بودجه‌ریزی ما هم همینطور است. حالا این معیوب و نامتوازن را می‌شود از جنبه‌های مختلف به آن پرداخت. البته آقا یک بار هم تقدیر کردند از اینکه ما موفق شدیم بودجه را از نفت مستقل کنیم اما اینها یک سری‌هایش بحث روی کاغذ است و هنوز در اذهان ما بودجه از نفت منقطع نشده است. هم بودجه‌بندی‌مان یک جاهایی معیوب است؛ به زیرساخت‌هایی که باید بپردازیم نمی‌پردازیم و هم نامتوازن است. یک جا بالاتر است و یک جا پایین‌تر است. رویکردهای آینده‌نگرانه در آن کمتر است. ظرفیت‌ها و ... مثلا فرض بفرمایید در بودجه ما چقدر روی ارتقا... (به عبارتی) چه سهمی از بودجه روی بهره‌برداری از این سرمایه انسانی بسته می‌شود؟ چه سهمی؟ قاعدتا خیلی کم. در حوزه تولید همینطور، در حوزه اشتغال همینطور. یک دهم بودجه ما مثلا، ۰/۱ نقدینگی ما به حوزه تولید و اشتغال در کشور دارد اختصاص پیدا می‌کند و ۰/۹ دیگرش همه اش دارد به سرمایه در گردش داده می‌شود. حالا بعدا می‌گوییم، در قسمت بعدی من سعی می‌کنم دقیق‌تر و عینی‌تر صحبت بکنم.

بعد می‌فرمایند عدم ثبات سیاست‌های اقتصادی. با دولت‌های مختلف سیاست‌های اقتصادی عوض می‌شود. البته ما یک تدابیری داریم؛ مثلا برنامه‌های پیشرفت و توسعه ما عمرش ۵ ساله است یعنی عمرش از عمر یک دولت بیشتر است. برنامه چشم‌انداز ما تا سال ۱۴۰۴ است، اما هنوز برنامه‌ها حاکم بر گروه‌هایی که می‌آیند قدرت می‌گیرند نیستند. یعنی شما خیالت راحت باشد که حالا چه این بیاید چه آن بیاید، آن برنامه‌ای که تنظیم کرده‌ام را ببرد جلو؛ خیر. مثلا دولت قبلی ثابت کرد که می‌تواند کل کشور را معطل مذاکرات کند. کل کشور را. هم چشم‌انداز را معطل کرد، هم برنامه‌ها را معطل کرد، هم مردم را معطل کرد، هم بدنه دولت را معطل کرد. من الان می‌گویم شما بروید در دولت بدنه کارشناسی دولت، همه کارشناسی ارشد برجام دارند. یعنی چه؟ یعنی

هرآنچه از او می‌خواهی که بنویسد و اعلام نظر کند اول می‌گویند که ما تحریمیم و اگر تحریم‌ها برطرف شو بعد چه می‌کنم، توضیح می‌دهد.

کارشناسی ارشد اقتصاد مقاومتی هم نیستند که بگویند آقا تحریم برای ما یک فرصت است و باید از آن استفاده کنیم؛ خیر، کارشناسی ارشد برجام‌اند. می‌گویند بالاخره باید بروید صحبت کنید و بعد حل کنید. و آخرین ایرادی که ایشان می‌گیرند...

من چرا عرض کردم؟ گفتم ما برای اینکه گره‌های علمی را باز بکنیم باید بیاییم به این مساله‌شناسی که آقا دارند بپردازیم. گره‌ها اینجاست.

و آخرش هم می‌فرمایند هزینه‌های زائد و مسرفانه.

یک صلوات ختم بفرمایید.

خوب، مبنای حرکت را ایشان مشخص کردند. مقصد حرکت را مشخص کردند. ظرفیت حرکت را مشخص کردند و موانع حرکت را. خوب، حالا می‌رسیم به راهکار. بفرمایید راهکار چیست؟

بعد می‌فرمایند همانطور که در سالهای قبل هم اشاره کردیم این اتفاق نمی‌افتد مگر با اجرای اقتصاد مقاومتی. یعنی اقتصاد مقاومتی قرار است ما را در این مسیر حرکت بدهد. یعنی چه اقتصاد مقاومتی؟ یعنی اقتصاد مقاومتی مبنایش همین مبناست؟ قرار است از این ظرفیت‌ها استفاده کند، قرار است این موانع را بشکند و به این هدف برسد. حالا وقتی تعبیر ایشان را از اقتصاد مقاومتی ما طرح می‌کنیم از نظر من مشخص است که این نوع نگاه، این توان را دارد. یعنی گویا این پنج‌گانه‌ای که آقا با آن اقتصاد مقاومتی را توضیح می‌دهند همه‌اش راه‌حل‌هاست. دیگر اینجا وقتی وارد اقتصاد مقاومتی می‌شوند، دیگر مساله جدید نمی‌خواهند برایمان درست کنند. می‌گویند آقا، تجربه من را ببینید. اگر یک اقتصادی درست کردی این پنج ویژگی را داشته‌باشد، این مساله حل می‌شود.

و اقتصاد مقاومتی را با پنج واژه توضیح می‌دهند. می‌گویند حالا مسیر حرکت ما چیست؟ اقتصاد مقاومتی. سپس اقتصاد مقاومتی را توضیح می‌دهند.

۱ - مولد

۲ - مردمی

۳ - دانش‌بنیان

۴ - درون‌زا

۵ - برون‌گرا

با یک دست می‌شود اقتصاد مقاومتی را توضیح داد. مولد، دانش‌بنیان، مردمی، درون‌زا و برون‌گرا. خیلی چیز پیچیده‌ای نیست. فیزیک هم می‌خواندیم می‌گفتند برای میدان مغناطیسی، قانون دست راست بکار می‌رود؛ شصت دست به سمت جهت میدان و انگشتها می‌شوند جهت میدان مغناطیسی. اشکالی ندارد برای تبیین اقتصادمان از دستمان استفاده کنیم. با یک دست می‌شود اقتصاد مقاومتی را توضیح داد. مولد، دانش‌بنیان، مردمی، درون‌زا و برون‌گرا.

اگر دقت بفرمایید دقیقا اینها نسخه و راه‌حل مسائلی است که ما داشتیم. یعنی آقا وقتی می‌فرمایند که ما ... ببینید من سعی می‌کنم که با این پنج تا بگویم چگونه اینها حل می‌شوند با مثلا ایشان می‌فرمایند استفاده کم از سرمایه انسانی. درست است؟ ما می‌گوییم اقتصاد مقاومتی چگونه این را حل می‌کند؟ دانش‌بنیان است. یعنی هرآنچه غیر دانش‌بنیان باشد اقتصاد مقاومتی نیست. می‌گوییم نگاه به خارج. چگونه اقتصاد مقاومتی این را حل می‌کند؟ درون‌زاست. می‌گوییم که دولتی بودن، راه حلش چیست؟ مردمی بودن. می‌گوییم که وابستگی به نفت؟ مولدیت این را حل می‌کند. می‌گوییم که هزینه‌های زائد و مسرفانه؟ باز هم مولدیت آن را حل می‌کند چون شما اگر بخواهید مولد شوید اول باید الگوی مصرف را اصلاح کنید. تا وقتی هزینه زائد می‌کنی نمی‌توانی

مولد باشی. می‌گوییم بودجه‌بندی معیوب و نامتوازن. بودجه‌بندی ما برای مولدیت، برای مردمی بودن، برای دانش‌بنیان بودن، برای درون‌زا و برون‌گرا بودن طراحی نشده است. ما کماکان داریم بر اساس دولت دارا یا بر اساس سیاست بچه پولداری ملی بودجه می‌بندیم. داریم، تقسیم می‌کنیم. یعنی چه؟ داریم، تقسیم می‌کنیم. بعد همه میریزند که هرکسی یک برش از این، یک سهم از آن را بردارد. خوب معلوم می‌شود که یک چیز کج و معوجی درمی‌آید. در حالیکه بودجه‌بندی متوازن و سالم بودجه‌بندی است که مشخص باشد می‌خواهد برای تولید چه بکند، برای مولدیت _ مولدیت از تولید هم فراتر است _ می‌خواهد برای مردمی شدن اقتصاد در بودجه شما چه دیدید؟ الان از مسئولین بپرسید برای مردمی شدن اقتصاد شما در بودجه چه دیده‌اید؟ نهایتش می‌گوید توزیع یارانه. یارانه مردمی کردن اقتصاد است؟

دکتر مقصودی: نه، گرون کردن مردمی کردن است...

دکتر رضائی: حالا ممکن است مثلاً حذف ارز ترجیحی هم ... اصلاً شما این سوال را بکنید، آقا شما در بودجه برای مردمی شدن اقتصاد چه دیده‌اید؟ یک بند بودجه بگوید آقا ما برای مردمی شدن اقتصاد مثلاً این طراحی را انجام داده‌ایم. خوب، پس این ترسیم را سعی کردم در این دقایق خدمت شما بزرگواران انجام بدهم. یک بار دیگر اگر بصورت خلاصه بخواهم طرح کنم: در بیانیه گام دوم حضرت آقا به یک تعبیر دوتا بحث را مطرح کرده‌اند:

۱ _ گام اول انقلاب در عرصه اقتصاد؛ این می‌شود ۴۰ سال اول :

که دو کار اساسی را ما انجام دادیم؛ سازندگی و توسعه زیرساخت و توزیع منابع و امکانات. و این دوتا را هم مستقل، حتی در بعضی موارد معجزه‌آسا و با منابع و قدرت‌های درونی کشور انجام دادیم. این دستاورد، دستاورد خود انقلاب است. دستاوردهای سیاست‌گذاری ما، سیاست‌گذاری مرسوم، نیست.

چون سیاست‌گذاری به تعبیری، اساتیدمان می‌گفتند که اگر شما برنامه‌های توسعه را بیاورید و آن سه برنامه قبل از انقلاب را کنار هم بگذارید، یعنی از آن اول تا الان، برنامه‌ها را نگاه کنی متوجه نمی‌شوی کجا انقلاب شده است! (۵۷:۳۵) یک مثال بزنم؛ دوبانده شدن جاده بین مراکز استان‌ها در برنامه توسعه سوم برنامه‌ریزی شده، چه زمانی تمام شد؟ دولت نهم. همان را رفتیم. ببینید آمریکایی‌ها از ۳۲ تا ۵۷ آمدند اینجا شروع کردند به مطالعه کردن و برنامه‌ریزی کردن. من یک ادعایی می‌کنم. اگر بگوییم آمریکایی‌ها اقتصاد ایران را از ایرانیان بهتر می‌شناسند حرف گزافی نزد. چون اینجا مستقر بودند، مطالعه کردند. بعد که ما اینجا را از اینجا انداختیم بیرون دقیقاً رفتند دور تا دور کشور را شروع کردند به نشستن؛ مثل وپروس.

اینجا نتوانست رفت دور زد. در عراق نشست، در افغانستان نشست، خدمت شما عرض شود که در کشورهای منطقه خلیج فارس نشست. تمام شاهره‌های ما را بست. می‌دانست در کجاها برایمان بحران آب و هوایی درست بکند، می‌دانست منابعمان، آنهایی که ریشه بیرونی دارد کجاست. رفت همه را با اخلال مواجه کرد. آمریکایی‌ها اقتصاد ایران را خیلی خوب می‌شناسند. چون آمده بودند بررسی کنند از اینجا، از غرب تا شرق را با محوریت ایران بگیرند. ایران قرار بود ژاندارم منطقه باشد، ایران قرار بود چوپان گاوهای شیرده بشود. چوپانشان باشد. ایران قرار بود...

من گاهی اوقات یک بحثی می‌کنم و بچه‌ها می‌گویند آقا در صدا و سیما، این بازیگران چرا اینگونه‌اند و ... من می‌گویم آقا، یک چیزی من بگویم؟ این ساختمان صدا و سیمایی که شما می‌بینید، این زمان پهلوی که ساخته شده بود، مسئولیتش اسلام‌زدایی از منطقه غرب آسیا بود. یعنی بنا بود که به فرهنگ ایرانی قبل از اسلام تکیه کند و کل اسلام را در منطقه بزند. حالا ما آمدیم انقلاب کردیم این را برای اسلام گرفتیم، حالا آنچنان که باید و شاید اسلامی نیست اما آن چیزی که می‌خواست اتفاق بی افتد نشد. خوشحال باشید. ما نمی‌دانیم انقلاب چه کرده، قرار بود چه جنایتهایی را پشتیبانی می‌کردیم. ما باید داعش را پشتیبانی می‌کردیم اگر پهلوی باقی می‌ماند. یمن را ما باید می‌زدیم. این موشک‌هایی که می‌ساختیم، همین‌ها را باید می‌زدیم. تجهیزاتی که عربستان از آمریکا دریافت می‌کند و می‌زند به سر ملت‌های منطقه را ما باید می‌گرفتیم و می‌زدیم. هیچ کدام از این کشور های عربی قدرت مقابله با اسلام را نداشتند، ایران داشت ایران به واسطه ی آن سابقه ی تمدنی می‌توانست جلوی اسلام یک فرهنگی را علم کند.

همین الان هم سلطنت طلب ها در پرچم هایشان چه علامت هایی میزنند. عرب ها نمیتوانستند با اسلام درگیر شوند چون اسلام به لحاظ تعبیر شخصی شاید از بی سوادى بنده باشد، معجزه بود. زد روی دستشان. زبان عربی در مقابل اسلام حرفی برای گفتن نداشت. یک جا می توانست قد علم کند البته اینجا هم به برکت اسلام به قول شهید مطهری در کتاب خدمات متقابل اسلام و ایران بحث میکنند میگویند زبان عربی را هم ایرانی ها تدوین کردند. خدمات ایرانی ها به اسلام دارند یکی همین زبان... صرف و نحو را بهترین معلمینش و کسانی که تدوین کردن خود ایرانی ها بودند با اینکه زبانشان فارسی بود.

پس گفتیم گام اول انقلاب در عرصه ی اقتصاد و اینگونه بگوییم اقتصاد انقلاب اسلامی در گام دوم که میشود اقتصاد مقاومتی. حالا ها با آن کار داریم اصلاً اقتصاد ما تا ۴۰ سال آینده همین است همین ۵ تا است. یک کاری که باید انجام دهیم این است که از کف تا سقف جامعه همه باید متوجه شوند بچه ها مثل شعر باید بخوانند مثل سلام فرمانده باید اقتصاد مقاومتی بخوانند و تمام ظرفیت های لازم را هم برای این موضوع داریم.

تنها ظرفیتی که باید ایجاد کنیم ظرفیت فکری و ذهنی است که الان دقیقاً همین کارکرد این نبرد همین است به شما اجازه ی فکر کردن ندهند اعصابمان را بریزند به هم. داستان درست کنند. در هر موردی که می توانند. آقا هم فرمودند بعد از اینکه اتفاقات افتاد آقا اول یک موضوع بود که خیلی به آن پرداختند و بعد در اولین سخنرانی گفتند که مسئله ی ایران مستقل و بفرمایید؟ قوی است. نسخه ی مستقل شدن و قوی شدن در عرصه ی اقتصاد هم، اقتصاد مقاومتی است. ممنونم از توجهی که داشتید البته یکسری بحث های شخصی هم، نگاه های شخصی هم وجود شخصی هم ترسیم کردم اما تلاش کردم بیانیه را یک مقدار دسته بندی خدمتان عرض کنم گرچه هیچ چیز جای خواندن از روی متن را نمیگیرد تک به تک باید واژه ها مطالعه شود و دقت شود. یک صلوات بفرستید اللهم صل علی محمد وآله محمد و عجل فرجهم

حضار: آقای دکتر من یک سوال دارم اگر اجازه بفرمایید، این مطالب تقریباً ۱۰ درصد مردم متوجه میشود و ۹۰ درصد مردم میگویند دیشب برایم یارانه ریختند اگر ۵۰۰ تومان هم یارانه بریزند سر ماه کاهش ارزش پول ۳ برابر از من بر میدارند این نوشته خیلی امیدوار کننده است اما در خارج میبینم خیلی نا امید کننده است این پول که روغن اقتصاد شما بحث نمیکنید که ۱:۳:۳۰ روحی که انجام میشود را لطفاً توضیح بفرمایید الان مطالب خیلی خوب بود اما این در فرضی است که آن ارزشی که من دارم یکی یکی حساب میکنم و میخواهم سرمایه به حساب بیاورم میخواهم کار کنم و از کسی کار طلب کنم این معیار ارزشگذاری ام ثابت باشد اما وقتی مثل یخ دارد آب میشود آن وقت من روی چه حساب باز کنم؟ این واقعیت دارد یا نه؟

دکتر رضانی: بزرگوارانی که

دکتر مقصودی: سوال را از شما پرسیدند دیگر ... ما گفتیم شاید بلد نباشیم ما گفتیم شما بلدید بفرمایید

دکتر رضانی: خدمتان عرض شود که اگر مسئله ی فردی که دارد سوال میکند که چرا ارزش پول دارد کاهش پیدا می کند یعنی واقعا مسئله اش این باشد چون بعضی موقع ها ما وقتی یک بحثی را طرح میکنیم سمت مقابل شروع میکند از مسائل دیگر صحبت کردن بعضی موقع ها می پذیرد ولی شروع میکند به... مثلاً چند تا دلیل دیگر را آوردیم ما میگوییم بله اگر منظور شما این است که کاهش ارزش پول دارد اتفاق می افتد خیلی خوب ما آنجا راه حلش را گفتیم ان چیزی که قدرت پول ملی را بالا می برد تولید است تولید، تولید، تولید، تولید، تولید، تولید، دانش بنیان؛ درونزا؛ برونزرا؛ مثلاً همین کسی که میگه آقا ما میخواهیم یک کاری تولید کنیم برویم سرمایه گذاری کنیم؛ میگوید وایستا وایستا از کدام سرمایه میخواهید استفاده کنید؟ سرمایه انسانی در کشور ما دارد مثل پول آب میشود؟ نه؛ نکته بعدی باز در اینجا پاسخ به آن سوال هست؛ یعنی ما عرض میکنم در آن بودجه بندی معیوب نا متقاضن سعی میکنم با همین ها توضیحش بدهم خدمت شما عرض شود که؛ یا فرض بفرمایید که ان بحث وابستگی به نفت اینها همه چیزهایی که باعث میشود؛ شما وقتی وابسته به نفت هستید میگویند چه نیازی به تولید دارند وقتی تولید انجام نمی دهید ناخودآگاه ارزش پول ملی همین بلا سرش می آید گرچه؛؛ باز؛ روایتهای دیگری میشه طرح کرد ببینید من

از دوستان سوال میکنم سال ۷۰، دلار بوده ۱۷۰ تومان حالا دوستانی که خاطره دارند با ۱۷۰ تومان در سال ۷۰ چه میشد بخرید؟ من پرسیدم دوستان گفتند مثلاً شاید یک ساندویچ با یک نوشابه سال ۷۰ مثلاً می‌شده بخرید از دوستان پرسیدم گفتند من چیزی که خاطر من بوده من سوار اتوبوس بودم داشتم میرفتم یک جایی وسط راه پیاده شدم یک ساندویچ خریدم با یک دانه نوشابه شد همین ۱۷۰ تومان، الان من سوال میکنم ساندویچ چند است؟

حضار: قیمتی گفتند

دکتر رضائی: ساندویچ ۳۰ تومان ۴۰ تومان است ساندویچ بین راهی ۴۰ تومان اصلاً من اگر بگویم دلار گران نشده شما شاید تعجب نکنید ما یک قیمت اسمی داریم؛ از نظر اقتصادی یک قیمت نسبی داریم قیمت اسمی یعنی آن رقمی که می‌خورد روی کالا ممکن است ده تا صفر بیاید جلوی قیمت نسبی یعنی چی؟ یعنی میزان مصرفی که شما که از این کالا داشتید به نسبت سایر مصارف اگر کم بشود میتونیم بگویم مثلاً فرض بفرمایید من ۵ سال پیش مثلاً ۳۰ گرم مرغ با ۲۰۰ گرم برنج می‌خوردم الان دارم مثلاً فرض کنید ۲۵۰ گرم مرغ را با ۲۰۰ گرم برنج می‌خورم در چنین شرایطی ما میتونیم بگویم مرغ گران شده است در چنین شرایطی این را بهش میگویند قیمتی که گفتند این قیمت نسبی است؛ یعنی سید مصرفی ام راهم تشکیل میدهم میبینم کدام یکی از کالاها به نسبت گذشته وزنش کمتر شده است آن را میشود گفت گران شده است.

اما اگر که قیمت اسمی اگر که ان بار کد روی کالا بالا رفته باشد؛ هنوز نمی‌تواند به شما بگوید چیزی گران شده یا نه لذا آن چیزی که ما خدمت شما عرض شود؛؛ حالا پاسخ به یک سوال پاسخ به سوال چرا آقا شما می‌گوید که ما پول ملی مان ارزشش را از دست نداده است؛ من میگویم چرا ارزش اسمی اش را از دست داده ولی ارزش نسبی اش را باید بررسی کنیم نمیشود گفت از دست داده؛ حتی من میگویم افرادی که حالا اینها دیگر یک مقدار طرح بحث دیگر هست؛؛؛؛ یک مقدار زمان می‌برد

حضار: خب عرض کردم در مواضع مهمترین مانع را نفرمودید که ۸۰ درصد این خلق پول توسط دودرصد جامعه دارد غارت میشود **دکتر رضائی:** نه من یک همچین چیزی را قبول ندارم؛ ما قبول نداریم

حضار: شما ملاحظه بفرمایید الان این حدود چهارونیم بلکه شده ۵ و نیم میلیارد تومان آقای بحرینی میگویند ۸۰ درصد؛ هفت هشتم این خلق پول توسط بخش خصوصی انجام شده است این غارت نیست؟ این غارت عظیم مانع حرکت اقتصادی نیست؟ الان از جیب من وقتی ۵۰۰ تومان بدزدند یعنی بردارند غارت است دیگر اینها مانع بزرگ هستند؛ شما مانع بزرگ ها را نمی‌گویید مانع کوچک هارا می‌گویید؛ اشکال همین است

دکتر رضائی: نه حالا شما اگر اینجا را حساب کنید؛ که مگر فقط دارایی ما مگر پول است؟ ما یک بخش پول و نقدینگی داریم یک بخش ملک داریم؛ املاک داریم؛ خودرو داریم؛ ماشین داریم؛ حتی وقتی قیمت می‌رود بالا قیمت آنها هم دارد می‌رود بالا **حضار:** با چ محاسبه ای می‌گید شما؟

دکتر رضائی: باشد قیمت وقتی دارد می‌رود بالا قیمت دارایی مردم هم می‌رود بالا خودرو قبلاً قبل از انقلاب مال سه دهک بالا بود؛ الان تا دهک هفتم ما؛ هفت دهک ما خودرو دارند؛ خودرو ندارد یک موتور گذاشته تو پارکینگ قبلاً ما تقریباً ۲۰ سال پیش ۷۰ درصد تقاضای مردم برای مسکن تقاضای مصرفی بوده ۳۰ درصدش تقاضای سرمایه ای بوده یعنی خونه می‌گرفتند؛ که می‌گرفتند بگذارند که مثلاً گران بشود پولشون زیاد بشود الان این نسبت بر عکس شده ۷۰ درصد مردم تقاضای سرمایه ای دارند حتی همین جوان‌هایی که بهشون می‌گویید ازدواج نکن برید ببینید خیلی هاشون تو همین بنگاه‌های املاک دارند می‌چرخند؛ خورد خورد شروع میکنند یک خونه ای خریدند گذاشتن کنار بعد که با او صحبت می‌کنی می‌گوید کار ندارم بیکاره‌ستم اینجا نمیشود زندگی کرد بعد که میرود آمار می‌گیرید می‌بینید ۳۰ درصد خانه‌ها در کلان شهرها؛ خانه‌های مجردی هستند می‌خواهم بگویم حاج آقا یک عده...

حضار: ببینید شما می‌گویید یک عده بالا شهر نگاه میکنید یک عده پایین شهر، محله‌های پایین راهم نگاه کنید

دکتر رضانی: محله های پایین راهم بله عرض میکنم حاج آقا ببینید درصد مالکیت مسکن در شهرهای بزرگ ۶۰ درصد در روستاها ۸۰ درصد است در سطح مالکیت خونه دارند دارد
حضار: من با ۵ میلیون تومان چطوری زندگی کنم؟

دکتر رضانی: شما میگویید ۵ میلیون تومان دارایی نقد دارد فقط هیچ دارایی دیگه ای ندارد فقط یک نفر با ۵ میلیون تومان دارایی نقد؟ فقط یک نفر با ۵ تومن؟؟ کجاست؟
حضار: من میخوام با این ۵ میلیون زندگی کنم
خانم محمدی: بحث هنوز ادامه داره حالا شما مطرح میکنید نسبت به قسمت اول که آقای دکتر رضانی ارائه کردند اگر سوالاتی هست بفرمایید؟

حجت الاسلام صدوق: اجازه بفرمایید بسم الله الرحمن رحیم عرضم به خدمت شما کسی که طرح بحث می کند عامل اصلی مشکلات اقتصادی را در خودش میفهمد ممکن از نگاه شما مسأله پول عامل اصلی باشد؛ و در نگاه آقا این مسأله عامل اصلی نباشد قطعاً در اقتصاد مسأله پول مطرح است اما اگر قرار باشد ایشان یک ساعت یک ساعت ونیم یک گزارشی بدهند و ۱۰ تا عامل ۱۵ تا عامل یا ۲۰ تا عامل را مطرح بکنند طبیعتاً باید کلانترین چیزهایی که در نظرشان عوامل اصلی هست را بگویند لذا اگر بحث پول را مطرح نمیکنند طبیعتاً در این ۲۰ تا عامل نیست خیلی خب! حالا اگر شما بخواهید بفرمایید که پول مسأله اصلی هست باید یک وقت متنابهی را طرح مطلب بفرمایید که همه عوامل اقتصادی به ان بر گردد اگر شما از یک اصلی را استفاده بکنید که مثلاً باید پول ثابت باشد کسی بیاید بگوید طرف مقابل بگوید اصلاً برای چه در اقتصاد باید پول ثابت باشد اصلاً متغیر بودن پول جزء محاسن اقتصاد جزء پویای پیشرفت اصلاً اگر ثابت باشد ما ایستا میشویم یا به یک بیانی بفرمایید که الان مردم احساس بد بختی میکنند یا مثلاً نان ندارند خب باید همین آماری که عرضم به خدمت شما از نسبت بین در آمد دهک پایین و دهک بالا و سبب مصرفی شان هر کدام از اینها را باید با آمار و ارقام بگوییم تا همه بتوانیم اثبات کنیم که الان وضعیت جامعه چطوری است. بنابراین هر کدام از این فرمایشات باید با یک استدلالی و یک مستندی بیایید تا ببینیم آیا آن ثبات، اثبات میشود یا نمیشود حضرت آقا هم اگر این ۱۵ تا عامل یا ۲۰ عامل را در مجموعه ی کلان سیستمی که میخواهند طراحی بکنند توانستند به اثبات برسانند، یعنی ما باید در پارادایمهای ایشان الان اشکال بکنیم؛ یعنی اگر شما می بینید مثلاً عرض میکنم بفرمایید که مبنا لازم نداشت به چه دلیل مبنا لازم نداشت؟

حضار: جسم فرمودید روح گام دوم فرمودید جسمش را فرمودید

حجت الاسلام صدوق: خب همین که میگین روح را فرمودید و جسم را فرمودید بسیار خب شما الان بفرمایید که روح چی هست جسم چی هست

حضار: جسم فرمودند بله

حجت الاسلام صدوق: نه الان شما یک اسم گزاری دارید میفرمایید اینکه شما الان دارید می فرمایید جسم و روح نیست باید یک استدلالی بفرمایید به چه دلیل روحش نیست

حضار: (یتخطب الشیطان من المس) وقتی ربا بود وقتی پول دارد خودش خورده میشود باید ثابت بشود که عرض من خدمت آقای دکتر این بود شما دارید می فرمایید اما ان روغنی که باید اینها را به هم وصل کند نمی فرمایید
دکتر رضانی: ان پول نیست حاج آقا، پول در اقتصاد مقاومتی در حاشیه هم نیست چه برسد در متن
حضار: الان ما حس میکنیم عرض کردم ده درصد جامعه است

دکتر رضانی: ان حس شما مسأله وصل شناختی شما که ناشی از... ما ۸۰ درصد باید آمار بیارید دقیق و فنی وقتی که ببینیم ۸۰ درصد چیست؟ حجم بازار...

حضار: این آمار شما گرفتاری مردم حل نمیکند

دکتر رضائی: حجم بازار در ایران چقدر است؟ حجم نا بازار در ایران چقدر است حجم پول چقدر است؟

حجم اقتصاد چقدر است؟ حجم پول در اقتصاد ما همین که میگویید است شمار هم شده مادر اقتصادمان کمترین حجم پول را در بین ۷۰ کشور داریم یعنی هفتادمین کشور دنیا هستیم در حجم پول به نسبت تولید مان اصلاً تو اقتصاد ما پول وجود ندارد شما میگویید خیلی وجود دارد واصل و است شمار هم شده است.

حضار: بله

دکتر رضائی: اصلاً پول در اقتصاد ما وجود ندارد چون شما اقتصاد ما را نسبت ب اقتصاد انگلیس نمی بینید به نسبت اقتصاد ژاپن نمی بینید به نسبت به اقتصاد فرض بفرمایید سوئد نمی بینید به نسبت اقتصاد ها نمی بینید

حضار: اصلاً عرض من دنیای غرب نیست

دکتر رضائی: خوب به نسبت اسلام شما مصرف را ببینید شما تولید را ببینید ما از یک جریانی هست تا مدتی هم خیلی تقویت شد در یک گوشه از اقتصاد اسلامی که حالا پول را اصل در مناسبات اقتصادی می بیند.

حضار: پول را که از مبادلات حذفش کنید

دکتر رضائی: نیست، نیست

حضار: مبادله باید با سند باشد سند را که حذف کردیم

دکتر: آن یکی از اصلاً مبادله یک گوشه ای از اقتصاد اسلامی است بسیاری از اجزاء اقتصاد اسلامی اصلاً ذیل مبادله نمی گنجد آنجایی که مبادله را اصل میدانند اقتصاد نهادی است اقتصاد نهاد گرایانه است ما اساساً در اقتصاد اسلامی مبادله را اصل نمی دانیم اصلاً مبادله نیست که اقتصاد اسلامی را رونق بدهد اقتصاد اسلامی یک اقتصاد یک طرفه است عموماً باب اعطاء است باب انفاق است باب تقوا است

حضار: مکاسب هم است حاج اقا

دکتر رضائی: بخشی از آن هم مکاسب حجم نا بازار در اقتصاد ایران حداقل سه برابر بازار است اصلاً اقتصاد ایران بازاری نیست اقتصاد اسلامی هم اقتصاد بازار نیست آنجایی که به ما یاد دادند اقتصاد اسلامی بازاری که اتفاقاً ابتدای مدرنیسم که مکاسب بعد از آن نوشته شده همان نقطه ای هست که اقتصاد از اقتصاد اسلامی منحرف شد

حضار: مکاسب ۱۴ قرن است که نوشته شده

دکتر رضائی: مکاسب محرمی شیخ را دارم عرض می کنم اصلاً ما در

حضار: این مال آلان نیست

دکتر رضائی: نه مکاسب حاج آقا . انفاق هم مال ۱۴۰۰ سال

حضار: فقه و حقوق آقای حائری هم مال چهل سال پیش نوشته شده

دکتر رضائی: انفاق هم مال ۱۴۰۰ سال پیش است نیست اعطا هم مال ۱۴۰۰ سال پیش است وقف هم مال ۱۴۰۰ سال پیش است، اینها کجاست؟

حضار: به هر حال شما تا وقتی مقیاس ارزش گذاری تان آب می شود

دکتر رضائی: مقیاس ارزش گذاری چه کسی گفته مقیاس ارزش گذاری پول است؟

حضار: مقیاس ارزش گذاری شما که دارد آب می شود

دکتر رضائی: مقیاس ارزش گذاری بیفتد پول است

حضار: تا وقتی که این جوری هست پس مردم
دکتر رضانی: چرا مصرف نیست؟ چرا تولید نیست

حضار: اگر این طوری بخواهید حساب کنید

دکتر رضانی: نه این نیست حاج آقا حالا یک بحث مفصلی هست شما مبنا پول را اصل بر اقتصاد میدانید بعد وقتی پول را در اقتصاد اصل بدانید وقتی پول به قول شما آب می شود که به نظر ما هم آب نشده بله می گوید که اقتصاد ما دارد از بین می رود نه اقتصاد ما از بین می رود اقتصاد ما هم رشد یافته است هم مرشد است هم دارد رشد می دهد هم خودش هم بقیه را حالا اینها ادعا است در مقابل ادعای شما استدلال آن باشد انشالله در

حضار: ما فشار را احساس می کنیم حالا شما احساس نمی کنید

دکتر رضانی: فشار بخشی از آن فشار روانی است

حضار: آقای دکتر سوالی از ایشان پرسید ما

خانم محمدی: ببخشید اگر سوالات را به صورت مکتوب

حضار: مکتوب نمی شوند ما باید این مشکل را حل کنیم

خانم محمدی: خوب چون ما آن را به صورت مقاله آقای دکتر رضانی بخشی از ارائه ایشان مانده است

حجت الاسلام صدوق: اجازه بفرمایید نسبت به این چهارچوب فرمایشات

حضار: تقریباً بله یک مسئله

حجت الاسلام صدوق: یعنی می خواهم بگویم سوال خارج از چهارچوب ایشان نباشد

حضار: نه نه خارج از چهارچوب نیست

حجت الاسلام صدوق: بله بفرمایید

حضار: بسم الله الرحمن الرحيم عرض کردند که ما در دولت حداقل انقلابی آقای رئیسی انتظار داریم که درک صحیحی از اقتصاد مقاومتی در مدیران داشته باشند در رده های مختلف مخصوصاً در موانع حرکت من می خواهم عرض کنم که این موانع حرکت را چیزهایی که شما فرمودید روشن است؟

این موانع حرکت را که این جا ذکر کردید که شاید به همان بحث دولتی بودنش برگردد خوب بنده یک مسئولیتی در یکی از شرکت های داروسازی زیر مجموعه شستا دارم خوب ۳۰ درصد تولید داروهای ساخته شده و ۵۰ درصد مواد موثره دارویی کشور دلیل هلدینگ دارویی تامین اجتماعی دارد تولید میشود زیر مجموعه وزارت کار، یک سال و نیم از استمرار دولت سیزدهم می گذرد و بنده مثل یک هواپیمایی که دارد سقوط می کند برای سقوط هلدینگ های شرکت های دارویی را دارم می بینم حالا علتش چی هست؟ علتش خیلی ساده است به دلیل مشکلات همانکه شستا حیاط خلوت دولت ها شده است و به خاطر آن ارتباطات ناسالم در بحث انتصابات و اینها هنوز هیئت مدیره ها در شرکتهای داروی منصوب نشدن بعد از یک سال و نیم

حجت الاسلام صدوق: شما الان دارید به دولتی بودن ارگانها دارید صحنه میگذارید

حضار: بله بله

حجت الاسلام صدوق: ما الان دنبال این هستیم که این چهارچوب چه اشکالی دارد

حضار: من می خواهم بگویم که این درست است که این دولت

حجت الاسلام صدوق: بسیار خوب ما قبول داریم

حضار: سوال اینجاست که چرا در دولت سیزدهم

حجت‌الاسلام صدوق: الان ایشان پاسخگویی دولت سیزدهم نیست ما الان می‌خواهیم ببینیم این چهارچوبی که الان ایشان مطلوب می‌داند

حضار: ولی درست است

حجت‌الاسلام صدوق: خیلی خوب این چهارچوبی که ایشان مطلوب می‌بیند اشکالی به آن وارد هست؟ نگاه کلان تری وجود دارد؟ یا ندارد الان ایشان مسئول پاسخگویی

حضار: نمی‌خواهم پاسخگو باشند داریم بحث میکنیم می‌خواهم ببینم این درک من درست است دولتی بودن این اقتصاد دارو را دارد زمین میزند؟

حجت‌الاسلام صدوق: من مطلع نیستم اگر اطلاعی شما دارید بفرمایید ولی می‌خواهم بگویم در موضوع بحث نیست الان

حضار: می‌خواهم بگویم حاج آقا الان یکسری بچه انقلابی آمدند نشستند اینجا دارند مطالبه‌گری هم می‌کنند

دکتر رضائی: کاملاً درست است

حضار: من می‌خواهم بروم به سمت مطالبه‌گری من چند شب پیش شب جمعه آقای وزیر هم در مشهد بودند این موضوع را خدمتشان گفتم ایشان به دوروبری هایشان نگاه کردند که آیا این چیزی که ایشان دارند می‌گویند درست است که یک سال و نیم هیئت مدیره نداریم دوستان تایید کردند به من گفتند همین امشب احکام هیئت مدیره‌ها را بزنید خوب نزدن هنوز هم دارد همان طور روند مثلاً ما کف میدان هستیم در صنعت دارو قفلیم

حجت‌الاسلام صدوق: حالا من می‌گویم من داخل موضوع نیستم اما چند تا سوال می‌کنم. حالا مثلاً عرض می‌کنم اگر هیئت مدیره ندارد کسی آنجا الان کاری را انجام نمیدهد؟

حضار: نه قفل است حاج آقا

حجت‌الاسلام صدوق: یعنی الان مدیرعامل رفته کنار؟ عرضم به خدمت شما رئیس بخش رفته کنار؟

حضار: بنده مدیر عامل شرکت هستم

حجت‌الاسلام صدوق: خب

حضار: هیئت مدیره نداریم که بخواهد چک امضا بکند

حجت‌الاسلام صدوق: یعنی الان کارگرها وقتی هستند سر ماه حقوق نمی‌گیرند؟ یک ساله ونیم هست

حضار: به سختی، به سختی

حجت‌الاسلام صدوق: حالا این به سختی که شما می‌فرمایید به هر حال یک مجوزی برای شما می‌آید دیگر

حضار: یک چک می‌رود رشت امضا میشود یک چک می‌رود تهران امضا می‌شود بعد از او مال دولت قبل هست هیئت مدیره بعد می‌گوید چک ۵۰۰ میلیون این هفته را چرا امضا نکردید می‌گوید حال نکردم به همین راحتی این اقتصاد می‌خواهم ببینم که چه زمانی قرار هست این رقم بخورد این حرکت این به سمت مقصد در حرکت است که می‌خواهیم حرکت کنیم به سمت مقصد چه زمانی این اتفاق بیفتد و چه کسانی باید این اتفاق را رقم بزنند وگرنه روی شعار و کاغذ و اقتصاد مقاومتی که آقا چند سال هست دارند داد میزنند به نظر من! درست است؟

حجت‌الاسلام صدوق: ما موانع اجرایی که الان در این مسئله که شما گفتید ما ده هزارتا مسئله دیگر هم در سطح کشور پیدا میکنیم از این نمونه‌های که شما دارید ما ده هزار تا دیگر هم اسم ببریم خب اینها میشود موانع اجرایی که اگر فرض بگیریم مثلاً دولتی بودن حرف درستی است که باید کنار گذاشته بشود آن وقت بعد در اقتضائاتی که برای عمل باید وارد بشویم اینها را با هم بحث می‌کنیم چرا؟ و چگونه باید از این فرآیند بگذریم و به مطلوب خودمان برسیم این فرمایش شما را قبول دارم ولی می‌خواهم

بگویم اینها باید اقتضائات دوم و سوم باشد ببینید بنده محضر شما میرسم یک نگاهی از اقتصاد دارم که مشکلی که من می بینم می خواهم بگویم قبل از فرمایش حضرت عالی است یک نگاهی به اقتصاد دارم و مشکل اصلی را یک چیزی میبینم که با این برادرمان که اینجا تشریف دارند و یک تحلیل می کنند مغایر است هیچکدام از فرمایشات ایشان را من نقض نمیکنم یک کلمه از آن را نقض نمی کنم ایشان هم وقتی من گزارش میدهم یک کلمه از آن را ممکن است نقض نکنند اما این دوتا یکی نیست وقتی در زیر بنا جناب آقای دکتر مقصودی یا دکتر رضانی یا آقای قائمی این مسئله ای که ایشان برای تورم میگویند من نقضش نمیکنم اما اینکه چه وزنی به آن بدهم کجا؟ من اینجا اشکال دارم با آقا که باید بیاییم این پایین پایین عامل صدم حسابش بکنیم عامل اول نباید باشد عامل دوم نباید باشد ده تا عاملی که میبینم یک نظم دیگری دارد با آقا هم همینطور این ها همه در مبنای اقتصاد یک گفتمان واحد وجود ندارد خوب حالا اگر این وجود داشته باشد طبیعی بدانید که در شرکت شما این اتفاقات می افتد چرا چون دستگاه هایی که می خواهند بنیان برای اقتصاد بچینند رفاه در یک طرح ندارند وقتی رفاه در یک طرح وجود نداشته باشد که مثلاً عرض می کنم سرمایه گذاری خارجی را که آقا میگویند من مرتب جلوی آن را گرفتم میبینید در مجلس امروز صدا میزنند دولت تحویل نمی گیرد دولت انقلابی خودمان و جواب این را نمی دهند و یک مرتبه احساس می کنی آن چیز هایی که اول انقلاب به عنوان یک شعار به قول معروف بر ضد استکبار مطرح می شد در سرمایه گذاری خارجی امروز به عنوان یک اقتضا دارد مطرح می شود آقای دکتر نیلی وقتی مثلاً می آید مشکلات اقتصاد را برای ما مطرح می کند یکی از عوامل اصلی آنها سرمایه گذاری خارجی می شود خب این نگاه در کلان ترین وضعیت ها وقتی بیاید آقای نیلی با همه ی دوستانشان هم که بیایند بالاخره آقای دکتر مقصودی هم هیئت علمی دانشگاه قم هستند ایشان شروع می کنند به نقض کردن چرا چون یک مبنای دیگر است من هم شروع می کنم لذا جامعه را تهی می کنم از گفتمان او وقتی این آقا هم سر کار بیاید آقای نیلی شروع می کند جامعه را تهی می کند از گفتمان ایشان پس همه در مبنای اقتصاد همه با هم در چالش هستیم این جلسات برای این هست که این وفاق اتفاق بیفتد و ما تعارف را می خواهیم بگذاریم کنار علیرغمی که خارج از جلسه پشت سر همه ی دوستان نماز می خوانیم و متقابلاً آنها هم ولی می خواهیم یک وفاقی اتفاق بیفتد که بر اساس آن وفاق یک گفتمان واحد برای مردم مطرح شود من حتماً صحنه می گذارم رو مشکلات شما ولی می گویم بحث ما الان نیست.

حضار: سوال من هم همین است می خواهم بگویم الان وفاق در دولتمردان ما

حجت الاسلام صدوق: نیست

حضار: افتاده

حجت الاسلام صدوق: نه عزیز من نه وجود ندارد

حضار: اشکال همینجاست

حجت الاسلام صدوق: نه ببینید می خواهم بگویم نه در دولتمردانی که الان در دولت موجود وجود دارند

حضار: ۸۰ درصد مردم

حجت الاسلام صدوق: ببینید آقای رئیسی

دکتر رضانی: اگر این انجام بشود که حل است شهید مطهری رضوان الله تعالی می فرمایند که فساد از بالا به پایین سرریز بشود

صلاح از پایین به بالا اگر ۸۰ درصد مردم روی این وفاق پیدا کنند که پریدیم اصلاً

حجت الاسلام صدوق: هر چه که جامعه ی مردمی ما و نخبگانی ما به یک وفاقی روی یک طرحی برسند کار جلو می رود ببینید گفتمان سازمان مجاهدین بوده جبهه ی ملی بوده نهضت آزادی بوده در اصل انقلاب دیگر بله هر کدام هم می خواستند به سمت خودشان بکشند امام هم یک طرف می کشیده است مردم و نخبگان کجا ایستاده اند اگر بدنه ی مردم هم به همین اندازه تکه می شدند انقلاب پیروز نمی شد اما همه آمدند پشت سر امام دیگر جبهه ملی مجبور بود چه کار کند نهضت آزادی مجبور بود زیرآبی

برود تا مثلاً کارهای خودش را جلو ببرند و گرنه در ظاهر مجبور بود همراهی با امام بکند سازمان مجاهدین مجبور بود در ظاهر همراه امام بکند آنجایی هم که بعد از انقلاب چالش‌شان عمیق شد دیگر چطور شدند؟ جدا شدند مردم الان سر یک بیان نایستادند یک عده بدبین هستند به مدیران این بیاید پایین آن برود بالا خوب میشود مشکل را مدیریتی میدانند یک عده ای می آیند در مبنا و تحلیل بازتحلیل‌ها مختلف است مگر ما انقلابی‌ها به نحو درستش به سر و کله‌ی هم نزنیم و آن وحدت اتفاق نیفتد مسائل امثال مسائل شما به راحتی تعدادش به هزار و ۲ هزار و ۱۰ هزار می‌رسد

حضار: مردم رئیس جمهور انتخاب میکنند و یک نماینده مجلس

حجت‌الاسلام صدوق: بحث بحث علمی بود

دکتر رضائی: ببخشید حاج اقا در رابطه با همان موضوعی که شما می‌فرمایید فرض کنید که هیئت مدیره هم منصوب شود حالا یک توضیحی هم من بدهم نسبت وزارت تعاون کار و رفاه اجتماعی با مجموعه شخصی این هست که نسبت را اول عرض کنم شخص آقای وزیر و رئیس هیئت امنای سازمان تامین اجتماعی هست و بدنه وزارت تعاون کار و رفاه اجتماعی هیچ ارتباطی با مجموعه سازمان تامین اجتماعی و شرکت‌های زیر مجموعه اش ندارد خلاف قانون هم هست اگر گفت چون آن یک مجموعه‌ی غیردولتی است فقط به حکم قانون وزیر تعاون کار و رفاه اجتماعی رئیس هیئت امنای هست بدنه اصلاً نباید ارتباط بگیرد

حضار: ولی در زمان آقای عبدالملکی می‌گفتند استخدام یک کارگر باید مجوز من را داشته باشد

دکتر رضائی: نه نه چه کسی؟ وزیر بله ولی اینکه مثلاً بیاید بگوید اگر کسی را میخواهید استخدام بکنید برو ببین معاونت اشتغال چه می‌گویند معاونت... نه شخصاً مسئول بوده است دیگر به خاطر همین گفته است دیگر گفته من مسئولم شخصاً پس باید با من هماهنگ کنید این یک نکته دوم من سوالم این است اگر هیئت مدیره این شرکت دارویی منصوب شود این شرکت مولد مردمی دانش بنیان درون‌زا و برون‌گرا میشود؟

حضار: من ۱۰ تا پروژه را آقای دکتر دارم...

دکتر رضائی: نه به من بگویید میشود یا نمیشود؟

حضار: به نظر من میشود

دکتر رضائی: یا همان روال قبلی را ادامه بدهد

حضار: نه می‌شود

دکتر رضائی: تازه داروهایی را هم که ما تولید میکنیم که آنقدر هم

حضار: اگر این اتفاق افتاده بود کمبود آنتی بیوتیک در کشور به وجود نمی‌آمد

دکتر رضائی: آنتی بیوتیک نه درون‌زا یعنی این شرکت دارویی میرود به سمت مثلاً طب سنتی؟ می‌رود؟ نمی‌رود که

حضار خانم: بحث‌های شخصی دارد مطرح میشود

حضار: اینها مشکلات صنعت هست مشکلات اقتصاد است

دکتر رضائی: ما یک شاخص گذاشتیم و با همین هم می‌خواهیم ببینیم با این‌ها می‌توانیم به این سوال پاسخ بدهیم، بعید می‌دانم

خانم حکمت پور: آقای... تلفن بازرسی را ۸۹:۳۲ که پیگیری شود

حضار: بازرسی را من چه کار دارم من می‌خواهم مشکلات حل بکنیم

خانم حکمت پور: حالا چون چهارچوب جلسه در چیز دیگری تعریف شده...

حضار: اصلاً به وزارت کار ندارم ممکن است در وزارت آموزش و پرورش در بحث تربیتیمان مثلاً مشکل داریم اگر قرار است اینجا مشکلات مطرح نشود ما می رویم دیگر ما کاری نداریم برای چی وقت گذاشتیم

خانم حکمت پور: جلسه مطالبه نبوده، جلسه ی ۸۹:۴۷

حضار: اصلاً مطالبه نیست من سوالات برای خودم می خواهم حل بشود

دکتر رضانی: خوب ما هم پاسخ می دهیم به آنها

خانم حکمت پور: یک جلسه مجزا می خواهد

دکتر رضانی: من سوال شما را از شخص آقای وزیر مسئول هستند مسئول انتصابات شخص آقای وزیر هستند به تناسب مسئولیتی که در هیئت امنای تامین اجتماعی دارند و لاغیر، ولا غیر؛ یعنی ارتباطی که بدنه ی وزارت...

حضار: آقای دکتر مقصودی می توانند ایشان منتقل کنند و این صنعت دارویی کشور را دارند در واقع به زمین می زنند به دلیل دولتی بودن آن

خانم حکمت پور: آقای دکتر متوجه صحبت شما هستیم ولی میزبان هم هدف گذاری برای این جلسه کرده است که دارد از هدف گذاری اش...

حضار: اشکالی ندارد ولی

خانم حکمت پور: ولی ما جلسه نشست های بعدی می گذاریم حالا در خدمتان هستیم به صورت جلسات خصوصی

حضار: سوالات را حالا خودتان بپرسید من دیگر سوال نمیپرسم، برای من سوال بود

خانم حکمت پور: خیلی متشکر

دکتر رضانی: آقا بفرمایید دیگر

حجت الاسلام صدوق: بسم الله الرحمن الرحيم یک مقدار از صحبت را که قبلاً عرض کردم یک کلام از این فرمایشات را نقض نمی خواهیم کنیم که کنار گذاشته باشیم اما نقص آن و یا تکمیل کردن آن چگونه می تواند اتفاق بیفتد من به نظرم وقتی در بیانیه گام دوم خواهیم ورود پیدا کنیم طبیعتاً باید آن نسبت های کلانی که اقتصاد جزئی از آن است را توجه داشته باشیم تا بعد اگر اقتصاد میخواهد وسیله باشد نه هدف آن چیزی که در قانون اساسی مطرح شده این معنا پیدا نکند یعنی نسبت سیاست و فرهنگ و اقتصاد تبیین شود حالا اگر این بحث سازندگی و توسعه زیرساخت ها توزیع منابع و امکانات را بخواهید ربط اقتصاد به بقیه بخش ها در نظر بگیرید من این را متوجه نمی شوم درست است قبل از ورود به اقتصاد توضیحش دادید ولی فکر نمیکنم که الان این ربط به بخش اقتصاد با بقیه بخش ها بخواهد باشد که در بیان شما هم من این را تلقی نداشتم یعنی مسئله مسئله ی اقتصادی است چه سازندگی توسعه زیرساخت باشد چه توزیع منابع و امکانات باشد مقدمه ای است برای ورود به خود بحث اقتصاد لذا نسبت این ها را با سیاست و فرهنگ برای مقدمه بحث اقتصاد برای اینکه هدف نیست اقتصاد این باید مطرح شود چرا چون که مبنا و مبدا یکیش چه شده است؟ اقتصاد هدف نیست اما بدون آن به اهداف نمی توان دست یافت یک اینکه پایه ای گذاشته ایم و حالا میخواهیم بر اساس این پایه عرضم به خدمت شما یک حرکتی را مطرح بکنیم و مسئله دوم اینکه تحلیل های رقیبی هم نسبت به خود بیانیه وجود دارد یعنی فرمایشات آقا در بیانیه تحلیل های مختلفی از آن شده است و حتی در اقتصاد مثلاً خود آقای... نه در بخش سیاست اقتصاد مقاومتی و همچنین در ارتباط آن با سیاست های اقتصاد مقاومتی و سیاست های کلی اصل ۴۴ که فرمایشات دیگر حضرت آقا هست مثلاً آقای عبدالملکی کتاب بحث اقتصاد مقاومتی ایشان نوشته اند خوب این سرفصلهای آن با این سرفصل ها چه نسبتی میتواند پیدا کند و چه ارتباطی دارد و همچنین اصل این طرح که نوشته شده است با سیاستهای کلی اصل ۴۴ که آقا در بحث اقتصاد ورود کردند و با سیاست های مقاومتی که مطرح کردن غیر از این دوتا سند چیز دیگری از آقا ما فکر نمیکنم...

دکتر مقصودی: در حوزه اقتصاد؟

حجت الاسلام صدوق: بله

دکتر مقصودی: اصلش این دو تا است ولی در سیاست های کلی مخصوصاً در حوزه علم و فناوری سیاست حوزه محیط زیست، سیاست های متعددی که هنوز همه آنها ابعاد اقتصادی جدی دارند

حجت الاسلام صدوق: اینها را هم باید نسبتش را با این غرب آدم بتواند هماهنگ کند این سطح اصلی است که به نظرم می‌رسد باید کامل شود اما در بحث کلان آن مبنا و مبدا ظرفیت موانع مسیر و مقصد این یک در قالب تمثیل است یعنی ما اگر بخواهیم از یک جایی به جایی حرکت کنیم مبدا کجا است به کجا می‌خواهیم برسیم مقصدمان کجا است مسیرمان چی است البته یک ماشین هم می‌خواهیم این ماشین اینجا مغفول واقع شده است یعنی حالا یا ظرفیت را باید بگوییم ماشین است یعنی ابزار حرکت البته در مسیر است اما یک وسیله ای برای این حرکت لازم است.

(نه یک فهرستی را ما داده بودیم آن را مورد نظر ما بود میخواستیم بر اساس آن فهرست عرضی داشته باشیم) و مساله دیگری که باز آن هم اصلی است این که در مجموعه این مطالبی که بیان شد چه در بحث اصل اصل آن نام مبدا و مبنا و ظرفیت و موانع مسیر و مقصد، چه در هر کدام از این عواملی که مطرح شد ما اولویت بندی در آن نمی‌بینیم که کدام آن اول است کدام دوم کدام اصل است کدام فرع است و من مهمترین اشکالی که همیشه در اقتصاد ایران خصوصاً وجود داشته و این را نتوانستیم حلش کنیم بین این متغیرهایی که مطرح می‌شود بعضاً تناقض روشی و تحقیقی وجود دارد اینها را نمی‌توانیم حل کنیم مثلاً ما می‌گوییم مسئله عدالت عرض به خدمت شما توزیع عدالت محور در مقصد یعنی هدف ما است توزیع عدالت محور که ما جزء مقاصد ما است خوب این ربط آن با تولید انبوه چیست؟ اگر تولید انبوهی که باز این هم خودش جزء مقصد است بدون سرمایه عظیم و در کارخانه های بزرگ اتفاق نمی‌افتد خوب سرمایه ها یک تمرکزی را ایجاد می‌کند که آن تمرکز یک قله ثروتی را لازم دارد و آن عدالت اگر بخواهد کنار این هماهنگ شود چه جوری می‌تواند محقق شود یا مثلاً عرض می‌کنم چه جوری من می‌توانم تولید انبوه با کیفیت داشته باشیم مصرف هم به اندازه باشد مثلاً امکان تحقیقی آن چگونه میتواند باشد اگر شما تولید انبوه کردید خوب مصرفتان هم می‌خواهید انبوه باشد چرا مصرف متناسب و بدون اسراف باشد با چه ابزاری این را کنترل می‌کنید؟ چه مکانیزمی دارید برای این کنترل که خوب اگر حضور ذهن داشته باشید جلسه قبل عرض کرد که الگوی درآمد طبقاتی را غرب برای نسبت بین مصرف و تولید پیشنهاد می‌کند چه در آمد چه در مصرف باید الگو طبقاتی باشد ما چه مدل جایگزینی می‌خواهیم بدهیم چگونه از درون من مسرفانه رفتار نکنم موحد ترین مردم دنیا مردم ایران هستند و مسرف ترین مردم دنیا هم مردم ایران هستند این چه جوری با این مانع داریم در این جمع می‌شود چه مشکلی الان ما داریم که اگر این بالاتر برود معلوم نیست مصرف مان پایین تر بیاید ممکن است مصرفمان هم بالاتر برود چه ابزاری می‌توانیم برای این داشته باشیم و طبیعتاً وقتی اولویت ها را می‌خواهیم مطرح بکنیم کمیت های تخصصی و تخصیصی را هم لازم داریم یعنی عدد و ارقام لازم است که مثلاً آقا می‌فرمایند رشد اقتصادی باید به ۸ درصد یا مثلاً ۱۰ درصد یا ۱۴ درصد این عدد ها باید مبین کلان ترین وضعیت اقتصادی هم باشد و... (بعد از این هم یک چیز دیگر که میخواستیم عرض کنیم) مسئله بعد هم در آن مسئله که حالا ماشین لازم دارد که همان قسمت ۵ گانه شما باید با آن توجه شود این است که تحلیل از وضعیت موجود هم به نظر من نمیرسد که اتفاق افتاده باشد یا حالا در موانع و یک جایی من این را نمی‌بینم که وضعیت موجود چی است الان اگر وضعیت موجود را بخواهیم طراحی کنیم آن وقت نسبت آن با اسلام چی است با غرب چی است این وضعیت موجود چقدرش اسلامی است چقدر آن غربی است و این تکلیف آن معلوم نیست حالا ما این هرج و مرج اقتصادی را هم از یک طرف می‌گفتیم به دلیل اینکه مقابل دستگاه مدرنیته ایستاده است حسن است یعنی این ناهنجاری سطح آن که برخورد آن با یک ساختار علمی است که از مدرنیته دارد به ما فشار می‌آورد و این یک حسن است از طرف دیگر بد است به دلیل اینکه نتوانسته است ساختار اسلامی آن را طراحی کند یعنی اگر ساختار های اسلامی طراحی شود از این هرج و مرج باز

خارج میشویم این چیزهایی بود که من به نظرم می‌رسید لازم است به آن توجه کنیم آن وقت در این فضا اگر توجه به این سطوح میشود آن وقت شاید نظم مباحث یک مقدار تغییر کند نکته بعدی که آن هم به نظرم مهم است و عرضم فراموشم شد روشن شود تعریف هر کدام از این اصلاحات در علم اقتصاد تابع روابطش هم هست یعنی اگر می‌گوییم سرمایه انسانی در نسبت با متغیر سرمایه عرضم به خدمت شما پولی یک تعینی را دارد که اگر شما بخواهید بیایید اصل قرار بدهید این وضعیت اقتصادی جدیدی را می‌طلبید یعنی باید ریاضی جدیدی در اقتصاد هم تحویل بدهد این را اصل مسئله هم به نظرم همین قسمت است اگر این را توجه نکنیم این در سطح به تعبیر بد آن به صورت شعار باقی می‌ماند اما اگر بیاییم نسبت‌ها را که در تعاریف هم تغییر تعریفی ایجاد می‌کند ذخایر و مثلاً منابع موقعیت جغرافیایی هر کدام از اینها مولد بودن دانش بنیان بودن یعنی دانش بنیان در ادبیات اقتصاد مدرن عرضم به خدمت شما چیزی است که تعداد نیروی کار را کم کند به نفع تولید ابزارهای عظیم برای تولید انبوه اکثر دانش‌ها باید به صرفه جویی در مقیاس تولید منجر شود یعنی با یک هزینه کمتری باید یک چیز بیشتری تولید کند با یک نیروی کمتری تولید بیشتری داشته باشیم این نسبت‌ها خوب طبیعتاً تعاریف را به نظرم عوض میکند یعنی به تعبیر دیگر دانش بنیان بودن با مردمی بودن در علم اقتصاد می‌گویند قابل تحلیل نیست که بخواهد کنار هم قرار بگیرد ولی چه جوری هم دانش بنیان کنم و حال اینکه قرار است ما قانون کار را در تولید کارخانه کم کنیم اگر کارخانه‌های دستگانه‌های آن جدیدتر شود از وضعیتی که دارد طبیعتاً باید یک دستگاهی داشته باشیم که اگر با ۱۰ تا کارگر کار میکرد الان با سه تا کارگر کار کند خوب اینها چیزهایی است که به نظرم می‌رسد اگر به آن توجه کنیم شاید یک چند قدمی به همدیگر نزدیک میشویم با عرایضی که من در جلسه گذشته خدمت دوستان عرض کردم

حضار: ببخشید دانش بنیان بودن را فقط دانش صنعتی معنی می‌کنند

خانم محمدی: اگر اجازه بدهید آقای دکتر مقصودی بفرمایید

دکتر مقصودی: بسم الله الرحمن الرحیم تشکر می‌کنم از آقای دکتر رضانی و حاج آقا صدوق و اساتید بزرگوار که در جلسه حضور دارند حاج آقا فرمودید و آقای دکتر هم استفاده کردیم من یک چندتا نکته عرض کنم انشاءالله که کمک کند به قوام بحث حالا یکی دو تا نکته استردادی لازم به بعضی از نکاتی که آقای دکتر رضانی گفتند چون بعضی از این جنس اطلاعات اگر درست منتقل نشود ایجاد شبهه می‌کند مثلاً آقای دکتر رضانی فرمودند ما با سرمایه خارجی سازندگی انجام ندادیم درست هم می‌فرمایند یعنی آن سرمایه خارجی که سردار سازندگی وارد ایران کرد صرف ایجاد تورم شد در واقع و هیچ وقت در ساخت و ساز نرفت یعنی اساساً جنس سرمایه‌گذاری خارجی نئو لیبرال هیچ وقت در انقلاب اسلامی نتوانسته است تولید کند

حضار: حشمش را بگیرد

دکتر مقصودی: حدود ۱۵ تا ۲۰ میلیارد دلار در دهه ۷۰ این‌ها وارد کردند که تا ۳۵ میلیارد دلار هم در طول سال‌های پس از انقلاب

حضار: در صد آن چقدر بوده است از اقتصاد؟

دکتر مقصودی: از اقتصاد هیچی

حضار: هیچ حسابی

دکتر مقصودی: هیچ

حضار: یک در صد هم نبود

دکتر مقصودی: نه هیچ مثلاً فقط اندازه GBP مان در دهه ۹۰، متوسط ۵۵۰ میلیارد دلار است. اگر دلاریش را بخواهیم حساب کنیم. نابازاری‌ها را بخواهیم بریزیم دور که چهار، پنج برابر است. ولی همین مبلغی که وارد شد، البته در قراردادهایی هم که وارد کردند، اگر بروید و ببینید، مثلاً قرارداد ایجاد فاضلاب اهواز است، مثلاً آنجا رفته و خرج شده و هنوز هم میدونید که مساله حل

نشده است. یعنی آنجایی هم که رفته است تلاش کند که خرج شود یک جاهایی مثل اینجا بوده که الان خیلی دارد ددرسهای بیشتری درست میکنند .

یا بخش عمده‌ای از آن در مسئله ی کاهش رشد جمعیت صرف شد. ما اصلا با مجوز بهداشت جهانی و ازبخشی از این سرمایه‌های خارجی را وارد کشور کردیم. یک پروژه‌های هست که سال ۱۳۵۲ یوتایی‌ها در ایران انجام دادند که اسمش **population project** (پروژه جمعیت) است. در آنجا در پروژه ی جمعیت می‌گوید شرط اعطا وام‌های خارجی صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی به ایران این موارد باشد که هفت، هشت مورد را نام می‌برند که یکی از آنها کاهش رشد جمعیت است، اصلی‌ترینش، خوب عنوانش **Population project** (پروژه جمعیت) است. این را یوتایی‌ها در ایران انجام دادند. خوب طبیعتا در کشورهای مشابه هم ممکن است این را انجام داده باشند. جالب است، اصل و محور **population** جمعیت است دیگر، آنجا می‌گوید از طریق نظام درمان، نظام دارو و در یکی دیگر از مواردش می‌گوید از طریق برنامه‌های تغذیه آتی! خیلی جالب است می‌گوید باید جمعیت را کنترل کنیم از طریق برنامه‌های تغذیه آتی. یعنی جنس تغییر نظام تغذیه‌ای هم که ما در دهه ۵۰ و ۶۰ در ایران داشتیم برای کنترل جمعیت اعمال می‌شد در کشور ما. حالا این هم نکته‌ای هست که ما در دهه ۷۰ دقیقا همان پروژه جمعیت را ادامه دادیم و من در یافته‌هایش می‌دیدم که در سال ۱۳۵۲ یک آقای است به نام امیرمنصور سرداری (۱۳۵۴) مصاحبه‌ای با روزنامه اطلاعات می‌کند. می‌گوید که ما در طول اجرای **population project** (پروژه جمعیت) ابتدایش ۱۳۴۵ است، ۱۳۵۲ یوتایی‌ها این گزارش را منتشر می‌کنند و در سال ۱۳۵۴ امیرمنصور سرداری مصاحبه‌ای انجام می‌دهد و می‌گوید در طول این ۹ سال اجرای برنامه ما از تولد سه و نیم میلیون نوزاد جلوگیری کردیم. در آن بازه زمانی که ما جمعیتمان حدود ۳۰ میلیون نفر است.

حجت الاسلام صدوق: سه میلیون هم زیاد بوده است

دکتر مقصودی: بله و بعد اینها می‌گویند ما باید یک کاری کنیم که ۱۹۹۰ جمعیت ایران حداکثر (فکر می‌کنم) ۶۰ میلیون نفر باشد حالا خاطر من نیست. دقیقا سال ۱۹۹۰ و ۱۱ سال بعد از انقلاب اسلامی

دکتر مقصودی: در سال ۱۳۷۰. دقیقا همان چیزی که در برنامه یوتایی‌ها هست همان محقق می‌شود با اینکه ما یک جهشی را در دهه ۶۰ انجام می‌دهیم. همان برنامه ادامه پیدا می‌کند بحث نظریه توسعه‌ای که آقای رضانی فرمودند، یعنی جنس سرمایه‌هایی هم که وارد می‌شود، و سالهایی هم وارد شده است مثلا یک ۵ میلیارد دلاری بنا بود که «توتال» وارد کند، چند دوره هم قرار بود در دهه ما ۷۰ با «بریتیش پتلیوم» قراردادهای سرمایه‌گذاری خارجی بستیم و البته من الان هم نگران قراردادهایی هستیم که با روسیه داریم می‌بندیم . یک عدد ۴۰ میلیارد دلار مطرح است، امیدوارم درست هدایتش کنند ولی خب این هم عددش نگران کننده است. در هر صورت آقای دکتر رضانی به عبارتی یک شابلنی را روی فرمایشات حضرت آقا گذاشتند، طبیعتا هرکسی هم می‌تواند روی تکست (متن) شابلن خودش را بگذارد. من می‌دیدم که چند وقت پیش مثلا آقای غنی‌نژاد درباره اقتصاد مقاومتی مطلب نوشته بود : خوب، اقتصاد مقاومتی عین خصوصی‌سازی هست، اقتصاد مقاومتی عین بازار آزاد هست، اقتصاد مقاومتی عین از بین رفتن دولت در مناصبات تصدی‌گرایانه دولت هست و...

حجت الاسلام صدوق: آقای نیلی هم همینطور...

دکتر مقصودی: بله آقای نیلی هم فکر می‌کنم یک سخنرانی در اقتصاد مقاومتی داشتند، اخیرا در اقتصاد اسلامی هم شاگردانشان شروع کردند و دارند سخنرانی می‌کنند، مطلب می‌نویسند، تدریس اقتصاد اسلامی را هم شروع کردند. لذا ما می‌خواهیم این شابلنی که آقای دکتر رضانی روی صحبت‌های حضرت آقا گذاشتند را ارزیابی کنیم. به اعتقاد من بخشی از ارزیابی این شابلن به نوع نگرشی که حضرت عالی دارید برمی‌گردد. نگرش منطقی خاصی که بالاخره باید طراحی شود تا نظام روابط متغیرها را خوب بتواند استخراج کند. بخشی‌اش این است طبیعتا. اما بخش دیگرش هم قطعا به این برمی‌گردد که ما از چه منظرگاه اقتصاد سیاسی و از چه منظرگاه اعتقادی به این مساله نگاه کنیم. یعنی گاهی اوقات ما برای شناسایی سره یا ناسره بودن یک شابلن چاره‌ای نداریم

جز اینکه برگردیم به این جمع اعتقادی و نظام ولایی که آن فرد رویش قرار می‌گیرد و به مساله نگاه می‌کند. این هم برای ما ها خیلی قابل تصور است معمولا هم به این اعتماد بیشتری می‌کنیم. آن بچه انقلابی این مدل دارد نگاه می‌کند. هرچند این هم آسیب‌های جدی می‌تواند داشته باشد.

دکتر مقصودی: کما اینکه آن هم آسیب‌های جدی دارد. ولی چاره‌ای جز ضرب این دو در هم نداریم. یعنی اگر که...

حجت الاسلام صدوق: قسیمش چه بود؟

دکتر مقصودی: قسیمش رویکرد شماسست دیگر. نظام روابط متغییرها و منطقی که حاکم می‌کنیم بر روابط بین مفاهیم.

حجت الاسلام صدوق: یعنی اینها مقابل هم هستند؟

دکتر مقصودی: نه، نه در کنار هم هستند. این دو روش را داریم برای شناسایی شابلن و ارزیابی شابلن، هیچ کدامش را هم نمی‌توانیم کنار بگذاریم. ولی در هر صورت تا وقتی که، ... حتی اگر منطق هم کامل شود، آن فردی هم که دارد از این منطق استفاده می‌کند پراهمیت است.

حجت الاسلام صدوق: اقتصاد سیاسی را گفتید؟

دکتر مقصودی: اقتصاد سیاسی و نظام ولایی و اعتقادی که فرد در آن قرار می‌گیرد و از آن چشم‌انداز به آن مساله نگاه می‌کند؛ یعنی آنجا یک مقدار اشراقی‌تر است.

حجت الاسلام صدوق: بله...

دکتر مقصودی: چه بسا بیشتر از یک مقدار.

حضار: چهارمی هم دارد دیگر؛ نظام فقهی.

دکتر مقصودی: نظام فقهی دقیقا همان نظام روابط بین متغییرهاست. فقه خیلی استحکام دارد. استحکام منطقی دارد.

حضار: نظام ولایی فرمودید، نظام سیاسی..

حجت الاسلام صدوق: نه، سیاسی و نظام اقتدارولایی یکی است.

دکتر مقصودی: بله، سیاسی و اقتدار ولایی من یک منظومه گرفتم، فقه و منطق و نگرش علمی را...

حضار: با مبنای دیگری که شما می‌فرمایید یک پیشینه است نظام فقهی یک پیشینه دیگر است.

دکتر مقصودی: بله بله الان خیلی روی تفاوت‌های جزئی‌اش بحثی ندارم. فقه مستحکم‌ترین ساختاری هست که ما الان می‌توانیم به آن رجوع کنیم. همان فقه هم اگر در نظام ولایی قرار نگیرد و دست شیطان قرار بگیرد از آن چه چیزها که در نمی‌آورد. کما اینکه منطق هم همین است.

حضار: در ضمن این نظام ولایی که الان در ذهن‌ها هست، دارید منشا فقهی‌اش را نگاه می‌کنید یا دارید منشا وجودی‌اش را نگاه می‌کنید؟ این کدام هست؟

حجت الاسلام صدوق: نه ایشان در منظر اعتقاد می‌خواهد بگوید. حالا من وقتی توضیح بدهم متوجه می‌شوید.

دکتر مقصودی: لذا جنس شابلونی که دکتر رضانی گذاشتند روی فرمایشات حضرت آقا از دو منظر بنظر قابل ارزیابی است. از این منظر که ایشان خوب الان نسبت و تناسب بین متغییرها را به چه نحوی در نظر گرفتند که بنظر من باید موضوع بحث بعدی ایشان باید باشد اگر که خودشان هم صلاح بدانند. که مثلا اگر می‌گویید دانش‌بنیان و از آن طرف هم می‌گویید تولید انبوه چطور اینها را می‌خواهید با هم جمع کنید؟ چون طبیعتا جواب حاج آقای صدوق من مثلا مقاله‌های آقای حیدری را خواندم و خیلی هم به مقاله دانش‌بنیانی من شبیه بود این است که جنسی از دانش‌بنیانی که روی تولید خرد باید سوارش کرد را باید در نظر گرفت.

یا نه این تولید انبوه طبیعتاً در بیان شما را من احتمال می‌دهم این باشد که منظور تولید فراوان است و نه تولید در mass production factories در کارخانه‌های تولید انبوه. که خوب اینها باید باهم جمع شود.

حجت الاسلام صدوق: البته اصطلاحش را هم باید جدید بکنیم که اشتراک لفظی داشته باشیم.

دکتر مقصودی: بله. یک نکته‌ای آقا دارند، این استفاده از اصطلاحات، بالاخره ما باید یک مبنایی را بلاخره باید بپذیریم، یا اینکه آقا در مبنای سرمایه‌داری دارند جعل اصطلاح می‌کنند که بعضی از انقلابی‌ها این گیر را زیاد به آقا می‌دهند. می‌گویند آقا لیبرال است. چرا آقا لیبرال است؟ چون آقا می‌گوید سرمایه انسانی. خوب سرمایه، capital، در ادبیات اقتصاد سرمایه‌داری، در مدل رشد، یعنی عامل تولید؛ یعنی انسان را تنزل دادن در مقام سرمایه. یا مثلاً همین دولتی بودن. اگر از دریچه‌ی لیبرال در صحبت‌های آقا نگاه کنید می‌گوییم آقا می‌گویند دولت از بین برود و تصدی‌گری‌اش هم از بین برود، پس چه جایگزین شود؟ بخش خصوصی.

که بنظر من و حداقل این جمع با توجه به شناختی که از حضرت آقا داریم، آقا لیبرال نیستند یعنی از ساحت ایشان بر نمی‌آید که بیانشان از سرمایه‌کپیتال باشد. لذا بنظر می‌آید یک جنسی از مفاهیم را می‌خواهند برقرار کنند در عین حال یک خرق عادت و تصرف در واژه هم داشته باشند.

حجت الاسلام صدوق: مثلاً ما در آن چشم‌انداز بیست ساله‌شان، می‌فرمایند ایران کشور بیست توسعه یافته با عاملیت اسلامی و انقلابی، تاثیرگذار در منطقه و جهان اسلام و بین‌الملل.

دکتر مقصودی: بله.

حجت الاسلام صدوق: سند سال ۱۳۸۴ یا ۸۳ فکر می‌کنم ابلاغ شده است. آنجا کلمه توسعه‌یافتگی را آقا می‌گویند. بعد خوب، همه‌ی نخبگان شروع می‌کنند به تحلیل چشم‌انداز کردن. یعنی آقای نیلی از این نوع تحلیل‌ها دارند، که آقا می‌گویند چطور حرف من را بردید تا آنجا؟ من کنارش گفتم اسلامی - انقلابی. چرا شما آن توسعه‌یافتگی را آنطور بزرگش کردید که هرچه مدنظر من از اسلامی - انقلابی بود کنار رفت. لذا بعد در سال ۹۰ - البته ۸۹ فکر می‌کنم - که می‌فرمایند که ما می‌گوییم الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و تعمداً اسم توسعه را نمی‌آوریم به دلیل آنکه بار ارزشی خاص خودش را دارد. بار ارزشی خاص خودش را دارد. ما در بحث‌ها اگر الفاضلی از آقا هم گفته می‌شود به دلیل این است که کنارش چیزهای دیگر گفته شده‌است که با آن معنای متداول در اقتصاد مغایر است ما می‌خواهیم این توجهی را که می‌کنیم باید ذهنمان مستقیماً به آن معنایی که در اقتصاد متداول است نباید برود. ما یک تعریف جدیدی از آن بدهیم از لحاظ معنایی. بعداً اگر لفظ را هم عوض کنیم بنظر خیلی خوب است.

دکتر مقصودی: خوب است که آقای رضانی در دوره بعد اگر فرصت شد، این اگر تفاوتی دارد واژه‌ها و مفاهیمی که آقا در بیانیه گام دوم می‌فرمایند در نگاه شما از نگاه معصوم، یا بالاخره نگاهی که با آن کتاب درسی می‌نویسند و اذهان با آن آشنا هست، این تفاوت‌هایش را بگویید. یعنی چطور با نگاه انسانی و با سرمایه انسانی می‌توانیم انسان انقلابی را با سرمایه انسانی و تفکر (Human Capital) می‌توانیم جمع کنیم. یا اصلاً منظور آقا آیا همان سرمایه انسان (Human Capital) است که می‌آید در تابع رشد وارد می‌شود برای افزایش تولید و یا نه یک چیز دیگر است؟

و البته همین به کار بردن الفاظ دارای ابهام هم هست که آقا را قرائت‌پذیر کرده‌است و گرنه اگر مثل مرحوم آقای صدوق صحبت کنند که کسی نمی‌تواند از ایشان ابهام بگیرد ولی خوب کسی هم نمی‌فهمد، مشککش این است مگر اینکه انقدر تکرار کنند در جامعه که...

حجت الاسلام صدوق: یعنی اگر دانشگاه چهار سال لازم است تا لیسانس بگیرند ما اینجا یک ساله می‌توانیم منتقل کنیم.

دکتر مقصودی: ان‌شالله. یک نکته دیگری که در روح بیان آقای رضانی وجود دارد این است که بنظر می‌رسد ایشان تولید را محور می‌دانند.

حجت الاسلام صدوق: بحث اقتصاد سیاسی تمام شد یا توضیح می‌دهید برایمان؟

دکتر مقصودی: حالا اگر می‌خواهید آخرش برگردم و توضیح بدهم.

حجت الاسلام صدوق: بله

دکتر مقصودی: این خیلی هم مهم است که چرا بعضی اوقات آقا در اقتصاد مقاومتی می‌فرمایند که برید تجربه جهانی را هم ببینید. یعنی در تجربه جهانی هم ماجرای اقتصاد مقاومتی را می‌توانید پیدا کنید این در فضای تجربه جهانی هم آن جاهایی که یک جهشی در اقتصادها رخ داده است این جهش‌ها چند تا مبنا داشته؛ یا مبنا، واقعا مبنای تولید بوده است یا جهش مبنایش یک ناسیونالیسم خاصی بوده یا جهش مبنایش خدمتتان عرض شود یک استعمار بوده که وقتی در اقتصاد مقاومتی آقا را نگاه می‌کنی بعضی جاها آقا این جمله را هم دارند که همه ی اینها با تولید حل می‌شود. (حالا جمله دقیقش را اگر شما خاطرتان بود بگید.) راه حل همه ی اینها تولید است چند جا آقا این بحث را دارند یعنی به نظر می‌آید در صحبت آقای رضانی هم همین هست وقتی تولید می‌رود محور قرار می‌گیرد بعد حالا بر مبنای تولید به نظرم خیلی خوب است اگر که شما موافق هستید که آقای رضانی که محور بحث شما هم تولید است بر مبنای تولید این پنج شش بعد را یک بار دیگر بازخوانی کنید یعنی یک توضیح بدهید اگر مبنای این تقسیم بندی، مبنای این حرکتی که شما تعریف کردید تولید است. هر کدام از گوشه گوشه های این شابلونی که در روی صحبت‌های آقا گذاشتید را بر مبنای تولید هم یک تبیینی بفرمایید که ما ببینیم چطور هست و چطور می‌تواند با سایر اجزای شابلونتان جمع شود یعنی تولید با عدالت چگونه می‌تواند جمع شود تولید با دانش بنیان چگونه می‌تواند جمع شود با مردمی بودن چطور می‌تواند جمع شود تولید با موقعیت تجاری ما چگونه می‌تواند جمع شود چون من تصور تاریخی ام از اقتصاد ایران این هست که محور حرکت در اقتصاد ایران تجارت است یک توضیحی می‌شود دیگر ولی گویا تبیین شما از صحبت های حضرت آقا این هست که تولید را باید محور قرار داد بعد در ارکان اقتصاد مقاومتی هم ما برونگرایی را داریم درون زایی را هم داریم خوب آنها راهر کدام از این ابعاد را البته با تجارت هم میتوان توضیح داد خب این جنس نسبت و تناسب اینها را هم اگر توضیح دهید به نظرم خوب هست یک نکته حاج آقای صدوق فرمودند ما پر مصرف ترین مردم دنیا از باب فرض فرمودید دیگر، نیستیم که ...

حجت‌الاسلام صدوق: مثلاً ما نسبت به مشابه خودمان بالاترین مصرف دنیا را داریم مثلاً در مصرف لوازم آرایشی بیشترین مصرف را داریم

دکتر مقصودی: آهان در بعضی از کیس ها وگرنه ما، نه به طور کلی من به نظرم ایرانی ها از کم مصرف ترین آدم های دنیا هستند یعنی کم اسراف ترین نه کم مصرف ترین حالا در برق که می‌گویند من به نظرم ما از کم مصرف ترین ها هستیم تا بقیه اش در بیاید

حضار: ۲:۲۶

دکتر مقصودی: حتی در مصرف برق هم

حجت‌الاسلام صدوق: من به نظرم در مجموعه انرژی و در چیز های مختلف ما بیشترین مصرف را داریم

دکتر مقصودی: حالا می‌توانیم این مورد را بحث کنیم

حجت‌الاسلام صدوق: بله باشه

دکتر مقصودی: پس شما معتقدید که از پر مصرف ترین ها هستیم

حجت‌الاسلام صدوق: بله در نسبت ها یعنی نسبت جمعیتمان به مقدار مصرف مان

دکتر مقصودی: بله دیگر

حجت‌الاسلام صدوق: سرانه ی ما

دکتر مقصودی: که من دقیقاً نقطه مقابل شما هستم که ما کم اسراف ترین ها هستیم در دنیا

حجت‌الاسلام صدوق: البته من بعضی مقوله ها را جزو اسراف نمی‌دانم مثلاً عرض می‌کنم ما یک مقوله ای داریم با عنوان طهارت

این طهارت برای ما در مصرف آب یک مقدار هزینه بر است

دکتر مقصودی: یعنی مصرف آب ما هم کمتر است

حجت‌الاسلام صدوق: ولی من این را جز به اسراف نمی دانم مجموعه مصرف آب ما مصرف برق ما و مصرف انرژی ما و اینها واقعاً
دکتر مقصودی: خوب حالا اینها هم یک بحثی هست دیگر

حجت‌الاسلام صدوق: بله بله یک بحث جدا است

دکتر مقصودی: حداقل ادعای مقابله اش را هم بدانید من دارم، این هم از این نکته

حضار: می‌خواهید جدول را هم ببینید

دکتر مقصودی: دیدم دیدم

حضار: ۵۰ درصد هست

حجت‌الاسلام صدوق: چقدر است؟

دکتر مقصودی: عددها را دیدم

حضار: ایران ۵,۲ دهم درصد سرانه ی مصرف انرژی ایران در مقایسه با کل دنیا آمریکا ظاهراً بیشترین هست ۲۳ درصد ایران ۵,۲
دهم درصد تقریباً می‌شود گفت کشور دهم و دوازدهم است

دکتر مقصودی: خدمتان عرض شود یک نکته ای آقای رضانی اینجا به نظرم فراموش کردید در زیرساخت اساسی شاید برمیگردد
به آن نکته ای که حاج آقای صدوق هم گفتند که شما وقتی می‌خواهید بیان کنید آن مسئله اقتصاد را یک جاهایی از، چون دارید
خود بیانیه را آن قسمت اقتصادی اش را می‌گویید وگرنه خود شما اگر بخواهید کل بیانیه را بگویید این مسئله پدیدار می‌شود
این که واقعاً شروع زیرساخت هم از خود زیرساخت نیست برای اقتصاد در انقلاب اسلامی یک قدرت چانه زنی ویژه‌ای به بدنه ی
اجتماعی داد و یک قدرت ابتکار عملی به بدنه‌ی اجتماعی کشور داد و یک قدرت به قول مرحوم آقا سید منیریک گستاخی به
همه‌ی جامعه داد که اینها همگی با هم زیرساخت‌ها را به سمت مناطق محروم ما جذب کرد وگرنه اگرچه صرفاً و صرفاً حضرت
امام دستور می‌دادند که جهاد سازندگی برو این را برسان به محرومین این به تنهایی کفایت نمی‌کرد آن قدرت مطالبه‌ی زیرساخت
را هم به طبقات مختلف اجتماعی و در کل جغرافیایی ایران دادند یعنی یک زیرساخت سیاسی ایجاد می‌شود از آن طرف یک
زیرساخت فرهنگی از جنس نظریه انفاق
حجت‌الاسلام صدوق: در قسمت اقتصاد؟

دکتر مقصودی: یک قدرت اقتصاد سیاسی به همه مردم ایران دادند که آن قدرت اقتصاد سیاسی هست که می‌تواند فریاد بزند
بگوید من هم هستم وگرنه آن قدرت اقتصاد سیاسی اصلاً نمی‌رسید یعنی حتی رسانه را هم من می‌خواهم بگویم در جمهوری
اسلامی به نحوی توزیع شده است که فریاد عموم مردم دارد شنیده می‌شود که رسانه متمرکز در ایران جواب نمی‌دهد یکی از
علت‌های این است که با ساختار انقلاب اسلامی نمی‌خواند از آن طرف مردم رسانه‌هایی را برای خودشان تولید کردند در انقلاب
اسلامی حالا آن رسانه می‌تواند راهپیمایی باشد می‌تواند تجمع باشد می‌تواند یک فریادهایی باشد که هر از گاهی بعد از انقلاب
اسلامی حتی این ماجرای اغتشاشات اگر که تحریفی که اتفاق افتاد مثلاً یک مدرسه چرا صدایش در نمی‌آید آیا صرفاً بحث شبکه
اجتماعی است؟ خوب شبکه اجتماعی در غرب هم وجود دارد همین شبکه اجتماعی در آمریکا هم وجود دارد چرا در یک مدرسه
ای وقتی که ۲۰ نفر کشته میشود هیچ فریادی بلند نمی‌شود از جنسی که در ایران هست و بخشی از آن به خاطر ماهیت شبکه
اجتماعی هست ما هم چون امنیتی به آن نگاه می‌کنیم یک نظریه کنترل روی آن می‌گذاریم می‌گوییم خوب آمریکایی‌ها یک
شبکه کنترل جدی روی شبکه‌های اجتماعی دارند پس راهکار در ایران این هست که ما هم یک کنترل جدی روی شبکه اجتماعی
داشته باشیم حال اینکه شبکه اجتماعی یک وقتی پهن میشود روی یک ملت انقلابی یک وقتی هست این شبکه اجتماعی می‌رود
روی یک ملت کاملاً برده سوار می‌شود این جا یک سروصدای دیگری برپا می‌کند که به نظر من اینجا در همان بحث زیرساخت
از این جنس توزیع‌ها که پیش از زیرساخت هستند هم می‌شود به آن اشاره کرد حالا این یک نکته. در بحث تولید یک نظریه
بدیعی هم وجود دارد کاش حاج آقا بودند در فرمایش‌شان بود چون شبهه آن شاید در ذهن دوستان افتاده باشد اینکه یک نظریه

بدیعی از هیوم شروع شده بینید نجاست این نظریه به کجا برمیگردد از هیوم شروع شده بعد از ۲:۷:۵۰ و امثالهم تا دیگر در قرن بیستم یکی مثل فرید من آن را فریاد زده آن هم نظریه مقداری پول است که می گوید که محورکنش های اقتصادی پول است پول! تولید و پول را در نسبت گیوتینه خاصی قرار می دهد بعد از دریاچه ی تزریق مکانیزم پولی می خواهد مثلاً مسئله اصلی را تبدیل کند به مسئله تورم یعنی تورم می شود مبنا در این نگاه، راهکار آن میشود پول و بازی تورم- پول از دهه ۱۹۷۰ بازی اصلی لئو لیبرال ها در دنیا که این بازی تورم - پول سرایت داده شده به ۱۳۷۰ در اقتصاد ایران که این بازی تورم - پول مسئله چیست؟ تورم است. راهکارش چیست؟ پول است. پول را تزریق کن تا تورم از بین برود هیچ وقت هم در خود بدنه اروپا و آمریکا هم می بینیم این نظریه را گوش نمی کنند اساساً این ساخته شده برای تزریق اقتصاد هایی مثل اقتصاد ما انگار، یعنی پول مبنا کردن مشکل اصلی هست که خود آن مشکل اصلی معلوم نیست مشکل اصلی باشد یعنی اگر که شما روی این شابلونی که قرار می دهید روی صحبت ها و فرمایشات آقا به جای تولید پول را بگذارید بازی میشود یک بازی دیگر که بعد حالا مسئله میشود مسئله ثبات ارزش پول بعد برای ثبات ارزش پول مکاتب اقتصادی شکل می گیرند حالا در مکاتب اقتصادی هم مثلاً اقتصاد اسلامی ها هستند پول طلاها هستند نمی دانم طرف مقابلشان هم هستند اصلاً بازی اینجا طراحی می شود که به نظر می آید حداقل در فرمایشات آقای رضانی اصلاً بازی آنجا نیست بازی جای دیگری است این حالا برای اینکه

حجت الاسلام صدوق: بله این بحثی که شما داشتید که توزیع محور است این را به عنوان طرح خودتان مطرح میکنید؟
دکتر مقصودی: من به نظرم می آید اقتصاد ایران جهش تجاری است حالا اگر یک فرصتی شده یک موقعیتی
حجت الاسلام صدوق: یعنی وضعیت نسبی آن باید این باشد درست است؟
دکتر مقصودی: یک موقعی

حجت الاسلام صدوق: بحث بعد خدمت جناب آقای دکتر مقصودی هستیم
دکتر مقصودی: یک نقطه شروعی باشد من قبلاً بحثم را زیاد مطرح کردم و دیدند دوستان احتمالاً
حجت الاسلام صدوق: بله در خدمتیم

دکتر رضانی: چون ده دقیقه دیگر مانده است درست است؟ فرمودید تا ساعت ۱۱
حاضر: ۱۱:۱۵ نماز است

دکتر مقصودی: خوب حالا من سعی می کنم مختصر
دکتر رضانی: کوتاه باشد

حاضر: یک نکته ای که آقای صدوق هم اشاره کردند به نظرم می رسد بحث اولویت بندی در این داستان خیلی مهم است در مسیر حرکت حالا در مفاهیم که در اقتصاد داریم مثلاً بحث ترید آف (Trade-off) که مطرح می شود برای همین است چون کار برای انجام دادن که خیلی زیاد است ولی همیشه ما محدودیت داشتیم محدودیت بودجه داریم محدودیت وقت داریم محدودیت زمان داریم در بودجه بندی مملکت اینها باید همیشه لحاظ باشد که اگر قرار است که مثلاً بحث اقتصاد مقاومتی چیده بشود بودجه ریزی مملکت اولویت امر در چه چیزی است؟ الان در مردمی کردن باید باشد؟ در دانش بنیان کردن باید باشد؟ یک این بحث هست یک نکته ی دیگر در این داستان اقتصاد مقاومتی و داستان اقتصادی که مطرح می شود آن نوع نگاهی که به جامعه غربی داریم حالا در کتاب حاج آقای صدوق هم به این مطلب اشاره کردند خیلی جای بحث و انتقاد دارد این که شما به جامعه غربی چگونه نگاه بکنید هم در اساتید اقتصاد اسلامی هم میدانید نوع نگاه ها خیلی مختلف است اساتیدی که از ابتدا همه چیز را غلط می دانند اگر قرار است که جامعه شما اسلامی شود کلاً اصلاً پدیده ای مثل بانک نباید داشته باشیم بورس نباید داشته باشیم اصلاً یک پدیده ی جایگزینی باید داشته باشیم نوع ماهیتی که بانک دارد اینکه ماهیت خلق پول دارد خودش کلاً جامعه ی شما را به سمت فساد و اینها می برد، یک نوع نگاه است. یک نوع نگاه دیگر این است که نگاه جامعه اسلامی باید امتداد نگاه جوامع غربی باشد یعنی چون نیازهای بشر نیازهای مشترک است آنها هم نیاز به در واقع خوراک پوشاک مسکن دارند نگاه اقتصادی ما به اقتصاد

یا اسلامی یا غربی یک جاهایی از آن را آمدند نگاه غربی حالا ما باید تصحیحش بکنیم اصلاحش بکنیم این هم وجود دارد یا مثلاً نگاهی که فکر می‌کنم در کتابتان اشاره کردید این است که نگاه مثلاً فاصله طبقاتی که اتفاق افتاده است در جوامع ما ناشی از مدل اداره غربی است آیا واقعاً این گونه است یعنی اگر حکومت از ابتدا دست امیرالمومنین بود تا به همین امروز ما اصلاً جامعه طبقاتی نداشتیم؟ مگر آن زمان اصلاً جامعه طبقاتی وجود نداشت؟ اینها خیلی قابل بحث است واقعاً

حجت‌الاسلام صدوق: بسیار خوب

حاضر: عذرخواهی می‌کنم

خانم محمدی: عذرخواهی می‌کنم با توجه به اینکه الان ۱۰ تا ۱۵ دقیقه بیشتر فرصت نداریم اگر صلاح میدانید پاسخ سوالات بزرگواران را داشته باشیم یا اینکه مثلاً چون یک تعداد سوالات مکتوب هم به دست ما رسیده این سوالات را مطرح کنیم دکتر مقصودی: سری بعد راند بعدی بگذارید بعد از ظهر

دکتر رضائی: من چون این پاسخ‌ها را می‌خواهم اینجا یک اصلاح کوچک بزنم از زمان آن نگذرد خیلی بعد از آن وقت خانم محمدی: می‌خواهید آن اصلاح را داشته باشید

دکتر مقصودی: من سعی می‌کنم در ۵ دقیقه پاسخ بدهم

خانم محمدی: چشم خواهش می‌کنم بفرمایید

دکتر رضائی: بسم الله الرحمن الرحيم اول تشکر می‌کنم از شما درباره بحث خوبی که مطرح کردید یک عذرخواهی بدهکارم هم به شما هم در محضر حضرت آقا در مورد بعضی کلمات را شاید من درست به کار نبردم و باز البته عرض کردم متن بیانیه را باید بخوانیم واژه‌ها موضوعیت دارد اول یک چیزی را پاک کنم که بله ایشان کلمه سرمایه انسانی را به کار نبردند نیروی انسانی مستعد و با ظرفیت را به کار بردند اینکه من اینجا عذرخواه هستم و می‌پذیرم این را نکته بعدی در مورد وضع موجود که حاج آقا فرمودند حضرت آقا وقتی که این مسائل اقتصاد را مطرح می‌کنند مسائل خارجی تحریم را مطرح می‌کنند

حجت‌الاسلام صدوق: مواع

دکتر رضائی: مسائل داخلی و اینها بعد می‌گویند نتیجه این‌ها می‌شود تورم، بیکاری، عدم ثبات و فقر درآمدی، فقر درآمدی طبقات ضعیف مثلاً نمی‌گویند فقر مطلق

حجت‌الاسلام صدوق: یک بار دیگر تکرار کنید

دکتر رضائی: متن را اگر البته من اگر کارکرد تبیین ما این باشد که شما روی متن حساس بشوید ما کارمان را کردیم یعنی دقیقاً بروید روی واژه‌های متن آقا وقتی می‌گویند که مشکلات ما این‌هاست بعد می‌گویند نتیجه این‌هاست این، این یعنی وضع موجود می‌فرمایند فکر می‌کنم اگر اشتباه نکنم می‌فرمایند که ... یک صلوات بفرستید !! اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم

و من مهمترین عیوب خارجی را که گفتند بعد داخلی را می‌گویند می‌گویند مهمترین عیوب وابستگی اقتصاد به نفت بعد در مورد دولتی بودن بله این را هم اصلاح کنم دولتی بودن یعنی چه دولتی بودن، دولتی بودن بخش‌هایی از اقتصاد که در حیطه و ظایف دولت نیست مطلق دولتی بودن را ایشان من اینجا چون می‌خواستم خلاصه بنویسم ... که در حیطه ی

حجت‌الاسلام صدوق: نه شما در بیانتان معلوم است

دکتر رضائی: دولت نیست و بعد می‌فرمایند که نگاه به خارج نه به توان و ظرفیت داخلی استفاده ی اندک از ظرفیت نیروی انسانی کشور بودجه بندی معیوب و نامتوازن سرانجام عدم ثبات سیاست‌های اجرایی اقتصاد و عدم رعایت اولویت‌ها و وجود هزینه‌های زائد و حتی مصرفانه در بخش‌های از دستگاه‌های حکومتی این هم بگوییم که آقا می‌گویند این هم دستگاه‌های حکومتی ۲:۱۵:۴۹ و بعد در مورد وضع موجود می‌فرمایند که نتیجه ی این‌ها مشکلات زندگی مردم از قبیل بیکاری جوانها فقر درآمدی در طبقه ضعیف و امثال آن است یعنی اگر یک کسی بپرسد وضع موجود ما چگونه است؟ من می‌گویم همین دیگر مشکلات زندگی بعد البته

بیکاری جوانها فقر درآمدی در طبقات ضعیف، فقردرآمدی هم با فقر مطلق فرق می کند فرق مطلق یعنی که یک سری آدم داریم که گرسنه اند لنگ یک نان شب هستند ولی بحث فقر درآمدی داریم که بله طبقات مختلف مخصوصاً سه دهک پایین فقر درآمدی دارند پس اینها دقیق است واژه ها حتماً مهم است و موضوعیت دارد خواهش من این است که حتماً متن بیانیه را هم دقیق واژه به واژه بگذارید مباحثه بکنید یک توضیحی هم بدهم که این نکته این است که آقا بیانیه را خطاب به جوانان نوشته اند من به نظر من مهمترین دانش و پیش فرضی که ما برای فهم بیانیه باید داشته باشیم که مثلاً بگوییم آقا از چه منظری؟! ما مهمترین چیزی که باید برای بیانیه داشته باشیم تسلط روی زبان فارسی است چون آقا دارند فارسی صحبت می کنند مثلاً یک بزرگواری خواهر بزرگواری یک مطلبی گفتند حاج آقا مثلاً گفتند دانش بنیان در غرب اینگونه است ایشان فرمودند کی گفته است که دانش بنیان فقط صنعتی است من میگویم یک انسان فارسی زبان هر آنچه از دانش بنیان میفهمد همین است بعد ببینید شما دقت کنید ما در بحثها گفتیم غرب اینگونه می گوید در این موضوع غرب اینگونه می گوید آقا می فرمایند فعلاً خارج را رها کنید از این واژه ها شما چی می فهمید من فارسی زبانم می خواهم از کلمه ی مولد، تازه آقا فارسی بحث کردند من کلمه ها را دقیق بگویم، می فرمایند که راه حل این مشکلات سیاست های اقتصاد مقاومتی است که باید برنامه های اجرایی برای همه بخش های آن تهیه و با قدرت و نشاط کاری و احساس مسئولیت در دولت ها پیگیری و اقدام شود بعد می فرمایند درون زایی اقتصاد کشور مولد شدن، دانش بنیان شدن آن م، ردمی کردن اقتصاد و تصدی گری نکردن دولت، برونگرایی با استفاده از ظرفیت هایی که قبلاً به آن اشاره شد بخش های مهم این راه حل ها است من عرض این است که هر آنچه یک فارسی زبان چون ببینید مثلاً قبلاً که فارسی زبان می خواند شما فرض کنید چهل سال بعد چهل سال بعد ممکن است تمام این مبانی نظری عوض شده باشد دیگر غرب خیلی مطرح نباشد چهل سال بعد کی با این بیانیه ارتباط می گیرد هر کسی که فارس باشد می خواند میفهمد مثلاً چه جوری ما روی متون فقهی..

حجت الاسلام صدوق: ما فکرچند سال پیش را نمی توانیم بکنیم

دکتررمضانی: نه البته نه آقا می فرمایند که زبان فارسی باید زبان علمی دنیا باشد تا ۵۰ سال آینده پس نکته من این است شما می فرمایید منظورتان چی است من میگویم که فرض کنید یک نوجوانی فارسی بلد است به او می گویم آقا مولد شدن

حجت الاسلام صدوق: ما زبان تخصصی مورد نظرم است نه مورد نظر آقا

دکتر رضانی: آقا.. بیانیه را برای جوانان برای مردم است

حجت الاسلام صدوق: اگر عرفی است شما باید یک واسطه ای بگذارید که این تبدیل به زبان تخصصی آن بکنید

دکتر رضانی: احسن این واسطه است بیانیه است، این بیانیه کمیت را به هم وصل کرده است

حجت الاسلام صدوق: به نظر من با اولویت بندی یا واگذاری هر چیزی که تعریف را می آید یک معنای تخصصی به آن می دهد از

بیانیه ی تعویل یا یک نسخه تخصصی ارائه بدهیم

دکتررمضانی: الان من عرض این است که ما می خواهیم با مردم صحبت کنیم

حجت الاسلام صدوق: عرض میکنم

دکتررمضانی: بگوییم که ما اقتصادمان باید مولد بشود مردم باید بروند از دانشگاهیان بیرسند مولد شدن یعنی چه؟

حجت الاسلام صدوق: ؟

دکتررمضانی: نه باید بشینند فکر کنند مولد شدن یعنی چه؟ شاید دانشگاهیان اصلاً تعبیری از مولد شدن داشته باشند همان

تولید انبوهی است که غربی ها می گویند من اینجا می گویم اتفاقاً اگر ما متمرکز شویم روی همین متن ما باشیم... ذهنمان و کلا

ازعالم بیرون از جمله کلمات ما باشیم و این متن فرض کنید با این متن تنها شدیم فرض کنید ما را با یک چتری برده اند یک

کویری از بالا رها کرده اند تنها متنی که همراه ما بوده است در جیبمان بیانیه گام دوم بوده است بعد مردم آن منطقه می خواهند

بیایند ما می خواهیم بر اساس این با آنها حرف بزنیم از ما سوال می کنند نگاهت به اقتصاد چه است؟ شروع میکنم این ها را

توضیح دادن آن فرد هم احیانا اصلا ممکن است یک انسانی باشد از یک دنیای دیگری آمده باشد اصلا از هر چیز الان ما میگوییم انسانیت از یک دنیای دیگر چیز پیچیده‌ای نیست همین جوانان و نوجوانان در خیابان هم، ما در یک واقعیت زندگی می‌کنیم آنها دارند از یک دنیای دیگری می‌آیند صحبت می‌کنیم می‌بینیم در فضای مجازی دارد زندگی می‌کند اینجا نیست اصلا لذا اینجا تنها راهی که داریم تنها زبانی که داریم فقط فارسی است اصلا جای دیگری نروید باید فارسی حرف بزنینم با هم او شروع می‌کند از واژگان فضای مجازی گفتن آنجا باید پای آن وایستید فارسی حرف بزینید پس بنده عرضم این است که آقا چون یک بار تاکید می‌داشتند که من روی واژگان این بیانیه کار کرده‌اند

حجت الاسلام صدوق:بله

دکتر رضائی: وخیلی این واژگان مهم است در مورد حالا اولویت بندی واینها چون زمان باشد من نگاهم این است که آن ۵ تا واژه باید با هم دیده شود اولویت اقتصاد مقاومتی است بعد ما می‌گوییم اقتصاد مقاومتی یعنی چه؟ با این پنج واژه توضیح می‌دهیم اینها از هم جدا نیستند اینکه ما موضوعات را جدا می‌کنیم این ایراد ذهنی ما است اینها با هر کاری که شما خواستید بکنید این ۵ تا را در آن واحد باید در آن لحاظ کنید مردمی باشد مولد باشد دانش بنیان باشد درون زا باشد برون گرا باشد اینجا اولویت بندی برای... مگر اینکه اولویت بندی را در رفع موانع بخواهید ببینید می‌گویید منظور اول کدام مانع را که من می‌گویم که اگر آنها را اولویت بندی نکنیم با هم ببینیم این موانع را با هم بر طرف میشود این نکته ی بعدی در مورد بحث اولویت بندی ها ما اینجا فرمودیم نگاهتان به جامعه ی غربی چه است ما فعلا نمی‌خواهیم نگاه به خارج کنیم اصلا ما داریم در مورد خودمان صحبت میکنیم در مورد اقتصاد ما داریم صحبت می‌کنیم من همیشه این را عرض می‌کنم که شهید بزرگوار استاد عزیزمان شهید

صدرعنوان مهمترین کتابشان در مورد اقتصاد چه بود؟

حضار:اقتصاد ما

دکتر رضائی: اقتصاد ما اصلاً اقتصاد اسلامی شروع کرد کلمه اقتصاد اسلامی در عنوان کتاب شما نمی‌بینید من عرضم این است گویا اقتصاد اسلامی از استقلال و هویت شروع می‌شود یعنی اول شما باید بگویید من و ما تا اسلام شروع شود این یک نکته من خیلی چیز ندارم روی آن ولی خیلی فکر کردم که چرا اسم این کتاب را گفته‌اند اقتصاد ما انگار باید اول به محض ارتباط با اسلام اول چیزی که درک می‌کنی خودت هستی وجود تو است هویت تو است بودن تو است بعد شروع می‌کند صحبت کردن و خدمت شما عرض شود پس اگر از من بپرسند آخرین نسخه ی اقتصاد ما چیست؟ من می‌گویم بیانیه گام دوم اقتصاد ما است اگر از من بپرسند اقتصاد تو چی است من همین را غیر از این چیز دیگری به ذهنم نمی‌رسد البته خوب این هم صحبت کردن و بحث هم دارد در مورد آن استعاره ای که فرمودید که این راه یک ماشینی هم می‌خواهد دیگر نه من عرض کردم این انسان انقلاب اسلامی می‌خواهد مسیر حرکت باشد رونده ی آن خودم هستم ماشینی در کار نیست این یک مسیری گفتیم حرکت ولی بهتر است بزنینم حالا میتوانی بگویید رشد، انسان می‌خواهد برود این مبنا مبنای یک انسان مبدا یک چیز فیزیکی نیست من از یک جایی می‌خواهم حرکت کنم یک داشته ای دارم این انسان هم انسان نیست یک پک اجتماعی است یک انسان بزرگ است باید بتوانیم تسخیرش کنیم چون این داراها مال آن آدم است مال من که نیست ولی آن آدم اینها را دارد ولی آن آدم یکسری موانع هم دارد آن آدم باید یک کاری یک مسیری را اتخاذ کند تا بتواند به این هدف برسد پس این را هم عرض کنم رونده این راه خودمان هستیم جامعه ما است و هر موقع جامعه مولد شد دانش بنیان شد درون‌زا شد برون‌گرا شد مردمی شد یعنی از تمام توانش استفاده کرد

حضار: ببخشید ما واژه برون‌گرا را یک مقدار بیشتر توضیح می‌دهید اقتصاد برون‌گرا

دکتر رضائی: بله در مورد برون‌گرا ما اگر بخواهیم مثال بزنینم یک چشمه را مثال می‌زنم چشمه درون‌زا است و برون‌گرا یعنی سرریز آن می‌رود بیرون از خودش و در مقابل آن برون‌زا و درون‌گرا است یعنی یک تفکر غربی می‌گویند که آقا هر چه در بیرون است بردار بیار داخل سرمایه بیرون است بردار بیار داخل دانش بیرون است بردار بیار داخل تولید بیرون است بردار بیار داخل تمدن و فرهنگ و همه ی اینها بیرون است بردار بیار داخل میشود درون‌زا برون‌گرا

حضار: آن بخش صادر کردن

دکتر رمضان: بله منتها درونزا برونگرا می گوید اول نگاه به خودت کن بین چی داری همه ی توان های بالقوه ات را حساب کن بالفعل کن و به دیگران بده من می گویند برون گرایی استمرار درون زایی است یعنی شما هر چی بخواهید درون زاییت استمرار پیدا کند مثل انسانی است که میگوید تولید کن ببخش

دکتر مقصودی: این خودش فراتر از صادرات است

دکتر رمضان: ببخش

دکتر مقصودی: یعنی صادرات اول شود

دکتر رمضان: برای خودت نگه ندار ببخش هر چی ببخشید هر چی بدهید دوباره در می آورید مثل چیز است

حضار: یعنی مساوی با صادرات نیست

دکتر مقصودی: فراتر است مثلاً فرض بفرمایید ما الان آمریکا برای ما خودش یک کشور برونگرا است

حضار: خوب من همین را می گویند

دکتر مقصودی: چرا چون ما حتی ایده تولید را هم داریم از او میگیریم او اقتصادش درون زا برونگرا به نسبتی است

دکتر رمضان: به نسبتی

دکتر مقصودی: آره به نسبتی ما ایده حکمرانی مان را ایده اقتصادی مان را ایده تولید مان را ایده مصرف مان را داریم از آنها می گیریم بعد ما در قبال گرفتن این ایده پول مستقیم داریم می دهیم نه در خرید و فروش ایده با آمریکا وارد شده ایم مستقیم نه این خرید و فروش مستقیم میشود آن صادرات ولی این ایده گرفتن خیلی فراتر از آن یعنی این درون زایی برونگرا خیلی فراتر از ترنوال مالی باید در نظر بگیریم

دکتر رمضان: یک نکته آخر هم چون در مباحث مطرح شده بود جمع بین مردمی بودن و دانش بنیان بودن و تولید انبوه به خاطر همین هم عرض می کنیم نباید این ها را از هم جدا کنیم اگر شما مسئله تان تولید انبوه مردمی باشد غرب چه کار می کند؟ غرب مصرف انبوه درست می کند تا کارخانه های او بتوانند انبوه تولید کنند ما می گوییم اگر شما به صورت انبوه اصلاح الگوی مصرف کنید آن وقت شاهد ورود انبوهی از مردم به تولید خواهید بود وقتی انبوهی از مردم بیایند پای کار تولید شما تولید انبوه و با کیفیت خواهید داشت. سوال در اربعین غذا انبوه است یا نه کارخانه های بزرگ تولید می کنند؟

حضار: نه

دکتر رمضان: پس مایی که بگویم صرف تولید انبوه خوب نیست نه تولید باید انبوه باشد اصلاً می خواهید شما می گویند ما اینقدر تولید کرده ایم که نمی خواهیم نیاز نداریم خوب نیاز نیست ببرید ببخشید شما نیاز ندارید بقیه که نیاز دارند ببخشید

دکتر مقصودی: یعنی به عبارتی آن عامل اصلی محور محرک تولید انبوه می گوید مصرف انبوه نیست

دکتر رمضان: نیست اصلاً انسان شان انسانی او ایجاب می کند که مولد باشد به محض اینکه مولدیت سقوط کند از حالت انسانیت به حیوانیت سقوط میکند عرض کردم جلسه قبل شهید مطهری می فرمایند که ما یک گیاه داریم که غذایش را باید به او برسانیم یک حیوان داریم که غذایش هست باید برود بگردد پیدا کند و بخورد یک انسان داریم که غذای خودش را تولید میکند یعنی ایشان فصل ممیز انسانیت به حیوانیت شما نیاز داشته باشید نداشته باشید باید تولید کنید انسان است حالا ممکن است بگوید من الان اینقدر نیاز ندارم خوب بقیه که نیاز دارند ببخش حالا ما ذهنمان فروش است میگویم مثلاً بفروش ولی وقتی که تولید حاکم باشد پس نسبت تولید انبوه با مردمی بودن و کیفیت آن را هم بحث کردیم اتفاقاً اگر مردم به صورت انبوه وارد تولید بشوند شما هم تولید انبوه دارید هم با کیفیت است چون هر کسی یک کار کوچک انجام دهد روی آن وقت می گذارد و شروع میکند محصول خوب و با کیفیت چون دیگر آنجا دیگر محصول از خود او است بین در یک شرکت بزرگ محصول از صاحب شرکت جدا است این شرکت و دستگاه ها هستند که دارند تولید می کنند ولی در تولیدات کوچک محصول از تولید کننده جدا نیست انگار

متحد با خود او است مثل یک مادر که غذا تولید می کند این غذا با خود مادر متحد است بیا ببین من در این غذا هستم از ابتدای سحر بلند شده ام غذا را برای این که خانواده ام مصرف کنند بلند شده ام بعضی از افراد ذکر می گویند بسم الله می گویند تلاش می کنند روی آن تزیین میکنند خلاقیت به خرج می دهند دیگر وقتی که شما می خورید می گوید دستپخت فلانی است پس می خواهیم این اعتقاد کیفیت تولیدات خورد به خاطر اینکه یک جایی اتحاد دارد با تولید کننده آن او باید خودش را در تولیدش اثبات کند ولی در تولید انبوه مسئله این است که می گوید بزن برو فقط بازار را می خواهیم بگیریم پس این هم من می خواهم بگویم تولید انبوه آن جوری که حالا مد نظر ما باشد که کارخانجات بزرگ نه تولیدات انبوه با ورود انبوه مردم به تولید قابل دسترسی است که یک نمونه ی آن را ما در اربعین می بینیم انقدر غذا هست و اسراف هم نمی شود چون اصلاً مسئله را جور دیگری حل کرده است می گوید ببینید چرا اسراف می کنید چون گرسنه و طماع هستید می کنید می کنید چرا چون طمع باعث می شود بیش از نیازتان بگیرید ولی وقتی آنجا غذا هست اصلاً طمع بمیرد میگوید هم غذا هست هم من گرسنه نیستم اصلاً تو اربعین آدم احساس می کند میخوام پیاده بروم چقدر باید گرسنه باشم اما می ایتم می بینم انقدری هم گرسنه نبودم اصلاً یک چیز دیگری حل شده ولی تولید هم انبوه است، انبوه یعنی ۳۰ میلیون نفر هم که بیایند سیر می شوند آنجا که نمی شود بگویند اقا یک غذایی حالا یعنی آنجا که شما نگاه می کنید می بینید نسبت به تولید هر خانواده به نسبت خودش انجام می دهد خیلی بیشتر از نیازی است که حالا خودش دارد حالا حتی برآورد این است که می گوید انقدر باید تولید کنید که کسی از اینجا گرسنه بیرون نرود پس نسبت به تولید انبوه هم عرضم را سعی کردم برسانم که

دکتر مقصودی: با چی تولید می کند؟

دکتر رضائی: چی؟

دکتر مقصودی: با پول تولید میکنند؟

دکتر رضائی: نه، با پول تولید نمی کند خودش است منبع تولید خودش است حالا بعداً باید برسیم که (و لو ان اهل القرى آمنوا واتقوا لفتحنا عليهم بركات من السماوات الارض) تقوا پیشه کنید بعد می گوید این تولید از کجا آمد می گویم از خود آمد می گویم بابا منبع خودت هستی درون زا ترین منبع خود انسان است حالا اینکه چگونه اتفاق می افتاد من می گویم اگر اربعین نبود شاید ما یک مثال نداشتیم بزنیم که تولید چگونه می جوشد می آید بالا! بعد هم می گوید اقا کارخانه بزرگ من ندیدم اصلاً اینجا البته کارخانه های بزرگ هم بخواهند تولید کنند کم است الان مثال کارخانه های بزرگ را می شود ان موکب های شرکت ها می زنند ببینید چقدر کفاف مصرف زوار را می دهد میگوید هر قدر هم که بزرگ هستید اینجا کوچک هستید پس این هم یعنی یواش یواش بریم جلو یک خرده تولید شناس بشویم بعد از منظر تولید می شود انسان شناسی کرد از نظر تولید آدم هم می شناسیم چون آن مولد است اول تولید را بشناسید بعد آدم را بشناسید ببینید آدم چی هست ببخشید

خانم محمدی: عذر خواهی میکنم یک چند تا سوال هست اگر...

حضار: اینجا که فرمودید مسیر حرکت را بگذارید رویش خیلی هم روی این واژه حساس بودید ۲:۳۲:۳۴ که برای توسعه پیشرفت را معنا بکنیم

دکتر رضائی: پیشرفت برای اقتصاد خوب است ولی رشد برای انسان بهتر است ما گفتیم انسان قرار است یک مسیری را برود این مسیر یعنی اگر بگوییم رشد انسان در عرصه اقتصاد ولی یک موقع هست که در مورد اقتصاد داریم صحبت می کنیم می گویم توسعه اقتصادی می گویم نه پیشرفت اقتصادی میشود نکته ی مسیر پیشرفت هم میشود.

حضار: باز هم رشد

دکتر رضائی: منافات ندارد به نظر من

حضار: کلاً رشد جایگاه پایین تری دارد نسبت به

دکتر رضائی: رشد آخر در ادبیات دینی ما جایگاه دارد

حضار: می‌گوییم دیگر اقتصاد کلان دارد

دکتر رمضان: من اصراری بر روی این واژه ندارم

حضار: سوال پرسیده‌اند که تناسب بین تولید انبوه و مصرف پایین را میتوانیم با صادرات ایجاد کنیم حالا شما به نحو دیگری پاسخ دادید چون بالاخره پاسخ ویا نکته‌ای اگر هست

دکتر رمضان: تولید انبوه و

حضار: مصرف پایین

دکتر رمضان: حالا چرا مصرف پایین؟ ما در مورد اصلاح الگوی مصرف داریم صحبت میکنیم خدمت شما عرض شود که یک موقع... الگوی مصرف با مصرف فرق میکند یعنی شما چه چیزی را خدمت شما عرض شود که منطق مصرف است ما وقتی در مورد الگو مصرف صحبت می‌کنیم در مورد حجم مصرف صحبت نمیکنیم در مورد منطق مصرف صحبت می‌کنیم مثلاً شما یک موقع هست که شما می‌گویید آقا مسجد را دمابیش را طوری تنظیم می‌کنم که هر کسی که می‌آید اینجا سرد و گرم نباشد نمی‌گوییم حالا مسجد دوتا چراغ هم نه مسجد حالا مسجد یک انسان می‌خواهد عبادت کند جسمش نباید اذیتش کند سرما و گرما از آنجا که اتفاقاً ولی یک جای دیگر نه آنجا حالا شما همه چیز در خانه که نشسته‌اید مثلاً دارید می‌چرخید حالا دو تکه پیراهن به تن کنید نمی‌خواهد که حالا خانه را گرم کنید که بعد هم بیمار شوید می‌خواهم بگویم آن چیزی که حاکم بر مصرف باید باشد الگو است آن را باید تنظیم کنیم که این الگو باید یک تناسب خیلی بالایی با تولید داشته باشد یعنی الگو از کجا در می‌آید چون می‌خواهم مولد باشد این جور الگویم را می‌چینم بعد تازه تولید چه؟ تولید خدمات، کالا، محصولات و تولید انسان مثال مسجدی که زدم برای این بود که خانه‌ی ساختن انسان است بزرگترین کارخانه‌ی انسان سازی مسجد است من همه مصارفم را می‌آورم اینجا، اینجا را آباد می‌کنم مثل اینکه آدم از داخل آن در می‌آید مثال پس عرض من این است مصرف کم نه من در مورد مصرف کم صحبت نکردم در مورد الگوی مصرف صحبت کردم.

خانم محمدی: بزرگوار دیگری پرسیده‌اند در توزیع منابع و امکانات در محور عدالت چگونه از اختلاف طبقاتی جلوگیری می‌شود؟ مثلاً یک پزشک جراح میخواهد با زحماتی که میکشد زندگی فوق‌العاده‌ای داشته باشد یک کارگر معدن هم زحمت می‌کشد ولی سواد کسب مال را به دلیل تحصیلات کم نمی‌تواند داشته باشد

دکتر رمضان: این‌ها را باید در نظامات اقتصادی دنبالش بگردیم اگر پزشک دانشگاه دولتی درس خوانده است اتفاقاً یک دینی به جامعه دارد پزشکی این‌ها را می‌گوییم یک حالت تکلیفی هم دارند یعنی نسبت به جامع مکلف هستند نه این که نسبت به جامع ذی‌حق هستند از آن طرف کارگر معدن اگر ما توضیح دهیم پیش از تولید رونق داشته باشیم کارگر سهمش حقوق نیست مالکیت است وقتی میرود از معدن استخراج می‌کنند باید نسبت به آن معدن مالک بشود حالا در نظام اینها را باید درست کنیم و عدالت را هم برقرار کنیم. ولی ما هم به پزشک حقوق می‌دهیم هم به کارگر حقوق می‌دهیم بعد می‌گوییم احتمالاً این پیچیدگی‌اش بالاتر است، پس حقوقش باید بالاتر باشد حقوق این باید کمتر باشد خوب همه نباید با حقوق با آنها برخورد کنیم

دکتر مقصودی: این عدالت را صرفاً تبدیل به یک مسئله باز توزیعی می‌کنند

خانم محمدی: سوال دیگری که پرسیده‌اند بحث این که پول را مینا نگذاریم برای من بسیار زیبا بود. مشکل من این است که یک زمان برای اجرای عدالت آموزشی در مناطق محروم اگر دبیران مجرب و عالی تربیت شده باشند و پای کار بیاید نیاز به پول نیست اما اگر انسان‌ها این مدلی نداشته باشیم چطور باید برای کارکرد برای جذب دبیران مجرب را داشته باشیم؟

دکتر رمضان: جهاد همین است دیگر یعنی باید همان معلم باید برود کار جهادی کند در آنجا وقت بگذارد نیروی انسانی را پرورش دهد اتفاقاً بله، ما ریشه بسیاری از استضعاف که داریم همان استضعاف فکری یعنی منبع انسانی درست آنجا نرفته است بعد تازه باید این استضعاف را باید نگاه کرد مثلاً من، یک موقع میرفتیم ایلام برای اردوی جهادی بعد یک روستایی را بچه‌ها رفتند دیدند عجب روستایی پر و پیمان و ساخته شده و محکم مردمش هیچ مشکلی نداشتند وقتی که رهگیری کردیم دیدیم که این روستا از

زمان حضرت آیت الله بروجردی با ایشان ارتباط داشته است یعنی یک عالمی مرتب در این روستا مستقر بوده و ایشان این روستا ارتباطش باعلما قطع نمیشده بله اتفاقاً می خواهم بگویم ریشه رفع محرومیت هم همین بحث سرمایه انسان ساز است یا آن عنصر انسان ساز اگر در آن جا قرار بگیرد بقیه چیزها هم درست می شود.

خانم محمدی: دست شما هم درد نکنه سولات کتبی همین ها بود سوال دکتر میرزایی که خودشان شفاهی مطرح کردند.

حضار: ببخشید یک سوال دیگر هم بود که مکتوب بود

خانم محمدی: سوال کامل نبود

دکتر رضانی: میخوانید بخوانید از روی آن

خانم محمدی: اصلاحات بنیادین اقتصادی در این نمودار موجود هست اگر هست کجا اگر نیست دلیل بر بی اهمیت بودن اصلاحات هست؟

دکتر: اصلاح بنیادین یعنی مثلاً ما الان در کشور انجام دادیم ولی غلط بوده است؟

حضار: اصلاحات غلط اقتصادی که الان در کشور هست

دکتر رضانی: آهان

حضار: نیاز هست الان اصلاح بشود چون الان بحثی در مورد اصلاح نبود در این نمودار

دکتر رضانی: قطعاً که باید باشد اگر متناسب با آنها نباشد بله الان ما مثلاً می خواهیم بگویم که نظام یارانه ها را می خواهیم

اصلاح کنیم اگر نظام یارانه ها می خواهد این مسأله را حل کند حتماً باید انجام بشود ولی اگر نه خیلی ربطی به این مسائل پیدا

نمی کند و هر چقدر هم ده مدل هم شما نسخه بزنید و اصلاح کنید فایده ندارد

حضار: یارانه یک خرده حالا دقیق تره حالا نظام بانک ها یک خرده

دکتر رضانی: نظام بانکی یا نظام تامین مالی که شما میچینید باید مقوم باشد مولدیت توانمند کننده مردم پشتوانه دانش بنیان

بودن ضمانت درون زایی و گستراننده برون گرایی باشد اگر این جوری باشد هر کسی که میخواد این کار را انجام دهد همان خوب

است ولو همان بانک باشد که با اسمش که مشکل نداریم یک موقع می گویم اقا شما این کار را انجام بده ما قول میدهیم یک

نظام مالی یا حتی همین بانک این کار را بکند پول ملی تقویت می شود اگر این کار را بکند پول ملی تقویت میشود و گرنه میتواند

پول ملی را مثل کشور های عربی برداریم پینت اصطلاحاً میخکوب کنیم به دلار مثل عربستان که دلار هر چقدر هر چقدر باشد

ریال من هم به همان نسبت من با آن سعی می کنم چیز کنم. این که درست نیست این تضمین واردات است تضمین صادرات

است.

حضار: یعنی انجام این موارد اصلاح هم انجام می شود؟

دکتر رضانی: اصلاح این است ما میگویم اصلاح این است کسی که میخواد از اصلاح اقتصادی صحبت کند باید بگوید که

برای این کارها می خواهد چه کار کنم و الا غیر از این اصلاح مالی حساب میشود اصلاح سیاسی حساب می شود اصلاح فرهنگی -

اجتماعی رسانه ای حساب میشود ولی اصلاح اقتصادی حساب نمی شود.

ممنونم خسته نباشید صلوات ختم کنید. اللهم صلی علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم.

قسمت دوم نشست اقتصاد در بیانیه گام دوم: آبان ۱۴۰۱

حجت الاسلام صدوق: تابع جلسه گذشته، فرصت مباحثه در این سوال و جواب اتفاق نیفتاد. یعنی بنظر من آن نسبتهای کلان یا

نسبت این فرمایشات به سیاستهای اصل ۴۴ یا اقتصاد مقاومتی بصورت ماشین متوجه فرمایششان شدم. اولویتها را هم فرمودند

لازم نیست. یعنی همه اش وقتی باهم مطرح شود، حل می‌شود به تعبیر دیگر اگر اینها بهم گره خورده باید برای این گره یک نقطه هزیمتی که آقای دکتر مقصودی گفتند شما می‌خواهید بحث تولید را محور قرار دهید تا لوازمات آنرا در همه اینها بگردانید، این چیزی است که هنوز دریافت جواب نکردیم. اما فرمایشی که گفتید لازم نیست ما نسبت به غرب صحبت داشته باشیم و خودمون یک طرحی را میریزیم و شروع میکنیم، ما از موضع غرب وقتی صحبت میکنیم به ۲ دلیل است: یکی اینکه اقتصاد یک مقوله پیچیده (پیچیده که می‌گوییم یعنی علمی) و در مقام دوم حمله وری به ما است. یعنی اگر در مقام دفاع بخواهیم با اقتصاد غرب مواجهه داشته باشیم طبیعی است که باید متناسب با آن نقشه بکشیم. شما هیچ وقت نمی‌گویید الان صدام اگر آمده و با تانک یا توپخانه ی فلان مقدار یا موشک به ما حمله می‌کند ما کاری نداریم که او چه کار می‌کند ما می‌گوییم نیروهای مردمی را بسیج می‌کنیم تا به آن حمله کنند. پس تناسب در درگیری برای اقتصاد لازم است مضاف بر اینکه وقتی یک مقوله ای پیچیده می‌شود، یک مقوله ای علمی میشود باید برایش دیوار بگذارید ولو اگر از موضع بیان حضرت آقا بخواهید ورود پیدا کنید تخصص و علمی بودنش چگونه قابلیت اثبات دارد لذا دنبال آن نیستیم که بخواهیم ببینیم آنها چه چیز گفتند که ما می‌خواهیم دنباله روی کنیم. موضع، موضع تقلید نیست اما باطل السحر باید از جنس خودش باشد. طبیعی است که شما هم اگر امروز به عنوان یک اقتصاددان یک منسبی را مبادرت میکنید درسهایی را که به شما یاد داده اند تا به این درجه از دکترا رسیدید، اینها را نمی‌توانید انکار بکنید کتاب اقتصادنا شهید صدر را به عنوان مدرک کارشناسی هم قبول نمی‌کنند اگر شما بقیه سرفصل های اقتصادی در دوره کارشناسی را نگذرانید. یعنی به عنوان درس اصلی در دوره کارشناسی به حساب نمی‌آورند لذا اگر به عنوان علم و تخصص می‌خواهید با پیچیدگی هایش گفتگو داشته باشیم طبیعی است که ببینیم فضایی که روبروی ما به عنوان اقتصاد هست چیست؟ از این باب ما می‌گوییم نظریات نسبت به موجود چه نسبتی با غرب دارد، چه پارامترهایی از آنها در آن جاری است. باید مشخص شود اینها را اگر مبسوط به آن ورود پیدا میکردید ممنون میشدم. این را ما به حساب اجمال گذاشتیم چون شما میخواستید در ۵ دقیقه جواب بدهید من هم بنا به این نداشتم که بخواهم وارد مباحثه بشوم.

دکتر مقصودی: فکر کنم فرصت هم نکرد آقای دکتر آن مباحثی که در همان راند اول مطرح شد به آن بپردازند حالا علاوه بر آن الان یک نقطه ی مقابل فرمایش حاج آقا من می‌خواستم یک خواهش از آن سمتی هم داشته باشم و آن این است که خاطر من هست در جلسه قبل که تمام شد یک تعدادی از خواهران فرمودند: درست است اینجا قرار است با هم مباحثه کنید ولی حواستان باشد ما هم هستیم، یعنی بحث هایی که واقعاً کارآمد و عملیاتی می‌تواند کمک کند به حرکت های اجتماعی جمع حاضرهم طرح شود من می‌خواستم از آقای دکتر رضانی خواهش کنم که نسبت به یک همچنین جمعی برای من یک تصویری از این جمع در این دو سه جلسه پیدا کردم مینویسم ان شا الله در کانالم مفصل که نکات خیلی ویژه به نظرم هست ولی حالا این را از همین مبنای نظری حتی بخواهید برسید به یک کارکرد عملیاتی برای یک جمعی از خواهران انقلابی در حوزه اقتصاد مقاومتی با همین محوریت تولید که بر آن تاکید دارید به کجا میرسید؟ این بحث را از آن مبنایی که حاج آقا فرمودند تا مدل بیاورید یعنی اشراقش کنید روی زمین و ببینیم که میشود از دل بحث شما کارآمدی اجتماعی برای یک جمع هم ایجاد کرد یا نه؟ حالا مکانیزم تولید این کار آمدی هم هرچه بشود به آن بپردازید خوب است تشکر.

دکتر رضانی: بسم الله الرحمن الرحيم خیلی ممنون از مباحثی که مطرح فرمودید انشاالله که بتوانیم مباحثی که طرح می‌کنیم برای شما بزرگواران هم کاربرد داشته باشد و هم به صورت عملیاتی بتوانم به آن بپردازم نکته ای که حالا فرمودید در مورد اینکه ما نسبت به غرب چه بحثی داریم بنده عرضم این است که ما اول غرب را باید کامل بگذاریم کنار، کامل! یعنی بنشینیم فکر کنیم و ببینیم چه چیزهایی تفکرات وارداتی هستند کامل بگذاریم کنار، طراحی بکنیم، هدف گذاری بکنیم، افق خودمان را مشخص کنیم، بعد از کنار بر داریم آن هم جزئیاتش را، اگر کار کرد ابزاری در راستای هدفمان داشت استفاده ابزاری کنیم و الا کلاً می‌شویم ابزار پیشرفته علم غرب آن چیزی که در نظام دانشگاهی ما اتفاق افتاده است.

حجت الاسلام صدوق: الان ما درگیر با آن جبهه هستیم؟

دکتر رضانی: ما قبل تر از درگیری با آن جبهه نکته ی مان این است که حرف خودمان را هنوز برای خودمان جا نینداختیم یعنی مثلاً فرض بفرمایید یک موقع است ما داریم در این جمع صحبت میکنیم این جمع نسبت به اقتصاد باید یک تبیین بومی داشته باشد که ما میگوییم اقا برویم از کجا پیدا کنیم ما می گوئیم بهترین چیزی که می توان پیدا کنیم خیالمان راحت باشد که سمی نیست همان بیانیه گام دوم که حضرت آقا تبیین کردند خوب روی این مسلط شویم، اگر رفتیم در دانشگاه یک کسی نسبت به این ایراد گرفت بعد آن موقع می رویم سوال می کنیم مشورت می کنیم مطالعه می کنیم که پاسخ آن فرد را بدهیم ولی ما وقتی که الان خودمان با خودمان مواجه هستیم وقتی می بینیم این ادبیات اغنا کننده است اولین کاری که باید بکنیم دوباره اینکه این را در ذهن خودمان نهادینه اش بکنیم، بگوییم خیلی خوب به یک نظم ذهنی رسیدیم می خواهیم بر اساس همین فکر کنیم برویم جلو این یک نکته؛ یعنی ما عموم مردم که با بحث های علمی اقتصاد سر و کار ندارند نکته ی دیگر اینکه آقا در دفاع از سیاستهای کلی اقتصاد مقاومتی فرمودند که این سیاست ها یک ویژگی دارد که عمده ی مسئولین و دانشگاهیان این را پذیرفتند گفتند ما گفتیم باما تجاوب کردند یک چنین اصطلاحی گفتیم و جواب ما را دادند و پذیرفتند که آقا ما... حتی خیلی از اقتصاددانهای لیبرال هم که دیگر کارشون به جایی رسیده که می گویند آره خب این صحبتها درست ولی شما باید بعد از جنگ انجام میدادید نه الان وقتش نیست میگوییم خوب ببخشید بعد از جنگ چه کسی برامون نسخه پیچیده بود؟ خودتون پیچیده بودید دیگر، بعد از جنگ اقتصاد ما دست که بوده؟ نکته اینکه ما میگوییم نسبت به غرب الان که غرب الان که به من کار ندارد هرچی هم فرصت را از دست بدهیم ان وقت کار سخت تر می شود می خواهیم بگوییم که این همسان سازی ذهنی با این ادبیات هرچی که جلوتر می رویم ممکن است سخت تر و پیچیده تر شود ۱- پس تسلط روی همین موضوع من اگر باشم می گویم همین بیانیه گام دوم را اگر..

حجت الاسلام صدوق: چرا از قرآن و روایات نگذاریم؟ بله چرا قرآن و روایات را مبنا قرار ندهیم؟

دکتر رضانی: استاد به خاطر اینکه ولایت فقیه دیگر یک فقیهی رفته است قرآن و روایات و همه چی خوانده و می گوید آقا این اقتصاد اسلام و انقلاب و آن هم اسلام ناب این است من برای چه بروم اجتهاد کنم دیگر؟ بله اگر بخواهم بروم مسیر اجتهاد را پیگیری کنم ان یک مسیر دیگر دارد میروم اجتهاد میکنم و از قرآن و روایات استفاده می کنم الان به قول معروف الان نیاز نیست بروم اجتهاد کنم باید بروم اجرا کنم

حجت الاسلام صدوق: ایشان الان نسبت اجتهادی به این مسئله نمی دهند که ایشان اقتضائات عمل را در نظر می گیرند و متناسب با اقتضائات عمل و آن چیزی که از اسلام وجدان می کنند این مطلب رامی گویند خب اگر اینگونه باشد یعنی پیچیدگی های زمانه را ایشان می خواهد توجه داشته باشد پیچیدگی های زمانه یعنی میگوید من با اقتصاددانها نشستند صحبت کردند یعنی تجاوب اتفاق افتاده است اگر این اتفاق افتاده است اقتصاد دان ها پذیرفته شده ی علمی هستند و ان علم اشکالی ندارد همان فرمان را برویم؟

دکتر رضانی: نه ما گفتیم این فرمان را برویم

حجت الاسلام صدوق: خب حالا

دکتر رضانی: اگر ان علم به ما نمیگوید این فرمان را برویم ان علم دقیقاً خلاف این را می گوید.

حجت الاسلام صدوق: ببینید آقا میگویند این یک بیان کارشناسی هست،

دکتر رضانی: شما یک اقتصاددان بیاورید که بگوید مردمی بودن یعنی چه، اگر یک دانه آوردید!! یا می گویند سرمایه داری یا میگویند سیستم شرقی

حجت الاسلام صدوق: احسنت. اگر یک بیان جدید...

دکتر رضانی: اصلاً مردمی بودن در قاموس علم اقتصاد نیست

حجت الاسلام صدوق: ببینید الان چند تا قسمت از فرمایشات آقا هست که اینها عرض به خدمت شما خواست خودشان است مردمی بودند یکی اش بحث هدف نیست اقتصاد هدف نیست که در قانون اساسی هم هست این همه یکی دیگرش است، توزیع عدالت محوری یکی دیگر این ها را علم اقتصاد ازش بپرسید نمی‌تواند بگوید اما بقیه از مسائلی مثل دانش بنیان درون‌زا برون‌گرا عرض به خدمت شما تولید انبوه با کیفیت نیروی انسانی منابع و ذخایر و موقعیت جغرافیایی که همه اینها را علم اقتصاد ازش تعریف دارد حالا اگر دو تا هم نمی‌فهمد که آقا اضافه کردن به آن تمرکز روی این دوتا باید به نحوی باشد که همه آنها را بتواند هماهنگ کند و نظم بدهد این بیان را اگر از فرمایش آقا استخراجی دارید من استفاده کنم. اگر نه خودتون باید بیانی داشته باشید که عدالت محوری در توزیع یا مصرف انبوه متکی به مردم با مردم قرار است چه نظمی از اقتصاد چه مفاهیمی از اقتصاد را برای ما ایجاد کند این که عرض میکنم یعنی توجه به آن پیچیدگی‌ها دارید توجه علمی دارید این قسمت را باید یک تشریحی بشود من هم قبول دارم این چیزهایی که آقا می‌گوید یک چیزهای مورد نیاز و مفقود در علم اقتصاد است یعنی اسلام و انقلاب دارد این سفارش رو به علم اقتصاد میدهد که به علم اقتصاد توجه کنند اما این سفارشی که دارد میگوید ما با یک نگاه عرفی و غیر تخصصی به آن نگاه نکنیم یا نه اگر می‌خواهیم نگاه غیر تخصصی به آن نگاه کنیم، ربطش با بقیه مسایل چه میشود؟ چگونه تأثیراتی روی آنها می‌گذارد و چه نظامی را برای ما می‌سازد؟

دکتر رضائی: ما اگر بخواهیم این ۵ واژه را شروع کنیم به پیاده‌سازی کردن به اینکه آقا یک پیچیدگی‌هایی باشد این در مقام سیاست گذاری یک مثلاً مسئول حاکمیتی با پیچیدگی‌هایی مواجه است ولی پیاده‌سازی این در مقام فردی آیا یک نفر از پیش بر می‌آید یعنی می‌خواهد بگوید من این ۵ ویژگی را خودم داشته باشم مولد باشم درون‌زا باشم یعنی اول از دارایی‌ها و منابع و داشته‌های خودم شروع کنم برون‌گرا باشم یعنی آنچه را تولید می‌کنم به دیگران عرضه کنم، که مورد استفاده‌ی دیگران هم قرار بگیرد و دانش بنیان باشم یعنی هر موقع کاری را شروع می‌کنم از محور دانشی شروع کنم، دانش قاعده‌ی حرکت من باشد یعنی نه پول نه سرمایه نه حتی ابزار دانش قاعده حرکت من باشد من می‌گویم خوب حتی تا اینجا هم ما نیازمند این نیستیم که برویم از کسی بپرسیم من برای اینکه این پنج ویژگی را داشته باشم چه کار کنم هر فهمی که از این دارم

حجت الاسلام صدوق: شما موضوع تان انسان اجتماعی بود

دکتر رضائی: الان عرض می‌کنم

حاج آقا صدوق: نه هر فردی که می‌خواهد این کار را انجام بدهد

دکتر رضائی: الان عرض می‌کنم خدمت شما عرض شود که بعد می‌آییم یک مرحله بالاتر می‌گوییم این را می‌خواهیم در سطح خانواده پیاده کنیم درست است در سطح خانواده هم به نظر من یک خانم حتی میتواند این‌ها را در خانواده خودش پیاده کند یک مقدار شاخصه‌هایش متفاوت می‌شود ولی در سطح خانواده خودش هست در سطح حاکمیتی حاکمیت چه کار کند ما می‌گوییم همین حاکمیت باید چه کار کند می‌گوید خانواده‌ها باید این کار را بکنند حالا من بروم بررسی کنم چه کار کنم خانواده‌ها این کار را بکنند او هم نباید بنشیند برای خودش بگوید که من برای اینکه اقتصاد دانش بنیان شود مثلاً می‌روم هزار شرکت دانش بنیان می‌زنم نخیر

دکتر مقصودی: دانشی شما معتقد هستید محصول آن فرایند بر کنش اجتماعی است یا مقدمه پیچیدگی‌های دانشی؟ عرض این است که این پیچیدگی‌های دانشی که الان شما دنبال آن هستید محصول تحقق این نظام اجتماعی است یا مقدمه آن است؟
حجت الاسلام صدوق: مقدمه‌ی آن است. اجمال آن مقدمه‌ی آن است هر مقدار به تفصیل می‌رود باید یک تعامل رفت و برگشت با جامعه داشته باشد اما..

دکتر مقصودی: چه حدی از اجمال را شما اجمال مقبول می‌دانید؟

حجت الاسلام صدوق: اجمالی که باید داشته باشد این است که اگر شما یک مدلی را مطرح میکنید قدرت هموردی داشته باشد این اولین شاخصه ی آن است

دکترمقصودی: قابلیت مقایسه با سایر مدل ها داشته باشد و قدرت هموردی داشته باشد

حجت الاسلام صدوق: یعنی شما اگر آمدید به یک نفری گفتید شما شروع کنید تولید اقتصادی انجام بدهید فردی می توانید انجام بدهید من می گویم این تکی که شروع کند خانوادگی هم که شروع کند به یک زمان خیلی کوتاهی ورشکسته ی اجتماعی است. چرا چون در یک حمله ای که دارد اتفاق می افتد همه ی جامعه را آمده ایم چه کار کرده ایم آمده ایم توزیع محور کرده ایم اگر شما میخواهید تولید محور کنید و توزیع به شما حمله بکند شما یک ورشکسته ای را تحویل میدهید اگر از آن مبنا شروع کنند می تولید کنند و فردی هم باشد

دکتررمضانی: نه حاج آقا ببینید ما الان وقتی گفتیم ... اول گفتیم مولد، نگفتیم تولید اولین وظیفه مولد که یک خانم دارد این است که یک فرزند مولد بار بیاورد اصلا قرار نیست برود یک چیزی را تولید کند

حجت الاسلام صدوق: تفاوت مولد و تولید چیست؟

دکتررمضانی: مولد میگوید ویژگی یک کیفیت انسانی است تولید یک محصول است تازه خیلی از محصولات هم تولید نیست سرهم بندی و تبدیل است یعنی چندتا ماده اولیه را به هم متصل میکنیم یک تغییر است تولید یک چیز بالاتر است مولدیت یک کیفیت است یعنی یک مادر اول قبل از این که من چی تولید کنم

حجت الاسلام صدوق: غیر از این

دکتررمضانی: من الان چه تولید کنم باید بگویم شما فرزندت باید چگونه باشد که به او بگویم مولد است خودت بشین و فکر کن خودش میگوید شاخصه های آن را میگوید اگر بخواهد مولد باشد اول در مصرف کردنش باید این طوری باشد اصلاح الگوی مصرف آغاز می کنیم اگر بخواهد مولد باشد باید اهل فکر باشد اهل خلاقیت باشد باید بیشتر وقت و هزینه خودش را بگذارد روی کسب دانش شروع میشود اصلا همه چیز از همان مولد اگر بخواهد مولد باشد باید تیمی عمل کند تولید همین بحثی را که میکنیم تولید یک کار تکی نیست تولید یک کار جمعی است مصرف تکی است شما یک چیزی را که میخواهید مصرف کنید به مصرف شخص خودت میخواهید برسانید ولی وقتی میخواهید یک چیزی را تولید کنید باید یک تعداد آدمی دست به دست هم بدهند طبق یک فرایندی شکل بگیرد پس میگوید فرزند من باید ارتباطات داشته باشد با دیگران بعد میرود جلوتر میگوید خوب درونزا باشد فرزند من قبل از اینکه به یکی بگوید چی ندارم باید بتواند بگوید چی دارم آنها را باید فهرست کند و بعد داشته هایش را شروع کند رشد دهد و به مصرف و به نیاز دیگران برساند تا برون گرا شود میخواهم عرض کنم که این یک بحث فکری است یعنی اینجوری نیست یعنی الان این کسی که این را میداند همین الان برود یک محصول تولید کند نکته بعدی خوب حالا وقتی به بحث اجتماعی

حجت الاسلام صدوق: چه موقع زمان تولید اتفاق می افتد؟

دکتررمضانی: هنوز اتفاقا ما بحثمان همین است

حجت الاسلام صدوق: یعنی جامعه باید به یک وحدتی رویش برسیم؟

دکتررمضانی: نه همین الان یک سری تولیدات دارد در کشور انجام میشود اولین وظیفه ی من در کمک به تولید این است که از کالای داخلی حمایت کنم این اولین کمک عمومی است که همه مردم میتوانند برای تولید انجام دهند ما می دانید حاج آقا چرا بحث می کنیم ما چون که نگاه اقتصادی قبل از اینکه به درآمد فکر کند اول از هزینه ها شروع میکند ما قبل از اینکه یک درآمدی به دست بیاوریم قبل از اینکه یک چیزی تولید کنیم بخواهیم بفروشیم یک چیزی به دست بیاوریم همین الان در حال یک سری هزینه کرد هستیم. هزینه ی خوراک، پوشاک، وقت، زمان لذا نگاه اقتصادی اول از اصلاح الگوی مصرف آغاز میکند همین الان می گوید خیلی خوب من از فردا زمانم را چگونه تخصیص بدهم پول هایی را که دارم به چه تخصیص بدهم مدل حالا جلوتر می

رویم یک مقدار در آن بحث اینکه اصلاً کلاً سبد مصرفی من تغییر می کند تازه تغییر هم که می کند نه اینکه یک چیزی را خریدم الان کمتر باید بشینیم الگو برای آن در بیاوریم الگوی سلامت من الگوی تغذیه من الگوی... حالا ممکن است شما بگویید آقا این کارها کارهای خیلی سختی است نخیر الان ملت دارند همین کار را می کنند برای لاغر شدن ۱۰۰ مدل رژیم می گیرند که اگر یک موقع به او می گفتم تو باید یک سری سختی هایی را بکشی صد سال قبول نمی کرد ولی وقتی می افتد در فاز احساسی که من باید الان لاغر بشوم یک کارهای سختی را می کند که اصلاً آدم تعجب می کند مرتب روی تردمیل می دود قرص می خورد غذا کم می خورد خودش را کنترل میکند اگر به او میگفتید تقوا در می رفت اما حالا که می خواهد رژیم بگیرد... پس می خواهم بگویم این اتفاق دارد می افتد منتها ما عرضمان این است اگر همین نگاه را با آن ارتباط بگیریم اثرگذاری آن از همین الان آغاز می شود از همین الان آغاز می شود اولین چیز آن هم شناخت است ما این را بفهمیم خوب یاد بگیریم مسلط شویم بتوانیم برای دیگران تبیین کنیم اول برای خودمان تبیین کنیم بعد یک بار تبیین کردیم در خودمان نهادینه کنیم یک بار ممکن است یک موضوعی را من الان متوجه بشوم ولی این باید به رفتار تبدیل شود برای من زمان می برد پس یک جا افتادن اولین گامی که به نظر من از لحاظ عملیاتی باید برداریم همان تربیت اقتصادی است یعنی این موضوع اقتصادی را تبدیل کنیم به قاعده ی رفتاری برای خودمان و اطرافیانمان و اگر اینگونه انجامش بدهیم اینطوری نیست اتفاقاً یک اقتصاد مقاومی پیدا خواهیم کرد مقاوم می شویم حالا جناب آقای دکتر مقصودی یک اشاره ای هم کردند که ما در اقتصاد ایران تجارت ممکن است که من به لحاظ تاکتیکی می پذیرم بگویم الان در کوتاه مدت اول تجارت ولی ما صحبت مان از رشد اقتصادی نیست از اقتصاد مقاومتی است اقتصاد اگر بخواهد مقاومتی باشد باید تولید داشته باشیم تولید باید حاکم باشد بر تجارت. ما می توانیم برای رشد همین الان مردم بگویم ما می خواهیم یک درآمد کسب کنند چه کار می کنند سریع می رود یک چیزی می خرد و می فروشد دیگر ولی معلوم نیست مقاوم باشد این کاری که دارد انجام می دهد رشد اقتصادی پیدا می کند ولی مقاوم نیست با همین رشد اقتصادی پیدا میکند مقاومت کشور را هم پایین می آورد اولین چیزی که به نظرش میرسد میرود ارز می خرد پدر مملکت را در می آورد طلا می خرد می فروشد خانه می خرد می فروشد موتور می خرد می فروشد ماشین می خرد می فروشد تمام کالاهای مصرفی را که نیاز مردم است همه را سرمایه می کند

حجت الاسلام صدوق: پس شما اول ...

دکتر رضائی: اول شناخت

حجت الاسلام صدوق: اول همه ی جامعه یک وفاقی در گفتمان پیدا کند

دکتر رضائی: اول گفتمان البته حضرت آقا در دیدار با هیئت دولت سال ۹۴ اگر اشتباه نکنم

حجت الاسلام صدوق: و وقتی توانست عمومی شود میگوید آغاز عملیات می شود

دکتر رضائی: من تازه می گویم قبل تر از اینکه عمومی شود آغاز عملیاتش در مرحله فردی که می شود در مرحله خانوادگی که

می شود ربطی به عموم ندارد مثلاً مثل اینکه ۲۳:۲۶

حجت الاسلام صدوق: نه کارکرد اقتصادی آن

دکتر رضائی: شما نمی توانید مسلمان شوید

حجت الاسلام صدوق: کارکرد اقتصادی آن دارایی ما را زیاد میکند یا نه ما یک دورانی

دکتر رضائی: دارایی ما را حفظ میکند

دکتر مقصودی: حاج آقا می گویند که در دورانی که سوداگری روح حاکم بر بازار هست

حجت الاسلام صدوق: شما اگر تولید کنید

دکتر مقصودی: شما اگر تولید کنید بر شکسته می شوید این را چگونه پاسخ می دهید؟

دکتر رضائی: خب اولاً نگاه کنید من عرض کردم خدمت شما عرض شود که سوداگری اولش باید ببینیم که یعنی الان در کشور ما تولیدی اتفاق نمی افتد؟

حجت الاسلام صدوق: تولید هایی که اتفاق می افتد تولید هایی است که به آن فضای توزیعی بیشتر نزدیک است تا به آن کار زیربنایی و تولید اصلی مثلاً عرض می کنم یک چیز زیر بنایی که مثل خودرو باشد می بینید همه اش باید به زور دولت سرپا باشد اگر نه اگر به خودش بسپارید هر روز بر شکسته است

دکتر رضائی: و حالا نه اتفاقاً می گویم که چون هی تداخل می کند اگر اتفاقاً استانداردها را از روی خودرو بردارند حالا دیگر بست می رود روی ۲۴:۲۶ اگر استانداردها را بردارند مردم می توانند خودرو تولید کنند راسته ی خودروسازی های مشهد کجاست؟ مکانیکی ها

حضار: خیابان گاراژدارها

دکتر رضائی: کجا می شود؟

حضار: سمت فرودگاه

دکتر رضائی: سوال اگر ده تا ماشین اوراقی از سر آن خیابان بیاورند و به اینها بدهند می توانند از ته کوچه ماشینها را بریزند پایین و ماشینها بیرون بروند

حضار: نه

دکتر رضائی: میتوانند یا نمیتوانند

حضار: نه نمی توانند

حضار: بله میتوانند

دکتر رضائی: نه تولید خرد است می گوئیم این راسته نمی تواند یک میلیون خودرو در سال بسازد ولی ۵۰۰ تا در سال را میسازد این شما هستید که به او مجوز نمی دهید می گوید از نظر من استاندارد نیست چه کسی گفته است؟ بعد این کار پول می خواهد؟

حضار: پراید هم استاندارد نیست

دکتر رضائی: باور کنید، نه باشد پراید اسم ندارد اصلاً پراید می زنند پراید غفاری می رود چه کار می کند می رود دو سه تا تجهیز میزنند یک سری جاهایی از آن که ضعیف است تقویت می کند اگر سنگین باشد دوباره موتورش را تقویت می کند همه چیز آن دست خودش است هر کاری دلش بخواهد می کند بعد سوال اصلاً این پول هم میخواهد؟ یا نه فقط ماشین اوراقی باید بیاید این تو و برود بیرون شما جنازه ماشین را بیاورید اینها میریزند پایین اصلاً برای اینکه بگویند می توانیم انجام بدهیم پول هم نمی خواهند فقط شما بگویید اینجا، اینجا اجازه دارد خودرو بسازد

دکتر مقصودی: در پاسخ به سوال حاج آقا در مقیاس فردی یعنی یک کارگاه بخواهد در این ماجرای که روح سوداگری دارد بخواهد آن چیزی که شما می گوئید جامه ی عمل بپوشاند موفق می شود یا بر شکسته؟

دکتر رضائی: چی؟

دکتر مقصودی: یک کارگاه

دکتر رضائی: در مقیاس فردی یعنی چه یعنی یک نفر باشد؟

حجت الاسلام صدوق: یک خانواده یک نفر ده نفر ۱۵ نفر

دکتر مقصودی: زمانی که روح حاکم سوداگری هست و استاندارد با آن آدم ها می دهند و فضا اینگونه در توزیع بنا شده و مونتاز و روی سرهم بندی و این چیزها
دکتر رضائی: بله

دکتر مقصودی: اگر یک جمع معدودی بخواهند این کاری که شما می گوئید را انجام بدهند این ها زمین میخورند یا می توانند سرپا بمانند؟

دکتر رضائی: خوب حالا ببینید نکته این هست که ما داریم صحبت میکنیم شما اولش ، من الان دارم میرسم به سیاست گذار یعنی یک موقع هست شما می گوئید که وقتی می خواهید سیاست گذاری کنید با آنها چگونه سیاست گذاری می کنید یک پیچیدگی هایی دارد می گویم شما اول این را کنار بگذار برو کف کف ببین چه اقتضاتی دارد آن اقتضاتی که دیدی حالا بیا بالا شروع کن سیاست گذاری کردن که همه آن کار را انجام بدهند

حجت الاسلام صدوق: خوب این همان هماهنگی بود که گفتیم لازم است دیگر

دکتر رضائی: اولین کاری که قرار است بکنیم همین است

حجت الاسلام صدوق: می گوئیم که جامعه یک برخورد دارد با اقتصاد انجام می دهد کارش سوداگرانه انجام میدهد یعنی ما درگیر با این محیط بشویم

دکتر رضائی: جامعه انجام... این کار را انجام میدهد ولی

حجت الاسلام صدوق: یعنی آن چیزی که من میخواستم خدمتون عرض بکنم این هست که شما نقشه ای میخواهید در مواجهه با وضع موجود

دکتر رضائی: همین ، همین چرا این کار را باید انجام بدهد؟ چون شما اجازه نمی دهید کار درست را انجام بدهد خب اجازه بدهید راه حل آن اجازه دادن است شما همین فردا بروید اعلام کنید که شما خودرو بسازی من پلاک می کنم

حجت الاسلام صدوق: مشکل خودرو برطرف میشود؟

دکتر رضائی: نگفتم مشکل خودرو برطرف می شود این ها شروع می کنند به خودرو تولید کردن

حجت الاسلام صدوق: ببینید شروع کنند

دکتر رضائی: مسئله تفکر تولید خودرو در کشور حل می شود

حجت الاسلام صدوق: شروع کنند

دکتر رضائی: نگاه کنید مسئله خودرو هنوز حل نمی شود ممکن است چهار سال طول بکشد حل شود

حجت الاسلام صدوق: نه ده سال بیست سال سی سال

دکتر رضائی: مسئله فکر خودروسازی در کشور حل می شود

حجت الاسلام صدوق: ما حاضریم ۴۰ ساله هم مهلت دهیم

دکتر رضائی: چهل سال که اصلاً قیامت میشود

حجت الاسلام صدوق: ولی مسئله این است که یک فرایندی را باید ترسیم بکنید بگوئید این توانست هموارد بشود

دکتر رضائی: فرایند نمیخواهد شما باید بروید مطالبه کنید حداقل مشهد بگوئید من می خواهم خودروسازی ام را عوض کنم

دکتر مقصودی: همین هم فرایند است من به نظرم روی اشتراک شما دارید دعوا میکنید

دکتر رضائی: فرایند یعنی ما اول این را فهم کنیم حاج آقا ببینید وقتی میگوئیم مولد مردمی، وقتی شما میبینید مردم توان

دارند باید به آنها اجازه بدهید وقتی می بینید مردم توانش را دارند باید به آنها اجازه بدهید چرا اجازه نمی دهید

دکتر مقصودی: همین آقای دکتر همان فرایند هماهنگی که حاج آقا میگویند همین سوداگری است دیگر

دکتر رضائی: مثل می‌دانید چه میشود؟ کافی است وزارت بهداشت بیاید

حجت‌الاسلام صدوق: اتفاق می‌افتد

دکتر رضائی: کافی است وزارت بهداشت بیاید در اربعین بخواهد همه غذاها را معاینه کند همه گشنه می‌شوند و می‌میرند یکی از دلایلی که در کشور ما ماسک ارزان بود به خاطر اینکه وزارت بهداشت نظامات بهداشتی ما به قول معروف سرعتش به نظامات تحولات کرونا نرسید که بیاید استاندارد گذاری بکند که کدام ماسک بهداشتی است کدام یک نیست مردم زدن تولید کردن تمام شد رفت و گرنه باید ماسک را دانه ای ۱۰۰ هزار تومان می‌خریدیم بعد مردم تولید کردند یه سری هم گفتند که بله می‌روند دست دوم می‌شورند و می‌دهند بابا مردم دیگر مگر از طرف، تشخیص می‌دهد دیگر حالا مثلاً فکر می‌کند ماسکی که در وزارت بهداشت ۱۰۰ مدل الکل به آن می‌زنند و ضدعفونی میکنند شما هر چه الکل به خورد خلق الله بدهید سلامتشان ارتقاء پیدا میکند

دکتر مقصودی: دکتر شما در هماهنگی که می‌گویید متفاوت از هماهنگی رایج چیزهست ولی خودش هماهنگی است

دکتر رضائی: خودش هماهنگی است معلوم است من گفتم

دکتر مقصودی: همان خانم دکتر عرض کردم

دکتر رضائی: عرض کردم در پیک دوم ما یک سری بحث‌های دردسر ساز مطرح میکنیم میگوییم ببینید مولد مردمی، دانش بنیان، درون‌زا، برون‌گرا دوباره من یک تقاطعی می‌دهم بین دانش بنیان و درون‌زا خب دانش بنیان کیست؟ کسی که مدرک دکترای فلان از رشته فلان داشته باشد، نه چه کسی گفته است کسی که به نظر من کسی که متخصص ساخت بادگیر باشد دانش بنیان است دانش دارد آقا مردم می‌خواهند خانه بسازند باید ببینید در این منطقه قدیمی‌ها چگونه خانه می‌ساختند هم آن را بردارید توسعه اش دهید ان دانش بوده است تازه برای دانش من می‌گویم نباید برویم سراغ روز باید یک ۲۰۰ سال برش بزنی برویم به عقب تر چون ۲۰۰ سال آمده اند دانش را از اینجا ما را از عقبه خودمان بریدند. بروید ببینید ۲۰۰ سال پیش چی کار می‌کردند چطوری من یک بار گفتم به دوستان گفتم آقا اصلاً در مورد شرکت‌ها بحث شد گفتم شما شرکت‌های مثلاً دولتی گفتند آقا ما خیلی شرکت‌های بزرگی داریم نیازمند مدیریتش هستیم حالا شاید کمی خنده دار به نظر برسد اولش گفتم چه شرکت‌هایی داریم؟ گفت ۱۰ تا ۲۰ تا شرکت فولادی داریم گفتم خوب به چه دردی می‌خورد؟ خودم را زدم به آن راه گفت مگر نمی‌دانید فولاد است دیگر فولاد به چه دردی می‌خورد گفتم نه فولاد به چه دردی می‌خورد؟ گفت بابا این همه مصرف دارد ساختمان و فلان گفتم که نه قدیمی‌ها خانه گنبدی می‌ساختند فولاد نداشت اصلاً ۲۰۰ سال هم عمر می‌کرد گفت آقا نه صنایع دیگر گفت مثلاً خودرو و فلان گفتم که حالا خودرو هم که در جهان دارد هی به سمت استفاده از مواد پتروشیمی می‌رود یعنی درصد فلز درش هی دارد کمتر می‌شود فولاد برای چی می‌خواهید آقا دیگر گفتم مثلاً فولاد بخواهد مثلاً تو سوئیس که ساعت سوئیس را می‌زنند با آن کیفیت آن قیمت چقدر فولاد می‌برد چقدر آهن می‌برد که در یک روستا دارند آنقدر تولید می‌کنند عقربه اش را با چیزهای خیلی کوچیک می‌زنند یا در این موبایل‌هایی که ما داریم کلی پولش را می‌دهیم مگر چقدر فولاد به کار رفته است اصلاً فولاد می‌خواهید چه کار؟ حالا وقتش است خوب که نگاه می‌کنید می‌بینید یک تقسیم کاری از ۵۰ سال پیش در جهان اتفاق افتاده است یکسری کارخانه‌های خصوصی را توزیع کردند در اروپا کل شرق را تبدیل کردند به کارخانه‌های بزرگ دولتی، آمریکای جنوبی را تبدیل کردند حیاط خلوت فساد و مواد مخدر و فلان و همه چیز آفریقا را کردند معدن غارت، غرب آسیا را هم برایش یک تقسیم کار کردند گفتند شما هم خام فروش، نیروگاه جهان، بد شروع کردند ذیل این تقسیم کارخانه‌ها را اینجا توضیح کردن خوب شما پس فولاد بزن چون معدن دارید فلان چیز را استخراج کن اینکه میگن غرب را باید اصلاً بگذاریم کنار بابا این تقسیم کار تقسیم کار ما نیست حتی من داشتم فکر میکردم باز یک حرف عجیب غریب تری یک ذره بزنی پخش میشود و بعد از

آن هم ممکن است برای ما حاشیه بشود داشتیم فکر میکردم که ما اگر بخواهیم منطقه غرب آسیا را احیا کنیم باید چه کار بکنیم مثلاً فرض کنید که از مشهد تا بیروت از مشهد ، تهران ، قم ، مهران، کربلا دمشق بیروت این خط را من اندازه گیری کردم از مهران تا بیروت که می رسد به دریای مدیترانه بعد میرود به سمت آتن یعنی اروپا از مهران تا یونان فاصله اش از اردبیل تا چابهار هم کمتر است از مهران زمینی تا یونان فاصله اش از اردبیل تا چابهار کمتر است خوب شما نگاه می کنید می بینید که جنگ جهانی دوم هر چه ۲۳:۲۳ جاده برای ما زدن همه را شمال به جنوب زدند نگذاشتند ما غرب به شرق بزنیم اینی که من می گویم کلاً بگذارید کنار بعد داشتیم فکر میکردم خوب می خواهم بگویم در مورد متفاوت فکر کردن اصلاً فرض کنید سوادم را گذاشتم کنار دارم یک جور دیگری فکر می کنم گفتم خوب پس این راهش نیست می دانید که باید چه کنیم باید از مشهد تا مهران اتوبان بزنیم بعد گفتم برای چی اتوبان بزنیم که آسفالت بزنیم که خودرو بریزد در آن مشایه می زنیم مشایه آسفالت هم نمیخواهد مشایه را مردم تکه تکه سنگ فرش می کنند می روند جلو یعنی از حرم امام رضا تا حرم امام حسین تا حرم حضرت زینب ما قرار است پیاده برویم هر سال هم قرار است برویم بعد مشایه هم بزنیم نیازی نیست دولت بیاید قلتک بندازد لودر بیاید سرمایه بخواهد شرکت بزرگ بیاید سرمایه بریزد زیرساخت درست کنیم مشایه !!! مردم با لوازم خانه شان برای زائران سنگ فرش درست می کنند می خواهیم بگویم که حاج آقا ببینید یک مثال زدیم بعد این جاده به نظر شما چه تحول اقتصادی در منطقه ایجاد میکند؟

حضار: از مشایه کامیون هم رد میشود؟

دکتر رضانی: بغلش اگر خواست رد بشود. مسئله ی من کامیون نیست مسئله من جریان نیرو انسانی است می خواهم بگویم دوبارن از آن طرف برود بعدا جاده کامیون را بزنند مگر مسیر کربلا اول پیاده راه نیافتاد بعدا جاده زدند یعنی مسیر پیاده راهش از غرب مسئله را هم برای ما طرح نکنند که خوب کامیون نداشته باشید چطوری می خواهید مثلاً بارها را ببرید؟ من میگویم قرار شد در مشایه هر کسی خورد خورد هرچه دم در خونه اش هست بیارد در آنجا کامیو مسیر جاده اش قدیمی تر است. این یک مثال است برای اینکه چگونه باید ذهنمان را تخلیه کنیم و دوباره از اول بسازیم بر اساس بوم خودمان، بعد چیزهای دیگر را به آن اضافه کنیم. یعنی مشایه بزنیم، بعد کنارش جاده ، بعد پرواز را هم اضافه میکنیم برای کسانی که نتوانستند بیایند. پرواز میزنیم برود و مستقیم بیاید. منتها عرضم این است که اینجایش یک مقدار ممکن است... بعد این مثالی که بنده زدم یک مدل مولد است **دکتر مقصودی:** اینجا را دکتر یک ذره واضح تر بکنید چون غلط انداز است مسأله یعنی دارید می گوید روح جاده روح حرکت انسانی است درست داریم ترسیم میکنم؟ می گوید روح تعاملات بین المللی روح حرکت انسانی است نه روح انتقال نفت ، گاز، فولاد و... ما برای انتقال فولاد آدم نمی کاریم توی جاده برای روابط انسانی فولاد جا به جا می کنیم.

دکتر رضانی: البته ، البته ما نگفته ایم کل نظام حمل و نقل کشور را مشایه بزنید ببینید گفتیم که از مشهد ، کربلا ، دمشق. اصلاً این یک چیز دیگر است منتها همه ی اینها را تحت الشعاع قرار می دهد تمام نظام جاده ها را تغییر می دهد، ریل ها را تغییر می دهد پرواز ها را تغییر می دهد ببینید پرواز ها را تغییر می دهد یعنی چه؟ یعنی شما اربعین آنقدر شلوغ می شود که پرواز های استانی را کم می کنند می آورند در این خط ؛ قدرت یعنی این. یک بار بنده عرض می کردم گفتند هی می گویند آقا مشاغل خانگی قدرتش چیست؟ چه می خواهد تولید کند؟ می خواهید قدرت مشاغل خانگی را ببینید؟ قدرت مشاغل خانگی در اربعین است که سی میلیون نفر را دارد خدمات رسانی می کند. این قدرت است. بعد چه است؟ مولد است وقتی می روی در خانه ی شان می گوید سبزی خانه ی خودمان است نان را هم خودم پخته ام گوسفند هم گوسفند ی بوده است که خودم یک سال یا دو سال پرورش داده ام قربانی کردم مرغ هم مال خودم است این یعنی مولد. ۲_ مردمی است یعنی خورد است ولی انبوه است. ۳_ دانش بنیان است یعنی که خدمت شما عرض شود یک جاهایی خلاقیت هایی که این افراد به خرج می دهند کاملاً بومی خود آنهاست

دکتر مقصودی: یعنی دانش کمپلکس نانو تکنولوژی و بیو تکنولوژی پزشکی....

حجت الاسلام صدوق: وابسته ۳۷:۲۲ نیست

دکتر رضائی: نیست بعد تازه من می‌خواهم یک چیز دیگر هم بگویم یعنی شما فکر می‌کنید سیستم پزشکی می‌تواند این همه زوار را ضبط و ربط کند؟ نه همان ماساژی که موبک به موبک می‌دهند این بدن را احیا می‌کند

دکتر مقصودی: خب این نمی‌تواند دانشش تبدیل به دانش تخصصی شود؟

دکتر رضائی: اصلاً من حالا همین را می‌خواستم عرض کنم وقتی ما می‌گوییم دانش بنیان به اضافه ی درمان زا یعنی شما دانش بومی را باید پرورش دهید یعنی باید بروید و ببینید چی اینجا بوده است پیدایش کنید و همان را پرورش دهید وگرنه چه خواهند کرد؟ می‌شود دانش غیر بومی می‌آیند اول می‌گوید تو درباره ی بهداشت و... چیزی نمی‌دانید اصلاً خود تو غیر بهداشتی هستی و بهداشت را من می‌دانم بعد اصلاً به جای اینکه روی عرصه ی سلامت کار کند روی عرصه ی درمان کار می‌کند. و شروع می‌کند به پخش دارو، همه که مریض شدند کم کم شروع می‌کند دارو هارا گیاهی کردن عجب! تو که اول می‌گفتی اینها جواب نمی‌دهد چطور دارو هایت از شیمیایی کم کم گیاهی می‌شود؟ منتها گیاهی هارا خود آنها تولید می‌کنند. گیاه را از کجا می‌برند از همینجا می‌برند. ما طبق یک سری از برآورد ها شش برابر خام فروشی نفت خام فروشی گیاهان دارویی داریم. خام می‌فروشیم می‌رود. بعد هم می‌گوییم صادرات داریم انجام می‌دهیم. نه این هم مولد نیست. یعنی ما ذهنمان آنقدر باید تولیدی شود که نسبت به هرگونه خام فروشی حساسیت پیدا کنیم نسبت به هر گونه خام فروشی مثلاً چی؟ مثلاً می‌گوییم آقا شرکت بزرگ مثل مثلاً کرمان می‌روید در شرکت ساختمان ها، تهویه ها، سیستم اداره، دستگاه مدیریت، ماشین آلات پیشرفته... و همه ی اینها هست برای چی؟ برای استخراج مس بعد این قرار بود بیاد و برود توی این کیت های الکترونیک کار بشود آتش دیگر دست ما نیست! ما تا اینجا پیش که فقط این را بکشیم بیرون پیش رفته ایم. خب ما می‌گوییم ذهنی که نسبت به ... آقا و آقا و آقا کجا می‌خواهید بفرستید برود؟ همین هارا اگر بردارید قابل‌مسه درست کنید خاصیت آن بیشتر است برای سلامت مردم خب کی گفته تفلون. وقتی می‌گوییم دانش بومی ببینید ما حساس نیستیم نسبت به دانش، دانش دست خودمان بوده است از دست ما در آورده اند این را کجا باید بگوییم؟ من همین پرورز با یکی از تولید کنندگان برنامه های تلویزیونی، این بنده ی خدا روی بحث حالا چون پخش هم می‌شود... مثلاً روی حوزه ی مهارتی و اینها داشت روی مثلاً روی بخش هوش های هشتگانه کار می‌کرد و بحث این چینی بعد می‌گفت ما کاملاً روانشناسان نشسته‌اند نظامات روانشناسی را مستقر کردیم ارزیابی می‌کنیم پرونده مهارتی به فرد می‌دهیم که تو چقدر از این هوش های هشتگانه ات را به روز رسانی کرده ای فعال کرده ای بعد حالا در آن سرودی که به هر حال تیتراژ آن برنامه مثلاً یک کلمه این است که ما ایرانیان وارث علم سینا هستیم ابن سینا، بعد گفتیم که خیلی شعر قشنگی روی برنامه تان گذاشته‌اید ابن سینا نسبتش با این بحثها چیه است؟ گفت نسبتی ندارد گفتیم آقا چی ندارد هوشهای هشتگانه گفتیم آقا من یک بار دیگر سوالم را مطرح می‌کنم ابن سینا نسبت او با این تربیت شما چی است؟ گفت من نمی‌دانم آنها بحث های فلسفه گفتیم نه نه آقا بحث کاملاً تربیتی و انسان سازی است ابن سینا یک الگو است کسی که استعدادهایش شکوفا شده است یک نگاهی پیدا کرده است آنقدر نگاه پیدا کرده است آنقدر روی بدن مسلط شده است که طیب شده است تازه این هم که اصلاً ریشه طبابت از تجربه می‌آید و از فلسفه می‌آید اینها همه بحث دارد.

می‌خواهم عرض کنم که ما تا کی باید ذهنمان را نسبت به دیگران هی از آنجا برداریم حتی برای ترجمه ی واژگانمان هرچیز که می‌فهمیم همان را باید انجام بدهیم نه اینکه خوب یک موقع هم هست که می‌گوید آقا تو کی هستی که بخوای بفهمی می‌گوییم ما باید یک نگاهی به عقبه ی مان بکنیم ببینیم چی داشتیم همه چیزها را از دستمان در آوردند آخر این نظام شهر سازی است که ما داریم بعد از آن هم می‌گویند مگر می‌شود این را تغییر داد بله می‌شود تغییر داد ما تنها دو درصد از مساحت سرزمینمان رفته زیر سطح شهر سازی و این بتن ها یعنی یک روز هم شما اگر اراده کردید که کلاً می‌خواهم تمام این شهرها را متروکه کنم واز اول زندگی کنم کلی زمین دارید اینجوری نباشد که فکر کنید نه دیگر نمی‌شود دیگر عادت کردیم به این ساختمان نمیشود بستگی دارد آقا الان دولت میخواهد طرح مسکن بدهد شما الان که می‌خواهید مثلاً زمینها را برش بزنید واگذار کنید میخواهید تولید را در آن ببینید در خانه، می‌خواهید بگویید هر خانه یک کارگاه در حیاط آن داشته باشد یا نه اگر میخواهید

تولید یعنی این مولدیت را می خواهید در قاعده کالا قرار بدهید پس زمین ها باید ۵۰۰ متری برش بزنید می خواهید دانش بنیان بودن را در داخل آن قرار بدهید باید در خدمت شما عرض شود هر منطقه ای یک مرکز علمی ببینید، نه اینکه دانشگاه را بردارید ببرید بیرون شهر، کل شهر این طرف است دانشگاه هم بیرون شهر نه دانشگاه باید در محله ها توزیع شده باشد، می خواهید درون زایی برونگرایی را ببینید باید در هر محله یک تولید محوری تعریف کنید، بگویید این شهرک نباید اسم شهرک به نام تولیدی باشد که می خواهید انجام بدهید این شهرک، شهرک تولید داروهای گیاهی این شهرک، شهرک خودرو نه شهرک پرسنلی ایران خودرو شهرک سازندگان خودرو است اصلاً همه چیز را تغییر بدهید دستمان هم بسته نیست باز است هیچ هم نیاز نیست که حالا ما بگوییم نمی شود نمی شود نمی خواهیم باید بخواهیم تا الان هم یک موقع است نه حالا باید به تجربیات بابا آن چیزی که ما در گذشته دیدیم، دیدیم جواب نداده است دیگر نیاز نیست من نه آقا حالا که نمیشود تجربه گذشتگان را کنار بزنیم می گویم باشد اتفاقاً تجربه گذشته چی است تجربه ی گذشته آلودگی است، ناکارآمدی است، بیماری است. تجربه گذشته که مثلاً رشد و صعود و اینها که نیست که این همه راه که آمدیم که بترسیم آقا این را اگر بگذاریم کنار میمیریم نه آقا بگذارید کنار نمی میرید. کی گفته است خوب حالا چه کنیم؟

الان برای اینکه این کار را انجام بدهیم من به نظرم می آید ما نیاز به ساخت انسان هایی هستیم که اصلاً کلاً این مدلی نگاه کنند من برای بچه ها مثال میزنم، ما یک سری کادر می خواهیم که این قدرت را داشته باشد که شرکت های بسیار بزرگ و کارخانجات بزرگ خام فروش را نبیند ولی یک خانه ی کوچک مولد به چشمش بیاید ما الان یک همچنین آدمهایی می خواهیم عینک های شان این مدلی باشد حالا فکر می کنید آن کارخانه را هم نبیند چی میشود کارخانه به آن عظمت کلاً هزار، هزار و دویست تا نیرو دارد یا مثلاً با چند هزار میلیارد سرمایه گذاری خوب فرض کنید نباشد چی میشود من یک روز حالا رفتیم به یکی از این کشت و صنعت ها اسم نمی آورم رفتیم بازدید آقا از این جا شروع می شود این خط تولید آن است چغندر را هم وقتی آدم آن همه میبینید خوف میکند میبینید تریلی تریلی چغندر دارد می آید داخل کارخانه بعد اینها می رود شسته میشود خورد میشود می رود حرارت داده می شود شهد آن کشیده می شود بعد این شهد می رود دوباره در یک سری دستگاه ها با سرعت بالا چرخانده میشود رنگ آن گرفته میشود شکر سفید بسته بندی شده یعنی شما از این طرف می روید چغندر می دهید از آن طرف گونی شکر می دهید بیرون. هر مسئولی هم که آنجا رفته است می گوید احسنت اینها نماد تولید است یک سوال اگر شکر نباشد چه میشود؟ شکر نباشد چه میشود؟

حضار: شکر نباشد کمتر بیمار می شویم

دکتر رضائی: من یک بار رفتم منزل یکی از اقوام یک کیک گذاشتن جلوی ما گفتم چقدر خوشمزه است ایشان گفت الان فصل خرمالو هست با خرمالو شیرینش کردم شکر نباشد خانم ها همان چغندر خودشان میگیرند و شهدش را میگیرند به غذا میزنند، نه این جور نیست؟ نکته ی بعدی یک نمونه دیگر از تولید غیر مولد بگویم تولید غیر مولد می دانید که ما الان بزرگترین صادر کننده تولید کاکائو در منطقه غرب آسیا هستیم شکلات، از یکی از دوستانی که آفریقا رفت و آمد داشت سوال کردم گفتم آیا ما تولید داخلی کاکائو داریم گفت نه گفتم هیچی نداریم گفت ممکن است یک درصد تولید باشد پرسیدم پس چرا این این حجم از کاکائو در این همه محصولات و شکلات و کیک ها و انواع دیده می شود شما قنادی بروید کیک بدون کاکائو باید بگردید تا پیدا کنید که کاکائو در آن نباشد آن هم کاکائو که محرک است، و بلوغ زودرس می آورد همه این ها را بگذارید کنار من گفتم برای چه ما تولید کننده کاکائو هستیم این حجم از کاکائو داریم قبلاً ملت می رفتند از خارج کاکائوسوغاتی می آوردند الان دیگر کسی نمی آورد اینجا بهترین هاست برای چه مگر ما کاکائو تولید میکنیم اینجا همه را که داریم وارد میکنیم گفت می دانی چرا؟ چون تولید کاکائو یکی از انرژی برترین صنایع تولید شیرینی جات و این ها است اینجا انرژی ارزان هست شکر هم هست بسم الله بزن برود وارد کن بزن برود. این تولید هست ولی مولد نیست حالا کاکائو نباشد چه میشود؟ شیرین بیان!

حضار: یعنی میگویید نباشد؟

دکتر رضائی: اصلاً می خواهیم بگویم بدترین حالتش را می خواهیم بگویم یک موقع هست درباره کالاهای استراتژیک صحبت می کنیم گندم نباشد چه میشود؟ شوخی داریم مگر اگر جو نباشد چه میشود؟ علوفه دامی نباشد چه میشود؟ ولی درباره یک سری تولید که کشور ما فربه شده است

دکتر مقصودی: همان ها را هم کشور ما دارد پرهیز میکند دکتر همان ها را چرا پرهیز میکنید شما دارید یک تفکر خلاق را الان می گویند که هم آنها را هم می شود سوال کرد دیگر.

دکتر رضائی: آنها را هم میشود مطرح کرد من دارم مثال میزنم

دکتر مقصودی: سوال کنیم اگر این نباشد چه میشود؟ چه اتفاقی می افتد؟

دکتر رضائی: من درباره شکر و کاکائو گفتم درباره گندم و جو که کالای استراتژیک یا پروتئین مثل گوشت گوسفند این را نگفتم که گفتم اگر این نباشد چه میشود؟ اول اینکه ممکن است بگوییم خوب چیزهای دیگر جایگزین می کنیم چیزهایی که مردم قبلاً شیرینی جات را خودشان تولید می کردند و خدمت شما عرض شود که من الان نمی گویم ما این کارها را نباید انجام دهیم من میگویم تولیدی باید داشته باشیم که ارزش ...

دکتر مقصودی: دکتر می گویند بو می دهد آن شیرینی ها

دکتر رضائی: حالا همان ها هم بو می داده برای اینکه به آن کره می زدند روغن بوزدایی شده که به آن نمی زنند کره حیوانی می زنند درجه یک

دکتر مقصودی: بوزدایی شده اش هم هست مقیاس خانه

دکتر رضائی: خوب من بحثم را اینجا جمع کنم میدانم مخصوصاً میخواستم چالش درست کنم و منظورم از تفکر مولد بومی فرض کنید بروید دویست سال پیش ببینید این حجم از شکر و این چنین اتفاقات از این جنس نبوده و یک الگوی تغذیه دیگری برقرار بوده است ما غذایمان دارو بوده است و دارویمان غذا بوده است خود غذا دارو بوده است مثل انواع آش ها و چیزهای دیگر...ممکن است بگویید خوب الان با این ها چه کار میشود کرد؟ خوب چطور الان شما می روید فود کورت میبینید پیتزا دارد سوخاری دارد فلان دارد ترکیه ای دارد، ایتالیایی دارد، فلان دارد چه و چه دارد خوب یک فود کورت بزنید که بگوید این برای خراسان شمالی-جنوبی اصفهان، یزد، شیراز، بوشهر است

خوب برای چه فود کورت اینجوری نمیزنیم؟ خوب یعنی ما الان باید چه کار کنیم؟ هیچی طبقه بالای پاساژ ها. چون پاساژ ها را طوری می سازند که برای رسیدن به غذا از همه مغازه ها باید رد شوی برای رسیدن به غذا و اسباب بازی کودکان که طبقه ی بالا است شما باید از همه ی مغازه ها رد شوید این فلسفه دارد و کلش تبلیغات است ما می گوییم خیلی خوب اولین کارش این است که بگوییم پاساژ زدی باشد، بزن اصلاً بزرگترین پاساژ را بزن، یک قانون بگذارید بگویید چطور وقتی بچه را می خواهید بفرستید مدرسه می گویند بچه ها باید مال همین محله باشد شما بگویید پاساژ میزنیم تمام کالاهایی که تولید می شود باید مربوط به شعاع ۲۰ کیلومتری این پاساژ باشد آن وقت آن پاساژ میشود قطب تولید منطقه نه قطب مصرف گرایانه منطقه یک قانون است.

میخواهید غذا بگذارید باشد غذای کل ایران را بگذارید که هر کی میرود آنجا انگار کل کشور را گشته است خوب تغییرش بدهید چرا تغییرش...این مطالبه میشود، میشود طراحی، عملیاتی است؟ بله عملیاتی است الان یک دانه از پاساژ هایی که دارد ساخته می شود را ببینیم کدامش هنوز ساخته نشده بگوییم اینجا دیگر فود کورت میزنید برای من سیب زمینی و مرغ سوخاری از این چیزها نچینید ایتالیایی قهوه فلان چی... ۳۱ غذا بچینید برای من از هر استانی یک دانه بعد ببینید جذاب می شود یا نمی شود؟ پس می خواهیم بگویم که این یک مدل از وهم...خب شما ممکن است بگویید در سیاست گذاریم هم گفتم که یعنی از هر لایه ی عملیات تا سیاست گذاری، سیاست گذاری چیست شما باید بگویید پاساژ باید مختص عرضه محصولات شعاع ۴۰ کیلومتری اش باشد آن وقت در شعاع ۴۰ کیلومتری پاساژ چه چیزی است خانه هایی است که باید تولید کند تا پاساژ باز کند می شود

مشاغل خانگی از لایه عملیات از سطح فردی، سطح خانوادگی محلی تا سیاست گذاری که قرار است مقوم همین اتفاق باشد هم تولید در آن است هم دانش بویی در آن است هم درون زایی یعنی اتکا به ظرفیت های درونی و بعد شما اگر موفق شدید این قاعده را به هم بزنید بعد اتفاقات دیگری هم می افتد که مثلاً حالا در حوزه نظام ارتباطات... من به نظرم بحث های حالا چون خیلی موقع ها نسبت ما را با یک سری از کالاهای دانش بنیان ما خوف می کنیم می گوئیم نه بین این جوری نمی شود ها این اتفاق نمی افتد ها ما مثلاً تا وقتی نتوانیم موبایل و اینها را تولید کنیم هنوز کشورمان با آن سطح چیز نرسیده است ما می گوئیم نه اینها خیلی هایش برنامه ریزی شده است خیلی موقع ها همین موبایل ها هم به صرفه نیست حالا دکتر مقصودی در بحث خودرو مفصل بحث کردند در موبایل هم آقا جان در موبایل هم که دارد می آید همین گوشی تلفن همراه دارد الگو مصرف با خودش می آورد همین دوستانی که می گویند دیگر انقدر بچه ها نسبت به این معتاد شدند که وقتی قول آیفون به آنها می دهند حاضرند بیایند کل واقعیت های کشور را به قول معروف همه چیز را به فحاشی بکشند که این گوشی آیفون را بگیرند که حالا این گوشی آیفون را هم باید بررسی کنیم که مثلاً چقدر توانسته از دردهای بشر را دوا کند فلان کند چه کار کند نباید بترسیم که ان بگوید که من صاحب فناوری هستم من سیلیکون بری دارم .

منم مشایه دارم پاشو بیا اینجا از سیلیکون بری بلند شوید بیایید اینجا توی مشایه قدم بزن بین چه جوری غذا دهند می گذارند من هتل فلان ۱۰۰ طبقه نمیدونم خلیفه امارات را دارم میدانید باید چقدر خرج کنید بروید در آن هتل؟ بلند شوید ببینید چطور تکریمت میکنند بچه ها مثال می زدند و می گفتند رفتیم به خانه یکی از این البته مشهد هم هست بزرگواران و شما بزرگواران که وقتی میخواید از زائر پذیرایی کنید ما چاره ای نداریم اقا امثال بنده... ما چاره ای نداریم اربعین مارا نجات داده هی می خواستیم برویم مثال بزنیم برداریم الگو سازی کنیم که به زور بگوئیم آقا می شود می شود ، شد چیکار کنیم دیگر ما جای دیگه دستان نمیرسد که بخواهیم مثال بزنیم ببخشید حالا ببخشید هم ندارد خیلی هم خوب است می گفتند که ما رفتیم می گفتند که ما مثلاً با بچه ها رفتیم خونه فلان خونه یکی از این بزرگان برادران عراقی گفتند که این آقا و این خانم عراقی تازه ازدواج کردند و نو عروس بودند آن خانم در آن خانه گفت وقتی رفتیم در کمد را که باز کردن همه رختخواب های پیچیده شده اصلاً تا حالا باز نشده بود پتو ها توی پلاستیک بود می گفت وقتی در را باز کرد طوری این پلاستیک تشک ها را باز میکرد که اینها را بندازد من میگفتم نکن نکن اینها نو است می گفت او اصلاً برایش این مطرح نبود

دکتر مقصودی: اصلاً مطلوب است

دکتر رضائی: اصلاً برایش مطلوب بود این نو را بگذارید زیر پای من حالا خدمت شما عرض شود که می گوئیم که حالا خیلی خوب تو سیلیکون بری داری گوشی میسازی ولی من یکجا می شناسم که آدم میسازند بعدا که آدم ساختند ممکن است از آن بهترش را هم بسازند حالا دیگر یکم باید برویم در نقد فناوری غرب و این ها که آیا این فناوری غرب اینقدری که می گویند پیشرفته است؟ یا خالی بندی هم پشتش است؟ آقا ما رفتیم فضا را گرفتیم رفتیم فلان کردیم و دیگه نسل ۵ اینترنت چه کار می خواهد بکند ما دیگر نمی دانیم که از فضا آدم می آید دایناسورها می آیند یک دفعه بیماری ها می آیند و همه گیری می آید و همه می میرند بعد یک دفعه بعد ۲ سال یک دفعه تمام میشود بعد دوباره همان میشود آنفولانزا بعد دوباره شربت آویشن و اینها بخورید معلوم نیست شاید دارد خالی بازی می کند در حوزه ی علم و فناوری غرب بیش از اینکه قدرت علمی داشته باشد قدرت رسانه ای و دروغ پردازی دارد در دروغگویی خیلی قوی است ما نمیدانیم شاید بسیاری از این فناوری هایی که ما تصور می کنیم اینها همه اش درهالیوود است و جرات جسارت را از ما گرفته است که در مورد یکسری از اتفاقات بومی خودمان حرف نزنیم نه نه حرف نزنید اینها حکم چیز دارد اینها علمی نیست می شود همین دقیقاً خیلی ساده آقا این حرف ها علمی نیست ، این حرف ها علمی نیست حالا دانشجویی که الان می رود سر کلاس دانشگاه اگر بتواند قدر جلد دوم اقتصادنا مربوط به شهید صدر حرف بزند این را باید طلا بگیریم تازه جلد دوم اولش را هم نه، آنقدر آن منبع غنی است فکر می کنید چه چیزی می خوانند در دانشگاه ها که من الان می گوئیم بعضی موقع ها بچه ها در دانشگاه ها شلوغ می کنند شاید به خاطر این است که دلشان نمی گیرد بروند سر کلاس می گویند

یک ذره شلوع کنیم که کلاس ها تعطیل شود جذابیتی ندارد جلد دوم کتاب اقتصادنا فوق العاده قدرتمند است فوق العاده جذاب و انگیزه بخش است دکترا است ما حالا می گوئیم در حد کارشناسی ارشد هم نیست بعد مگر رشته های ما عمدتاً سطحش راهبردی نیست تکنسینی است یعنی من اقتصاد می خوانم که نظام بانکی را توجیح کنم اقتصاد نمی خوانم که نظام مالی جدید تغییر کند که، من اقتصاد می خوانم که بگویم مثلاً بانک جهانی سیاست هایش را بفهمم یعنی کلید واژه ی سیاست هایی که میخواهند برای کشور من بگذارند را بفهمم یعنی اقتصادی که من میخوانم در حد زبان تخصصی است در حد طراحی نظام اقتصادی برای جبهه مقاومت که نیست من اگر بخواهم برای جبهه مقاومت نظام اقتصادی طراحی بکنم باید اقتصادنا جلد دو بخوانم چون شهید صدر متفکر است محوری است مقبول در جبهه اقتصاد غرب آسیا است همه بر آن اجماع داریم الان گیر ما این است ما یک متفکر محوری نیاز داریم در حوزه من عرضم این است زیرساخت همین فکر است زیرساخت پل و جاده و اینها نیست که البته آقا با طرح اقتصاد مقاومتی خلأ امثال شهید صدر و شهید مطهری را جبران کردند خلأ امثال آقا سید منیر، آقا گویا تمام بحث ها را جمع کردند و خلاصه کردند دادند دست ما خوب حالا ممکن است بگوئید ما چه کار کنیم من می گویم بزنید پول، پول تولید کنید برای غرب آسیا یک دانه پول تولید کنید پول نظام بانکی برای کل غرب آسیا اول یک پول تولید کنیم بعد یک نظامی تولید کنیم که پول را تقویت کند و به مصرف همه برساند همه از این پول استفاده بکنند در غرب آسیا اگر ما بخواهیم یک پول تولید کنیم یک ورق پول که یک عکسی که روی آن خورده باشد که مردم غرب آسیا این را از همه بیشتر در این منطقه شناخته باشند به نظر شما عکس چه کسی را باید روی این پول بزنیم

حضار: سردار سلیمانی

دکتر رضائی: تمام شد بزنیم خب من بروم بشینم بانک مرکزی بخواهد به این فکر برسد؟ می روم چه کار می کنم برای این کار؟ میروم یک درس حالا اینجا که می گوئیم غرب را بگذار کنار و دوباره از کنار بردار بیاور بگو می خواهم پول بسازم، بگذار ببینم این ها چگونه پول ساختند ولی می خواهم این دفعه در اشل کوچک بسازم از کوچک بزرگش بکنم خوب باشد پول بسازد معطل این هستیم که کاهش ارزش پول ملی مان دارد اتفاق می افتد یک پول منطقه ای میزنیم این دفعه روی دست دلار بلند شود حالا می گوئیم ساز و کارش چگونه است بعدا می فهمیم که ان لا مذهب چه کار داشت می کرد واقعاً اقتصادش قوی نبود او بلد بود پول را خوب می شناخت که توانست بر همه ما آن پول را حاکم کند یعنی حاکمیت اینکه، حالا بعدا میرسیم به این که دلار قوی هست دلار قوی نیست رسانه آمریکا قوی است که موفق شده است دلار را همیشه درازهان ما قوی نگه دارد بلد است چه کار کند حالا دیگر این ها بماند که من خیلی بحثم را طولانی نکنم تا بزرگواران بفرمایند پس من تلاش کردم حالا نمی دانم چقدر این مثال هایی که زدم احساس کردید با این مبانی همخوانی دارد اگر ۷۰ درصد از نظر شما مثال هایی که من زدم با این مبانی همخوانی دارد یک مقدار جلو رفتیم یعنی هم مبنا را گفتیم هم به مثال رسیدیم هم وظیفه ی فردی و خانوادگی از داخلش درآوردیم و همه اینها مقدمه است که این جلسه که تمام شد شما دوباره بروید بنشینید از اول فکر کنید. هر آنچه اینجا شنیدید را بگذارید کنار _ البته حرف بنده را، حرف بزرگواران را خیر_ دوباره شما باشید و متن بیانیه، از صفر شروع کنید به فکر کردن. آقا کارمان را راحت کرده اند ها! گره باز کرده است آقا خودشان گره علمی را باز کرده اند.

حجت الاسلام صدوق: جمع بندیش را اینطور می توانیم بگوئیم که برای طرح شما اول باید یک گفتمان عمومی درست بکنیم که وفاق عمومی رویش شکل بگیرد و بعد این مطلوبی که مورد نظر شما هست، بتواند عملیاتی بشود.

دکتر رضائی: بله عرض می کردم که آقا در سال ۱۳۹۴ در دیدار با هیئت دولت فرمودند این نهضت نرم افزاری و جهش علمی را ما انقدر گفتیم تا شد. اشاره کردند، گفتند که من ده سال گفتم تا شد و بعد فرمودند اقتصاد مقاومتی هم همینطور است، اقتصاد مقاومتی از مسیر گفتمان سازی عبور می کند. در دیدار با چه کسی؟ با هیئت دولت که باید برود کار اجرایی بکند. سه تا از بندهای اقتصاد مقاومتی هم ناظر به بحث گفتمان سازی فرهنگی است.

حجت الاسلام صدوق: اگر گفتمان‌سازی نیاز جامعه امروز را تغییر ندهد، یعنی الان دارد در یک بستری زندگی می‌کند، اینها را نیاز می‌بیند، شما در بداهت‌های اینها دائم تردید نکنید. من هم قبول دارم که اربعین برای ما یک تصویر درست کرده است، اما یک زمان ده روزه، پانزده روزه، بیست روزه که اگر همه‌ی سال را ما کار نکنیم می‌توانیم در این دهه پیاده‌روی نکنیم. گرچه باید مرخصی هم بگیریم و یک ده روزه‌ی از جای دیگر (۱۰۲:۱۸). غیر از خود ملت عراق که مجبورند کل سال را یک تلاش دیگری داشته باشند تا بتوانند رسیدگی به مردم داشته باشند. لذا یک پروسه‌ای می‌خواهد که شما بتوانید این را تعمیم در زمان بدهید؛ ده روزه بشود ۳۶۵ روز. از یک منطقه ۷۰ کیلومتری بشود یک گستره چند هزار کیلومتری در ایران و حالا منطقه و اینها. لذا این موانع گفتمانی‌اش و موانع اینکه چگونه تبدیل به یک فرآیندی بشود که شروع به حرکت بکند، این را ان‌شالله بعداً استفاده می‌کنیم از حضورتان.

دکتر مقصودی: بله در خدمتون هستیم.

حضار: می‌شود سوال پرسید؟ سوالی داشتم اینکه شما فاکتورها یا عواملی که استخراج کردید _مردمی، مولد، دانش‌بنیان، درون‌زا، برون‌گرا_ در یک فضای آرمانی و ایده‌آل است. همیشه عواملی هستند که می‌توانند تعادل را بهم بزنند و این فاکتورها را دستخوش تغییر کنند و من یک نمونه‌اش را برایتان مثال می‌زنم. مثال هست دیگر؛ مثلاً در مورد مردمی کردن اقتصاد و تولید خوردو که فرمودید بیا بییم استانداردها را برداریم و به مردم اجازه بدهیم وارد فضای تولید بشوند، در بعضی از زمینه‌ها واقعاً ممکن است همینطور جواب بدهد، این نسبتش با اقتصاد آزاد چگونه است؟ چون بعد از آن طرف عده‌ای شاید بخواهند در این فضای آزاد واردات انجام بدهند. آن وقت شما چه بدلی می‌زنید به این اشکالی که پیش می‌آید در این سیستم آرمانی شما. یعنی ممکن است آنطور که شما فکر می‌کنید پیش نرود.

دکتر رضائی: پاسخ ما این است که اقتصاد باید در راستای رشد تولید آزاد باشد. یعنی اگر هم می‌خواهد برود واردات انجام دهد، بروید یک چیزی بردارید که تولید من را بالا ببرد نه آن چیزی که می‌توانم تولید کنم.

دکتر مقصودی: نه اینکه در سیاست‌گذاری

دکتر رضائی: ایشان نسبت آزادی با آزادی اقتصادی را با این بحث کردیم و گفتیم آزادی برای رفع موانع است.

دکتر مقصودی: دکتر نمونه‌اش خود ما هستیم دیگر

دکتر رضائی: آزادی تولید. تولید باید آزاد باشد.

دکتر مقصودی: ما سالهاست که داریم راجع به اقتصاد مقاومتی صحبت می‌کنیم و یک عده هستند که نمی‌گذارند. می‌خواهیم تولید کنیم... یک دفعه می‌آید دامپینگ می‌کند پدر ما را در می‌آورد خوب مسئله‌ای که هم حاج آقا و هم آقای دکتر هم همین را مد نظر قرار دادند روبروی این قدرت اقتصاد سیاسی نظام موجود طرح اقتصاد مقاومتی چه قدرتی دارد منهای قدرت نظری آن قدرت عملیاتی آن کجاست من به نظرم با مراجعه به آن مثال اربعین و مثال طب سنتی میشود جواب داد ولی باید یعنی باید طراحی جواب خوبی برای این صورت بگیرد و گرنه شما اصلاً به جمع حاضر بگویید شما از امروز بروید آن فود کورت را بزنید خوب اگر آن فود کورت را زدند فود کورت کناری دامپینگ کرد اصلاً آمد یک سم ریخت در غذای اینها چه کارش می‌کنید وقتی هم که آنها رایج هستند یا اصلاً نه الان من سر کلاس هایم می‌پرسم اخیراً پرسیدم گفتم بیشترین غذایی که دوست دارید چی است عموماً بچه های ۱۷؛ ۱۸ ساله گفتند پیتزا دوست داریم الان شما فود کورت بزنید نمی‌دانم قورمه سبزی و خورشت بادمجان ونمی‌دانم باقلا قاتق نمیدانم چی و چی من نمی‌دانم چی چی و

حجت الاسلام صدوق: میرزا قاسمی، شله مشهدی

دکتر مقصودی: میرزا قاسمی و اینها وقتی که فضای رایج یک جای دیگر است قدرت برنده بودن شما از کجا پیدا شده است؟

دکتر رضائی: الان عرض می کنم کسی که پیتزا دوست دارد وقتی که می رود سی و یک غذا ببیند دیگر آن وقت محکم نمی گوید پیتزا دوست دارم اتفاقاً پیتزا در مقابل کشک بادمجان می آید می گوید پیتزا دوست دارم ولی وقتی که ۳۱ مدل غذا می بیند می گوید حالا پیتزا هم هست می گوید حالا بگذار یک مقدار از این تست کنم آن را هم تست کنم اتفاقاً کسی که گیر میدهد روی تنوع گیر میکند او هم همینطور است الان شما مثلاً فود کروت هم که میزند ویژگی آن چی است ببینید ما قدیمی ها مثلاً رستوران های قدیمی یک نوع غذا می دادند مثلاً یک کبابی بوده است خیلی معروف فقط هم همین کباب بوده است هیچی جوجه هم حتی نداشتند بعد آن آمد از راهبرد تنوع استفاده کرد برای اینکه این کباب را بزند زمین که ما همه در روحیه هایمان شکل گرفته بود و دوست داشتیم می دانستیم چقدر کیفیت آن چقدر خوب است و می دانستیم این آدم چقدر در کارش خوب است کیفیت آن عالی است و کم نمی گذارد حتی آدم معنوی هم هست خیالمان راحت است غذا حلال است و همه اینها او آمد یک تنوعی را ایجاد کرد من گفتم حالا بگذار آن را هم بروم به چشم ببینم چه مزه ای است یواش یواش از این جدا شدم خیلی خوب الان کسی که میگوید پیتزا دوست دارم شما باید ۳۱ غذا بگذارید جلوی او گفتم نباید کشک بادمجان را بگذارید جلوی او که بگوید این هم هست این هم هست این هم هست دستش را می برد بالا حداقل شل می شود در اینکه بگوید من فقط پیتزا دوست دارم یک ذره از آن تست کند یک ذره از آن تست کند حداقل دفعه بعد که برود دیگر پیتزا نمی خواهد باید تدبیر کرد یعنی شما هم باید با داشته هایتان بیایید به میدان ببینید که مثلاً فرض بفرمایید که چه جوری می شود موضع گر شد من یک بار این بحث جالب بود گفتم که خوب می دانید که یکی از چیزهایی که هست در حوزه جهان سازی رستوران های مک دونالدی بود که در بلوک شرق زدند و فرهنگ ترغیب که مردم صف کشیدند گفتند بچه ها این کار را برای ما خواهند کرد یعنی با سیستم های بین المللی مثلاً غذا و اینها می آیند در کشور ما شما چه کار میکنید اگر مک دو نالد زدند وقتی که دیدید به قول معروف در مقابل تاسیس مک دونالد یک دفعه خلق الله صف کشیدند چه کار کنیم کپ کنیم بگوییم آخ آخ تمام شد گفتم نه باید بروید کل صف را فلافل منو باز بدهید بگو تو مک دونالد داری من هم فلافل دارم از داخل صف دانه دانه لقمه بدهید دست خلق الله را از صف بیاورید بیرون جنگ است باید از سنخ خودش بروید به مضافاً اینجا جای خلاقیت است کار فنی یعنی همین کار فنی یعنی اینکه شما یک چیزی را که بوده است را نو به میدان بیاوری نوسازی کنید بیاورید و شما می ببینید که همین الان هم همین طور است الان ما غذای سنتیمان هم کم مخاطب ندارد ولی در مورد این می خواهم بگویم که اگر شما یک الگوی بومی می خواستید بسازید چگونه می توانید الگوی بومی را بسازید یک مثال زدیم و خدمت شما عرض شود قطعاً باید گفتمان آن ساخته شود گفتمان آن را هم گفتم الان عصر گفتمان است حاج اقا ببینید یک روز تعلقات فرهنگی خیلی طول میکشد تا ایجاد شود ولی الان مرتب پشت سر هم ما شاهد تحولات فرهنگی هستیم پس چرا ما آن را ایجاد نکنیم تازه اینجا ایجاد کردیم ببینید یک مثال دیگر بزنم در مورد همین اغتشاشات اخیر بعضی ها میگویند آقا به ما حمله شد مغلوب شدیم گفتم اشتباه نکنید به نظر من همه ی آنها واکنش هست شما چون در حوزه سلام فرمانده یک کنش انجام دادید کل داستان را ، بچه ها رفته بودند اربعین بعد فیلم گرفت برای من گفت ما در ماشین هستیم یکی از رفقا هم از لبنان در این تاکسی که هستیم داریم می رویم به سمت کربلا هست گفتم به او بگو که او گفت می خواهیم یک سلامی بدهیم از طرف شما گفتم خیلی ممنون سلام دادم گفتم من یک خواهشی دارم از او بخواهید سلام فرمانده بخواند گفت او که نمیداند گفتم چرا به او گفت اخوی همینطور با عربی دست و پا شکسته سلام فرمانده سلام یا مهدی برگشت گفت سلام یا مهدی ببینید کجا رفته خوب شما زدید که دارد عکس العمل نشان می دهد حتی در این حوزه ارادل و اوباش هم من خاطر هست قبل از این یکی دو ماه پیش اول پلیس گشت ویژه راه انداخت که برود من می گویم این ارادل و اوباشی که در خیابان می آیند اینها دارند یک جوری پیش دستی می کنند اگر در خیابان هم می آیند پلیس میرود آنها را می گیرد چون این طرح بود اصلاً که به روند بزنند این ها را به قول معروف چیزشان بکنند نه اینکه ما این کار را کردیم ولی می گویم ما یک کنشی کردیم او رفته است در واکنش بعد در سایر موضوعات هم به همچنین الان یعنی ما در موضع کنش هستیم خوب وقتی در موضع کنش هستیم چرا مستقلانه فکر نکنیم چرا آن چیزی که دلمان می خواهد را طراحی نکنیم حالا چه

چیزی مانع این هست؟ نظام علمی کشور و دانشگاه ها همانی که اول تا می خواهیم فکر کنیم اول آن را لحاظ میکنیم. نه! در دانشگاه در هیچ رشته ی دانشگاهی از ایران حرف زده نمی شود اگر هم بشود یک واحد در بین ۲۰۰ واحد دیگر هست که بچه ها می خوانند بچه های ما وقتی وارد دانشگاه می شوند از ایران خارج می شوند درست مثل فضای مجازی وقتی وارد فضای مجازی می شوند وقتی می روند داخل فضای مجازی از کشور خارج می شوند فکر میکنیم اینجا در خانه نشسته دارد با گوشی بازی می کند خیالمان راحت است نه این الان در آلمان هست vpn آن احتمالاً از آلمان است حداقل آن این است دارد آنجا سیر میکند

حجت الاسلام صدوق: خدا خیر بدهد انشالله

حجت الاسلام صدوق: سوالاتی را که دارید بفرمایید

خانم محمدی: آقای دکتر یکی از بزرگواران پرسیدند که این روحیه ی ناب اربعینی را چطور به جامعه میتوان تزریق کرد؟ بعد در قسمت دوم سوال شان هم به نظر شما علمی بودن نظریه های بومی که شما مثال زدید لزومی ندارد که بررسی شود **دکتر رضانی:** علمی بودن علم مگر نمی گوید تجربه آن چیزی که ما الان از علم رایج میفهمیم می گوید باید یک چیزی تجربه شده باشد آزموده شده باشد تا ما متوجه شویم که یک علمی هست **دکتر مقصودی:** یا اینکه دروغ می گویند

دکتر رضانی: حالا بماند به فرض ما می گوئیم که باشد شما درست می گوئید الگوهای بومی را بروید پیدا کنید که هزار سوال جواب داده است شما اگر بروید سراغ الگوهایی که عمر هزار ساله دارد باید بروید دوپست سال پیش دنبالش بگردید علمی بودن است اگر بگوئیم اگر تو میگوئی منظورت از علمی بودن مجرب بودن است یعنی این سابقه داشته و جواب داده است میگویم خیلی خوب میرویم سراغ الگوها یعنی حالا می دانید کار کجا می شود؟ وزارت علوم اصلاً کارکرد تمام وزارتخانه ها را ما با این سیستم می توانیم تغییر بدهیم بگوئیم کار وزارت علوم از این به بعد این هست برود پیدا کند الگوهای فناوری که در ایران عمر هزار ساله دارد آن ها را بیاورد در دانشگاه ها تدریس کند ببینید اگر به قنات و بادگیر و خدمت شما عرض شود تکنولوژی هایی مثل کاری که شیخ بهایی کرد در آبرسانی اگر نرسید به آنها تازه آنها یک سری چیزها را نمی گفتند دیگر **حضار:** معمولاً بیشتر تئوریزه بودنش است نه تجربی بودن آن

دکتر رضانی: آخر آن چیزی که ما از علم می فهمیم تجربی بودن آن است شما اگر تئوریزه بودن آن را در نظر داشته باشید تئوری هایی که پشتوانه علوم غربی است بیش از ۲۰۰ سال سابقه ندارد در هم علوم انسانی هم در فنی **دکتر مقصودی:** آن تجارب باید تئوریزه کال شود

دکتر رضانی: بله تجارب

دکتر مقصودی: باید نوشته شود

دکتر رضانی: داریم آنها را کتاب هایش اصلاً میگوئیم چه کسی بود میگفت که تا صد سال پیش هم کتاب های ابن سینا پایه ی تدریس پزشکی در غرب بود تا صد سال پیش یک دفعه آمدند قیچی کردند حالا باید بعداً بپردازیم به هر حال وقایعی که اتفاق می افتد باعث می شود ما یک مقدار ذهن های ما درگیر شود مثل همین کرونا **حضار:** سوال اول آقای دکتر..

دکتر رضانی: پس دو تا سوال، از کجا بدانیم علمیه؟ ما هم نگفتیم کار غیر علمی بکنیم هر کی حرف ذوقی زد بریم ان را پیاده کنیم نه منظور ما این است که موظف میکنیم وزارت علوم میرید صدتا الگو پیدا میکنید، صد تا دانش بومی پیدا می کنید که هزار سال قدمت داشته باشد که خیالمان راحت باشد جواب می دهد پس لازم است که اثبات شود که تجربه شده و جواب داده است حضار:

دکتر رضانی: می گوئیم اگر طرف مقابل تاکید ش این است ما هم میگوئیم بله باشد

حضار: قطعاً همین است وقتی شما در یک جامعه بخواهی الگوی جدید ارائه بدهی در مقابل یک ۱:۱۵:۴۰

دکتر رمضان: من مخالفتی با این موضوع ندارم ضمن اینکه که همین الان شما وقتی بروید در حوزه کارآفرینی بررسی کنیم کارآفرینی همه اش از نوآوری حرف می زند عمده مسائلی که نو آورانه است از ریشه در گذشته و مشابهش را شما پیدا؟؟ بفرمایید نمیکنید ولی اگر در علم می باشد، ما میگوییم باشد، ما میگوییم وزارت ۱:۱۶:۱۵ شما را موظف کرده است بروید دانش بومی را پیدا کنید که هزار سال جواب بدهد هزار سال وقت است که آمریکاییها می خواهند بروند کشورشان و دانش بومی را پیدا کنم که هزار سال قدمت داشته باشد میتواند پیدا کنند یا نمی توانند؟ نمی توانند یعنی به آمریکایی بگو شما یک دانش الان مثلا همین بحث روانشناسی اینها عمده دانشمندی که در آمریکا هستند بعد از جنگ جهانی دوم رفتند آنجا، یونگ، مثلا همین یونگ که شاگرد فروید بود یه ذره اختلاف نظر داشت. یونگ بعد از جنگ جهانی دوم رفت آمریکا مستقر شد ولی فکر میکنید کل روانشناسی را آمریکا دارد برای جهان تدریس میکند اگر هم به او بگویید این علم از کجاست میگوید آمریکا، مال اروپاست چرا حرف مفت میزنی؟ بعد تازه گفتیم خواستید یک ذره عمیق تر بشوید که مثلا بحث خودآگاه و ناخودآگاه بشناسید، خواستید اسطوره های ذهنی که، اسطوره هایی که یونگ می گوید اینها را ناخودآگاه ما را تشکیل می دهند یه ذره فراتر حرکت کنید بلند شوید بروید سبزواری سر قبر ملا هادی سبزواری حکمت متعالیه اینجا باید دنبالش بگردید این حالمان رو خوب میکند حکمت متعالیه حالمان را خوب میکند

حضار: این حال من انقلابی و معتقد

دکتر رمضان: حال هر انسان، هر انسانی دوست دارد بداند از کجا آمده است این برنامه زندگی پس از زندگی را ببینید، ببینید چه کسانی پایش نشستند، دقیقا آنهايي که خلاء معنوی داشتند گفتند آهان این ما را زیر و رو کرد. گیر کرده بودند ببینید شما وقتی آدم را از گذشته و هویتش میبرید این نا آرام میشود دیوانه میشود اصلاً به هم می ریزد، ولی وقتی یک کسی می آید میگوید ببین تو یک عقبه ای داشتی، تو بودی عزیزم، حالا این هم بگویم در برنامه ای که ماه رمضان امسال پخش شد یکی از تجربیات نزدیک به مرگ تجربیات نزدیک به مرگ نبود تجربیات قبل از تولد بود من بودم این اصلاً آرام میشود من بودم هستم و خواهم بود حالا فقط صحبتشون سر کیفیت این بودن است نه دیگر شما پوچ گرایي دارید نه مواد میزند که نمی فهمید چی به چیه چون عمده بحث مواد مخدر فکری است وقتی به سوالاتش نمیرسد پاسخ درستی پیدا نمی کند خودش را یک عنصر جدا شده می بیند می گوید خب صورت مسئله را پاک کنم یک چیزی بزنم که دیگر فکر نکنم حالا می خواهم یعنی در مورد آن بحث تجربه شده حتی هم در علوم انسانی ما بحث مانده و هم در علوم فنی مهندسی، می خواهید بنا بسازید بروید ببینید قدمت مسجد گوهرشاد چقدر است همان الگو کنید در خانه هایتان

حضار: با نیازهای یک انسان امروزی در تضاد است شاید

دکتر رمضان: شما همین الان من چند وقت پیش آمارش را می خواندم که مثلاً در مشهد بالای چند ده کلیسای خانگی هست هیچ وقت نیاز به معنویت خلق الله کنار نمی زند یا حالا یک معنویتی هستش که تعریفش می کند و به او وجود می دهد و یک معنویتی هم هست که جیبش را میزند الان معنویتی که رایج میکنند ان هایی که جیب خلق الله را میزنند. این هم عرض میکنم این بحث بی حجابی و بدحجابی اینا یک عقبه ی سنگین اقتصادی هم دارد شما اگر موفق شوید حجاب را از جامعه بگیرید شرکتهای اقتصادی در بازارها می توانند بریزند در جامعه، هر بد پوششی شما ایجاد کنید یک بازار درست می شود، هر بد پوششی، یک بازار درست می کند. اصلاً یک اغتشاش جهانی ایجاد شده است برای اینکه هویت بشر زده شود. حالا این هم شما ببینید مثلا ایموجی های واتساپ را باز کنید. از هر قشری سه جنس گذاشته است کلا. دیگر اصلاً زن و مرد را هم قبول ندارد. چرا؟ چون اگر شما زن و مرد را قبول کنید بعد اینها تشکیل خانواده می دهند و یک هویت مستقل می شوند و بعد اقتصاد مستقل می خواهند.

می گوید نه نه نه. من اصلا اقتصاد مستقل نمی‌خواهم. من شما را خرد می‌کنم به واحدهای ریز ریز ریز که بتوانم برایتان نیازهای مصرفی انبوه فراهم کنم. تو نمی‌خواهد تولید کنی من تولید میکنم و تو در کارخانه من شاغل باش. زن و مرد .

پس این ورودی که ما می‌بینیم این مقدمه ی ورود شرکت‌های چند ملیتی است. نیروی کار می‌خواهند و در ایران ۶۷،۶۸ درصد زنان تحصیل کرده هستند، ادبیات آنان را خوانده اند زبان آنها را از زبان ما..... هرکس در این مملکت دکتری خوانده است تافل گرفته است. یعنی انگلیسی اش از فارسی اش قویتر است. بهترین فرصت برای ورود شرکت‌های چند ملیتی است. قبلا می‌گفتند پاشوید بیایید بعد متوجه شدند اگر آنجا بروند می‌گویند مدیریتش (دقیقه ۰۸:۸۱) و می‌گویند ما هم می‌آییم. راه را باز کنید تا بیایند داخل. چطوری راه را باز کنند؟ این جامعه اگر حریم داشته باشد و نظام خانواده حفظ شود من نمی‌توانم بیایم داخل. بشکن تا بیایم داخل. چه چیز بیاد داخل؟ شرکت اقتصادی بیاد داخل

حضار: اگر این نظریات را ما در جمع کسانی بگوییم که تجربیات اربعین را قبول ندارند، تجربیات موفق دفاع مقدس را قبول ندارند، تجربیات موفق ما را قبول ندارند، هم قابل پذیرش هست یا خیر؟ باید با زبان خودشان گفته شود. من می‌گویم با همین ادبیاتی که ما می‌پذیریم برای آنها هم قابل پذیرش هست یا نه؟ چگونه به آنها تفهیم کنیم خارج از این صحبت؟

دکتر رضائی: الان مسأله ما این است که به آنها بگوییم؟ یا اول اینکه باید پیدا کنیم افرادی را که اینها را قبول دارند فقط اینها را برایشان نهادینه و تبیین کنیم و بگوییم آقا مثلا ببینید همین روایتی که ما از انقلاب اسلامی کردیم خیلی از همفکرهای ما ممکن است این را قبول نداشته باشند. اول این را باید درست کنیم. ما رفتیم جلو. سازندگی و توسعه ی زیر ساخت داشتیم. توزیع منابع و امکانات داشتیم. دست بسته نبودیم به اندازه چند تا کشور غربی کشور ما مساحت داشته است. ساختیم و رفتیم جلو. چه می‌گویید؟ چرا اینقدر نا آرامید؟ آقا نوسان قیمت ها بالا و پایین می‌شود. خب آنها دلیل دارد. آنها تولید. آن را هم می‌توانید انجام دهید خب چیکار کنم؟ هیچی از حمایت تولید شروع میشود، کالای داخلی .میخواهم بگویم قبل تر از اینکه ما با آنان گفتگو کنیم، ضمن اینکه باب گفتگو با آنها هم باز است، ضمن اینک سبک زندگی در غرب، اینکه مثلا همه باید بدون در این شرکت‌های بزرگ، این را که آنها هم قبول دارند. نکته ای ندارند. اتفاقا کسانی که در کشور ما..... من باشم همه را میفرستم خارج. می‌گویم بروید یکماه ترکیه زندگی کنید، یکماه آلمان زندگی کنید. وقتی مجبور شدید چراغ را خاموش کنید، بخاری را خاموش کنید، چهار تا کاپشن روی هم بپوشید. بعد بیایید اینجا برای من صحبت کنید. فکر کردید همینجوری آنها هم مثلا زندگی می‌کنند؟ همه چیز فراهم است؟ آنها دارد تلاش می‌کند. آنها دارد یک مسیری را طی می‌کند. تازه خیلی از یک سری موارد هست که کمتر تبیین شده است. نظاماتی آنجا حاکم است که مردم نمی‌توانند نفس بکشند. ما می‌گوییم دولتمان بزرگ است. بله ساختمان‌های دولتی بزرگ است. ادارات ما ممکن هست ساختمان هایش بزرگ باشد. ولی دولت بزرگ کجا بود؟ نظامات مالیاتی ما کوچک است. آنجا برعکس است. دولتها، ساختمان‌هایشان کوچک است اما نظامات مالیاتی شان فراگیری وحشتناکی دارد. مقایسه کنید پایه های مالیاتی مان را بعد شما تا حالا مالیات ندادید تا متوجه شوید مالیات یعنی چی. دوستان هستند اینجا و تجربه دارند می‌توانند بهتر تبیین کنند.

حضار: ۸۰ درصد مالیات می‌دهند.

دکتر رضائی: هیچ چیز هم نمی‌گویند. چون میدانید اتفاقا تنها جایی که می‌گویند بنظر من نمی‌شود کاری کرد، آنجاست. می‌گوید ببینید نمی‌توانید کاری انجام کنید. باید این بپذیرید و بروید جلو. اتفاقا البته نکته مهمی را فرمودید. یک غرب شناسی با این نگاه که نقد کنیم و برای خودشان بگوییم و از زبان خودشان بگوییم، آنها هم منتقدینی دارند، آنها هم افرادی دارند که طبق آن الگوها فکر نمی‌کنند. آقای دکتر پیغامی یک کتابی را تألیف کردند تحت عنوان مکاتب اقتصاد هترو دکس. ما یک مکتب اقتصاد نئوکلاسیک داریم که این یکی از ۱۶ مکتب اقتصادی است که در جهان دنبال می‌شود. آقا اقتصاد اسلامی را قبول ندارید، باشد، ۱۴ مکتب اقتصادی دیگر هست که چیزهایی که نئوکلاسیک می‌گوید آنها نمی‌گویند منتها در دانشگاه‌های ما تدریس نمی‌شود.

بابا غرب زدگی از غربی بودن خیلی بدتر است. کاش برویم با همین غربی‌ها... آقای دکتر عبدالملکی می‌گفتند من نظریه اقتصاد مقاومتی را در ترکیه، روسیه و چین در مطرح‌ترین دانشکده های اقتصادی در بین اقتصاددانان نشان طرح کردم، حرفی برای گفتن نداشتند. دیگر برای اینکه اثبات کند این حرف را... گفت رفتم در دانشگاه روسیه، تازه در دانشگاه لیبرالشان، گفت اینها را طرح کردم، حرفی برای گفتن نداشتند.

حضار: علمی گفتند دیگر؟

دکتر رضائی: علمی گفتند. بعد تازه کاملاً هم مخالف جریان رایج گفتند. فیلمش را هم تلوزیون پخش کرد. یک مستندی پخش کرد عنوان مستندش را پیدا می‌کنم خدمتان عرض می‌کنم که رفتند در دانشگاه، اساتید اقتصاد نشسته‌اند و دارند اقتصاد مقاومتی را طرح می‌کنند. می‌گفت آقای پروفیسور لین که یک دانشکده در چین به نام اوست، ایشان ۴ سال معاون بانک جهانی بوده است. می‌گفت من رفتم در دانشگاه چین برای اساتیدشان و برای ایشان که یک دانشکده به نامش است _ دانشکده پروفیسور لین _ اقتصاد مقاومتی را تبیین کردم، بعد می‌گفت که یک نفس کشید و گفت این یک نظریه است! وقتی می‌گوید این یک نظریه است یعنی چفت و بندهایش با هم می‌خواند، قوی است، حرف است. این حرف است. خوب، یعنی یک موقع هست می‌گوییم ما برای آنها... اتفاقاً ما باید برای آنها بگوییم. بابا یک ذره ول کنید من بعضی وقتها می‌گویم نمی‌خواهد به بچه‌های خودمان در دانشگاه‌های خودمان _ متأسفانه _ بگوییم، بلند شویم و برویم در آنجا صحبت کنیم. ولی برویم آنجا از اقتصاد مقاومتی صحبت کنیم. انگلیسی‌اش را یاد بگیریم، عربی‌اش را یاد بگیریم و برویم آنجا حرف بزنیم. این حرف‌ها را ما این‌ور و آن‌ور هم زدیم، در جاهای مختلف. خود دکتر عبدالملکی هم به عنوان پرچم‌دار این مساله می‌خواست انگلیس هم برود که انگلیس قبول نکرد که ایشان برود. گفت می‌خواستم در دانشگاه آدام اسمیت این حرف را بزنم. دانشگاهی که آدام اسمیت آنجا بوده. گفت انگلیس به من ویزا نداد. و من معتقدم که بنای این نظریه هم بیش از اینکه واژگان اقتصادی غربی باشد حاج آقا، برآمده از حکمت متعالی است و آن شناخت حکمی است که حضرت آقا دارند. بعضی موقع‌ها من برای دوستان این را تبیین می‌کنم، خودشان می‌گویند حالا ممکن است آقا به این زوایایی که تو می‌گویی هم، فکر نکرده باشد! گفتم آقا تو فکر می‌کنی، او حکیم است، وقتی کلمه‌ای را آقا می‌گوید ما که دیگر می‌دانیم او در واژه پردازی متخصص است. حرف پیش و پس نمی‌زند بعد تازه اینجا دیگر بیانیه نوشته است. گفته من روی واژگانش کار کردم. پس این هم برای اینکه فرمودید برای دیگران، من می‌گویم اول برای خودمان بگوییم، مسلط بشویم، برای خانواده خودمان که کم آدم نیستند می‌توانیم تبیین کنیم. ما این نظریه را در دانشگاه گفتیم، خود دکتر عبدالملکی بارها، شاید بگوییم برای هزاران نفر در دانشگاه، در مسجد، در هیئت، در خیابان کنار راهپیمایی ۲۲ بهمن، از چپ تا راست، برای مسئولین برای... هیچ‌کس نمی‌گوید این حرف درست نیست. یک گیر اجرایی داریم که ما می‌خواهیم می‌گوییم این گیر اجرایی را باید از داخل خود نظریه حل کنیم. ما نگفتیم این را دولت باید اجرا کند. چه کسی گفته است که اقتصاد مقاومتی، اقتصاد دولت است؟ چون وقتی می‌گوییم خیلی‌ها می‌پذیرند یک نفس میکشند می‌گویند خوب، فهمیدم ولی خوب این را دولت باید انجام بدهد. بعد من می‌گویم مگر من گفتم این اقتصاد دولتی است؟ باز جمله استاد بزرگ شهید مطهری را عرض می‌کنم که ایشان فرمودند فساد از بالا به پایین نفوذ می‌کند ولی صلاح از پایین به بالا. این نظریه باید برای مردم گفته بشود، گفتمان بشود. اگر می‌خواهند رای بدهند به گزینه‌ای رای بدهند که روی این گفتمان مسلط است. گفتمان‌سازی را حاج آقا عرض بکنم که حضرت آقا هم بحث اینکه اقتصاد مقاومتی از محل گفتمان‌سازی عبور می‌کند، خودشان روی آن تصریح دارند.

حجت الاسلام صدوق: تشکر میکنم

خانم محمدی: اگر صلاح می‌دانید یک پنج دقیقه‌ای استراحت داشته باشید

دکتر رضائی: در خدمتان هستیم

حجت الاسلام صدوق: والاسلام علیکم و رحمت الله یک صلوات بفرستید.

اللهم صلی علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم

حجت الاسلام صدوق: بسم الله الرحمن الرحيم. بفرمایید ادامه دهید

دکتر مقصودی: یک ماجرای دارد... اربعین کیس های آن را می توانیم ببینیم حداقل یک تعدادی طرف میگفت رفته بودم خانه ی شان گفتم شما چه کار میکنید بابا اول سال که میشود میروم دوتا بزغاله میخرم می اندازم در حیاط خانه ام من این را شروع می کنم پرورشش می دهم

خانم حکمت پور: یک مقدار بلندتر حاج آقا بحث جدی است یا نه

حجت الاسلام صدوق: بله بحث در زنگ تفریح شروع شد

دکتر مقصودی: یعنی اساساً اگر ما بخواهیم همان را کیس بدیل آن را ببینیم در نظام سرمایه داری او نباید برود بزغاله را ببیندازد در حیاط شان که او باید برود از یک دامداری صنعتی آخر سال به آن هزار دینار یک گوسفند بخرد و بیاورد این در فضای تولید آن ؛ یا در فضای حتی تأمین مالی آن به قول معروف تنزیل آن اصلاً جنس این تأمین مالی اربعینی هیچ نسبت تناسبی با نظام بانکی ندارد همه در نظام انفاقات است بعد کجا در گستره ی قبیله است در گستره ی قوم و خویش است جنس تعاملی که ما ایرانیان با عراقی ها بر قرار می کنیم برای راه اندازی موکب اصلاً جنس تأمین مالی ما در هیئت ها اینها واقعا خیلی از ماجرا های آن اسیر نظام سرمایه داری نیست سرمایه داری اصطکاک دارد با حساب ؛ قطعاً اصطکاک دارد یعنی اگر سرمایه داری نبود ما قطعاً خیلی راحت تر این کار را انجام می دادیم.

حجت الاسلام صدوق: من یک خورده... بگذارید این را بازش کنیم از هیئت های درون ایران بگیریم بعدش می رویم در مورد

اربعین هم صحبت می کنیم اگر بخواهد از روضه های خانگی بیاید بیرون یعنی هیئتی که ۱۶:۳۲:۱

حاضر: میکروفونتان قطع شد

حجت الاسلام صدوق: پولی که در مجموعه ها ی متمرکز گرفته میشود به نظرتان چقدر آن را مردم می آیند با پول خرد خرد می دهند چقدر آن را می آیند با پول متمرکز مدیریت میکنند یا فلان بازاری است یا فلان مسجد این تمرکزی را هم وقتی به هر میزان دارد مثلاً جلسه می شود بزرگ می شود این تمرکز را ما می بینیم بعد ما آن را می بینیم چقدر آمار داریم که مثلاً عرض می کنم من آمده ام هزار تومان گذاشته ام دو هزار تومان گذاشته ام و این جمع شده است یا در عشیره های خود عراق واقعاً در هر کدام یک از موکب ها یکی از چیزهایی که زده اند آن عشیره شان و آل شان و این ها است بعضی ها که حالا نمی دانم به چه عنوان یا عشیره نداشتند یا اینکه می خواهند زیر پر وبال این بزنند می گویند عشیرتنا. یک عبارتی است که امام حسین علیه السلام عشیره ما است حالا من عبارت عربی آن یادم رفته است و می خواهند سلبيت ، رفعت بکنند از قوم و عشیره شان اینها خیلی کم هستند اما این واقعاً نظام عشیرگی هست خوب این نظام عشیرگی اگر قرار است وارد عمل شود می تواند بودجه ای را که به آن اختصاص داده میشود از تولید افراد قبیله باشد؟ یا مثلاً یک ممری از بالا به سران عشایر میدهند من این مثال را در کتاب ساختارها شما دیده اید و این خیلی برای من سوال است که در زمان قدیم هم معاویه می آمد سران قبایل را یک مبلغ کلانی به آنها می داد و وقتی آقایی و سروری اینها را در روابط اجتماعی به رسمیت می شناخت و اینها می توانستند تاثیر گذار باشند در روابط اجتماعی اینها به اسم همه ی افراد قبیله تمام می شد یعنی هر کس هم که حالا درون و جزء قبیله بود احساس می کرد که دارای عزت است چرا چون خانواده او دارای عزت است چون عشیره اش دارای عزت است و کسی می توانست این را مدیریت بکند که رئیس قبیله بود رئیس عشیره بود این جنبه منفی قسمت های موکب دارای را من این جوری می بینم و نمی خواهیم این را بلدش کنیم ولی واقعاً وقتی می آید پشت پرده ی اقتصادی این فضا می خواهیم قرار بگیریم همه ی این را تایید میکنیم؟ بله یک قسمت هایی است که یک فردی تکی من را برداشته است از جاده کشیده است برده است خانه ی خودش

دکتر مقصودی: پیغام اقتصادی حاج آقا کجاست در این ماجرا؟ این است؟

حجت الاسلام صدوق: نه ببینید همین مسئله برای من بلد هستم من این را میفهمم این ایمان و عقیده ای که به نظر من الآن از محیط اقتصادی اش جداست

دکتر مقصودی: اصلاً اقتصاد را کنده است و برده است

حجت الاسلام صدوق: ببینید من می خواهم بگویم اگر قرار باشد با اقتصادش هماهنگ شود خیلی انفجارش بزرگتر خواهد بود
دکتر مقصودی: بله

حجت الاسلام صدوق: ولی من می خواهم بگویم هنوز اقتصادش با این محبتی که در اربعین دارد شکل می گیرد هماهنگ نیست و این در آینده به آن ضربه وارد می کند یعنی اگر آمدیم این جلال و جبروتی که مثلاً عرض می کنم که بگوییم کجا کباب می دهند کجا آن چیزهای خاص رقم می خورد غیر از عشیره های بزرگ غیر از پول های بزرگ که آن هم از یک جایی هست که عرضم به خدمت شما تمرکز برای آن ضرورت دارد در نمی آید اما اگر آمدیم آن کوچکتر را توانستیم یک ابزاری درست کنیم که آن محبت را توانستیم بلدش کنیم خیلی هم الآن کم است در این خانه های بادیه نشین ها و فلان و اینها که وجود دارد واقعاً مقدارش هم کم است اما بله میدانم محبتی که از سیدالشهدا در قلوب همه ی ما و همه ی عراقی ها وجود دارد دو شخصیتی بودنمان را منحل می کند در قسمتی که چه چیزی هست؟ اصلی است این را میفهمم ما اگر در یک جایی مخیر بشویم که این یکی را داشته باشیم یا آن یکی را داشته باشیم حتماً می گوییم سیدالشهدا را ول نمیکنیم ولی ما همه دنیايمان را ول میکنیم اما الآن این دو تا کنار هم افتاده است آن را داریم می پذیریم این را هم داریم می پذیریم در هیئت داری امروزمان هم همین گونه است همه ی اجزای این روابط را نمیتوانیم امضا بکنیم اگر آسیب شناسی اش را از این بعد نکنیم فردا به روح همان هم ضربه می خورد من قبول دارم که از اربعین الگو بگیریم اما بیاییم یک مهندسی معکوس بکنیم ببینیم این قسمت هایی که دارد اربعین را می سازد این قسمتی از آن که بزرگشان و همه ی افراد شان پا برهنه زن و مرد می آید می نشینند وسط راه سینی روی سرش می گذارد این واقعا از خضوع و تواضع نسبت به زائر ابا عبدالله از چیز دیگری نیست این را می فهمم از اینکه التماس می کند جلوی شما گریه می کند آقا بیا از غذای ما بخور همه اینها را می فهمم اما اگر آمدید پشت صحنه آن را در اینکه چگونه الآن دارد این بودجه به این تزیق می شود چگونه دارد جمع می شود آن را بخواهید بررسی بکنید به نظر نمی آید که همه اینها را صحنه بتوانید بگذارید
دکتر مقصودی: ببینید حاج آقا اربعین شروع کرد بخش عمده ای از ساختارهای نظام سرمایه داری را تخریب کرد یعنی شما فرض بفرمایید اگر میخواستید در مسیر کربلا نجف شما برای اسکان شبانه هتل بزنید و برای غذای روزانه رستوران بزنید چه اتفاقی می افتاد

حجت الاسلام صدوق: قطعاً کار می خوابید روشن است من اینجا را عرض نمیکنم

دکتر مقصودی: یعنی در بعد هتلینگ و در بعد اسکان و غذا کلاً ساختار را به هم ریخته است یعنی آورده است در واقعه اتفاق

دکتر رضائی: تازه اگر همه می خواستند با ماشین هم بروند قفل میشد.

حجت الاسلام صدوق: من این را عرض کردم گفتم این بعدش را نه قابل انکار است

دکتر مقصودی: اقتصاد هست اینها چون شما گفتید پشتوانه اقتصادی این اقتصاد است

حجت الاسلام صدوق: خوب ببینید

دکتر مقصودی: یعنی این نظام توزیع خدمات است

حجت الاسلام صدوق: نه من عرضم این است که گفتم این زیربنا را، من می گویم نمی توانید این اربعین را بکنید کل سال نمی

توانید، بکنید کل جهان اسلام

دکتر مقصودی: چرا! یک کاری دارد می کند این فضا یعنی این شروع از نظام توزیع خدمات دارد یک کاری می کند اول یک

بلایی دارد سر دلها می آورد که من نمیدانم مشهدی ها بعد از اربعین آیا فرقی دارند با مشهدی های قبل از اربعین یا نه

حجت الاسلام صدوق: همه همینطور هستند همه دارند

دکتر مقصودی: ما قمی ها که فرق داریم واقعاً بعد از اربعین مان حالا ما خودمان را ببندیم به قم چون هفت هشت ده سالی هست که در قم زندگی می کنیم اصلاً نسبت من زائر بعد از اربعین نسبت به من زائر قبل از اربعین خیلی متفاوت شده است یعنی اساساً یک نظام تربیتی دیگر در خود خود حوزه خدمات دارد تولید میکند....

حجت الاسلام صدوق: اصلاً اینها قابل امکان نیست این روشن است

دکتر مقصودی: بعد حالا می گوید این آدم آیا این جنسی که دارد اینجا عرضه می کند را در یک نظام متمرکز کارگری کارخانه ای به دست آورده است یا آن را هم در یک نسبت طبیعی ایجاد کرده ،آن ها هم در نسبت های متناسبی با این نظام خدمات ایجاد کرده است

حجت الاسلام صدوق: این را توضیح دهید

دکتر مقصودی: مسئله اینجا است که من عرضم این است که آن نظام پشتیبانه اگر بخواهد آن نظام انبوه باشد هرگز نمی تواند ۳۰ میلیون را جواب دهد یعنی یک شرکت کاله بندازید در ۳۰ میلیون بهمن را هم بیاورید میهن را هم بیاورید نمیدانم

دکتر رمضان: یک مثال بزنم؟

دکتر مقصودی: مثل همین موبک بزرگ ها دیگر

حجت الاسلام صدوق: خود عراقی ها

دکتر مقصودی: من امسال از سمت کاظمین رفتم اصلاً در این مسیر اصلاً موبک بزرگ نیست اصلاً همه ی موبک ها کوچکند همه خانوادگی هستند بعد این خانواده ها را میبینید خانم دارد نان می پزد یعنی یک رانت پشت این را هم باز در فضای تولید رفته است احتمالاً ما یکی از مصیبت هایمان این است وقتی در اربعین خانه ما را دعوت می کنند شب تا صبح نمی توانیم بخوابیم چون خانم خانه در اتاق کناری دارد نان می پزد حالا نمی دانم دیدید یا نه در اربعین این ماجرا را همه اش سر و صدا می کنند دارند نان می پزند خوب این تا یک لول پشت این حالا آن گندم هم الان اینجا تولید می شود من می گویم این دارد می شکافد می رود جلو ان للحسین الحرارت فی قلوب المومنین این است که دارد میشکافد می رود جلو یعنی هی نظامات پشتیبان را دارد همسان با خودش می کند کما اینکه الان نظام مهمان پذیری حداقل بخشی از بدنه ی مشهدی بخشی از بدنه ی قمی را تغییر داده است این حرارت است که دارد این کار را می کند و به قول شهید صدر خودش بعد از اینکه محقق شد آن موقع قابل تئوریزه کردن است یعنی پسا تحقق مثل اینکه شاید شما الان آن رونای ماجرای اربعین در بعد پذیرایی شاید شما تا یک دقیقه پیش فرهنگی فرهنگی می دیدید الان من اشعار دادم اقتصادی اش را هم می بینید خوب این دارد می شکافد می رود جلو حتی نظام تولید نظام مولدیتش این تا یک جاهایی عجیب و غریب می رود یک مثال آقای رضانی زدند یک مثال هم من بزنم یکی از دوستان ما تازه ازدواج کرده بود رفته بودیم اربعین میگفت که از سمت...خدمتتان عرض شود چی هست ان بالای مرز شلمچه؟ چذابه ما رفتیم بالای شهر اولی آن هم دوباره اسمش یادم رفته است

دکتر رمضان: العماره

دکتر مقصودی: العماره رفتیم آنجا آمدیم استراحت کنیم همان طور که آنجا دیدند ما یک زن و شوهر هستیم و این ها گفتند بچه دارید؟ ما آمدیم که با فارسی یا عربی بگوییم نه اینها برداشتشان این شد که ما بچه دار نمی شویم رفت بچه اش را برداشت آورد داد به ما شما بچه دار نمی شود این بچه مال شما گفتم خدایا نه اصلاً این که این محبت را ندارد نسبت به بچه اش ها الان ما هنوز در فهم غیره اربعینی خودمان به ماجرا نگاه می کنیم این خیلی عجیب است این می گفت ما دیگر تا فردایش تا به این ها بفهمانیم که ما تازه ازدواج کردیم هنوز مثلاً قصد بچه دار شدن نداشتیم این پدر ما در آمد تا این را بفهمانیم می گفت این بچه را بردار برو این یک پشتیبان است دیگر ماجرا همینطور می رود جلو

حجت الاسلام صدوق: من این را درک نمی کنم که این اتوماتیک بتواند خودش را اصلاح کند چرا؟ من این اخلاق مهمانداری آنها را یک اخلاق

دکتر مقصودی: عربی میبینید

حجت الاسلام صدوق: هزار ساله میبینم یعنی پشتوانه میراثی دارد این یک پشتوانه دارد اما این نتوانست بیاید عرصه فرهنگی و سیاسی برای خودش درست کند

دکتر رضائی: برای اینکه در دانشگاه تدریس نشده

حجت الاسلام صدوق: نتوانسته است بیاید خدمت شما عرض شود که یک پشتوانه ی عمیق اجتماعی برای خودش درست کند در عرصه سیاسی در عرصه نظامی در همه این ها دلیل است مستکبرین بوده و از همین آموزش اگر عرضم به خدمت شما یک بحث تقابل بین حشد شعبی و جریان صدر پیش می آید اینها اینجا لنگ می زنند این بصیرت و بینش را در این عرصه ها می بینید پیدا نمی کنند اگر شما می گوئید چهل سال دیگر این اتفاق می افتد که جریان اربعین اینها همه را درست میکند هی پشت زمینه برای خودش درست میکند به نظرم تجربه تاریخی این ها نشان نداده است اگر ما یک محیط تئوریزه شده را که بتواند از مبنای انقلاب اصیل انقلاب اسلامی بیاد و اربعین را یک بازه تعریف جدید بکند در محیطی که الان این مقداری که عربهای عراق که البته شاید عربهای حجاز و سایر بلال هم همین مسئله مهمان نوازی را داشته باشند. یعنی عرب معروف به مهمان نوازی باشد ولی خب قدمت هم دارد. این مسأله عرضم به خدمت شما بتواند به ابعاد دیگرش سرایت کند به نظر من نمی رسد که خودش به صورت اتوماتیک بتواند این کار را انجام دهد .

دکتر رضائی: البته من یک نکته راجع به این خودکار بودنش عرض کنم که چرا تا الان این کار را نکرده است؟ چون تا قبل از صدام به نوعی جریان اربعین کلا سرکوب شده است. در این صدها سال کلا سرکوب..

حجت الاسلام صدوق: اگر این مهمان نوازی عراق دامنه دار

دکتر رضائی: ما داریم درباره ی اربعین صحبت میکنیم

حجت الاسلام صدوق: نه مهمان نوازی در اربعین بوده است مسئله ی اربعین که مسئله ی صدام و صد سال گذشته و اینها که نبوده است

دکتر رضائی: نه مسئله ی مهمان نوازی را که ذیل این داریم بحث میکنیم

حجت الاسلام صدوق: در اربعین وقتی بوده چرا به صدام رسیده است؟ چرا صدام توانسته است بر آنها حکومت پیدا کند؟ چرا اینها نتوانسته اند در مقابل صدام بایستند؟

دکتر رضائی: من عرض میکنم اصلا نه صدام، تا قبل تر از آن هم سرکوب شده است

حجت الاسلام صدوق: من می خواهم بگویم هر چقدر به عقب برگردید اینها از اربعین جدا نبودند

دکتر مقصودی: یک جمله ایی حضرت آقا در مورد اربعین میفرمودند _ اربعین پارسال فکر میکنم_ که این اتفاقاتی که الان دارد می افتد در طول تاریخ ۱۴۰۰ سال بی سابقه است. یعنی ماجرای اربعین این ۴ و ۵ ساله این اصلا یک چیز دیگر است. درست است که یک پیاده روی بوده است ولی این یک چیز دیگر است. اصلا انگار قلب ماهیت هم شده است

حجت الاسلام صدوق: ببینید طبیعی است که اگر انقلاب اسلامی بیاید و کنار اربعین قرار گیرد، مطالبه ای که روی اربعین اتفاق می افتد، مقیاسش عوض میشود

دکتر رضائی: انقلاب اسلامی برای اربعین چه کاری کرده است؟ مانعش نشده است

حجت الاسلام صدوق: ببینید شما... ما برای انقلاب نیجریه چه کرده ایم؟ ما برای انقلاب یمن چه کرده ایم؟ برای هیچکدام هیچکار نکرده ایم اما آن ایده ایی که شما گفتید که اگر ما اینجا هستیم ممکن است از آمریکا در مسائل اقتصادی ایده بگیریم،

ایده مقاومت اسلامی ولو اینکه مستشار ما هم آنجا نرفته باشد به همه ی جهان اسلام صادر شده است. این محیط محبت اهل بیت (علیهم السلام) با انقلاب اسلامی یک موج دیگر برداشته است. من با این مشکل ندارم. حقیقت هم هست. اما این آیا خودکار و اتوماتیک می تواند بقیه عرصه ها را کشف کند و پیشروی داشته باشد؟ به نظر من همین در انقلاب اسلامی هم حتی در کشوری که چشمه این انفجار هست، اگر نتواند در مسأله فرهنگی و اقتصادیش بتواند خودش را باور بکند به نظر من انقلاب سیاسی اش هم فروکش می کند

دکتر مقصودی: نه حاج آقا ما جبری نیستیم که اتوماتیک را در این معنا بدانیم که یک پدیده اجتماعی خودش خودافزا باشد. نه، در آن تدبیر از جنس تدبیر در فقه شیعه، از جنس تدبیر محبت اهل بیت (علیهم السلام)، از جنس تدبیر ولایت فقیه، از جنس تدبیر انقلاب اسلامی حضور دارد در این پدیده ولی عرض ما این است که این پدیده نمی گوییم اتوماتیک است می گوییم مکانیکی نیست که بشود اینقدری که ما فکر می کنیم، تصویرش کنیم برای آینده. نه این پدیده ی اربعین یک امواجی دارد صادر می کند که اصلاً برای ما واقعا تخیل کردنش هم سخت است چه برسد به تئوریزه کردن پیشینی اش

دکتر رضائی: من یک نکته ایی را عرض کنم. ببینید حاج آقا آن جریان علمی غرب که آمده حاکم شده است، مثلاً علم مدیریت را از تیئر گرفته است. آمده تجربه ی تیئر را توسعه داده است که یک خط تولیدی بوده است یا حالا یک تقسیم کاری بوده است، یا آدام اسمیت وقتی از تقسیم کار دارد صحبت می کند، مثال کارخانه سوزن را می زند، که یک کسی قفلش را می زند، یک کسی سنجاقش را میزند و یک کسی به هم اینها را مونتاژ می کرد و همان تجربه را شروع میکند بعنوان پایه علم صحبت کردن و آوردن بالا و بعد هی تجربه رویش می آید، تبیین می آید روی آن، مسائل مختلف را با این دست فرمان توضیحش می دهند با این دستگاه تحلیل توضیحش میدهند تا میشود یکی از فرجه ترین شاخه های علوم اجتماعی به نام علم اقتصاد. هنوز هم می گویند آدام اسمیت پدر علم اقتصاد است. خب یک تجربه به این بزرگی دارد اتفاق می افتد، اینکه من عرض کردم دانش بنیان بودن و با رویکرد درون زا نظام علمی ما موظف است آنرا ببرد در دانشگاه تدریس کند. موظف است ببرد بگذارد سرفصل پژوهش پژوهشگرها

حجت الاسلام صدوق: ما با اینها مشکلی نداریم.

دکتر رضائی: من میگویم حداقل برای ساخت علم

حجت الاسلام صدوق: طبیعی است که باید اینها را مبنا قرار دهد برای ساخت علم. نگوئیم الان تمام شد

دکتر رضائی: نگفتیم تمام شد.

حجت الاسلام صدوق: ببینید وقتی میگوئیم تکرار پذیرش بکنیم ...

دکتر رضائی: اجمالش را داریم تفصیلش را نداریم. وقتی جواب داده است

دکتر مقصودی: شهید صدر می گوید پسا تحقق پدیدار میشود

دکتر رضائی: حاج آقا آکادمیکترش هم حضرت آیت الله شاه آبادی استاد حضرت امام (ره) در مورد بحث در کتاب شذرات المعارفشان، موضوع اخوتی را که دارند طرح میکنند. آن پنجگانه ای که برای اقتصاد جامعه مؤمنین طرح می کنند دقیقاً محورش این است که می گوید شما باید برای رفع نیاز دیگری اقدام بکنید. اصلاً مبنایش با آن چیزی که آدام اسمیت می گوید که باید برای نفع شخصی ... آدام اسمیت می گوید باید برای نفع شخصی خودت قیام کنی امام در سال ... اولین پیام قیامشان این بود که باید برای خدا قیام کنی حالا یک بخشی از الهی گونه بودن یعنی رفع نیاز دیگران یعنی وقتی شما می خواهید جانشین خدا شوید یعنی از خودت خارج شو چه کار کنم خدایا خداگونه زندگی کردن یعنی چی؟ یعنی به رفع نیاز دیگران بپرداز. بعد وقتی جامعه ... چهطور آدام اسمیت تئوریزه کرده که هرکس دنبال دل خودش برود همه چیز نظم می گیرد آن وقت ما نمی توانیم تئوریزه کنیم

اگر هر کس بیفتد دنبال رفع نیاز دیگران همه چیز نظم می گیرد؟

حجت الاسلام صدوق: این لازم است .

دکتر رضانی: خوب میگویم نکرديم ديگر

حجت الاسلام صدوق: بله می خواهم بگویم نکرديم و الان داریم اش. شما میگوئيد نکرديم و بايد انجامش دهيم؟

دکتر رضانی: میخواهم بگویم نمونه ی این که هرکسی به دنبال رفع نیاز دیگری باشد که هم جایگاه علمی دارد هم پژوهشی دارد میشود کلی درس و کرسی علمی و اینها از آن درآورد همین اربعین است. حالا شما می گوئيد چه کار کنیم بفرمائيد وزارت علوم برويد اين را تبیینش کنید و ترسیمش کنید بکنیدش یک رشته دکتری اربعین شناسی. کجا داریم دور میزینم وزارت علوم کجا دارد دور میزند؟ تمام استانداردهای سازمانهای بین المللی را ما در قصه ی کرونا آورده ایم اینجا پیاده کردیم از خودشان به استاندارد هایشان مومن تر بودیم.

حجت الاسلام صدوق: ما از آقای دکتر دکتر رضانی انتظار داریم آنجا که با هم همراه هستیم نمی خواهیم به آن تکیه کنیم

دکتر رضانی: حاج اقا ما این ها را انجام ندادیم شما میگوئيد..

حجت الاسلام صدوق: من عرض این است که بیان حضرتعالی باید بتواند تئوری همان باشد

دکتر رضانی: تئوری چه باشد؟

حجت الاسلام صدوق: تئوری همان اربعین باید باشد یعنی این را باید بگوئيد چکارکنيد اين تئوری همان است و اگر من این را

مطرح می کنم همان را دارم چه کار میکنم؟

دکتر مقصودی: تئوری اجمالی است ایشان می گویند که در مقام تئوری هنوز به تفصیل نرسیده است شما می فرمائيد اربعین در مقام عالی خودش هنوز به تحقق کامل نرسیده است.

دکتر رضانی: ببینید من عرض این است که این گره علمی اینجا باز میشود

دکتر مقصودی: این واقعا تقدم نظری یا تقدم عملی ندارد اینها همدیگر را هی تکمیل می کند می رود جلو یک اتفاق در اربعین

می افتد من تئوریزش می کنم تدبیری من می کنم می روم در اربعین محققش می کنم یعنی این رابطه دیالکتیکی بین نظریه تحقق اربعینی وجود دارد این جوری نیست که من تئوری را تکمیل کنم بعد بگویم حالا برویم اربعینش را راه بیندازیم حداقل مال من نیست امام تکمیل کرده است امام معصوم بله نزد امام معصوم تئوری کاملش هست نزد ما نیست ما به اجمال تلاش می کنیم بفهمیم یک حدی از آن را

حجت الاسلام صدوق: الان این اتفاقی که افتاده تئوریزه کردنش زبانش کجاست؟ الان این را من به عنوان تئوری اربعین بپذیرم؟

دکتر مقصودی: کدام را؟

حجت الاسلام صدوق: این بیان حضرتعالی را

دکتر مقصودی: این بیانی است که خیلی منطبق است روی جریان

دکتر رضانی: می تواند منطبق باشد بله اربعین یک پدیده مردمی مولد درون زاست

دکتر مقصودی: میتواند تکمیلش کند

دکتر رضانی: یعنی هر کس از توان درونی اش دارد می آورد برونگرا است اتفاقاً درونزا و برون گراست می گوید هر چی داریم

بیاوریم برای دیگران

دکتر مقصودی: عدالت هم دارد

دکتر رضانی: در حالی که تئوری غربی برون زا، درونگراست می گوید برو و سهم خودت را از اقتصاد بکند بردار بیاور در قالب

رقابت. خوب وقتی همه بخواهند بکنند هیچی باقی نمی ماند اصلاً تولیدی اتفاق نمی افتد شهید مطهری بحث می کند می گویند

بزرگترین خدمت را به سرمایه‌داری مارکس انجام داد که گفت در این نظام تولیدی یک ارزش اضافه ای تولید می شود منتها دعوا درست کردن که این ارزش مربوط به کارگر است مربوط به کارفرما نیست شهید مطهری می گوید اصلاً ارزشی تولید نمی شود در نظام سرمایه داری پس چه میشود؟ دزدی دارد می شود بزرگترین دزدی تاریخ بشر در قالب نظام سرمایه داری دارد اتفاق می افتد ما می گوئیم آن ها تولید کردند آن تولید نمی کند نخبه‌ای که او مخش را میزند می برد آنجا در کارخانه مادر ایرانی اینجا بچه را تربیت کرده این کاری که مادر در پرورش فرزندش دارد انجام می دهد در نظام محاسبات تولید داخلی ما نمی آید این بچه می رود آنجا در نظام محاسبات آنها به عنوان نخبه شناخته میشود آنها دارند می زنند می برند خوب ما باید نظام محاسبات مان را درست کنیم

حجت الاسلام صدوق: خوب دنبال همین نظام محاسبات هستیم ما از این موضع داریم...

دکتر رضائی: خوب نظام محاسباتی که محوریتش انسان سازی است یعنی کلاً انسان را در اولویت قرار می دهد، ساخت انسان و رشد انسان را در اولویت قرار می دهد همه آنها را محاسبه می کند من به برخی اساتید عرض کردم ما در پاسخ به این اتفاقاتی که دارد می افتد باید دانشگاه ملی عفاف و حجاب بزینم دانشگاهی که کارشناسی عفاف می دهد ارشد حجاب می دهد دکتری خانواده میدهد کارشناس عفاف چه کسی است؟ کسی که بتواند عفاف را در خانه، اداره در محیط جامعه بتواند توضیحش بدهد و تبیین کند این میشود کارشناس عفاف کارشناس ارشد حجاب چه است؟ کسی که بتواند کارکرد حجاب در جامعه و حتی زیر بنا بودن حجاب در حوزه اقتصاد را به تواند توضیح بدهد دکترای خانواده کی است؟ کسی که بتواند زیر بنا بودن خانواده را در ایجاد تمامی نظامات اقتصادی بتواند توضیحش بدهد قدرت خانواده را بتواند توضیح بدهد این آدم دکتر است خوب نزدیک کدام انقلاب فرهنگی؟ ما الان به یک انقلاب علمی نیاز داریم خوب بچه ها نمی روند کلاس خیلی خوب رشته ها را تعطیل کنید یک دانشگاه دیگر بزیند رشته‌های دیگر بزیند چی میشود نه ما اگر که الان مهندسی عمران نخوانیم همه ی خانه ها فرو می ریزد می ترسیم برای چی اگر دانشگاه ملی عفاف و حجاب بزینم غرب می آید عفاف را برای ما توضیح میدهد؟

حضار: حالا علوم او تاریک شده است

دکتر رضائی: عفاف را شما بفرمایید چه حجمی از محتوا ما داریم که می تواند عفاف را توضیح بدهد

دکتر مقصودی: اصلاً مثلاً غرب اینجا است

دکتر رضائی: غرب اصلاً مثلاً غرب در حوزه عفاف است ما داریم، ما حرف داریم

حضار: با یک هجوم حجاب حل می شود

دکتر رضائی: نه ببینید من عرض میکنم می گوئیم حجاب دارایی ما است دانش ما است باور ما است معتقد هستیم که حجاب من عرض این است که شهید مطهری بحث می کند می گوید بر خلاف غرب که اقتصاد را زیر بنا می داند و همه چیز را روی اقتصاد سوار می کند ما اول جامعه را زیر بنا می دانیم تقسیم کار اجتماعی را به رسمیت می شناسیم تقسیم کار اجتماعی یعنی خانواده سپس تقسیم کار اقتصادی را بر اساس تقسیم کار اجتماعی ترسیم می کنیم بنده عرض این است پاسبان مرزبان و نگهبان تقسیم کار صحیح اجتماعی چه است؟ حجاب است آن چیزی که باعث می شود تقسیم کار اجتماعی یعنی مرد زن خانواده پدر مادر همه سر جایشان بنشینند حریم آن حجاب است اصلاً حجاب من اگر بگویم زیربنای اقتصاد است حرف بی راهی نزد حجاب زیربنای اقتصاد است

حضار: یعنی می‌خواهید بگوئید کار تربیتی مهم است؟

دکتر رضائی: اجازه بفرمایید خوب حالا چرا این اتفاق نمی افتد چون شما این را به عنوان یک علم قبول نداشتید شمای نوعی این را باید می بردید در دانشگاه می کردیم رشته بعد می گویند آقا محتوا داریم برای آن؟ می‌گوئیم بله آقا محتوا داریم از صدر اسلام تا الان هر آنچه که در مورد عفاف و حجاب بحث شده و ضرورت آن میشود یک رشته ی دانشگاهی

حضار: کشورهای فرهنگی که دارد این کتابها را به دانشگاه همان می خواهد این رشته را تبیین کند
دکتر رضائی: نه من نمی دانم نه نیاز نیست یک دانشگاه مردمی میزنیم من این را گفتم بعد یکی حالا این را هم بگویم یکی از اساتید ما که حالا در شورای عالی هستند گفتند از نظر من من گفتم ما دانشگاه علمی عفاف و حجاب نیاز داریم ایشان گفتند به نظرم ما دانشگاه ملی مادرو خانواده نیاز داریم
مادری را باید علم کنیم ببینید خودمان را نباید ببازیم نباید روانشناس بیاید؛ مادر تربیت را رها کند بچه را بسپارد روانشناس بگوید من نمی توانم او دارد همه چیز را می زند و می برد تمام نظامات را نظام روانشناسی دارد فرو می پاشد
حضار: اینها را هم ما می دانیم

دکتر رضائی: می دانید خوب چی حالا یک سوال مطالبه ی ما باید چی بشود؟ بگویم عفاف و حجاب باید تقویت شود می گویم نه این اصلاً علم من این است دانشگاه میزنم روی آن همه را تربیت می کنم بر اساس کارشناس عفاف اگر یعنی شما بعد از صد واحد در حوزه عفاف و حجاب ما محتوا نداریم

حضار: چه کسی این کار را می کند کدام ساختاری این کار را انجام میدهد؟

دکتر رضائی: بگوید کی این کار را می کند شما بفرمایید

حضار: الان بچه های آیت الله ها چادرهای خودشان را گذاشته اند کنار

دکتر رضائی: نه ببینید چرا چون رفته است دانشگاه من هم دارم مبنا را می گویم می دانید چرا چون رفته است دانشگاه در دانشگاه هم، مگر ما الان با این اتفاقات به نیاز نرسیدیم که حجاب و عفاف لازم است به نیاز نرسیدیم دشمن دارد آتش میریزد
حضار: چه کسی می آید استفاده کند از این نیازی که ما برایش تولید کردیم؟

دکتر رضائی: همه ی مردم استفاده کننده هستند شما رشته ی کارشناسی عفاف بزنید پسر و دختر باید کارشناسی عفاف داشته باشند کی می روند کجا می روند

حضار: در همان دانشگاه حجاب و عفاف

دکتر رضائی: اشکال ندارد بگذارید بروند بتوانند عفاف را در جامعه توضیح بدهند بعد ببینید آنها می توانند بیایند برهنگی را در جامعه توضیح بدهند آخر ما توضیح ندادیم اصلاً ما کسی کار نکردیم در این زمینه همان انقلابی ما هم وقتی که دارد می رود در دانشگاه مقابل آن جناح دارد صحبت می کند از خیلی مبنای صرفاً آقا مثلاً ایران وطن آقا اینها

حضار: این خودش جهاد علمی است در مورد علم جوانها بگویند

دکتر رضائی: غیر از این در حالی که می گویم بابا حجاب و عفاف سنگ بنای جامعه است آدام اسمیت که می آید میگوید که اقتصاد روی پیگیری نفع شخصی بنا میشود. اقتصاد روی بی عفتی سوار کرده است

خانم دکتر اشکیانی: الان یعنی مدل علمی شما بر می گردد به مساله حجاب

دکتر مقصودی: بخشی اش بر میگردد

دکتر رضائی: بله الان عرض می کنم اولین کاری که قطع میکند برای اینکه گسترش بازار ایجاد کند و برای کالاهایش بازار محصول ایجاد کند، اول عفاف و حجاب رو میگیرد. تمام شد.

خانم دکتر اشکیانی: من کار دشمن را کار ندارم مدل شما را میخواهم بدانم

دکتر رضائی: حالا مدل ما چیه؟ خلاف آن است.

خانم دکتر اشکیانی: خوب بگوید، در ۳ تا ۵ تا گام مدلتان را بگوید ۲۸:۲۰۰

دکتر رضائی: الان عرض می کنم سوال خوبی بود الان عرض میکنم روی همین پنج تا توضیح می دهم. اگر عفاف برقرار باشد،

خانم دکتر اشکیانی:؟

دکتر رضائی: نه صبر کنید، مدل رو دارم می گویم. من دارم میگویم عفاف زیربنای اقتصاد است، دارم یک ادعای وحشتناک می کنم. دارم میگویم اگر ما حجاب را درست کنیم، اقتصاد مان درست میشود. حجاب و عفاف صحیح را. آن چیزی که باعث میشود یک انسان مولد بشود این که اول آرامش داشته باشد فکر کند. اگر آرامش را از انسان بگیرید از مرحله فکر کردن و تولید، به مرحله مصرف گرای می رود. آدم نا آرام فقط مصرف می کند، این یک. دو، وقتی میگویند مردمی، یعنی مردم بیان وارد یک عرصه ای بشوند، آن نظامی که جامعه مردمی را به آرامش میرساند، نظام خانواده است. هم غرب می گوید مردم، هم شرق می گوید مردم، هم ما می گوئیم مردم. غرب چه جوری میگوید مردم؟ میگوید میزنم هرچه نظام اجتماعی هست از هم میپاشم افراد را تبدیل می کنم به تک تک، در خانه های لانه ای، بعد با رسانه میزنم روی مغزشان، الگوی مصرف شان را درست می کنم که شرکت ها برای این ها تولید کنند، این غرب است درست است؟. شرق چه میگوید؟ شرق میگوید با زور، با مشت آهنی میزنم تو سر مردم که اهل و عیالشون رو هم بیارم ذیل برنامه ای که من میگویم تولید کنند. چین، ژاپن. ما میگوئیم چه؟ نه! اگر می خواهید مردم بیایند پای کارمیدان، مردم بین خودشون ساختار دارند، مهمترین ساختار اجتماعی که مردم دارند چیست؟ خانواده است. پس اگر میخواهند مردم قدرت بگیرند بیایند بالا، باید خانواده را تقویت کنید. پس ضامن مردمی بودن هم تقویت نظام خانواده است. دانش بنیان، دانش هم از دل آرامش درمی آید. دانش هم از دل ان قرارگاهی که فرد دارد در می آید. آن هم تازه دانش بومی. آن هم در گرو این است که جامعه آرام باشد. بفرمایید، الان در دانشگاه دارند چه کار میکنند؟

حضار: نا آرامی

دکتر رضائی: نا آرامی ایجاد می کنند.

دکتر مقصودی: نا آرامی از کجا نشأت گرفته است؟

دکتر رضائی: نا آرامی از همین بی عفتی دارد نشأت میگیرد.

حضار: از خانواده

دکتر رضائی: به هم میریزند، تازه ان هایی که از خانواده جدا شدن و یا از خانواده یک جورایی قهر کردند. درون زایی...

حضار: چیز هایی که باعث شده این خانواده وجود نداشته باشد مهم است دیگر مسئله این است که این خانواده الان دچار تزلزل شده است الان این را چه کار میکنید تشکیل آن خانواده را چهطوری....

دکتر مقصودی: تئوری اقتصاد منطبق بر خانواده

دکتر رضائی: میدانید چرا این خانواده متزلزل شده است؟ چون این هم فرزند خانواده و هم پدر و مادر خانواده مقهور شدند که ما به لحاظ اقتصادی دچار مشکل هستیم. هم فرزند میگوید این چه وضعش است! من باید بکنم بروم برای خودم کار کنم، پول دربیآورم.

حضار: رسانه به او القا کرده است دیگر

دکتر رضائی: هم رسانه هم نظامات علمی. در کدام رشته دانشگاهی شما دارید که در مورد اهمیت خانواده صحبت کند؟

حضار: ساختارها...

دکتر رضائی: یکدانه رشته بگوئید یک دانه رشته دانشگاهی در دانشگاه خودمان بگوئید که در مورد اهمیت خانواده صحبت میکند.

خانم دکتر اشکیانی: ۵ تا گامتان را بی زحمت بروید من بدانم یکی اینکه زیر بنای حجاب درستش بکنیم گام یعنی مدل قابل اجرا و قابل بررسی اینطوری به ما بگوئید اینکه بگوئید حجاب روشن است همه ی ما میدانیم. یک مدل بگوئید

دکتر رضائی: نه نمیدانیم... اینی که عرض کردم، تقسیم کار اجتماعی زیربنای تقسیم کار اقتصادی است. یعنی چه؟ یعنی در جامعه ان چیزی که مبنای تقسیم کار ما است خانواده است. خانواده، پدر، مادر، فرزند، هر کدام اول جایگاه اجتماعی اش را که ترسیم کردید، حالا باید بگویید نظامات اقتصادی چه کسی باید برود سر کار درآمد کسب کند، چه کسی باید آزادی داشته باشد که بتواند فرزند تربیت بکند. تمام این را دارند میریزند به هم دیگر الان. چه چیزی را دارن میریزن به هم؟

خانم دکتر اشکیانی: خوب حالا این را میدانیم آن گام هایی که باید اجرا شود که این اتفاق نیفتد اقتصاد مقاومتی ایجاد شود آن گام ها را بگویید.

دکتر رضائی: یکی از مهمترین گام هایش این است که ما دستاوردهای اقتصادی نظام خانواده محور را بیان کنیم

خانم دکتر اشکیانی: خوب بعد این چه چیز را نتیجه میدهد؟ ۵ تا گام.....

دکتر رضائی: الان مخاطب ما دردش اقتصاد است. ما هم باید با زبان خودش با او صحبت کنیم منتها خانواده را به زبان اقتصاد برایش توضیح می دهیم. حالا می بینید، علم اجمالی اش را داریم ولی تفصیلی؟ باید تولید شود.

خانم دکتر اشکیانی: برای من جا نمی افتد آقای دکتر. من ۵ تا گام برای رسیدن به اقتصاد مقاومتی از شما می خواهم، مثلا می گوئید می روید مثلا اول باید بروید حجاب خانواده را درست کنید.

دکتر رضائی: نگفتم. این یک بحث دیگر بود. ما در مورد اقتصاد مقاومتی

خانم دکتر اشکیانی: گام را بصورت علمی و عملی و مدل قابل اجرا به من بگویید. بگویید گام اول این است سپس باید این کار را بکنید

حضار: اقا فرمودند این ۵ تا با هم است اولویت بندی ندارند این ۵ گام نسبت به یکدیگر

خانم دکتر اشکیانی: بگذارید خودشان بگویند هر مدل که خودتان می دانید. یک گامی بگویید، ۵ گامی بگویید ۱۲:۰۶

دکتر رضائی: چشم الان می گویم

حضار: البته من یک سوال هم داشتم مبنا می شود کار تربیتی؟

دکتر رضائی: بله. اجازه بفرمایید،

خانم دکتر اشکیانی: کمی بفرمایید

دکتر رضائی: من ۹ محور را معمولا در تبیین اقتصاد مقاومتی می گویم. ببینید الان بحث ما اقتصاد مقاومتی در بیانیه گام دوم بود. ما وقتی درباره اقتصاد مقاومتی بحث می کنیم- که حالا خانم دکتر هم در جریان هستند- ما تقریبا چیزی حدود ۱۶ ساعت وقت نیاز داریم. که از صفر تا ۱۰۰ باهم همگام شویم. در این ۱۶ ساعت چه چیز می گوئیم؟ ۱. جریان شناسی اقتصاد جهانی. اول می گوئیم در دنیا به لحاظ اقتصادی چه شد در ۵۰ سال اخیر. دو ساعت سه ساعت این وقت می برد که با هم همسو بشویم، که اثبات کنیم آن جریان اقتصادی که در دنیا اتفاق افتاد سازنده نبود، ویران کننده بود. همه جا را ویران کرد به نفع سازندگی آمریکا. سه ساعت وقت می برد تا من مناطق مختلف جهان را بگویم، چه بلایی سر آمریکای جنوبی آوردند، سر آفریقا آوردند، سر ما چه بلایی آوردند که هنوز موفق نشدیم از آن رها بشویم ۲- اقتصاد ایران در جهان می گوئیم. که وقتی ما داریم از ظرفیت های اقتصاد ایران می گوئیم، در مورد چه پدیده ای داریم صحبت می کنیم؟ ۱۳ سرفصل دارد اقتصاد ایران در جهان که به موضوعات مختلف در مورد اقتصاد ایران می پردازیم و این نسبت ها را با کشورهای مختلف مقایسه می کنیم. یعنی منی که می خواهم بروم با یک خانم یا آقای که نسبت به سیاست ما، نسبت به فرهنگ ما مشکل دارد، اتفاقا من نمیخواهم بروم سیاسی و فرهنگی صحبت کنم. من اقتصادی باید با او صحبت کنم؛ زبان روز الان زبان اقتصاد است. منتها در مورد چه چیز باید با او صحبت کنم؟ در مورد اینکه بیا در مورد اقتصاد ایران با هم گفتگو کنیم؟ باید بزرگی اقتصاد ایران را به بچه هایمان نشان بدهیم که چقدر اقتصاد ایران اقتصاد بزرگی است. دو جلسه.

۳. جنگ تمام عیار اقتصادی. که همین الان این اعتراضات پیوست همین اتفاق است. برای اینکه تحریم‌ها را موثرتر کند، برای اینکه برای ما خطای محاسباتی ایجاد کند، که مثلاً داریم مذاکره می‌کنیم و مذاکره را هم ول نکردیم برای اینکه هنوز بحث اقتصاد مقاومتی برایمان آنطور که باید و شاید جا نیفتاده است، جنگ تمام عیار اقتصادی را در قالب این که تحریم‌ها را برایش توضیح میدهند، اصلاً ابزار تحریم‌ها چه چیز هست، آیا تحریم‌ها در واقعیت می‌تواند دور ما حصار بکشد یا موفق شده حصار ذهنی برایمان درست کند؟ همه اینها را دوساعت برایش توضیح می‌دهیم نه برای او. یعنی ما برای اینکه به آن ۵ گام عملیاتی برسیم، باید تقریباً ۱۶، ۱۷ ساعت باهم گفتگو کنیم.

قسمت سوم می‌رسیم به اقتصاد مقاومتی می‌گوییم که تازه این بحثی که ما کردیم اینجا یک خلاصه از اقتصاد مقاومتی بود آن هم آن چیزی که در بیانیه گام دوم آمده است و گرنه تفصیلی تر میتوانیم به آن پردازیم اساتید معظم بحث دارند خود ما هم یک سری نکات داریم که ما می‌گوییم که چه؟ می‌گوییم خیلی خوب جریان شناسی اقتصاد جهان را دیدی اقتصاد ایران را متوجه شدی فهمیدی چه جنگی علیه ما را راه انداختند نسخه ی ما چیست؟ اقتصاد مقاومتی است این هم سه ساعت تقریباً وقت می‌برد تبیین اقتصاد مقاومتی به صورت تفصیلی قسمت بعدی خدمت شما عرض شود که خیلی خوب می‌گوییم علم اقتصاد مقاومتی را شناختی؟ حالا یک مقداری در مورد کلیات اقتصاد هم باید بحث بکنیم وقتی می‌گوییم اقتصاد یعنی چی؟ با تبیین خودمان که آنجا بحث میکنیم علم اقتصاد علم انتخاب و تصمیم گیری است قبلاً مثلاً وقتی صحبت می‌کردند به معیشت می‌گفتند اقتصاد بعداً گفتند اقتصاد یعنی (تولید، توزیع، مصرف) ولی الان می‌گویند اقتصاد یعنی انتخاب، تصمیم گیری یعنی شناخت گزینه‌ها شناخت هزینه‌ها که هر گزینه‌ای چه هزینه‌ای دارد و انتخاب کنید یعنی هر امری که ما الان داریم انجام می‌دهیم یک کار اقتصادی است همین که ما اینجا نشستیم می‌شود از زاویه نگاه اقتصاد به آن پرداخت چون شما یک روزتان را وقت گذاشتید می‌توانستید در این ساعت چندتا کار دیگر انجام دهید فرزندانان هستند خانواده ی شما هستند چرا این کار را کردید؟ چون شما یک سری گزینه‌ها داشتید هزینه‌هایش را با هم بررسی کردید گفتید این ارزشش بیشتر است پس ما اقتصاد را از یک **خانم دکتر اشکیانی:** تعریف جدید اقتصاد در علوم روز دنیا است؟

دکتر رضائی: علم انتخاب و تصمیم گیری

خانم دکتر اشکیانی: مگر نمی‌گویید باید همه‌ی این‌ها را بگذارید کنار بشینیم خودمان فکر کنیم

دکتر رضائی: باشد ما داریم در مورد چه چیزی صحبت می‌کنیم می‌خواهیم با یک طرف مقابلی صحبت کنیم او هم یک زبانی می‌داند من باید به زبان او هم بتوانم صحبت کنم ولی حرف خودم را به زبان او بزنم یعنی وقتی من درباره انتخاب صحبت می‌کنم

خانم دکتر اشکیانی: جبهه ی مقابل علمش را بشناسیم

دکتر رضائی: نه علمش را زبانش را

خانم دکتر اشکیانی: ۲۰۰۶؟

دکتر رضائی: یعنی در حد زبان، ببینید یک موقعی هست که ما علم اقتصاد را می‌شناسیم که در مورد برنامه ریزی اقتصادی صحبت کنیم یک موقعی هست که ما علم اقتصاد را می‌شناسیم که بتوانیم جبهه مقاومت را با زبان اقتصاد برای آنها توضیح بدهیم بله برای این خوب است ولی جبهه مقاومت را برای آنها توضیح بدهیم نه این که برویم اقتصاد یاد بگیریم بگوییم مقاومت به درد نمی‌خورد دقیقاً کاری که الان دارد می‌شود این که مرتب آقا می‌گویند مقاومت هزینه اش از سازش بفرمایید؟ کمتر است این زبان اقتصاد است

خانم دکتر اشکیانی: یعنی شما می‌گویید تمام آن چیزهایی که علم قبل هست اصلاً ما به آن

دکتر رضائی: گفتم چی؟ اول گفتم، گفتم بگذارید کنار فکر کنید دوباره از کنار بردارید بیاورید استفاده کنید
خانم دکتر اشکیانی: علتی که ما نگذاشتیم کنار در حدی است که بشناسیم جبهه ی دشمن را در این هست نه در حدی که بگذاریم کنار

دکتر رضائی: قبل از شناخت جبهه ی دشمن جبهه ی خودمان را بشناسیم بعد اگر لازم شد از ابزار آن هم برای پیشبرد جبهه ی خودمان استفاده می کنیم من مخصوصاً گفتم بگذارید کنار من میدانم اگر بگویم بگذارید کنار همه می گویند آقا این یعنی چه
خانم دکتر اشکیانی: این قطعاً امکان پذیر نیست چرا؟ چون شما هم بالاخره ده سال علم اقتصاد را خوانده اید حالا می گذارید کنار می خواهید ببینید که با این فکر انقلابی خودتان...

دکتر رضائی: شما فکر میکنید من اگر نتوانم یعنی ببینید این خاصیت قدرت است باید قدرت فکری مان را بالا ببریم قدرت فکر به همین معنا به همین میزان که نه ببینید به همین میزان که چرا اتفاقاً ببینید
حضار: نه اینکه استفاده نشود

دکتر رضائی: نه این که استفاده نکنید ببینید در مرحله فکر کردن طراحی کردن خب کلاً باید ببینید ذهن یک عالم وحشتناکی است ببینید
خانم دکتر اشکیانی: همیشه محکم میگفتید

دکتر رضائی: بله محکم میگفتیم الان واقعاً به همین رسیدیم یعنی هر گونه خلاقیتی که ما بخواهیم در مقابل جبهه حق این خلاقیت و نوآوری را به کار ببریم اول هر آنچه بوده را باید بگذاریم کنار دوباره باید فکر کنیم بعد شروع کنیم دوباره از آن از کنار برداریم بیاوریم دانه دانه استفاده بکنیم یعنی اول اقتصاد را میگذاریم کنار مقاومت را می فهمیم انسان را می فهمیم رشد را می فهمیم بعد دوباره آن را بر میداریم می آوریم چون مخاطب ما دارد با زبان اقتصاد صحبت می کند ولی این را به زبانش...
خانم دکتر اشکیانی: ان چیزی که می خواهیم بفهمیم مقاومت در مقابل جبهه دشمن را می خواهیم بفهمیم
دکتر رضائی: بله

حضار: پس باید چه کار کنیم

دکتر رضائی: نه می خواهیم بفهمیم یا می خواهیم بگوئیم؟ مقاومت را که فهمیدیم نفهمیدیم هنوز؟

حضار: برای اینکه مقاومت را تعریف کنیم باید جبهه ی این جنگ را کامل بشناسیم

خانم دکتر اشکیانی: می خواهم بگویم منافاتی با هم ندارد

حضار: باید جبهه جنگ را

دکتر رضائی: اول باید خودمان یعنی اول خودمان باید بشناسیم

حضار: خوب در قدم مقاومت که شما دارید تعریف میکنید باید کاملاً بدانیم که ۴:۴۵ غربی با چه چیزی است درست است؟ شکل جنگ چگونه است؟ آنها چه اسلحه ای دارند به کار می برند

دکتر رضائی: نه ببینید قبل از جنگ، قبل از جنگ، قبل از جنگ مقاومت بودن به معنای پایدار بودن است خود مقاوم بودن یک کیفیت است یک ویژگی است یک دارایی است مثل مثلاً خدمت شما عرض شود که فهم آن عرض میکنم یک دانش ضمنی نیاز دارد منتها حالا وقتی خواستیم مقاومت را برای دیگران که دارند از ابعاد و زوایای مختلف توضیح می دهند باید به زبان آنها شروع کنیم توضیح دادن منتها فهم مقاومت همین فهم هویت است حالا این یک ذره دیگه رفتیم در بحث مقاومت آنجایی که فقط من یک نکته ای که شما فرمودید علم غرب را بگذاریم کنار گفتم که بگذاریم کنار اول فکر کنیم بعد دوباره از کنار بر داریم دوباره استفاده کنیم و الا برعکس می شود ما می شویم ابزار آن ها

خانم دکتر اشکیانی: من منکر این نیستم که باید با فکر جدید و نگاه مستقل فکر کنیم ولی آن جمله ای که این طوری مطرح می شد که باید اقتصاد غرب را از این جهت که باید متوجه باشیم که او با چه مدلی و با چه ابزاری در چه گستره ای به ما حمله کرده است و بعد ما بتوانیم در مقابل او به قول حضرت آقا آرایش جنگی بگیریم در این جنگ اقتصادی جبهه را بشناسیم بعد بتوانیم

دکتر رضائی: بشناسیم ولی او به شناختنش محتاج است خیلی بیشتر از این که محتاج مدرک باشد

حضار: نه اصلاً منظور مدرک نیست

دکتر رضائی: محتاج تفکر است یک مثالی شهید مطهری می زند می گوید رفتیم در یک روستایی از یک پیرمردی یک سوالی کردم دیدم چقدر خوب جواب می دهد بعد می گوید دوباره یک سوال دیگر کردم دیدم چه جواب های خوبی می دهد بعد به او گفتم ببخشید شما چقدر سواد دارید گفت من سواد ندارم ما چون سواد نداریم مجبوریم فکر کنیم ببینید ما اگر فکر کنیم از سواد هم می توانیم استفاده کنیم اگر فکر نکنیم سواد از ما استفاده میکند بفرمایید می شود همین که الان هستیم

دکتر مقصودی: همین جمله اقتصادی واقعاً

دکتر مقصودی: این نکته دکتر رضائی ناظر به این است که ما خیلی ما الان مثلاً ده ها هزار دانشجویمان را فرستادیم جبهه ها را مثلاً بشناسند و در نظام لیبرالیسم؟ ده پانزده تا در آمده است اگر بخواهیم آن را ببریم در مکانیزم تربیتی باید این سیر را تغییر بدهیم یعنی اول یک دانش اجمالی دینی دانش اجمالی غرب شناسی به معنای عمومی بعد آن را هم به او آموزش بدهیم.

دکتر رضائی: یک جمله من عرض کنم در این سیری که دارم می گویم شما ملاحظه بفرمایید نگفتم که جبهه را بشناسیم گفتیم یک جریان شناسی اقتصاد جهانی داشته باشیم بعد اقتصاد ایران را بشناسیم بعد جنگ را بشناسیم بعد اقتصاد مقاومتی را بشناسیم بعد کلیات اقتصاد را بشناسیم اتفاقاً ما داریم اینجا علم را زیر مجموعه آن علم خودمان داریم تعریف میکنیم اول خودمان را تعریف کردیم جنگ را شناختیم من که اینها را گفتم و بعد فکر می کنم چرا؟.. پاسخ را دادم با این سیر

دکتر رضائی: خدمت شما عرض شود که بعد از اینکه کلیات اقتصاد آن هم کلیات اقتصاد به عنوان یک زبان مشترک با افرادی که ما بعضی اوقات می گوئیم یک عده فارسی حرف میزنند یک عده انگلیسی حرف میزنند یک عده عربی حرف میزنند یک عده اقتصادی حرف میزنند الان تمام جامعه دارد چه حرف میزنند؟ اقتصادی حرف میزنند حالا یک نکته هم عرض کنم اینجا این که همه دارند اقتصادی حرف میزنند به معنای این نیست که ما مشکلاتمان اقتصادی است اقتصاد الان خیلی برجسته شده است همه دارند در مورد اقتصاد حرف می زنند این هم یک نکته. پس باید این زبان را یاد بگیریم آن هم در حد کلیات حالا می گوئیم آن هم در حد مثلاً ۳ تا ۴ ساعت این ها را که می گوئیم محتوای بومی هم برای آن داریم ما کتاب استانداردهای تعلیم و تربیت اقتصادی دکتر پیغامی مفصل کار کرده است یک قرائت استاندارد می داریم از آن داریم

حجت الاسلام صدوق: یعنی کدامش؟

دکتر رضائی: کلیات اقتصاد. کتاب اقتصاد دهم دبیرستان هم کتاب خوبی است چون آن را هم دکتر پیغامی تالیف کرده است چون ما فعلاً این مبنایی که خودمان به آن

حجت الاسلام صدوق: اسم این کتاب را یک بار دیگر بگوئید

دکتر رضائی: استانداردهای تعلیم و تربیت اقتصادی یکی آن است یکی هم کتاب اقتصاد دهم دبیرستان قرائت خوبی از کلیات اقتصاد دارد

حضار: یعنی می فرمایید که منشأ مشکلات اقتصادی می تواند اقتصادی نباشد

دکتر رضائی: بله و منشأ رشد اقتصادی هم می تواند اقتصادی نباشد می تواند فرهنگی باشد

حضار: فرهنگ اقتصادی

دکتر رضانی: خوب خدمت شما عرض شود که محور بعدی ببخشید من خیلی سرتان درد می آورم چون
دکتر مقصودی: فرهنگ است مصرف می سازد فرهنگ است که تولید میسازد عفاف هم آنجا است
حضار: یعنی فرهنگ بر اقتصاد اهم است

دکتر رضانی: بله زیر بنا است توضیح دادیم
دکتر مقصودی: و نگاه مارکسیس ها هم نه

دکتر رضانی: و نگاه لیبرال هم نه ما می گوئیم فرهنگ زیر بنا است وقتی که می گوئیم فرهنگ یعنی خانواده دیگر هم بر آمده از فرهنگ است هم سازنده فرهنگ است خانواده زیر بنا است غرب کلاً برای اینکه نفوذ اقتصادی ایجاد کند اول زیر بنای خانواده را میزند نقش هارا عوض می کند. خب گفتیم پس ببینید جریان شناسی اقتصاد جهانی، اقتصادی ایران را می شناسیم بعد جنگ اقتصادی را می شناسیم بعد اقتصاد مقاومتی را می شناسیم یکم از کلیات اقتصاد با هم گفت و گو می کنیم و بعد این هارا را که جلو رفتیم می بینیم که مسیر از کجا عبور می کند؟ از تعلیم و تربیت اقتصادی و تعلیم و تربیت هم دو مدل داریم یک تعلیم و تربیت فردی داریم یک تعلیم و تربیت جمعی تعلیم و تربیت فردی یعنی مدرسه، درس، دانشگاه. تعلیم و تربیت جمعی یعنی گفتمان سازی. ما گفتمان سازی را تربیت اجتماعی می بینیم. و گفتمان سازی. ببخشید من سریع بگویم عبور کنم که بعد دوستان بحث هایشان را بفرمایند قسمت بعد، این سیری است که ما همراه می شویم باهم بعد می رویم سراغ اقتصاد خانواده. از اینجا شروع می کنیم. حالا هر کسی باید اقتصاد خانواده خودش را شکل دهد. تربیت اقتصادی را یاد گرفتیم. اقتصاد شناختی، فهمیدیم که اول اصلاح الگوی مصرف کنیم بعد به سمت تولید حرکت کنیم. اگر موفق شویم اصلاح الگوی مصرف کنیم. به جای اینکه وام بگیریم و تولید کنیم، می توانیم از پس انداز درون زا تولیدمان را شروع کنیم. اگر اصلاح الگوی مصرف می بینیم که اولین خدمت به تولید خرید کالای داخلی است، قبل از اینکه اصلاً برویم تولید کنیم و... همه این موارد را از قبل با هم همسو شدیم و بعد می رویم سراغ اقتصاد خانواده. اقتصاد خانواده محور. بعد که در مورد اقتصاد خانواده صحبت کردیم، بحث مدیریت هزینه ها و استفاده از فرصت های درآمدی. یعنی کسی که بتواند هزینه هایش را مدیریت کند، می تواند از فرصت های درآمدی استفاده کند. نه کسی که هزینه هایش را تبدیل می کند به یک چاه ول برای اینکه هزینه هایش را پوشش دهد مجبور است درآمد کسب کند. این مورد را اگر اشتباه نکنم شهید مطهری بحث میکنند. نه این مورد را شهید مطهری بحث نمیکنند.

ما چگونه می رویم جلو؟ غرب اینگونه است که اول یک چاه هزینه ایی برای ما درست می کند، بعد برای اینکه این چاه را پر کنیم مجبور هستیم بدویم تا درآمد کسب کنیم. اینجا درآمد می شود هدف. ولی اگر شما اصلاح الگوی مصرف کنید بعداً میتوانید براساس اصلاح الگوی مصرف از فرصت های درآمدی هم استفاده کنی و بعد آرام آرام سبد مصرفی ات را ارتقاء بدی. نه اینکه مصرف جلودر باشد. غرب چکار می کند؟ مصرف را می اندازد جلو درآمد. اول مصرف بعد بدو درآمد. ما چکار میکنیم؟ مصرف را قبل از درآمد می اندازیم. اول اصلاح الگوی مصرف، بعد درآمد، بعد درآمد که بالا رفت، مصرف را همراهش بالا می بریم. دوباره اصلاح الگوی مصرف، درآمد که بالا رفت مصرف را همراهش بالا می بریم. اینگونه دیگر برده ی مصرف نمیشویم

حضار: انگیزه ها کمتر نمی شود؟

دکتر رضانی: چرا انگیزه ها کمتر شود، نه اتفاقاً، وقتی که شما اصلاح الگوی مصرف میکنید، از پس انداز درون زا یک چیزی را تولید میکنید، انگیزه درونی ایجاد می شود که اصلاً خودت هویت میگیری. می گویی خودم ساختم. ولی آن طوری انگار یک کسی دارد هویتت را برایت می سازد، می گوید اینگونه مصرف کن بعد هم می روی درآمد کسب میکنی. بعد هم نفهمیدی زندگی چه شد. می گویی فقط دویدم. کاری که رسانه های غربی انجام می دهند .

البته حاج آقا شما فکر کنم در جلسه قبلی یک اشاراتی نسبت به این بحث مصرف و این ها کردید ما دیگر اینجا...

حجت الاسلام صدوق: خواهش میکنم

دکتر رضانی: نو قسمت بعدی که گفتیم اقتصاد خانواده. بعد می‌رویم سراغ اقتصاد سازمان و نهاد مقاومتی. خیلی خوب نمی‌توانیم که تک تک خانواده‌ها را هی اقتصادشان را درست کنیم، زمان می‌برد. باید یک نهادی بسازیم که مجموعه‌ای از خانواده‌ها را حرکت دهد. منتها این نهاد خودش باید یک نظام اقتصادی مقاوم داشته باشد. نهاد که می‌گوییم یعنی همین مجموعه. یعنی شما باید برنامه ریزی اقتصاد مقاومتی این مجموعه را انجام دهید. و در آخر سازماندهی اقتصادی مقاومتی.

یعنی هسته‌های مقاومت اقتصادی مردمی را چگونه شکل دهیم. یک هسته مقاومت مردمی را تعریفش میکنیم. از کجا شروع می‌کند که این هم هفت یا هشت مرحله دارد. پس ببینید بزرگوار اینکه شما الان می‌گویید پنج گام به من بگو، من می‌گویم خیلی خوب همین الان فرصت داریم که تقریباً ده ساعت باید با هم گفتگو کنیم که وقتی من آن پنج گام را می‌گویم شما مثلاً باید با هم خیلی هم سو باشیم

خانم دکتر اشکیانی: پنج گام در یک مدلی که مثلاً...

دکتر رضانی: همان مدل را می‌گوییم

خانم دکتر اشکیانی: مثلاً که ما می‌گوییم راهکار اجرایی فرمایش حضرت آقا که سال‌ها می‌گویند اقتصاد مقاومتی... الان هم که شما می‌فرمایید گره‌ها را هم خودشان با این بیانیه گام دوم باز کردند

دکتر رضانی: از نظر من بله

خانم دکتر اشکیانی: خوب پس باید ظرف یک سال، دو سال ما پنج تا گام اجرایی عملیاتی در سطح کلان مملکت برسیم به آن راستای حضرت آقا آن را من می‌خواستم کلید واژه گام اول فقط بگوییم طی دو سال این اتفاق را در سطح کشور رقم می‌زنیم به صورت واقعی و این قابل اجرا باشد گام دوم هم مثلاً تا دو سال طول می‌کشد این روند را می‌رویم گام سوم ما می‌رسیم به آن خواسته‌های حضرت آقا که کلیدواژه که ما می‌گوییم مثلاً آن چیزی هست ۱۵:۴۴

حجت الاسلام صدوق: یعنی که حالا عقلانی بینش یا نبینش جدا

دکتر رضانی: منافع راه بردی اش را ببینیم

حجت الاسلام صدوق: چون ببینم که حالت مدلی پیدا بکند

خانم حکمت پور: چون دیگر در حد حکومت است یعنی حکومت دست شما است به عنوان متفکر شیعه نه منظور این که در سطح یک منبر، روی منبر مردم خوب باشید اقتصاد را در سطح خانواده این طور مدیریت کنید نباید جلو بریم الان باید یک نظام. این نظام عبارت است از اینکه سطوح بالای جامعه باید این اتفاق را رقم بزنند گام بعدی این است و این است خوب خلاصه این اتفاق در سطح خانواده هم رقم خواهد خورد آن گام‌های اجرایی این طوری باید در نظر گرفت

دکتر رضانی: ببینید این ده ساعت برای این است که وقتی من پیشنهاد خودم را می‌دهم که همه چی از خانواده شروع میشود

حاضر: قبول کردیم

دکتر رضانی: آنجا دیگر بگوییم که آهان راه حل از همین جا شروع می‌شود عرض بنده این است شما در نظام باید بیاید ۲۰ تا

۳۰ تا ۱۰۰ تا خانواده مقاوم به لحاظ اقتصادی مثل خانواده‌ای که آقای دکتر مقصودی مثلاً مداد‌های چیز را می‌زنند

دکتر مقصودی: فایبر کاستل

دکتر رضانی: یک خانواده است حتی یک خانواده دیگر ایشان بهتر توضیح میدهند رفتند برزیل زمین خریدند درخت می‌کارند که بعداً بشود... درخت‌ها چوب هایش را بردارند مداد درست کنند که نسل‌های بعدی این خانواده هم مداد فایبر کاستل هست دیگر درست است؟ آلمانی است این کل این تحت یک خانواده است بعد حالا من می‌گویم اول خانواده الگو را پیدا می‌کنیم تبیینش می‌کنیم بعد می‌گوییم دولت تمام برنامه‌های هایت را باید متناسب کنید با رشد این حالا پیشنهاد من میشود این به جای سازمان برنامه بودجه ما باید سازمانی تشکیل دهیم برای سازمان برنامه و بودجه خانواده تمام شد

حضار: این حذف بشود این جایگزین بشود

دکتر رضانی: خب ببینید باز باید خیلی باهم صحبت کنیم

حجت الاسلام صدوق: این منبع دارد کتاب دارد؟

دکتر رضانی: این ها بله این ها یک بخشی اش مکتوب شده است فایلش دست خودم است چاپ نشده ولی تازه است

حجت الاسلام صدوق: حالا میتوانم من تکثیر کنم

دکتر رضانی: بله

حجت الاسلام صدوق: یک نسخه از آن تکثیر کنید من مطالعه میکنم مبسوطش را البته کاش دو ماه پیش که جلسه قبلی تمام

شد این را به من می دادید که ما با آمادگی بیایم به جلسه و الان هم اگر آقای دکتر مقصودی مطلبی، متنی دارند بفرمایید برای

جلسه آینده ما مطالعه کرده بیایم

دکتر رضانی: یک جوری بحث می کردیم که فرصت نماز...

حجت الاسلام صدوق: مشقمان را بکنیم

دکتر رضانی: ولی خب خیلی باید گفت و گو کنیم یعنی که در مورد الگو عملیاتی به هر حال خیلی متفاوت است با فضای

موجود

خانم دکتر اشکیانی: اشکال ندارد ما پذیرشش را داریم ولی همین کلید واژه ها که می گوئید ما میفهمیم دیگر همه موارد همه

آن سوال داشتیم می رویم وارد جزئیاتش می شویم شما همان کلید واژه ها را در ۳ گام پنج گام به ما بفهمانید مثلا اول در سازمان

برنامه بودجه این اتفاق بیفتد این هم راهکارش است این هم مثلا زمان بندی اش است که مثلا گفته می شود که شش ماهه این

کار را می کنیم یا دو ساله این کار را می کنیم یا گام بعدی اش این یا گام سوم مثلا این یک چیز این طوری به ما بدید

حضار: شما گفت و شنود خودتان را بفرمایید

دکتر مقصودی: شما اصلا تا الان همه عمرت را صرف این می کردید که قانع کنید طرف مقابل را حالا طرف مقابل می گویند من

و قانع شدم حالا بسم الله

دکتر رضانی: خواهش می کنم انشالله گره علمی اش را باز میکنیم و خدمتتون عرض می کنیم

من دو تا سه تا مثال زدیم یعنی در مورد اینکه چه اتفاقی باید بی افتد هم در مورد از سطح خرد هم تا سطح محلی مثلا حداقلش

این است که این جا شما مثلا به لحاظ مجموعه تبدیل بشوید به مجموعه ی تعلیم و تربیت اقتصادی خیالتان راحت باشد تمام

مؤلفه های تعلیم و تربیت اقتصادی می دانید و می توانید خانواده های الگو را با این شاخص پیدا بکنید که بعد که پیدا کردید

بگوییم که دانشگاه یا بیایید همین خانواده ها را ببرید تدریس کن سازمان برنامه تمام برنامه ریزی تو در جهت تقویت چنین

خانواده هایی باشد بله

حجت الاسلام صدوق: نه نه روی اینجا ان قلت نیارید

دکتر رضانی: نه ما شروع میکنیم دیگر

حجت الاسلام صدوق: شما دنبال یک ایده ای باشید که از یک برنامه ی گام به گام شروع کند قدرت تعمیم کشوری هم داشته

باشد برای این انقلاب می کنیم مشکلی نداریم دنبال یک عقلانیت باشید این عقلانیت قدرت عینیت میتواند پیدا کند

دکتر رضانی: قدرتش را تولید می کند

حجت الاسلام صدوق: آهان مگر مردم خودشان باید به آن قدرت بدهند؟ راهپیمایی میکنید هزار نفر ده هزار نفر ۴۳:۲۰ همه

کارها را می کنیم ما مشکلی با این چیزها نداریم ولی برای شما برای مردم عقلانیت باید...میتواند محقق شود دو تا چهار تا بشود

...

دکتر رضائی: مشکل همین است که برای حجاب راهپیمایی میکنند ولی برای خانواده نه
خانم دکتر اشکیانی: عیب ندارد پس همان تئوری اش را در همان پنج گام به صورت ... الان این را حاج آقا صدوق شما متوجه
شدید؟

حجت الاسلام صدوق: نه من هنوز مدلی ندیدم هنوز

خانم دکتر اشکیانی: خوب ما هم مدل میخواهیم

دکتر رضائی: مدل در آن هشت تا گام برای ان سازماندهی ما راه اندازی هسته‌های مقاومت اقتصادی، یک هسته مقاومت اقتصادی
حجت الاسلام صدوق: دو اصل اولش گفتمان است گفتمان قبل از

دکتر رضائی: نه این دیگر می‌رود در عملیات، هسته مقاومت اقتصادی یک اول به لحاظ تعلیم و تربیت اقتصادی خودش را تجهیز
می‌کند یعنی هسته مقاومت اقتصادی هسته ای است که بهترین الگوی مصرف را دارد
خانم دکتر اشکیانی: چند تا از این هسته‌ها را لازم داریم؟ چند نفری اند؟

دکتر رضائی: به تعداد هسته‌های مقاومت بسیج ای که حضرت امام گفتند آقا مثلاً فرض بفرمایید در هر شهرستان در هر
شهرستان ۵ تا کافی است.

خانم دکتر اشکیانی: پنج تا اش چند نفره است؟

دکتر رضائی: پنج تا مثلاً فرض بفرمایید ۵۰ نفره

خانم دکتر اشکیانی: میخواهند به چه برسند؟

دکتر رضائی: الان عرض می‌کنم این هسته‌های مقاومت اقتصادی یک به لحاظ الگوی مصرف باید بر اساس همین الگوی مصرف
باشد الگوی مصرفش باید مولد باشد یعنی هر چی مصرف میکند به تولیدش دارد کمک می‌کند یعنی حتی مصارف بین خودشان
را هم دست به دست هم می‌کنند سیستم تولیدشان را طراحی کند برنامه تولیدیشان مشخص است یعنی ۵۰ نفری اند که
میدانند چه می‌خواهند تولید کنند و مصرفشان را بر اساس این تولید تنظیم می‌کنند این دیگر..، باید آن ۵۰ نفر به جمع‌بندی
برسند مثلاً از من که توقع ندارید بگویید، ۵۰ نفر باید بروند گندم تولید کنند که؟! ۵۰ نفرند که ظرفیتشان را می‌آورند پای کار
هر کسی توانمندی‌های خودش و خانواده اش را می‌آورد می‌گذارد وسط میرسد به اینکه ما ۵۰ نفر میخواهیم این کار تولیدی را
انجام بدهیم برای این تولید اول باید الگوی مصرفمان را اصلاح کنیم از الان باید اینطوری مصرف کنید

خانم دکتر اشکیانی: یک دانه از این گروه‌ها را ساختن خودتان؟

حجت الاسلام صدوق: بگذارید عقلانیتش تمام شود، الان صحبت از عملش نیست

دکتر رضائی: اجازه بدهید ما اگر الگویشان را ترسیم کنیم یک سری هایشان هستند که اگر شاخص کنیم می‌رویم پیدایشان
می‌کنیم اینجوری نیست که نباشند در همین شهرستانها، شهرها خیلی هایشان هستند منتها چون اصلاً نظام برنامه‌ریزی ما اینها
را به حساب نمی‌آورد ما اینها را پیدایشان نکردیم بکشیم بالا، اینها را باید بیاوریم دانشگاه را بدهیم دستشان، بگوییم شما
بروید برای خلق الله درس بدهید. پس یک حلقه مقاومت اقتصادی را من اینجا نوشتم برای اینکه میدونستم ما به این سوال
میرسیم

حجت الاسلام صدوق: در کدام؟

دکتر رضائی: اینجا نوشته ام. ۱- تربیت اقتصادی، یعنی اول همه‌ی شان باید اقتصاد بلد باشند اقتصاد مقاومتی بلد باشند و
تعلیم و تربیت اقتصادی را مسلط باشند و الگوی مصرفشان را تنظیم کنند ۲- تبدیل بشوند به یک تشکیلات یعنی بینشان روابطی
را مشخص کنند مثلاً فرض کنید تبدیل بشود به یک تعاونی

دکتر مقصودی: تئوری منظومه‌ای اینجا جایش بود

دکتر رضائی: خوب تبدیل بشوند به یک تعاونی، یعنی اگر گفتید تشکیلات این ۵۰ نفر چیست؟ ما بگوییم این ۵۰ نفر شرکت نیستند یک تعاونی اند ۳-حالا میگوییم برویم تولید کنیم نه حاج آقا ما نکته یمان همین است، ما اصلا از تولید شروع نمی کنیم به تولید می رسیم. برویم تولید کنیم؟ نه اول این ۵۰ نفر باید بروند تولیدی های موجود را شناسایی کنند و گره های آن ها را باز کنند یک تولیدی گره فنی دارد این ۵۰ نفر میروند باز می کنند، یکی شان گره مالی دارد میروند برای سرمایه برای همان تولیدی که الان هست یکی شان گیر نیروی انسانی دارد

دکتر مقصودی: متناسب با خودشان نمیروند سرمایه داری و ۲۴:۲۵

دکتر رضائی: نه نه باز میگوییم تولیدات هم قابل شناسایی است یعنی اینجوری شما در مشهد بگردید...

حجت الاسلام صدوق: ۵۰ نفر ۵۰ تعاونی شدند؟ ۵۰ خانواده شدند؟ این ها یک تعاونی میشوند؟

دکتر رضائی: ۵۰ نفر اول تعلیم و تربیت اقتصادی شان را تکمیل می کنند یعنی نگاهشان به اقتصاد یکی است، این ۵۰ نفر در اقتصاد ۵۰ تا نگاه نیستند یک نفرند، ۵۰ نفر که یک نفرند ۲-تشکیلات میسازند یعنی حالا تبدیل میشوند به یک تعاونی، آن چیزی که باعث شده تعاونی در کشور ما دچار مشکل بشود. برای اینکه آنهایی که می آمدند تعاونی تشکیل بدهند هم فکر (نبودند). تعاونی همفکری نیاز دارد. چون قرار است ما با هم، کنار هم، همه حق رای داشته باشیم. بخاطر این هم هست که مثلا در کشورها شرکتها کار می کنند؛ چون در شرکت هرکس بیشتر سرمایه دار است تعیین کننده است اما اگر شما بخواهید تعاونی تشکیل بدهید اول باید همفکر شده باشید، دوم می شوید یک تعاونی. سوم، این تعاونی قرار است چه کار کند؟ ما می گوییم اولین کارش خدمت به تولید است. چه خدماتی به تولید بدهیم؟ یک اگر یک تولیدی مشکل فنی دارد، مشکل فنی اش را برایش حل کنیم. اگر یک تولیدی مشکل مالی دارد، برویم برایش سرمایه جور کنیم، مشکل مالی اش برطرف شود. اگر یک تولیدی مشکل نیروی انسانی دارد، برویم نیرو برایش پیدا کنیم تا تقویتش کنیم. اگر یک تولیدی مشکل بازار دارد، این ۵۰ نفر بسیج بشوند، مشکل ۵ تا تولید کننده را در بازار می توانند به راحتی حل کنند. پس قبل از اینکه وارد تولید بشویم، اول به تولید خدمت بدهیم. به محض اینکه شما به ۱۰ تا، ۱۵ تا تولید خدمت بدهید تازه آن وقت به خودتان می توانید بگویید من میخواهم چه چیز تولید کنم. خودم چه چیز می خواهم تولید کنم. یعنی شما می شوید استاد تولید

حضار: یعنی رقابت بازدارنده نمی شود؟

دکتر رضائی: نه دیگر مبانی مان را گفتیم دیگر، ما تعاون را حاکم می دانیم بر رقابت. آنجا قبلا صحبت هایمان را کردیم. این ۵۰ نفر نمی روند در بازار بگویند باید باهم رقابت کنیم. این ۵۰ نفر با نگاه تعاون در بازار می روند. این ۵۰ نفر می شوند مثل بازاریان قدیم که اگر مغازه کناری دشت نکرده بود، می گفتند برو و از او بخر. شروع کنیم آن الگو را دومرتبه (احیا کنیم) مرحله چهارم، انتخاب تولید. پس (یک)، تربیت اقتصادی، (دو)، تشکیل تشکیلات اقتصادی که می شود تعاونی، سه، خدمت به تولید و چهار، شروع میشود انتخاب عرصه تولیدی. خوب حالا خود این حلقه هم باید یک چیزی را تولید کند. اینجا دیگر بعد از ۴ مرحله دیگر خودش می تواند بگوید من چه چیز می خواهم تولید کنم، من که الان نمی توانم برایش تعیین تکلیف کنم.

پنجم ارتقا این تولید در حد صادراتی. تولید را شروع کردید حالا باید کیفیتش را بالا ببرید. قدرت صادرات پیدا بکنید. حالا این قدرت صادرات هم که پیدا می کنید، نه اینکه چیز پیچیده ای باشد که باید بروید کالا را در آلمان بفروشید. نه یعنی همین الان که شما تولید را شروع می کنید، باید بتوانید در اربعین این کالا را به عراقی ها معرفی بکنید که بعد از اربعین از تو بخرند. همین است. خیلی پیچیده نیست. فکر نکنید صادرات یعنی اینکه باید برویم قوانین صادراتی که... نه. یعنی با همین ۵۰ نفر، با همین شبکه خانمها که با ۵۰ خانواده عراقی در اربعین ارتباط گرفته است تولیدی را که می کند همانجا سر دست می برد برایش می فروشد. یا می برد در عراق برایش استفاده می کند. به محض اینکه رفت در لایه ی صادرات، مرحله بعدی اش تولید، دانش تولید است. چون

شما یک مسیری را آمده‌اید حالا این را باید منقحش کنید، که اینطوری می‌سازند. یعنی شما دیگر از حالت تولیدکننده باید به تولیدکننده دانش‌بنیان تبدیل بشوید. بعد از اینکه تولیدکننده دانش‌بنیان شدید بعد بروید دانشکده بزنید، کادر بسازید. این مسیر است. غیر از این هم نمی‌شود

خانم دکتر اشکیانی: خوب آقای دکتر نقش دولت در این مراحل چیست؟

دکتر رضانی: دولت هیچ نقشی ندارد. دولت اگر این گروه‌ها را بازداشت نکند دیگر هیچ کاری ندارد

خانم دکتر اشکیانی: شما می‌فرمایید انتخاب تولید، یعنی باید بروی و بلاخره یک مجوزی بگیری و همانجا هم اگر بخواهیم قسمت‌های قبلش را خیلی داستان وار رد بشویم، همان اول تو را گیر می‌اندازد

دکتر رضانی: نه، ببینید الان توضیح می‌دهم. مشاغل خانگی، ۵۰۰ رسته مشاغل خانگی داریم که از این ۵۰۰ رسته، ۳۰۰ رسته‌اش الان ثبت‌محور است. یعنی شما به محض اینکه ثبت می‌کنید مجوز همان سیستم صادر می‌کند، می‌برید به دیوار خانه ات می‌چسبانید.

خانم دکتر اشکیانی: پس مالیاتش چه می‌شود؟

دکتر رضانی: مشاغل خانگی معاف مالیاتی هستند، فقط باید هزینه تمبر مالیاتی را که ۱۰ هزار تومان است را بدهند. سوال بعدی!..

ما که نگفتیم بروید کارخانه بزنید. این ۵۰ نفر، ۵۰ خانواده هستند. که در خانه‌هایشان از این ۵۰۰ تا رسته، می‌توانند ۵۰ تایش را انتخاب کنند، نه، ۵ تایش را انتخاب کنند

خانم دکتر اشکیانی: یک نمونه‌ای که خودتان آیا تجربه دارید یا زدید، تا کجایش رفته است و چه چیز دارد تولید می‌کند؟

دکتر مقصودی: بین‌المللی‌اش هم خیلی هست، داخلی‌اش هم هست، مثال‌ها فراوان است

دکتر رضانی: شما بفرمایید مثالش را بزنید

دکتر مقصودی: یک نمونه‌اش بنز است. شرکت بنز در مثال بین‌المللی‌اش. داخلی‌اش شرکت میقان، یا کفش تن‌تاک. اینها همه‌مثالند. اینها همه تولیدات خانگی‌اند، خانوادگی‌اند یا کارگاه‌های کوچکند. مثلاً شما نمی‌توانید یک تصویر از کارخانه‌های کفش تن‌تاک پیدا کنید

میقان، همین کالای پشمی، کالای خواب تولید می‌کند که الان چندین واحد تولیدی خانوادگی دارد خانواده‌ها تولید می‌کنند ولی یک برند مشترک دارند با هم می‌زنند

دکتر رضانی: آهان یک مثال دیگر هم بگوییم کرداباد همدان این را آقای رئیس‌جمهور گفتند، گفتند من تنها منطقه‌ای که رفتم و از من درخواست شغل نداشتند نه درخواست شغل داشتند نه وام گفتند یک منطقه‌ای بود رفتیم در همدان کرداباد گفتند اینجا یک زنجیره‌ی پوشاک شکل گرفته بود که تمام خانواده‌ها مشغول بودند حتی بچه‌ها هم از مدرسه می‌آمدند کارشان مشخص بود گفت آنقدر هم نشاط آنجا برقرار بود تنها چیزی که از من خواستند وام و شغل هم نبود گفتند میشود یک مقدار معافیت مالیاتی به ما بدهید گفت اصلاً درخواست آنها متفاوت بوده است

خانم دکتر اشکیانی: شما که همچین موردهایی را دارید و مسلماً شخص رئیس‌جمهور هم می‌دانند شما گفتید چند تا از این‌ها داشته باشیم گفتید ۴۰ تا

دکتر مقصودی: اول شناسایی کنید بعد هم معرفی‌شون کنید

دکتر رضانی: نه من گفتم در هر شهرستانی ۵ تا ضرب در چهار صد و چهل تا بفرمایید میشود چقدر ۲۰۰۰ تا

دکتر مقصودی: آنها را معرفی کنید اگر دارید

دکتر رضانی: معرفی کنید ۱_ من می‌گویم یک جاهایی داریم شاخص نکرديم عينکمان تا الان به این سمت نبوده است اینها را به عنوان کار موفق ببینیم

دکتر مقصودی: به نظرتون خود

دکتر رضائی: یک جاهایی نداریم باید بسازیم

خانم دکتر اشکیانی: با این تعدادی که میگویید ۴۵۰ تا در ایران می توانیم به اقتصاد مقاومتی که حضرت آقا منظورشان هست برسیم

دکتر مقصودی: مدل تولید می شود

دکتر رضائی: می توانیم مدلسش را تولید کنیم دیگر هر کسی گفت اقتصاد مقاومتی چیست بگوییم بیاید نگاه کنید تمام شده است انجام شده است

این هسته های اقتصادی هر کدامشان در شهرستان می توانند نماینده تعیین کنند انقدر قدرتمند هستند یعنی می توانند نمایندگانی که نگاه اقتصاد مقاومتی دارند را هم یا بسازند از دل خودشان نماینده بدهند این نماینده ها می روند در مجلس، مجلس قانون گذار است می تواند دولت را برای آن تعیین تکلیف کند

حضار: با توجه به وضعیت موجود این برنامه ای که شما می فرمایید برای کالا هایی که نگهداری آن مشکلی نیست ولی برای اقلام خوراکی ما می بینیم مجبور می شوند بیایند بریزند کف خیابان و استفاده نکند چون این وسط واسطه گری خیلی قوی دارد عمل میکند

دکتر رضائی: یعنی چه بریزند کف خیابان

حضار: همین گوجه هایش را می گذارد روی زمین و می رود سبیش را می گذارد روی زمین و می رود

دکتر رضائی: برای چه گوجه را تبدیل به؟! ببینید ۵۰ نفر هستند این ۵۰ نفر چون مولد هستند یک کاری می کنند که هرآنچه که تولید می کنند بالاترین ارزش افزوده آن تولید شود یعنی یکی گوجه فرنگی تولید می کند بعدی آن را رب می کند بعدی این را بسته بندی می کند بعدی این را خدمت شما عرض شود از رب تبدیل میکنند به سس بعدی این را ماندگار... اصلاً اجازه نمی دهند هیچ چیزی خام از این ۵۰ خانواده بیرون برود هیچ خام... اصلاً اجازه نمی دهد برود بیرون، اول هم نیازهای خودشان را تامین میکنند بعد شروع میکنند چون به واسطه ی این قدرت تولیدی که دارند شروع می کنند مازاد بر نیاز شان هم تولید می کنند این می شود یک هسته ی مقاومت اقتصادی این دیگر تکان نمی خورد این نظام بانکی نیاز ندارد خودشان هستند در خودشان شروع میکنند به لحاظ مالی به گردش درآوردن ممکن است اصلاً نظام مالی بین خودشان هم تغییر پیدا کند این اصلاً پول هم بین ما نیست ما با یک سیستم دیگری با هم معامله میکنیم

خانم دکتر اشکیانی: ما به عنوان یک نمونه می خواهیم که از آن مدل اقتصاد مقاومتی را در واقع استخراج کنیم

دکتر مقصودی: این مدل ها کمک می کند بله این چند تا مرحله را که طی کنید ممکن است اصلاً در خود مرحله اول با شناسایی شما مدل پدیدار شود به اندازه ی کافی باشند که به نظرم همان فرمایش شما درست است ما در تمدن اسلامی حتی در ایران فعلی انقدر از این مدل داریم حالا آنقدر که ما مطالعه کردیم خیلی ها را توانستیم پیدا کنیم یک نمونه ای از بیمه هست در اصفهان یک نمونه کارگاه های نان پزی هست باز در اصفهان کوله تولید می کنند در همدان، لباس تولید می کنند نزدیک تهران خدمتتان عرض شود همین میقان که مثال زدم و همین طور مثال هایی که میزنیم اگر این مثال ها فقط ترویج شوند آن مدل پدیدار می شود بعد کپی آن خیلی راحت می شود بعد تکثیر این مدل اقتصاد مقاومتی پدیدار می کند کامل

حضار: یعنی خارج از این ساختار اقتصادی موجود توانستند یک مدت زیادی را پایدار بمانند

دکتر رضائی: بله وقتی می گوییم خارج یعنی معیار آن چه چیزی است؟ یعنی شما نگاه می کنید الگوی تولیدی است همه کارهایش دارد انجام می شود ولی کمترین وابستگی به وام های بانکی دارد وقتی میگوییم خارج از این نظام یعنی این یعنی شما نگاه می کنید با این که هیچکدام مدرک دانشگاهی ندارند ولی به اندازه ۵۰ تا دانش آموخته ده برابر این ها ثروت دارند خیلی از آنها برندی ندارند وقتی میگوییم خارج از این نظام است حتی یعنی می بینید که حتی اینها یک طوری تولید کردند که اصلاً آن

دولت که آمده به این نتیجه رسیده که این ها اصلاً مجوز نمی‌خواهند اینها یک جوری دارند تولید میکنند که من برای این که بیایم بگویم کار من بوده است من ببرم الگوی اینها را من انجام داده ام دولت خودش را گره میزند به این ها وقتی که می‌گوییم خارج از این نظام یعنی این

دکتر مقصودی: یک مثال را که آقای دکتر همه شنیده اند....

دکتر رضائی: خارج از این نظام علمی خارج از این نظام مجوزی خارج از این نظام توزیعی اصلاً یک دفعه ببخشید همین کردآباد همدان چند نفر را دارند که اصلاً دارند برای اینها صادر می‌کنند

خانم دکتر اشکیانی: خوب آقای دکتر ببخشید الان این نمونه‌هایی را هم که مسلماً در سطح ایران است یک زمان بندی بگذارید سریع شناسایی کنید که از آن مدل در بیاید دیگر

دکتر رضائی: چشم مدل پیدا میشود

دکتر مقصودی: تشک رویال را دیده اید

حضار: بله

دکتر مقصودی: ما اصلاً برنده رویال در ایران وجود ندارد کارخانه آن همه ی آنها کارگاه های خانوادگی هستند مستقلاً برای خودشان دارند تولید می‌کنند برای اینکه شما باور کنید روی آن می‌زنند رویال اصلاً همچین کارخانه ای در ایران وجود ندارد این یک نمونه آن است در همه ایران هم دارند تولید می‌کنند

حضار: یعنی برای توزیع کردن این نیازی به مجوز و این چیزها ندارند

دکتر مقصودی: هیچی ندارند هیچ ثبتي هم ندارند

دکتر رضائی: ببینید شما مثلاً این را تولید می‌کنید اولش که توزیع کننده هست که مجوز داشته باشد یک موقع هست که ما می‌خواهیم این نهاد دانش بنیان را بسازیم من عرض کردم مرحله قبل تر مرحله خدمت به تولید است ببینید ما قبل از اینکه به مرحله دوباره برگردیم قبل از اینکه به تولید برسیم رفتیم به صد تا تولید کمک کردیم گره آن را باز کردیم قطعاً ما گیر نمیکنیم درست است؟ باز می‌روم قبل تر گفتم اگر این پله‌ها را برویم ما مقاوم شکل میگیریم می‌رویم بالا ولی الان چه اتفاقی می‌افتد هر گروهی که می‌خواهد کار کند اول وام می‌گیرد شروع می‌کند تولید قطعاً زمین می‌خورد

حضار: در مرحله ۵ شما فرمودید

دکتر رضائی: ارگانیک یا طبیعی بالا نیامده است بعد چرا اصلاً این گروه رفته است تولید کرده است چون یک سری نیازهای مصرفی داشته است شما مثلاً یک گروهی با هم جمع میشوند مثلاً می‌گویند آقا می‌خواهیم مثلاً لباس بدوزیم می‌گوییم شما مگر الگوی مصرفتان شبیه به هم است می‌گویند نه ما فقط یک گیری داشته‌ایم همه ی ما پول نیاز داشته‌ایم آمده‌ایم یک کار راه بیندازیم خوب این در نمی‌آید کار ما گفتیم ببینید ما دقیقاً این هشت مرحله ای که ۶ مرحله ای که گفتیم یک اول الگوی مصرف را باید درست کنیم الان عمده ی تولیدی های ما به خاطر نیازهای مصرفیشان می‌آیند می‌گویند آقا درآمدمان کفاف نمی‌دهد یک کار دیگر هم انجام می‌دهیم خوب این کار در نمی‌آید

حضار: ببخشید مثالهایی که زدید چند سوال مطرح می‌شود مثلاً طرح کاد حساب اینها که فرمودید اینها همین ۶ مرحله را طی کرده اند؟ نه این یک نکته دو مثال هایی که زده اید آیا تعاونی هستند یا در واقع یک سرمایه داری آمده است فقط از ظرفیت تولید خانواده استفاده کرده است دارد بهره آن را میبرد از تولید خانگی یعنی باز هم شرکت است فقط به جای این که کارگر بیاید در کارخانه کارگر می‌آید در خانه این مشخص شود به نظر من ۳:۳۸

دکتر مقصودی: مثال هایی که زدید هیچکدام کارگر کارفرمایی نیست یعنی چه تن تا که چه میقان چه رویال چه بنز اینها کارگر کارفرمایی نیستند اینها اشتراکی از مجموعه ی بنگاه‌ها هستند

حضار: این بنگاهها اصلاح الگوی مصرف شده است در این بنگاهها خدمتی به تولید کرده‌اند این بنگاه‌ها...

دکتر مقصودی: بله بله خیلی از این اتفاقات در آنها افتاده است ممکن است شما نمره بدهید ۲۰، ۱۹، ۱۸، ۱۷ این ممکن است مثلاً یکی از کارهایی که در شاخص سازی دارید انجام می‌دهید نمره بدهید یا مثلاً شما این تیکه ی آن را مثلاً شکل تعاونی آن را درست رعایت نکردید علی‌الاجمال اینها در آن مدل دارند کار می‌کنند بعد خیلی از آنها دانش بنیان هستند

حضار: ببخشید در مورد مرحله ۵ فرمودید ارتقای تولید در حد صادرات یعنی قدرت صادرات را ببریم بالا خوب این که ما در این ماشین مدل اداره غربی حاکم است و باید برای پسته ی ما زعفران ما آمد چه جوری با این ایده هایی که آن طرف تعریف می کند چطور میشود با این چیزی که شما فرمودید قدرت صادرات این شرکت های تعاونی را برد بالا

دکتر مقصودی: همه دارند صادر می کنند همه آنها

حضار: با چه نامی با چه؟

دکتر مقصودی: با نام خودشان ولی صادرات خرد دارند انجام می‌دهند صادرات خرد قابل رهگیری توسط ایزده های بین المللی نیست و ارزش آن را هم ندارد که بخواهد بیاید نظارت کند روی آنها ولی وقتی هزاران صادرات خرد و متنوع باشد ایزده شکست می‌خورد اصلاً ایزده معنای خودش را از دست می دهد ایزده ساخته شده است که از ابر ساختارها برای خودش یک آلف و آلفی جذب کند ولی وقتی میلیونها نفر وارد تجارت غیرمتمرکز باهم می شود اصلاً ایزده مفهوم خودش را از دست می دهد کما اینکه استاندارد مفهوم خودش را از دست می دهد جای آن را چی می گیرد جای آن را کیفیت می گیرد ماشینی که در این سیستم تولید شود قطعاً کیفیت آن بالاتر از ماشین است که در سیستم نظام سرمایه داری تولید می شود حالا این را هم می شود کیس با کیس مثال های آن را بررسی کرد ولی قشنگ مرزها را می‌شکند و می رود جلو حالا همین چندتایی را که من مثال زدم تک تک آنها صادراتشان را سراغ دارم که دارم عرض می کنم، دارند صادر میکنند و خوب هم صادر می‌کنند. یک چیزی بگویم اینها اقتصاد ما را زنده نگه داشته اند. اگر اقتصاد ما دست نظام سرمایه داری کارخانه ای بود ما الان مرده بودیم. این خودش یک، فرصتی است ارائه من از بازار و نابازار، از اقتصاد رسمی و غیر رسمی اگر فرصتی شود، خدمتتون تقدیم کنم، این واضح می‌شود که اقتصاد ما با اینها زنده است. اینهایی که قابل رهگیری نیستند، اینهایی که عضو بازار رسمی نیستند، اینهایی که برندشان خودشان نیست.

دکتر رضائی: اصلاً مردمی بودن یعنی همین

حضار: چند درصد اقتصاد ما را اینها تشکیل می دهند؟

دکتر مقصودی: تقریباً ۷۰٪. یعنی آنچیزی که ما تحت عنوان اقتصاد رسمی، اعلامش میکنیم، تخمین ما این است که ۳۰٪ اقتصاد ماست.

حضار: چه اقلامی؟ یعنی اقلام مصرفی عمومی؟

دکتر مقصودی: عموم مصرف که خودتون بگید الان همین کالاهای مصرفی عمومی شخصی خودتان، چقدر از آن را بَرند مصرف میکنید و چقدر را از همین ...

حضار: نه اینکه میفرمایید ۷۰٪، این در کل مصارف کلان و خرده فروشی...

دکتر مقصودی: اگر ما تصریح کنیم جی وی پی مان حداقل سه برابر میشود اگر ما تصریح کنیم

حضار: اگر ۷۰٪ است چرا وضع اشتغال والان اقتصاد خراب است؟ ۷۰٪ که خیلی خوب است

دکتر مقصودی: خراب است؟

حضار: نیست؟؟

دکتر مقصودی: حالا من یک ارائه دیگر دارم که برایتان اثبات میکنم وضع اقتصاد ما از آلمان بهتر است.

حضار: یعنی بهتر است...

دکتر مقصودی: ما از فرانسه هم بهتریم. از انگلیس هم بهتریم. قدرت خریدمان هم بالاتر است. خوب این ارائه اقتصادی نیست، یک ارائه دیگر است. هر وقت فرصت شود، عرض میکنم

حضار: ببخشید این درصدها از کجا می آید؟

دکتر رضانی: در سال های گذشته...

دکتر مقصودی: تخمین است. برآورد است

حضار: یعنی الان تخمین شما این است که ۷۰٪...

دکتر مقصودی: اقتصاد ما تصریح نمی شود.

حضار: بدون مجوز؟

دکتر مقصودی: غیر رسمی است یا نابازار است. مثلا مادر شما غذا درست میکنند میخورید، پول می دهید؟ چه است؟

حضار: چرا دیگر نباشد باید پول بدهیم

دکتر مقصودی: نباشد باید کجا غذا بخورید؟ در رستوران باید پول بدهید. غذا که حسابداری است اقتصاد نیست. آن چیزی که

شما می گوئید باید پول بدهیم حسابداری است. ما اصلا اتفاقا مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسَبُ است اقتصاد ما حسابداری نیست

حضار: همین را در کشور های خارجی پول میدهند بیرون میخورند

دکتر مقصودی: بله دیگر وقتی یک اقتصاد بی پدر و بی خانوار است...

دکتر رضانی: همین جا یک نکته ایی عرض کنم. مثلا می گویند بخش خدمات در غرب خیلی قوی است. پیشرو است. چرا این

بخش خدمات قوی است چون آن، نظام خانواده را کاملا پاشیده است، همه را خرد کرده، تماما آنها را وصل کرده است به سیستم

های سرمایه ی داد و ستدی، بازاری، پول بگیر بابت این، پول بگیر بابت آن، بخش خدماتش فربه شده است. ولی بخش خدمات

اینجا اتفاقا بزرگتر است اما در نظام محاسبات نمی آید

دکتر مقصودی: دکتر من یک تخمین بزنم همینجا؟ عملیاتی؟ صبحانه، ناهار، شام. شما اگر بخواید بیرون بخورید متوسط روزی

چقدر پول می دهید؟

حضار: نفری؟ نفری ۱۵۰، نفری ۲۰۰ تومان

دکتر مقصودی: ۱۰۰ تومان خوب است؟

حضار: نه حداقل ۲۰۰ تومان

دکتر مقصودی: نفری ۲۰۰ تومان. شما صبحانه، ناهار، شام بخواید بیرون بخورید نفری ۲۰۰ تومان درسته؟ در یکماه چقدر؟ ۶

میلیون. یک خانواده چهار نفره چقدر میشود؟ ۲۴ میلیون تومان یک خانواده چهار نفره، اگر بخواید همین غذایی که در منزل

می خورد، فقط غذا بخورد. لباس نپوشد، مدرسه نرود، خرج تفریح نکند، بنزین در ماشینش نریزد، هیچ خرج دیگری نداشته باشد،

یک خانواده چهار نفره در طول یکماه فقط باید برای غذای خودش ۲۴ میلیون پول در بازار هزینه کند. الان خانواده چهار نفره

چقدر در محیط خانواده، برای خودتون متوسطتون رو در نظر بگیرید، غذا، پوشش، مسکن، اجاره، خودرو، بنزین، مدرسه غیر

انتفاعی، قسط، آب، برق، گاز، تلفن، همه اینها را که می دهید بطور متوسط، الان فقط غذایش را من گفتم. باید چقدر هزینه کنید؟

این ۲۴ میلیون. چقدرش را باید در بازار پول بدهید؟ متوسط ایرانی ها درآمد شان ۱۱ میلیون هر خانوار، چه طوری؟ من میگویم

حاج آقا بگذارید تخمینم را به هم بریزم اقتصاد غیررسمی ما ده برابر است

حضار: به نظر من این خلط بحث است

دکتر مقصودی: چرا خلط بحث است؟

حضار: نکته این است که ما الان داریم وضعیت موجود را به سمت اقتصاد مقاومتی که حضرت آقا مطالبه دارند می‌خواهیم الگو ارائه می‌دهیم این الگویی که آقای دکتر ارائه دادند بحث ۶ مرحله‌ای است که فرمودند یک دو سه تا مثال برایش آوردید و بعد گفتید ۷۰ درصد اقتصاد ما اینها جور میکند و اینها را در واقع بعد آوردید در خدماتی که مادر می‌دهد یا جامعه می‌دهد یعنی آن درصدی که... باشد اصلاً ما می‌گوییم ۹۰ یا ۹۵ درصد اقتصاد ما غیر رسمی است یا نا بازار الان موضوع بحث ما آن ۵ درصد است

دکتر مقصودی: نه نیست موضوع بحث ما آن ۹۵٪ است، آن حسابداری است

حضار: وضعیت موجود ما

دکتر مقصودی: وضعیت موجود ما این است که اقتصاد ما ۹۵٪ اقتصاد مقاومتی است

حضار: این که هست ما از این که هست نمی‌خواهیم عقب برویم شما یک مدلی ارائه بدید که ما را از این چیزی که هست ببرد جلو، شما می‌گویید مدل در واقع شش مرحله‌ای را برویم ولی این ۶ مرحله‌ای که می‌خواهید ارائه دهید چند درصد باقی مانده را در واقع در بر می‌گیرد؟

دکتر رضانی: حتی حاج آقا این شش مرحله مال آن بند نهم یعنی سازماندهی اقتصاد مقاومتی است، آن شش مرحله مال تشکیل هسته‌های مقاومت اقتصادی مردمی بود

حضار: این یک مبحث است شما

دکتر مقصودی: من خلط مبحثم را حاج آقا نفهمیدم

یعنی واژگانی که ما گفتیم شما گذاشتید کنار هم و گفتید خلط مبحث شد چرا خلط مبحث شد؟

حضار: شما می‌آیید وضعیت موجود را ترسیم می‌کنید که اگر این وضعیت نبود ما باید ۱۰۰ میلیون هزینه می‌کردیم اصلاً باشد اگر وضعیت موجود نبود ما باید صد میلیون هزینه می‌کردیم برای خوراک و پوشاک و همه چی خوب حالا این موضوع بحث ما نیست ما الان می‌خواهیم از وضعیت موجود که هر چه هست می‌خواهیم به وضعیت مطلوب برسیم شما مدل می‌دهید برای چیزی که نیست نه چیزی که هست

دکتر مقصودی: چرا موضوع بحث ما نیست؟؟ نخیر ما مدل سازی وضعیت موجود مان این را اگر انجام بدیم اتفاقاً بگذارید من یک ذره کار را بگذارم جلوتر ما اگر وضع موجود مان را کمی از نظام سرمایه داری پالایش کنیم، وضعمان مطلوب است،

حضار: اگر مطلوب است

دکتر مقصودی: فقط باید پالایش کنیم از این به عبارتی مخدرات سرمایه داری عرضم این بود که این نا بازاری که ما در ایران داریم که الان یک محاسبه‌ی خیلی ساده‌اش را که با قیمتی که خودتان گفتید انجام دادیم، این نا بازار در نظام سرمایه داری تبدیل می‌شود به بازار، یعنی کل این روابطی که شما در محیط اقتصاد غیر رسمی در آن حضور دارید تبدیل می‌شود به روابط بازاری از آن مالیات گرفته می‌شود، می‌شود دولت؛ می‌شود اقتصاد دولتی غرب، اقتصاد غرب دولتی است بیخود کرده است که هر که گفته است آزاد است. می‌شود اقتصاد دولتی غرب، اتفاقاً اقتصاد ما خیلی آزاد است و خیلی مردمی تراست یعنی اقتصادی که این صد میلیون را.. اول پدر را می‌فرستد عسویه کار کند و مادر را می‌گوید که در دانشگاه باشد و دختر درمهد کودک باشد و پسر در دانشگاه باشد آن هم دانشگاه غیرانتفاعی یعنی خانواده اساسش را از دست می‌دهد همه‌ی نیازهایش باید درون مارکت یعنی درون بازار باید تامین شود یعنی در اروپا الان ۵۰ درصد شون نمی‌دانند پدرشان کیست بقیشون هم با آزمایش دی‌ان‌ای یا اعترافی چیزی میدانند کیست وگرنه از ۱۸ سالگی از خونه بیرون پرتشان می‌کنند. این اندازه نا بازاری که در اقتصاد ما وجود دارد هیچ جا وجود ندارد در اقتصاد غربی البته..

حضار: اگر خواسته باشیم توسعه بدیم چه کار باید کنیم؟

دکتر مقصودی: با تعاون، نا بازار را باید توسعه بدهیم با انسجام اجتماعی با اصل های مقاومت اقتصادی
حضار: الان هم مثال هایی که زدید هیچ کدامش در آن تعاون نبود یعنی شما یک نمونه ای که تعاون با تعاون بخواند در آن..
دکتر مقصودی: تعاون همین است ببینید شرکت تعاونی نیست منظورم

حضار: پس تعاون شرکت است؟

دکتر مقصودی: نه تعاون شرکت نیست تعاون همین جمع است. الان من و شما رابطه ی مالی داریم خانم محمدی ثابت؟ من اینجا نشستم در یک رابطه ی بازاری با هم داریم مبادله ی دانش می کنیم؟ این تعاون است. پس چیست؟ تعاون چیست؟ تعاون یک عقد است؟ عقد که میدونیم نیست. یک شرکت است؟ شرکت هم نیست. تعاون یک نابازار است. پراست در ایران چشم تان را باز کنید ببینید. تعاون: نظم اجتماعی، تعاون یعنی خانواده، علی البر و تقوا، همکاری و بر تقواست. میخواهید تصریح کمی اش کنید من قبول ندارم خیلی جاها، البته حاج آقای قائمی با آن مخالف اند.
حضار: این ۵۰ نفر چه کار کنند بیایند بشینند با هم تبادل دانش کنند؟

دکتر مقصودی: یکی اش این است

دکتر رضانی: یعنی حاج آقا اگر بگویند این ۵۰ نفر چه کار کنند این جمع نسبت به یک سری از پژوهشکده ها که دارد میلیاردی کار می کند اگر بگویم اثرگذاریش بیشتر است، آن وقت باز هم باید بگویم این جمع دارد چه کار می کند؟ ساختمان اجاره می کنند، پول پژوهشگر می دهند چه کار می کنند و چه کار می کنند اصلاً هم به این مباحث نمی پردازند
دکتر مقصودی: یک کلاسهای هست آموزش بازار سرمایه ..

دکتر رضانی: ببخشید آقای دکتر مقصودی این جمع و این کاری که شما میکنید چند میلیارد پولش باشد خوب است؟
حضار: میلیارد؟

دکتر مقصودی: بله میلیارد

دکتر رضانی: چند میلیارد؟ شما اینجوری نگاه کنید. شما دارید کار چند تا پژوهشکده را انجام میدید اینجا هم مارا نشانیدید دارید شلاق میزنید که محتوا را بیارید مثلاً قاعده مندش کنید.
دکتر مقصودی: در پژوهشکده ها اینکار را نمی کنند.

دکتر رضانی: حضوری که اینجا دارید یعنی مثلاً شما فرض کنید که چند نفر جمع شدند که ما به قول معروف این، مجبور باشیم مجبور نه مجبور یعنی خودمان را موظف بدانیم که پاسخ به سوال بدهیم ولی قانع نمی شوند بعد دوباره باید بحث کنیم و این جمع مثلاً اگر که روی بحثی به جمع بندی برسد می تواند روی کل مشهد اثرگذار باشد نه تازه در مجلس، در جامعه ی بانوان، کجا دارند این کار را می کنند؟ یک پژوهشکده نشان بدهید که دارند این کار را می کنند؟

حضار: در مورد تعاون یک تعریف دقیق تری باید از شما بکنیم و این مدلی که از شما فرمودید یکم باید مشخص تر بشود. الان در مدل شما گفتید اول تربیت اقتصادی بعد در همین جمع اصلاح اقتصادی ۵۲:۰۷
دکتر رضانی: بله هست

دکتر مقصودی: همین جمع اگر بخواند در دنیای غرب تشکیل بشود مثال ژاپنی اش را حاج آقا عرض کنم خدمتان همین اخیراً مد شده است ژاپنی ها خیلی از خانواده هایشان را از دست دادند طرف برای یک شب پدر اجاره می کند که بیاید در جشن تولدش شرکت کند یک همچنین جمعی تشکیل دادنش فقط از صبح تا حالا وقتی بخواهید ارزش گذاری اقتصادی کنید معادلش مثلاً اگر که تازه پیدا بشود، می شود مثلاً یک موسسه ای که در بازار سرمایه دارد تدریس می کند من همان جا تدریس کردم. در ازای چند ساعت هست اینجا دور هم هستیم؟

حضار: ۸ ساعت

دکتر مقصودی: از هشت صبح مثلاً تا الان ۴ بعد از ظهر یک هم چنین جلسه‌ای را من در بازار سرمایه مثلاً ۵ میلیون تومان میگیرم خوب بعد هر کدام از آنهایی که پرداخت می کنند تازه اینجا رابطه ما استاد و شاگردی نیست رابطه دقیقاً رابطه تعاون است ما داریم یاد میگیریم من هم اگر بخواهم باید پول بدهم

دکتر رضانی: یعنی ما خودمان برای اینکه اینجا باشیم باید یک پولی بدهیم

دکتر مقصودی: همین را ارزش گذاری کنید برای همین ۸ ساعت، همین ۸ ساعتی را که ما دورهم هستیم ۲۰ نفر اگر باشید باید ساعتی برای چنین آموزشی مثلاً تازه در بازار سرمایه بی خاصیت که همه را بدبخت می کند باید ساعتی مثلاً ۲۰۰ و ۳۰۰ تومان پول بدهید. همین را ارزش گذاری بازاری کنید ببینید چقدر ترنوال مالی یک چنین جمعی باید باشد. بعد ما از این جمعها چقدر داریم صله رحم مون، صله رحم چیست؟ دیسکو آخر هفته است برای غربی ها خوب، دیسکو آخر هفته غربی ها، صله رحم ماست، آن ها پول میدهند میروند در دیسکو،

خانم دکتر اشکیانی: ما میریم مجلس اباعبدالله.

دکتر مقصودی: احسنت همه هیئات، همه صله رحم ها، همه این ها باعث تولید آرامش میشود دیگر، هدف اقتصاد چیست؟ تولید رفاه

دکتر رضانی: انگلستان وزارت تنهایی دارد، نه میلیون نفر مخاطب وزارتخانه هستند

دکتر مقصودی: مسئله من بازار نیست

دکتر رضانی: آخر سوال همین است

حجت الاسلام صدوق: دکتر مقصودی موجود را دارای نقص نمی بینند قرار شد یه جلسه ای ما در خدمتتون باشیم

حضار: نقص نمی بینند پس آقا اشتباه کردند دیگر؟

حجت الاسلام صدوق: نه حالا بحثی نداریم، بحث این است که الان ایشان اقتصاد امروز را می گویند جزء پیشران های اقتصاد جهان است

دکتر مقصودی: بله من میگویم یکی از بهترین اقتصادهای دنیا است و میتوانیم درباره ی آن هم بحث کنیم کم اسراف ترین هم است

حجت الاسلام صدوق: خوب این را برای ما باید یک توضیحی بدهید

دکتر مقصودی: موضوع بحث ما این است که ما یک تعاون داریم یک شرکت تعاونی

حجت الاسلام صدوق: تشکیلات تعاونی طبیعتاً باید جدای از آن باشد

دکتر رضانی: ولی من گفتم اگر یک هسته اقتصاد مقاومتی می خواهیم شکل بدهیم و این هسته می خواهد یک نهاد اقتصادی رسمی بشود، چه نهاد اقتصادی نزدیکترین نهاد به اقتصاد مردمی است؟ ما می گوئیم شرکت تعاونی. منتها اکتفا به یک شرکت تعاونی فرق میکند با یک تعاونی که فراتر از این شرکت است

حضار: پس حرف شما با حرف آقای دکتر دوتاست

دکتر مقصودی: نه دوتا نیست.

دکتر رضانی: دو سطح است

دکتر مقصودی: ببینید دو سطح است. شما یک وقت هست اقتصاد را حسابداری میدانید، حسابداری را هم حسابش را صرفاً زمانی حساب اصیل میدانید که ترنوال پولی کند. من می گویم من اقتصاددان هستم، من حسابدار نیستم. من دنبال رفاه هستم برای جامعه

حضار: الان وضعیت ما مطلوب است یا مطلوب نیست؟

دکتر مقصودی: بسیار مطلوب است

دکتر رضائی: به نسبت خیلی جاها.

دکتر مقصودی: بسیار مطلوب است به نسبت خیلی جاها

حضار: شما بازار ۵۶:۲

دکتر مقصودی: الان همین جمع را بخواهید تشکیل بدهید در اروپا مثلاً یک هم‌نوایی داشته باشید، یکم آرامش پیدا کنید باید

هر روز صد دلاری خرج کنید

حضار: ببینید این سوال ایجاد می‌شود که اگر وضع به همین خوبی است که شما می‌فرمایید هست پس چرا باید کار اقتصادی کنیم.

همین را برویم سرمایه‌گذاری کنیم روی مردم کار فرهنگی بکنیم تا از وضع موجود راضی شوند.

دکتر مقصودی: احسنت

دکتر رضائی: کار فرهنگی اقتصادی بکنیم

دکتر مقصودی: ما هم همین را می‌گوییم. ما می‌گوییم توسعه‌ی نابازارها

حضار: یعنی کار اقتصادی پس تعطیل؟؟

دکتر مقصودی: توسعه‌ی نابازارها. عرض من این است

دکتر رضائی: چرا کار اقتصادی را از کار فرهنگی جدا می‌کنید. چرا می‌گویید کار فرهنگی یک چیز است کار اقتصادی یک چیز؟

دکتر مقصودی: کار فرهنگی توسعه‌ی نابازارها است. نابازار اقتصاد است. بازار نیست

حضار: حالا عذر می‌خواهم منشأ این احساس عینی فقر که از فقیر بودن خیلی سخت‌تر است توسط چه کسانی به این جامعه

تحمیل شده است؟

دکتر مقصودی: آکادمی‌ها، دانشگاه. بعد از آن هم می‌شود رسانه

حضار: پس شکر خدا که اغتشاش شده وضعیت...

دکتر مقصودی: یعنی واقعا ما احساس فقری که داریم، اگر بخواهیم گپ احساس فقر و فقر را در ایران محاسبه کنیم بسیار... اصلا

یک نکته‌ای که رنگینگ هم من یک موقع انجام دادم. ما با تکنولوژی نابازار اگر اقتصاد را تحلیل کنیم عموم کشورهای پیشرفته

دنیا عقب مانده هستند.

حجت الاسلام صدوق: فقر فرهنگی اروپا بدتر از فقر اقتصادی است

دکتر مقصودی: و اقتصاد است و نا آرام است، عدم آرامش می‌آورد و کمبود رفاه می‌آورد و کمبود مصرف، کمبود مصرف هم

می‌آورد. یعنی کالری مصرفی اروپایی‌ها دروغ می‌گویند که بیشتر از ماست.

دکتر رضائی: دروغ می‌گویند

حضار: پس مدل شما با جناب دکتر متفاوت است. شما می‌گویید، مدل بنده توسعه‌ی نابازارهاست. بعد توسعه‌ی نابازارها چه

کاری باید بکنیم؟

دکتر مقصودی: روابط غیر رسمی. خانواده، شهر، محله، قوم و خویش، هیئت. هیئت بزیند. بعد این تولید نمی‌کند، تولید کالا؟

چرا. تولید کالایی که می‌کند ده‌ها برابر تولید کالایی است که در بازار اتفاق می‌افتد. نمونه اش اربعین است. مثل تولید خدمت

است چون خدمت می‌کند.

دکتر رضائی: اصلا خدمات اربعین شما کالاها و خدماتش را محاسبه کن. چقدر می‌شود

حضار: نیازهایی از همین جمع هیئت که دست نظام سرمایه داری است را چه کار کنیم؟
دکتر مقصودی: بک آپ خودش را می شکافد و جلو می رود. بحث کردیم. کمی دیر فکر کنیم تشریف آوردید. یعنی بک آپش را توضیح می دادیم که چطور می رود تا عمق سرمایه داری نفوذ می کند.

حضار: پس صرف هیئت زدن حل می کند؟

دکتر مقصودی: صرف هیئت زدن و توسعه روابط اجتماعی، توسعه تولید ایجاد می کند این توسعه تولید اقتصاد سرمایه داری را...
دکتر رضانی: هیئتی که فرهنگ اقتصادی درست می کند، صرفش، کار می کند.

دکتر مقصودی: در بازار یعنی آنجایی که پول رد و بدل می شود. پول هم نه که فقط رد و بدل شود در سیستم حسابداری ثبت شود

حضار: یک کاری که ارائه شما و آقای دکتر را بالا می برد، پیشنهاد میکنم. مصادیقی از کارهایی که در حال اتفاق است که چندین سال تجربه دارد را بیاید در کنار شما تجربه اش را بگوید تا ملموس شود. الان ملموس نیست

دکتر مقصودی: حالا ارائه ای من تقدیم کنم یک فضای دیگر است کلا

حضار: بنظر شما از نظر علمی اصلا گرهی وجود ندارد؟

دکتر مقصودی: در نگاه من گرهی نیست واقعیتش. قرار نبود من این بحث را ارائه کنم. میخواستیم این بحث را تکمیل کنم. من کتاب پیشرفته خودم را با همین ایده نوشتم. که در مشهد در آستانه چاپ شد که آنجا با همین عدد و رقم های خود نظام سرمایه داری با کمی تغییر در نگاه و عدد اثبات کردیم که ما پیشرفته هستیم. ولی اصلا این عددها را هم می شود دور ریخت. با تغییر نظام شاخصها بنظر انقلاب اسلامی از پیشرفته ترین هاست ولی روی این مفاهیم نیست به قول ایشان سخت است

حضار: این احساس است

دکتر مقصودی: در نگاه من باید این مفاهیم اتفاق بیفتد

دکتر رضانی: این احساس نیست ببینید تقریباً ۴۰ و خرده ای سال بعد از انقلاب و حتی قبل تر از آن کار کرد رسانه های بیگانه این است که زندگی ایرانیان را تلخ کنند فقط تلخی دارد به کام ما می ریزد با اینکه ما یک جاهایی حتی به لحاظ اقتصادی از آنها جلوتر هستیم

دکتر مقصودی: همین سبد ۴ دلار است در آمریکا

دکتر رضانی: کارش این است دیگر احساس فقر چیست ببینید ما نمی گوئیم... البته این را هم بگویم البته آقای دکتر مقصودی من متوجه بحثشان هستم که می گویند ما خوبیم ولی خوب بودن به معنای این نیست که ما وقتی خوبیم باید کار کنیم خوبی را حفظ کنیم خوبی را که اگر ول کنیم که نمی ماند شما می گوئید پس هیچ کاری نکنیم نه بابا این خوبی را باید حفظ کنیم آن را ارتقا دهیم تازه منطقه خودمان را باید به سبک خودمان در بیاوریم ایران را الان آزاد کردیم حالا باید بعد برویم عراق را هم این کار را برایش پیاده سازی کنیم البته وقتی می خواهیم الگو را توسعه بدهیم ایرادهای خودمان را هم برطرف می کنیم وقتی من می خواهم بروم برای عراقی ها صحبت کنم دیگر نمی گوئیم بیاید همین بانکی که ما داریم تو برو چون این بانک را ما خودمان هم قبول نداریم ولی نکته این است که ببینید باز نظام بانکی هم حالا اینها دیگر به نظر من جهاد تبیین تازه از اینجا شروع می شود اتفاقی که رقم خورده است و ما باید آن را روشنش کنیم من یک بار جلسه رفتم در بانک تجارت تمام مدیران شعب بانکی بانک تجارت آمده بودند به ما گفتند بیا اقتصاد مقاومتی را تدریس کن چند؟ سه سال پیش از انجمن اقتصاد مقاومتی زنگ زدند گفتم آقا من تا حالا در روسای نظام بانکی که بحثی نداشتم رفتیم در ساختمان اصلی بانک تجارت شما عرض شود رفتیم سالن همایش دیدیم همه نشسته اند همه ی روسای شعب بانکی، بانک تجارت قبل از ما کی داشت صحبت میکرد؟ حاج آقا پناهیان گفتم یا ابوالفضل حاج آقا پناهیان کجا و بنده حقیر کجا رفتیم همین بحث اقتصاد بیانیه گفتم تمثیل بزنم اندازه یک ربع بیست

دقیقه هم وقت داشتیم همین اقتصاد بیانیه گام دوم را ترسیم کردم منتها خیلی سرعتی همه اش خود اینها چون ما یک بحث تقسیم بندی شده ای را ارائه کردیم منتظر بودند ببینند این کی است اینجا آمده است یک جوانی آمده است می خواهد برای ما صحبت کند کلی آدم های باتجربه بانکی فلان بعد که دیدند ما بحث دسته بندی شده ای ارائه کردیم دیدم یک ذره صافتر نشستند بعد آخر آن هم گفتم که من می خواهم از شما یک تشکر کنم از نظام بانکی. گفتم که از نظر من نظام بانکی ما نسبت به سایر نظامات بانکی دنیا پاک تر است چون به واسطه انقلاب ما از نظام مالی جهانی که کلی پول حرام در آن است بریده ایم به همین نسبت پاک تر هستیم. به همین نسبت که نظام بانکی ما بریده است از نظام مالی جهانی که عمده آن در روی تجارت مواد مخدر و سلاح و مشروبات الکلی و موارد ابتذال و انسان فروشی و تمام این ها مخلوط است و یک چیز کثیفی است و پایه ی همه این تبادلات مالی دلار بوده است گفتم به واسطه انقلاب ما از آن بریده ایم بانک جمهوری اسلامی فرق میکند با بانک های دنیا. بعد دیدم که همه اینجوری نشستند خودمان هم گفتیم حالا شد آره بانک ما نقد دارد ولی خیلی فرق می کنیم با دنیا ما نظام بانکی ما پشتوانه جنگ نبوده است هیچ وقت لذا بانک های آمریکا همیشه پشتوانه ناامنی بوده اند ناامنی درست می کند که سلاح بفروشد خودش در خودش مواد مخدر تجارت نمی کند ولی پدر آمریکای جنوبی را در آورد آنجا را تبدیل کرد به مزرعه مواد مخدر، افغانستان را تبدیل کرد به مزرعه مواد مخدر نظام بانکی ما پشتوانه کمپانی های تولید محصولات مبتذل نیست نظام بانکی ما پشتوانه تولیدات مشروبات الکلی در جهان نیست که ۱۵۰۰ میلیارد دلار گردش مالی دارد در دنیا، نظام بانکی ما پشتوانه خدمت شما عرض شود بسیاری از اتفاقات کثیفی که در دنیا دارد می افتد نیست

حضار: اما

دکتر رمضان: نه اما ندارد ما فقط چون می گوییم ربوی همه حرام است بابا حرام ندیدیم ما

حضار: همه اینها خوب است در وضعیت موجود

دکتر رمضان: خیلی خوب باشد الان همین را که گفتید خوب است ولی وضعیت موجود همین را می خواستیم خیلی متفاوت است با آن چیزی که ما فکر می کنیم

حضار: اشکال ندارد حالا آن تحلیل احسن به وضعیت موجود است ولی

دکتر رمضان: خیلی خوب خیلی متفاوت می کند کار را وضعیت عوض می شود

دکتر مقصودی: این ولی شما ما را میکشد خوب است ولی این ولی یعنی کلی حرف ها را بریز دور من میگویم اصل بحث آنجاست حاج آقا نگاه کنید درست ببینید این باغ سرسبز را ببینید

حضار: اصلاً باغ سرسبز نیست

دکتر مقصودی: نه این اصلاً نیست این اصلاً اولین بار هست که دارید می شنوید با این کیفیت

حضار: این ۵ درصد منظورم هست

دکتر مقصودی: این اصلاً را بگذارید کنار

دکتر رمضان: جنگ اقتصادی در مغزمان است میدان برده را دارند از دست ما در می آورند جنگ اقتصادی همین است

حضار: فقط در همین راستا است؟

دکتر رمضان: اصل همین است دیگر

دکتر مقصودی: الشیطان یعدکم الفقر یعنی چی؟

حضار: آقا که می فرمایند دو چالش مهم اقتصادی و فرهنگی

دکتر مقصودی: بله اصل آن همین است دیگر یعدکم الشیطان شما را دائم می ترساند گشنه می شوی می میری فلان می شوی

مردیم

حضار: یعنی اختلاف طبقاتی که مردم در جامعه می بینند
دکتر مقصودی: ببینید اینها همه را در نسبت دنیا ببینید اول قبول کنید که ما اول دنیا هستیم بعد اگر قبول کردید بعد من آن
موقع به شما میگویم

دکتر رضائی: کارکرد تحریم ها همین است

دکتر مقصودی: ما می گوئیم ما عقب مانده هستیم حاج آقا

حضار: نه چه کسی گفته است

دکتر مقصودی: ما می گوئیم ما عقب مانده هستیم

حضار: کسی نمی گوید که ما عقب مانده هستیم

دکتر رضائی: ما می گوئیم پیشنهادات شما می گوئید کسی نمی گوید

حضار: اقتصاد موجود می گوید که ما عقب مانده هستیم

دکتر رضائی: نه در تمام دانشگاه های جمهوری اسلامی می گوید شما کشور در حال توسعه هستید

حضار: چند نفر به شما گفته اند در حوزه اقتصادی پیشرفت داشتید

دکتر رضائی: توسعه یعنی پیشرفته توسعه یافته در حال توسعه یعنی عقب مانده

حضار: ما که دانشجو نیستیم

دکتر مقصودی: الان در جامعه حاج آقا

دکتر رضائی: ما دانشگاهی هستیم

دکتر مقصودی: حاج آقا روی منبر هم که آقایان طلاب می نشینند ۲۴ ساعت فقط فحش نظام می دهند که چرا ما عقب مانده
هستیم

خانم دکتر اشکیانی: این چیزی که شما الان می گوئید به عنوان حسن شرایط جامعه ما، ما که در کتاب قیام در مبحث ۱۵ داریم
می خوانیم یعنی در واقع دارایی ها و داشته های ملت ایران به عنوان یک ملت مسلمان شیعه انقلاب کرده است همین هایی که
شما دارید می گوئید و ماهم آنجا خوانده ایم اما با وجود همه این ها ما الان آنقدر این چالش اقتصادی شدید بوده است که آقا
تعبیر به جنگ از آن کرده اند گفتند آرایش جنگی بگیرد ما بر اساس آن آرایش جنگی این شرایط را فراهم می کنیم خدمت شما
بزرگواران تا ببینیم آرایش جنگی چه چیزی هست و قدم هایی که باید برداریم و به سمت آن اقتصاد مقاومتی چه چیزی هست
دکتر رضائی: آقا فرمودند محاصره تبلیغاتی را بشکنید

خانم دکتر اشکیانی: یعنی شما فکر نکنید که

دکتر مقصودی: اول آن جنگ شناختی اقتصادی است اولش جنگ شناختی اقتصادی است

خانم دکتر اشکیانی: خوب حالا دوش را شما بگوئید

دکتر مقصودی: شما واقعاً الان از این در بروید بیرون ببینید ما در جنگ شناختی اقتصادی هستیم یا نه از همین در بیرون بروید
ما در جنگ شناختی اقتصادی هستیم یا نه در اولین تا کسی که می نشیند بگوئید ما پیش رفته ایم ببینید چه بلایی به سرمان می
آورند

خانم دکتر اشکیانی: ما به آن قسمتش کاری نداریم

حضار: نه ببینید ما در مدرسه چیزهای دیگری را می بینیم من الان مثلاً از یک مدرسه ۴۰۰ نفره ۱۰۰ نفر واقعاً شرایط خیلی
خاصی دارند حاشیه شهر خیلی شرایط نابسامان، یعنی واقعیت های خیلی زیادی وجود دارد چه بحث اعتیاد شان چه بحث اصلاً

خانواده، من الان یک آدمی هست انقدر این فوق العاده است برای خانه مانده است الان در مسجد خادم مسجد بود از مسجد هم بیرونش کردند همینطور مانده بود یعنی یک شرایط خیلی سختی آدم هست حالا اینکه سبک زندگی ما اشکال دارد همان آدم سبک زندگی اش مسئله دار شده است که باعث یکسری مسائل این طوری می شود دارد میشود آن ها را اصلاً کسی نفی نمیکنند ولی واقعیت ها یی که الان همه ببینید من آن بحثی که اول صبح آن آقای روحانی مطرح کردند را قبول نداشتیم یا مباحث دیگر ولی اینها واقعیت های تلخی است که همه دارند به شدت میبینند

دکتر مقصودی: حتماً همین است که واقعیت هایی از قبل در جامعه ما وجود دارد

حضار: خیلی زیاد است

دکتر مقصودی: خیلی زیادش را من قبول ندارم

حضار: ۲۵ درصد

دکتر رضانی: چه واقعیت هایی هم هست که همه نمی بینند می شود بگویید

حضار: آنها را قبول دارم

دکتر رضانی: خیلی زیاد است آخر

حضار: نگاه کنید

دکتر رضانی: خیلی زیاد است واقعیت هایی که همه نمی بینند

حضار: نه تمام مباحثی که مطرح کردید فوق العاده برای من خودم فوق العاده کارگشا بود خیلی استفاده کردم ولی می گویم در این قسمت ها واقعاً باید کار شود

دکتر رضانی: شکی در آن نیست

حضار: یعنی نگاه کنید متأسفانه دولت مردهای ما، مسئولین همه چیز را پای نظام اسلامی بسته اند هر بی عرضه گی که داشتند هر کاری که کردند اگر آدمهای باورمندی مدل شماها بروند مسئولیت بگیرند و بتوانند الگوهایی را چون پای نظام دارد نوشته می شود

حضار: نه نگاه کنید پای نظام دارد نوشته می شود الان خیلی راحت دارند درباره ی مقام معظم رهبری حرف می زنند خیلی راحت دارند خیلی کارها انجام می دهند در صورتی که اگر در دانشگاه دوست خودم نفر اول دانشگاه فردوسی بود در واحد پژوهشگری یعنی رشته ی پژوهشگری ایشان نتوانست پایان نامه اش را دفاع بکند چرا؟ چون موضوعی که میخواست انتخاب بکند یک دختر مذهبی بود نفر اول دانشگاه فردوسی لیسانس بود در مقطع فوق لیسانس که میخواست یعنی دو سال خواند وقتی میخواست دفاع بکند ساختارهای دانشگاه به او اجازه نداد از یک موضوعی که هیئات مذهبی بود روضه خوانی و اینطور موارد می خواست بیاید و کار بکند اجازه ندادند که کار بکند یعنی هر جا زدند تمام مسائل اعتقادی زده شد یعنی به مسخره گرفته شد. این مواردی که شما می گوئید خیلی از افراد نه باورش را دارند و جلو آن ..

خانم حکمت پور: آقای دکتر رضانی من یک سوال داشتم متولی این مدل _ ما می گوئیم مدل ارائه شما، درست _ چه کسی خواهد بود آیا انجایی که این هسته ها خودشان تعیین میکنند چه چیزی تولید بکنند، یک متولی رصد می کند آن را یا می شود همان ماجرای که به یک دفعه کشاورزان کشور ما همگی گندم می کارند و سال بعد همه گوجه فرنگی می کارند یعنی یک متولی که تولید چه چیزی باشد تا آن نیاز داخلی چیست، بعد سطح صادراتمان چه چیزی باشد؟ آیا متولی دارد که برای همان ابتدای کار لازم باشد که آن هسته فرماندهی تشکیل شود یا نه باید همینطور خودجوش جلو برود؟

دکتر رضانی: به لحاظ ساختاری آقا نهاد مربوط به اقتصاد مقاومتی را بنظر من شکل دادند تحت عنوان خدمت شما عرض شود ستاد فرماندهی اقتصاد مقاومتی. قرار بود ستاد فرماندهی اقتصاد مقاومتی نهادی باشد که همین جریان را جلو ببرد. اسمش را هم

گذاشته اند ستاد فرماندهی. اقتصاددانانی که لیبرال هستند می دانند وقتی شما در اقتصاد می گوئید فرماندهی یعنی کلا لیبرالیسم را قبول ندارید. کسی که می گوید بازار آزاد بگذار بگذرد، ولش کن درست می شود، اقتصاددان که می دانید یعنی چی اقتصاددان کسی است که می گوید ولش کن ولش کن درست می شود. بازار آزاد. اجازه بده خودش درست می شود دخالت نکن. وقتی کسی می گوید ستاد فرماندهی اقتصاد مقاومتی مشخص است که نگاهش چیست. آقا این نهاد را ساختند منتها در دولت قبلی بود. می دانید که مسئولش آقای جهانگیری بود. و ما هم از هیچ گروهی ندیدیم که مطالبه کنند، ایشان تغییر کند. هیچ کس نمی گفت مسئول ستاد فرماندهی اقتصاد مقاومتی باید تغییر کند چون اصلا مسأله ما این نبود. منتها بعد از آن بنظر من یک نهاد دیگری شکل گرفت، این شورای هماهنگی اقتصادی سران قوا. این یک مقدار قوی تر از آن با مسئولیت هر سه تا از سران قوا جلو می رود. منتها این را می خواهم عرض کنم که این کار دولت نیست دولت ما ضد اقتصاد مقاومتی بنا گذاشته شده است از زمان پهلوی. اینکه ما از دولت بخواهیم خیلی سریع تغییر موضع دهد و همه کارها را درست کند توقعی است که بنظر من در حالا حالا ها به آن نمیرسیم ولی ما از گروه مردمی که چابک تر است، منعطف تر است و سریعتر است، سریعتر جمع می شود، سریعتر خودش را پیدا می کند. نیازش را سریعتر جستجو می کند ولو خرد. ما از گروه های مردمی توقع داریم آنها تغییر رویکرد بدهند. آنها تغییر جهت بدهند آنها تغییر نگاه بدهند. بعد از اینکه این تعداد زیاد شد این تغییر نگاه را می تواند به مسئولین هم منتقل کند که الان هم البته اتفاقاتی افتاده است. بزرگواران ببینید ما در دولت قبل از سال ۹۲، دولت ما ضد اقتصاد مقاومتی بود یعنی کشور را گره زد به بیرون. کدامیک از این اصول می گوید شما کشور را گره بزن به بیرون. می گوید مولد، آن میگفت مولد چیست سرمایه نداریم باید از بیرون بیاوریم تا برجام حل نشود سرمایه گذاری نمی شود اصلا انگار سرمایه در کشور نداریم، هیچی به هیچی. می گفت مردمی چیست ما اصلا اقتصاد مردمی نداریم اگر می خواهید اقتصاد رشد کند باید سرمایه گذاری کنید. سرمایه گذار باید جلو بیاد. کشور هم ناامن است و شما با آمریکا درگیرید باید برویم برجام را حل کنیم تا سرمایه گذاران مطمئن شوند شاید به دلشان بیفتد سرمایه گذاری کنند و مسائل اقتصادی کشور برطرف شود و چند تا جوان هم شاغل شوند. دانش بنیان، می گفت اصلا دانش نزد ما نیست باید فن آوری را وارد کنیم برداریم بیا وریم. همان اوایل دولت که سخنرانی می کرد علم اسلامی و غیر اسلامی نداریم و بحث درونزایی. برونگرایی که وقتی کسی می گوید کدخدا یعنی چه؟ یعنی درونزایی قبول دارد؟ یعنی برون گرایی قبول دارد؟ دولت قبل اینگونه بود. این دولت ضد اقتصاد مقاومتی نیست واقعا نیست. شاید بگوئیم هنوز اقتصاد مقاومتی در جانش آنطوری که باید و شاید متحد با وجودش نشده است ولی اصلا ۱_ ضدش نیست ۲_ در طریقش دارد حرکت هایی انجام داده مثل تسهیل صدور مجوزها و اتفاقاتی از این جنس. منتها یک سری پیچیدگی ها یا عزم هایی که نیاز است و یا فکری که احتیاج است. بدنه کارشناسی دولت هم باید با این فضا همفکر شود آن هم بدنه کارشناسی که هشت سال در فضای مسموم برجام تنفس کرده است. سم برجام گرفته است. خوب آن هم باید تغییر رویکرد بدهد و البته میگوئیم اتفاقات بزرگی افتاده است وقتی که ریاست محترم جمهور دستیار مردمی منصوب میکنند وقتی شما شاهد شکل گیری نمایشگاه هم افسا در تهران و مشهد هستید. گروه های مردمی حس گرفتند این دولت یک سره وسط مردم دارد میچرخد، سفر های استانی دوباره احیا شد، خدمت شما عرض شود که خود مردم... پس می خواهیم بگوئیم که اگر می خواهید دولت هم با این شاخص ها ارزیابی کنید، درست است که دولت تراز این شاخص ها را هنوز عمل نکرده است ولی ضد این هم نیست از این بابت ما جلو آمدیم منتها باز ما میگوئیم که آن لوکوموتیوی که دولت را دنبال خودش بکشد مردم هستند

حضار: الان شما برای مدلی که ارائه دادید بگوئیم هر جای نظام هر کجایی که بخواهیم ۱:۱۶:۳

خانم دکتر اشکیانی: با توجه به جایگاهی که دولت ۱:۱۶:۱۲

دکتر رضائی: سازمان تبلیغات، سازمان تبلیغات نهاد تهاجمی انقلاب اسلامی علیه غرب است

حضار: در راستای سوال این برادر شماها چقدر براتون مهم بوده که در حوزه ها حضور پیدا کنید چون طیف بسیار زیادی از افرادی که آنجا زندگی میکنند روحیه طلبگی دارند ۳۷:۱۶:۱ و واقعا در کف جامعه هستند. چه قدر ورود پیدا کردید به حوزه ها؟ آیا توانسته اید آیا استقبال شده است از این تفکر؟

دکتر مقصودی: ما که الان کلی از اساتید طلبه ما در خدمتشان هستیم حالا توفیق داریم گاهی اوقات تدریس میکنیم حالا خیلی زیاد است چندین گروه طلبه در قم ما الان در خدمتشان هستیم، مباحث را تقدیم میکنیم دکتر رضانی هم خودشان میدانند دیگر البته ما خدمت حاج آقا شاگردی میکنیم

حضار: این سازمان تبلیغاتی که میفرمایید این ۱۳:۱۷:۱ مسئول سازمان تبلیغات شدید به چه شکل ۱۸:۱۷:۱ سازمان تبلیغات پیگیری کنیم؟ این یک سوال....

دکتر رضانی: اصلا هدف گذاری میکنیم صد هزار مبلغ اقتصاد مقاومتی، که از این صد هزار تا هفتاد هزار تا اش فارسی زبان هستند سی هزار تا اش عربی و انگلیسی زبان هستند

حضار: یعنی که همین مدل را در واقع

دکتر رضانی: پیک همین موضوع باشند سفیر همین موضوع باشند

حضار: اگر شما وزیر اقتصاد بشوید چه کار میکنید؟ دوباره مجوز کار میدهید؟ دوباره مجوز شرکت میدهید؟ یا میگویید نا بازارها باید توسعه پیدا کند؟ چه کار میکنید؟

دکتر رضانی: نه اگر من جای وزیر اقتصاد باشم دو هزار متفکر اقتصاد مقاومتی تربیت میکنم

حضار: خوب نه اقتصاد موجود و ساختار های اقتصاد موجود برای ساختار ها حرفی دارید؟

دکتر رضانی: نه الان میگویم، متفکر اقتصاد مقاومتی که شما تربیت کنید اول به وضع موجود از زاویه ی دیگری نگاه میکند خود همین مسیر را باز میکند که حالا تازه برنامه ریزی جدیدی انجام بدهد. اصلا متفکر اقتصاد مقاومتی میخواهیم تربیت کنیم که وضع موجود را آنطوری که هست ببیند. الان عینک های ما عینک های خودمان نیست

حضار: تا وقتی که این ها تربیت بشوند همین شرکت و همین تعاونی و همین بانک و این ها...

دکتر رضانی: زمانی نمیبرد شما بخواهید این ها را تربیت کنید نهایتا یک سال

دکتر مقصودی: کلی وقت میگیرد البته

دکتر رضانی: ببخشید یک وزارت خانه میخواهید دو هزار نفر تربیت کند، یک وزارت خانه. ممکن است شما بگویید پس بقیه ی کار هایش چه؟ میگوییم حالا بقیه ی کارهایش تا الان که با شدت و حدت انجام می شده تورم مسئله اش حل شده است؟ تولید مسئله اش حل شده است؟ ما اگر بخواهیم یک کار انجام بدهیم این است که باید یک وزارت خانه تولید بزنیم. ما وزارت خانه ی تولید نداریم، وزارت خانه تولید! تولید ما تکه پاره است بین وزارت خانه های مختلف، یک تکه اش دست کشاورزی یک تکه اش صمت است، یک تکه اش بانک مرکزی، یک تکه اش... پس دانه دانه هی سوال میکنید بعدا جواب میدهیم. مثلا میگویید اقا صمت چه کار میکند؟ مثلا میگوییم آقا شما باید بیست هزار مشاور بهره وری تربیت کنید یعنی به جای اینکه هی بروی وام بدهی کارخانه بزنید بیست هزار مشاور که فقط بلد هستند ارزش افزوده را بالاتر ببرند، بروند در کارخانه ها بگویند این خط را جمع کن آن خط را بگذار، مصرف انرژی ات را بهینه کن، کارگروها را اینطوری عوض کن. اصلا نیاز نیست شما بروید کارخانه بزنید بعد بروید افتتاح کنید

حضار: بعد برای این فضا یک برنامه ی عملیاتی مه در ذهنتان است روی کاغذ آوردید؟

دکتر رضانی: نه نیاوردیم

حضار: این اگر بشود که به اینجا برسد خیلی خوب است

دکتر رضائی: خوب حالا ترسیمش انجام شده است منتها تبیینش یک مقدار کار میبرد یعنی ما همین جوری بگوییم یک دفعه کل این سه چهارتا وزارتخانه این ها را بشنوند می آیند می گویند فلانی آمده برای وزارتخانه دارد تعیین و تکلیف می کند برای وزارت اقتصاد البته اشکال ندارد وزارت اقتصاد اگر ۲۰۰۰ متفکر اقتصاد بومی یعنی کسانی که واقعیت های اقتصاد ایران و انقلاب اسلامی را بهتر از دنیا می شناسند اگر دو هزار تا از این ها تربیت کنند ما اقتصادمان درست میشود درست هست بیشتر میشود

حضار: بعد این دو هزار نفر را کجا می خواهید بزارید؟

دکتر رضائی: هر جایی که برند منشاء اثر می شوند

دکتر مقصودی: در خیابان

دکتر رضائی: اصلاً در خیابان

دکتر مقصودی: در کارگاه در خانواده

دکتر رضائی: تا الان مردند مثلاً

دکتر مقصودی: نه قرار نیست دولت گنده کنیم

دکتر رضائی: بله

حجت الاسلام صدوق: خدا خیر بدهد به همگی وقت اذان شد امیدوارم خداوند متعال این ساعات را ساعات عبادات همگی این جمع قرار بدهد بقیه عمر همه عزیزان را در همین راه مصرف کند ختم همه ی از نظر شهادت تفضلاً ختم کند ان شالله در رجعت هم برگردیم ثمراتش را ببینیم به برکت صلوات بر محمد و آل محمد

خانم حکمت پور: یک سوال حاج آقا این استاد می پرسند علت سکوت شما چیست؟ چون خیلی طولانی مدت سکوت کردید، آیا در تایید است؟

دکتر مقصودی: حاج آقا ناامید شدند

حجت الاسلام صدوق: آقای دکتر مقصودی و آقای رضائی در فضای مطلوب با هم هماهنگ اند یعنی ما در آینده ی اقتصاد مسئله مان این است که انسان احساس عزت کند، دنیا برایش کوچک شود این هم تئوریزه بشود لذا در نتیجه حرف یکی است اما این مکانیزم را به این نتیجه رسیدن اینجا اختلاف داشت و به نظرم اگر می خواست دوباره تکرار کنم تکرار می شد برای همین من سکوت کردم که تکرار مطلب نکرده باشم من مثلاً عرض می کنم به نظرم رسیدن به این محصول از یک محیط درگیری می گذرد ما یک جنگ تمام عیار داریم و این جنگ تمام عیار ابزار پیچیده می خواهد ولی حرف آقای مقصودی را قبول دارم که نا بازار ما بخش عظیمی از اقتصاد ما را شکل می دهد و این هم سرمایه عظیم ماست از انقلاب اسلامی هم رسیده همه ی این را می فهمم اما آن چیزی که الان دستگاه کفر و مدرنیته دارد به آن با مواجه می کند به دلیل آن که او عظمتی که برای خود درست کرده کف روی آب هم هست ها گفت کف روی آب است اینها را می فهمیم ولی چه کار کرده است الان زیر پای ما را خالی کرده است جوان ما چیه؟ همراه ما نیست جامعه ما الان همراه ما نیست لذا اگر بخواهیم به زبان جامعه ام صحبت کنم نمی توانم آن را نادیده اش بگیرم نمی توانم یک جبهه درست نکنم نمی توانم شناسایی از وضع حمله ی او نکنم لذا در این فضا حتماً اختلاف داریم سعی هم میکنم این گفتگو ادامه پیدا کند نه نه ببینید عملیات را دارم می گویم که ما چه جوری جبهه را شناسایی بکنیم بعد نقطه هزیمتمان کجا باشد من همه بیان حضرت آقا و دوست عزیزمان آقای رضائی را در فرهنگ عمومی میبینم و درست است اینجا مشکلی ندارم آقا دارند سفارش یک دستگاه تخصصی می دهند می گویم این درست است ولی این خودش دستگاه تخصصی شد این را هنوز نفهمیدم چرا چون مدلش را نفهمیدم و وقتی تبدیل به مدل شود می فهمم لذا اشکالم هنوز پا برجا هست اگر خواستم دوباره تکرار می شد چون بیان ایشان بود من هم بیانم را عرض کردم ولی یک خوش بینی دارم و ان اینکه به دلیل اینکه

ما نگاهمان به نهایت مطلب مشترک است در این قسمت بینابین حرف آعزه را هم بخوانم حرف آقای دکتر را بخوانم دوستان مطالب ما را مطالعه داشته باشند که مجموعه اش را بفهمیم این مجموعه فهمیدن خیلی مهم است به نظرم زودتر به نتیجه می رسیم یعنی شاید یک اشکالی که به این جلسه وارد است این است که ما از دو ماه قبل منبع مطالعاتی برای بیان آقای دکتر رضانی نداشتیم وگرنه خیلی جاها زودتر منتقل می شدیم شاید سوالاتمان اصلا از یک سوالات دسته بندی شده می گذشت و یا نیازی به ارائه ی ریشه نبود اما ما این ارائه را کردیم، جمع اصلا بحث های شما را مباحثه کرده است والان می خواهیم شروع کنیم به اشکال کردن. یا به نظر می آید اگر بخواهد اصلاحی اتفاق بیوفتد نسبت به بحث های آقای دکتر مقصودی این اتفاق بی افتد که چون در محصول مشترک هستیم لذا فرآیند رسیدن به آن محصول را ما مطالعه کنیم و بعد مقایسه کنیم. که در این مقایسه ما کم کم می توانیم قضاوتمان را عملیاتی بکنیم

خانم حکمت پور: درخواست شما از آقای دکتر رضانی چه چیز هست، برای آنکه آن قسمت های غیرشفاف برایتان شفاف شود؟
حجت الاسلام صدوق: ما درخواستمان از شما بود

خانم حکمت پور: منظورم این است که ما باید بدانیم چه چیز را از آقای دکتر رضانی بخواهیم؟

حجت الاسلام صدوق: فایلی را گفتند که دارند. آن فایل را پرینت بگیرید، و آن فایل را فهرست بنویسید و آن مهماتش را با یک وحدت برسانید، گرچه هم آقای دکتر مقصودی و هم آقای دکتر رضانی به تولید برگردانند، و این هم درست است در مجموعه بحث های ایشان به تولید برمی گشت ولی این را بیابید مراحل این فضا را تا تولید. این را باید از متن ایشان بتوانید دربیابید. از داخل نوار (صوتی جلسه) هم اگر پیاده شود و آن هم منظم شود احتمالا بتوان درآورد. بعد (از آن) برایتان محیط مباحثه می شود. و این را قبل از آنکه جلسه آینده ای داشته باشید نسبت به آقای دکتر مقصودی این اتفاق بی افتد. بعد از آن در دور دوم که بحث ما می خواهد مطرح بشود، یک دور من حرف آقایان را دیدم، آقایان هم حرف ما را دیدند، اینجا ما می خواهیم زبان مشترک در اصطلاحات و طبقه بندی ها و ... پیدا بکنیم. یعنی در واقع می دانیم که کجا می خواهیم ادامه بدهیم. لذا به دو جهت من سکوت کردم. یکی آن که در محصول مشترک بودیم و اینجا نزاع نداشتیم و دوم آنکه طرح مطلب را کردم و هنوز هم بنظر می رسد ما یک محیط درگیری داریم که نمی توانیم از آن فرار کنیم و اگر می خواستیم دوباره روی آن تمرکز کنیم، تکرار می شد

دکتر مقصودی: بنظر من حاج آقا تکرارش خوب است چون از به نظرم محیط درگیری هم باز خودش نقطه اشتراک است
حجت الاسلام صدوق: ان شاءالله جلسه ی بعد

دکتر مقصودی: من یک پاورپوینتی هم برای حضرت عالی فرستادم و هم برای خانم محمدی فرستادم، نقدا

حجت الاسلام صدوق: خدا خیرتان بدهد. در رابطه با بحث خودتان؟

دکتر مقصودی: این هم عرض این بحث نیست. یک بحث دیگر است

حجت الاسلام صدوق: آنچه که ما توقع داریم، کلان ترین نگاهتان را به اقتصاد (بگویید) ولو اینکه شما از موضع توزیع بخواهید شروع بکنید

دکتر مقصودی: طبیعتا بخشی از آن بحث می شود. شما انتظار کلان ترینش را بکنید

حجت الاسلام صدوق: که ما بدانیم ریشه کار را در تحلیل از موجود، مطلوب و چگونگی...

دکتر مقصودی: ما اینقدر در انتزاع نمی رویم. مثل آقای دکتر رضانی ما اقتصادی ها خصوصیاتمان این است که به لحاظ روشهای بحثی، معمولا خودمان بحثمان را انتزاع می کنیم. ما در واقع راه حلی که جلویمان هست را می گوئیم و شما هم تخصصتان این است که از راه حلی که ما می دهیم یک انتزاع مبنا می کنید. بعد آن انتزاع مبنایی که می کنید را مقابله قرار میدهید بین مبانی مختلفی که وجود دارد. ولی ما خودمان اصرار داریم که انتزاع مبنا نکنیم

حجت الاسلام صدوق: لطفا دلیلش را هم برای من بگویید (پایان جلسه همزمان با اذان مغرب)

